جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴ - ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۶
سال بیست‌وهفتم- شماره ۷۳۱۴ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

معدل پایین امتحانات نهایی به سؤال‌فروشی هم آراسته شد!

● مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

■ معدل امتحانات نهایی بسیار پایین و در برخی استان‌ها منفی است! این به کنار. امسال بحث فروش سؤالات هم داغ شد. پلیس می گوید فروش ۱۰۰ میلیونی برخی کانال‌ها کلاهبرداری است و سؤالی در اختیار کسی قرار داده نمی‌شود. اما برخی مشاهدات میدانی خلاف این را نشان می‌دهد. امسال قطعی برق نیز فرصت‌طلبان همیشگی را سورپرایز کرد. برخی مدارس امتحان را به دلیل قطعی برق و نداشتن سؤالات، دیرتر آغاز کردند و توانستند از مدارسی که سروقت برگزار کرده بودند، سؤال‌ها را دریافت کنند! مدیر یکی از مدارس به خبرنگار «جوان» گفت بچه‌ها قبل از آغاز امتحان سؤالات را از برخی کانال‌ها که به سرعت آن را منتشر کرده بودند، دریافت کردند | صفحه ۳

کدام بینابین؟!

روزنامه‌های گاردین انگلیس و لاریپوبلیکای ایتالیا از «پیشنهاد بینابینی» عمان به طرفین مذاکرات هسته‌ای خبر داده‌اند که درواقع یک «توافق سیاسی» با هدف خروج از بن‌بست مذاکرات است. محتوای این پیشنهاد آن‌طور که ادعا شده، توقف سه‌ساله غنی‌سازی (احتمالاً تا پایان دوره ترامپ!) است. اگر چنین باشد، یا هر پیشنهاد دیگری که چرخه سوخت، غنی‌سازی ۲۰درصد و باقی‌ماندن مواد غنی‌سازی‌شده را در ایران تضمین نکند، این یک پیشنهاد یکطرفه است، نه بینابینی | صفحه ۱۵

رسالت امروز ما تقویت بسیج در خدمت به مردم است

محمدمهدی عاقی | جوان

■ رئیس سازمان بسیج در آیین سراسری تحویل تجهیزات حوزه‌های مقاومت بسیج مساجد و محلات و اقشار و کانون‌های متخصصین بسیج: تقدیم بیش از ۹۰ هزار شهید بسیجی در دوران دفاع مقدس، نشان دهنده حضور گسترده و مؤثر نیروهای مردمی در کنار ارتش و سپاه و سایر نیروهای مسلح در جریان هشت سال دفاع مقدس بود. رئیس سازمان بسیج با بیان اینکه امام راحل، دفاع مردم‌پایه را شکل دادند، اظهار کرد: آزادسازی خرمشهر، پیامد حضور مردم در عرصه دفاع از کشور بود. ما امروز این رسالت را بر دوش خود احساس می‌کنیم که تشکیلات مردمی بسیج را در همه عرصه‌ها، در خدمت به مردم ایران و پاسداری از انقلاب اسلامی، تقویت کنیم. یکی از ابعاد تقویت تشکیلات بسیج، به روز کردن تجهیزات آن است، کاری که از پایگاه‌ها و حوزه‌های مقاومت و رده‌های تخصصی و اقشاری بسیج شروع شده و ادامه پیدا خواهد کرد. وی عنوان کرد: امروز بخش قابل توجهی از این تجهیزات در سراسر کشور به پایگاه‌ها و حوزه‌های مقاومت و رده‌های تخصصی و اقشاری بسیج واگذار می‌شود. در این مرحله از طرح تجهیز، تجهیزات بسیار باکیفیت و مناسبی تأمین شده‌اند. سردار سلیمانی با بیان اینکه بدون حضور مردم، بسیج معنایی ندارد و تداوم و قوام و تقویت آن با حضور مردم خواهد بود، خاطرنشان کرد: این تجهیزات وقتی در اختیار رده‌های بسیج قرار می‌گیرند، یعنی در اختیار نوجوانان و جوانان عزیز ملت و مردم بزرگوار کشورمان قرار گرفته‌اند | صفحه ۲

در بحران‌ها آرام بود و فقط به خدمت می‌اندیشید

■ سید علی رئیسی برادر شهید در باب خصال «شهید جمهور» در ادوار گوناگون حیات چنین آورده است:
«باید گفت که اخلاق‌مداری از شاخصه‌های شخصیت او بود و از همان نوجوانی سعی می‌کرد با خانواده و اقوام رابطه خوبی داشته باشد. همچنین اهل توسل به قرآن، اهل‌بیت(ع) و کارهای تبلیغی بود و در دوران طلبگی‌اش هم به تبلیغ می‌رفت. او از کودکی اهل تواضع بود. این تواضع را در دوران میانسالی و حتی همین اواخر هم می‌دیدیم و مثلاً در روضه خانگی‌شان وقتی برایش جایی برای نشستن تعیین می‌کردند تا بنشیند، هر مکانی که می‌شد می‌نشست و نمی‌خواست برتر از دیگران باشد. از دیگر روحیات ایشان که بسیار بر آن اهتمام داشت، این بود که سید ابراهیم به مادر توجه بسیار داشت و از کودکی تا همین اواخر، همواره می‌کوشید به مادر احترام ویژه بگذارد و به ایشان خدمت کند. همیشه سعی داشت به مادر سر بزند و حتی با شرایط سخت امنیتی هم حتماً خدمت مادرمان می‌رسید و همیشه می‌کوشید رضایت ایشان را جلب کند. منزل مادر ما در منطقه‌ای متوسط است. شهید رئیسی در رفت‌وآمد به منزل مادر رعایت می‌کرد تا کسی متوجه نشود و واقعاً هم همسایگان دوردست، ما را نمی‌شناختند و بعد از شهادت باخبر شدند. شهید رئیسی در هر منصبی که بود، مردم را محور قرار می‌داد و می‌کوشید خدمت به جامعه و مردم به نحو شایسته انجام پذیرد... .» | صفحه ۹

چالش‌های دشوار خانواده زندانیان

● زهرا چیذری | خبرنگار گروه اجتماعی

■ پنجم خرداد مصادف با روز نسیم مهر (روز ملی حمایت از خانواده زندانیان) درحالی گرامی داشته می‌شود که این خانواده‌ها در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی و اقتصادی قرار دارند. بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های زندانیان را که هیچ نقشی در ارتکاب جرم ازسوی فرد بزهکار نداشته‌اند، باید در زمره اولین قربانیان جرم و جنایت در جامعه به حساب آورد. بر اساس تحقیقات صورت گرفته اکثر خانواده‌های زندانیان، نیازمند حمایت مبرم هستند. گرچه نهادهای حمایتی در حد بضاعت خود به این خانواده‌ها خدمات ارائه می‌کنند اما فقدان نظام جامع حمایتی و کمبود اعتبارات، شرایط دشواری را برای زندگی روزمره آنان به وجود آورده است، به نحوی که حتی در غالب موارد برای تأمین حداقل نیازها دچار بحران‌های جدی می‌شوند | صفحه ۱۰

درخشش بانوان جبران ضعف مردان

● شیوا نوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

■ بیست و یکمین دوره رقابت‌های کاراته قهرمانی آسیا برای ما با حاشیه ناپدید شدن ۴۰ هزار دلار و یورو آغاز شد و در نهایت هم برخلاف انتظارات، خبری از درخشش کومیته مردان نبود. رقابت سه‌روزه کاراته‌کاها دیروز به پایان رسید و تیم کومیته مردان در کسب مدال طلا ناکام ماند. تنها طلای کاروان اعزامی کشورمان را آتوسا گلشادنژاد به گردن آویخت؛ یک طلا، سه نقره و سه برنز باعث شد تیم کاراته ما (در مجموع مردان و زنان و در دو بخش کاتا و کومیته) مقامی بهتر از پنجمی آسیا به دست نیاورد. قهرمانی قزاقستان با چهار طلا، یک نقره و پنج برنز زنگ خطری برای کاراته ایران است. درحالی که ژاپن (با سه طلا، پنج نقره و چهار برنز) نایب‌قهرمان آسیا شد و حتی ویتنام (سه طلا و یک برنز) و اردن (دو طلا و سه برنز) نیز با کسب مقام‌های سومی و چهارمی از ما جلو زدند! | صفحه ۱۳

سرمقاله

غلامرضا صادقیان | سردبیر

خرما نتوان خورد از این «نخل» که کِشتید!

لورل و هاردی در جنگ دوم بودند. جنگ تمام شد اما لورل در سنگر خود بدون اطلاع از پایان جنگ باقی مانده بود. بیست سال گذشت و نمایش کوهی از ظروف خالی کنسرو لوبیا در پشت سنگر لورل نشان می‌داد که او همچنان سنگر خود را حفظ کرده است. روزی یک هواپیمای دوموتوره کوچک از بالای سنگر لورل عبور کرد و لورل بی‌خبر از پایان جنگ آن را هدف گلوله‌های ضدهوایی قرار داد. خلبان همان‌جا در بیابان فرود آمد و خود را به لورل رساند و به او خبر داد که بیست سال است جنگ تمام شده است. حالا باید به کن و برلین و ونیز خبر داد آن زمان که جوایز خود را به فیلم‌های سیاه‌نمای ایرانی می‌دادید و به دهان بعضی‌ها مزه می‌کرد، گذشته است ولی گویا کسی خبر پایان آن دوره را به شما نرسانده است!
معتقدم جامعه ما از وقایع و آشوب‌های دو دهه اخیر به ظرفیتی رسیده است (چه آشوبگر، چه تماشاچی، چه مخالف و چه حاکمیت) که دیگر ساختن یک فیلم سیاه‌نما و بردن آن به کن برای دریافت یک جایزه از پیش‌تعیین‌شده، حتی به اندازه یک گوجه‌سبز از دهستان کن‌وسولقان هم به دهن کسی مزه نمی‌کند! ندیدم هیچ‌یک از منتقدان داخلی فیلم حتی دوستان کارگردان برنده نخل طلای کن، به فیلم او نمره‌ای بالاتر از متوسط بدهند. نمرات ضعیف بیشتر بود و کسانی که نوشتند از این جایزه به‌لحاظ فنی و از دریچه دوربین سینما قانع نشدیم کم نبودند.
جامعه ایرانی فرق دیگری هم کرده است. اکنون آنها که فیلم‌های سیاه را تشویق می‌کردند و هل می‌دادند به برلین و ونیز و کن، خودشان در قدرت هستند. حالا همه‌چیز از نظر آنان سفید است. روزنامه‌های‌شان را ببینید! ظاهراً به این نتیجه رسیده‌اند که «در برهه حساس کنونی نباید سیاه‌نمایی کرد!» و این حقیقت را از سعدی دریافته‌اند که «خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم/ دیبا نتوان کرد از این پشم که رشتیم/ ما را عجب ار پشت و «پناهی» بود آن روز/ کامروز کسی را نه پناهیم و نه پشتیم»!
«نخل طلا»یی را که جایزه فیلم‌های درجه چندم و مشروط به «سیاه‌نمایی فقط در ایران» می‌شود، باید گذاشت کنار نوبل صلح به سران اسرائیل و کنار حقوق‌بشر غرب و کنار بمباران چادرها، مخازن آب، بیمارستان‌ها و انبار غله در غزه. باید گذاشت کنار بیانیه حمایتی هابرماس از صهیونیزم در اوج بمباران‌های کودکان فلسطینی، باید گذاشت کنار اسلحه‌خریدن اعراب و شغل‌جور کردن شیوخ برای امریکایی که بمب‌های بمباران‌های غزه را مفتی فرستاد.
جمهوری اسلامی خوب یا بد. اندکی عقب بروید تا بتوانید این غرب را خوب ببینید. و بعد احساسات خود را از نخل‌بردن یک ایرانی به روی طبق صدق و اخلاص بریزید. اما این‌چنین چشم‌بسته می‌ترسم احساسات خود را خرج بیهوده کنید!

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

دیپلماسی فراتر از مذاکره مسیر واقعی پیشرفت

صفحه ۲

یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

هدف حداکثری امریکا از مذاکرات هسته‌ای

صفحه ۱۵

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

دعوای رمز ارز!

صفحه ۴

یادداشت ورزشی

دنیا حیدری | خبرنگار گروه ورزشی

درآمدزایی والیبال از جیب بازیکنان

صفحه ۱۳

۱۶

رضا دهشیری | جوان

درخشش «مجنون» و «شمال از جنوب غربی» در آسمان مقاومت

■ «مجنون» درخشان‌ترین فیلم جشنواره هجدهم فیلم مقاومت شد و تندیس‌های بهترین فیلم دفاع مقدس، بهترین کارگردانی، بهترین طراحی صحنه بهترین فیلمبرداری، بهترین بازیگر مرد و جایزه ویژه هیئت داوران به این فیلم رسید. همچنین تندیس بهترین فیلم به مهدی مددکار برای فیلم «شمال از جنوب غربی» اهدا شد

۲

جنجال پیامک‌های تهدید

■ فضای خانه ملت این روزها سخت تحت تأثیر انتخابات هیئت رئیسه برای سال دوم فعالیت مجلس دوازدهم است. انتخاباتی که قرار است فردا سه شنبه برگزار شود و اعضای هیئت رئیسه با رأی نمایندگان انتخاب شوند. درون مجلس هم التهابی جاری است. روز گذشته بخشی از نشست علنی به همین موضوع اختصاص داشت و برخی نمایندگان در قالب تذکر ادعا کردند پیامک‌های تهدیدآمیز درباره انتخابات فردا دریافت کرده‌اند. با همه این حواشی رئیس مجلس درباره قانون حجاب رسماً تصریح کرد که عدم ابلاغ آن بنابه دستور مکتوب شورای عالی امنیت ملی بوده است

از حاشیه تا متن — ستون دوشنبه‌ها

تقی دژاکام

اسلام‌گرایی در دو سوی مدیترانه

حزب‌الله سمبل مقاومت است و بار دیگر و این بار مصمم‌تر از قبل کار سیاسی خود را جدی گرفته و حالا توانسته است در انتخابات اخیر پیروزی چشمگیری به دست آورد. روزنامه الاخبار در روز رأی‌گیری نوشت: جمعیتی که جاده‌های منتهی به جنوب بیروت و بقاع را پر کرده بودند، عمدتاً هواداران مقاومت بودند که تلاش داشتند با نگاهی سیاسی و هدفمند در انتخابات شرکت کنند و گزینه‌های مقاومت را برگزینند | صفحه ۲

۷

غنچه باغ حیدر در هور شکفت

گفت‌وگوی «جوان» با خواهر و برادر شهید محمد صالحی

● شکوفه زمانی

۴

مجردهای دارای شرایط مشمول نهضت ملی مسکن شدند

● بهناز قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

■ اول فروردین امسال، وزارت راه‌وشهرسازی با استناد به رأی دیوان عدالت اداری، شوک بزرگی به مجردها وارد و آنها را از ثبت‌نام در نهضت ملی مسکن حذف کرد. این تصمیم که به دلیل برداشت اشتباه از رأی دیوان بود، با واکنش‌های تندی روبه‌رو شد، چراکه محدودیت‌های جدید، مشکل دسترسی جوانان به مسکن را تشدید می‌کند. این موضوع به سرعت از سوی شاکیان، در دیوان عدالت اداری مطرح و روز گذشته با رأی دیوان، شرط تأهل از شروط ثبت‌نام در نهضت ملی مسکن حذف شد. دیوان عدالت اداری در این خصوص اعلام کرد: اعمال شرط تأهل در شرایطی که افراد مجردی که دارای شرایط قانونی و معیارهای لازم هستند، فاقد وجاهت حقوقی و ناقض حقوق مکتسبه شهروندان تلقی شده است

۱۴

مرگ خاموش خواهران بلاگر

■ سه خواهر که با حضور در شبکه‌های اجتماعی به شهرت رسیده‌بودند، دچار گازگرفتگی و دو نفر از آنها فوت شدند. سومین خواهر روی تخت بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. کولر گازی روشن و پنجره‌ها بسته بود. امدادگران در آشپزخانه با جسد یکی از خواهران مواجه شدند. همچنین در اتاق پذیرایی با پیکر نیمه جان دو خواهر دیگر مواجه شدند که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند که یکی از آنها تسلیم مرگ شد و دیگری در کما است. کارشناسان آتش‌نشانی اعلام کردند حادثه به دلیل گازگرفتگی ناشی از خرابی آبگرمکن اتفاق افتاده‌است

۳۰

نهج‌الامامة

نهج البلاغه در کلام امام خامنه‌ای

راز پیشرفت حرکت اسلامی

یک عامل دیگر [در پیشرفت اسلام]، لااقل در رأس این حرکت این بود که به خود - آنچه که به شخص و به بهره‌مندی‌های مادی برای خود انسان برمی‌گردد - بی‌اعتنا بودند. این عامل بسیار مهمی است. این همه که ما در روایات، در نهج‌البلاغه، [أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْد. برترین زهد نهان داشتن زهد است. (قصار ۲۸)] در کلمات نبی‌اکرم و ائمه علیهم‌السلام و بزرگان درباره بی‌رغبتی به دنیا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا برای شخص خود تأکید و توصیه داریم، به‌خاطر تأثیر عظیم این عامل است. البته دشمنان اسلام و کج فهمان مسلمین، گمان کردند یا وانمود کردند که اگر در اسلام گفته شده است زهد، یعنی دنبال دنیا به معنای مظاهر عالم وجود و مظاهر زندگی نروید. در حالی که مسئله این نبود، بلکه دنیای بد و دنیای مذموم و اینکه من و شما، خود و منافع مادی خودمان را هدف قرار دهیم و دنبال آن باشیم، مورد نظر بود. این، آن چیزی است که بیچاره کننده و ویران کننده و اساس بدبختی‌هاست. اولیای خدا - کسانی که توانستند آن پرچم را محکم در دست گیرند و این راه دشوار را راحت، بدون خستگی و بدون از پا افتادن پیش ببرند - کسانی بودند که از این گردنه گذشتند.

۱۳۷۸/۰۸/۱۵

یادداشت

دیپلماسی فراتر از مذاکره مسیر واقعی پیشرفت

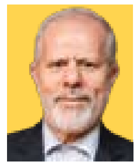

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت‌هایی فراتر از میز مذاکرات دارد. این وزارتخانه با وظایف گسترده‌ای در حوزه دیپلماسی اقتصادی، توسعه روابط راهبردی، مدیریت تحریم‌ها، خنثی‌سازی فشارهای خارجی، و ایجاد زمینه برای رشد اقتصادی مستقل ایفای نقش می‌کند. با این حال، طی یک سال اخیر، توجه افکار عمومی بیش از حد به مذاکرات معطوف شده است، گویی آینده کشور تنها از مسیر توافقات بین‌المللی تعیین می‌شود. این نگاه باید اصلاح شود، زیرا تجربه نشان داده است که تمرکز صرف بر مذاکرات، فرصت‌سوزی و شرطی‌سازی اقتصاد کشور را به دنبال داشته و کشور را بر اساس مواضع و درخواست‌های ظالمانه دشمن دچار التهاب و نوسانات سنگین اقتصادی کرده است.

مذاکره ابزاری فرعی و با ظرفیت بسیار محدود و نامطمئن در میان ده‌ها مأموریت مهم وزارت خارجه است. پنج دور مذاکرات اخیر بین ایران و امریکا پیشرفت ملموسی نداشته است. طرف امریکایی در این مذاکرات، همواره مواضعی ضدونقیض و غیرقابل پیش‌بینی داشته است. آنچه پشت درهای بسته می‌گوید، در رسانه‌ها نقض می‌کند و با ادعاهای غیرمنطقی مانند برچیدن کامل ظرفیت هسته‌ای ایران، عدم صداقت خود را آشکار می‌سازد. این رفتارها به روشنی نشان می‌دهد که اتکای صرف به مذاکره، نه‌تنها راه‌حلی قابل اعتماد نیست، بلکه ذهنیت جامعه را به سراب توافق‌های شکننده مشغول می‌کند. اما مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها در اختیار خود ماست. رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که تحریم‌ها دو راه علاج دارند:

۱. رفع تحریم‌ها که در اختیار طرف مقابل است.

۲. خنثی‌سازی تحریم‌ها که کاملاً در اختیار ماست و به اقدامات و سیاست‌های داخلی و خارجی ما وابسته است.

مذاکره تنها یکی از ابزارهای (سست و نامطمئن) دیپلماسی است، نه راه‌حل اصلی برای اقتصاد کشور. اگر نگاه سیاست‌گذاران کشور، صرفاً معطوف به رفع تحریم‌ها باشد، هر گونه تأخیر مذاکرات، آسیب‌های اقتصادی (و آسیب‌های روحی و روانی) را افزایش خواهد داد. اما اگر وزارت امور خارجه بر مأموریت‌های اصلی خود تمرکز کند تحریم‌ها می‌توانند به‌طور قابل توجهی بی‌اثر شوند. در واقع، مذاکره تنها یکی از ابزارهای دیپلماسی است، نه راه‌حل اصلی برای اقتصاد کشور.

لزوم تغییر نگرش افکار عمومی و مطالبه‌گری صحیح: در این میان یکی از مأموریت‌های رسانه‌ها، نهادهای تصمیم‌ساز و فعالان اجتماعی، اصلاح نگاه عمومی درباره وظایف وزارت امور خارجه در مواجهه با تحریم‌ها است. مردم باید بدانند که سیاست خارجی صرفاً به مذاکره وابسته نیست و این وزارتخانه ده‌ها مسئولیت مهم دیگر دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دیپلماسی اقتصادی برای توسعه تجارت خارجی
- همکاری با کشورهای منطقه و شرق آسیا برای تقویت اقتصاد کشور
- گسترش روابط علمی، فرهنگی و استراتژیک
- مدیریت تهدیدهای بین‌المللی و مقابله با فشارهای سیاسی
- اجرای سیاست‌های مقاومت اقتصادی و خنثی‌سازی تحریم‌ها

جامعه باید مطالبه کند که مسیر اصلی وزارت امور خارجه، خنثی‌سازی تحریم‌ها و توسعه دیپلماسی اقتصادی باشد، نه شرطی کردن امور کشور به نتیجه مذاکرات. هر میزان که فشار افکار عمومی بر سیاست‌گذاران در این زمینه افزایش یابد، مسیر تحقق استقلال اقتصادی هموارتر خواهد شد.

چهل سال تجربه گفت‌وگو و مذاکره (تعامل!) با امریکا نشان داده که این کشور نه‌تنها به تعهداتش پایبند نیست، بلکه تحریم را به‌عنوان یک ابزار دائمی علیه ایران حفظ می‌کند. تجربه برجام نیز ثابت کرد که اعتماد به امریکا، نتیجه‌ای جز تحمیل خسارات سنگین اقتصادی و معطل ماندن ظرفیت‌های کشور ندارد. بنابراین، راهبرد وزارت امور خارجه باید بر کاهش وابستگی به تصمیمات غرب و حرکت به سمت همکاری‌های اقتصادی پایدار با کشورهای مستقل متمرکز شود.

تمرکز بر خنثی‌سازی تحریم‌ها، اجرای دیپلماسی اقتصادی، تقویت ارتباطات منطقه‌ای و توسعه همکاری‌های تجاری با کشورهای مستقل، به عنوان وظایف دستگاه دیپلماسی کشور باید به مطالبه عمومی تبدیل شود. اگر سیاست خارجی به مذاکره‌زدگی دچار شود، نه‌تنها امکان پیشرفت اقتصادی از دست خواهد رفت، بلکه کشور بار دیگر در چرخه فرسایشی مذاکرات بی‌نتیجه گرفتار خواهد شد.

با تغییر نگاه عمومی و مطالبه‌گری صحیح، می‌توان مسیر سیاست خارجی را به سمت تحقق منافع ملی، بی‌اثر کردن تحریم‌ها و خروج از وابستگی به مذاکرات هدایت کرد. این مسیر، نه‌تنها منطقی‌تر، بلکه عملی‌تر و پایدارتر برای آینده کشور است.

گزارش

انتخابات هیئت رئیسه مجلس فردا برگزار می‌شود

جنجال پیامک‌های تهدید

قالیباف: عدم ابلاغ قانون حجاب دستور شورای عالی امنیت ملی است

فضای خانه ملت این روزها سخت تحت تأثیر انتخابات هیئت رئیسه برای سال دوم فعالیت مجلس دوازدهم است. انتخاباتی که قرار است فردا سه شنبه برگزار شود و اعضای هیئت رئیسه با رأی نمایندگان انتخاب شوند. در اهمیت ترکیب هیئت رئیسه مجلس برای سال دوم همین بس که دولت هم که پیش از این چندبار وعده کرده بود، گزینه پیشنهادی خود را برای وزارت امور اقتصادی و دارایی معرفی کند، ترجیح داده است این معرفی را به بعد از این انتخابات موکول نماید. درون مجلس هم التهابی جاری است. روز گذشته بخشی از نشست علنی به همین موضوع اختصاص داشت و برخی نمایندگان در قالب تذکر ادعا کردند پیامک‌های تهدیدآمیز درباره انتخابات فردا دریافت کرده‌اند. یارکشی‌های سیاسی اگرچه بخشی از طبیعت کار سیاسی است، اما اگر این تحرکات با تهدید و تطمیع یا حتی تخریب همراه باشد، آنگاه باید به نیت برخی بلندگوهای جنجالی در مجلس که البته در اکثریت نیستند، اما صدای بلندی دارند، تردید کرد و خطر از همین جا آغاز می‌شود که خانه ملت را از وظیفه قانونگذاری و نظارت دور و اسیر گروکشی‌های سیاسی فرصت سوز کند. با همه این حواشی رئیس مجلس شورای اسلامی دیروز در پاسخ به انتقاد یک نماینده درباره قانون حجاب رسماً تصریح کرد که عدم ابلاغ آن بنابه دستور مکتوب شورای عالی امنیت ملی بوده و دبیرخانه این نهاد بالادستی از مجلس خواسته است فعلاً ابلاغ نشود. قالیباف درباره ابلاغ قانون پالرمو هم با بیان اینکه لایحه آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده و قانون شده، تصریح کرد: وقتی مجمع رأی داده به قانون تبدیل شده است. من فقط باید قانونی که مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کرده و فرستاده را ابلاغ کنم. او سپس از منتقدان خواست عوام فریبی نکنند.

جنجال و تنش در مجلس با تذکر یک نماینده درباره ابلاغ قانون حجاب و پالرمو آغاز شد. رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به تذکری مبنی بر اینکه چرا رئیس مجلس قانون عفاف و حجاب را همچون پالرمو ابلاغ نمی‌کند، گفت: مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور شورای نگهبان و همه اعضا به پالرمو رأی داده است و به قانون تبدیل شده است، اما دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به صورت مکتوب به مجلس ابلاغ کرده که فعلاً قانون عفاف و حجاب ابلاغ نشود.

■ از قانون حجاب تا پالرمو

محمدتقی نقدعلی، نماینده خمینی شهر در نشست علنی دیروز مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی گفت: چرا رئیس مجلس قانون حجاب و عفاف را که حکم خداست، همچون پالرمو که در لحظه ابلاغ کرد، ابلاغ نمی‌کند، اما حکم خلق را به سرعت و با جدیت هرچه تمام‌تر بدون مشورت با شورای عالی امنیت ملی و سران قوا در لحظه قبل از خشک شدن جوهر آن ابلاغ کرد. تقاضا می‌کنیم ریاست مجلس حکم خدا، قرآن و رسول خدا(ص) که جوهر آن تا قیامت تازه خواهد بود حداقل همانند پالرمو ابلاغ کند و جلوی این وضعیت ناهنجاری که دل هر ایرانی را به درد آورده است ترمیم کرده و آلام افراد متدین را التیام بخشد.

دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی اما در پاسخ به این نماینده گفت: برادر عزیزم آقای نقدعلی می‌فرمایند از رئیس مجلس می‌خواهم که لایحه عفاف و حجاب را ابلاغ کند یا اینکه لایحه پالرمو را هم ابلاغ نکند. من نمی‌دانم این چه نگاهی است و کجای قانون این اجازه را می‌دهد که چنین بحثی مطرح شود. قالیباف اضافه کرد: من نخواستم هیچ‌وقت با صراحت این نکته را اینجا عرض کنم، اما به هر حال شورای عالی امنیت ملی براساس اصل ۱۷۶ وظایفی برعهده دارد، دبیرخانه آن به ما به صورت مکتوب ابلاغ کرده که فعلاً این قانون ابلاغ نشود، من که نمی‌توانم وقتی آنجا این موضوع ابلاغ شده این قانون را ابلاغ کنم. وی افزود: بحث مربوط به پالرمو چه ربطی به مجلس دوازدهم دارد، در مجلس دهم پالرمو و CFT در مجلس تصویب شده و به شورای نگهبان رفته است و شورای نگهبان به آن ایراد گرفته است، مجلس به نظرش اصرار کرده و به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است، در مجمع تشخیص مصلحت نظام این موضوع همان طور بوده تا این اواخر که آقای رئیس‌جمهور به صورت کتبی از محضر حضرت آقا تقاضا کردند که مجدداً این در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گیرد. در مجمع در دستور قرار گرفته و در آنجا سه جلسه بررسی شده است و مجمع با حضور شورای نگهبان و همه اعضا به پالرمو رأی داده است و وقتی مجمع رأی داده به قانون تبدیل شده است. قالیباف گفت: من فقط باید قانونی که مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کرده و فرستاده را ابلاغ کنم، حالا ایشان می‌فرمایند آقای قالیباف آن را هم ابلاغ نکند. رئیس مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: من خواهش می‌کنم دوستان این موضوع را در رسانه‌ها عوام‌فریبی نکنند، مامر قانون را اجرا می‌کنیم.

■ ماجرای پیامک‌های تهدیدآمیز

یکی از حواشی دیگر مجلس، به ماجرای پیامک‌های تهدیدآمیزی اختصاص داشت، که به عقیده نمایندگان برای تاثیر گذاری بر آرا و تصمیم آنها در خصوص انتخابات هیئت رئیسه مجلس ارسال شده است.

مهرداد گودرزوند چگینی نماینده رودبار در مجلس، در تذکری گفت: هر زمان که به انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس نزدیک می‌شویم، عده‌ای شروع می‌کنند به پیامک دادن و توهین کردن. از رئیس مجلس خواهش می‌کنم وزیر محترم اطلاعات و همچنین دستگاه‌های امنیتی را نسبت به این موضوع حساس کند. وی خطاب به قالیباف افزود: امروز مثل دوران سال ۵۸ و ۵۹ که آیت‌الله شهید بهشتی را مورد تهمت و توهین قرار می‌دادند، امروز هم جنابعالی مورد تهمت و توهین قرار می‌گیرید. امروز پیامک‌هایی ارسال می‌شود که نشان می‌دهد اصلاً این موضوعات ربطی به جامعه ندارد، مثل همین حال که مرتب این پیام‌ها را تولید می‌کنند و مخاطبشان هم جنابعالی هستید. عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس خاطرنشان کرد: چه کسی باید جلوی این موضوع را بگیرد؟ امروز یک عده به دنبال تضعیف مجلس شورای اسلامی هستند، به‌ویژه جایگاه هیئت‌رئیسه مجلس. اگر قرار باشد هر روز پیامک‌هایی ارسال شود و نمایندگان را در مجلس بی‌اثر جلوه دهند، این چه کاری است که انجام می‌دهند؟ از ریاست مجلس تقاضا دارم این موضوع از طریق دستگاه‌های امنیتی مورد رسیدگی قرار گیرد. وی تصریح کرد: حدود ده روز است که به طور مداوم پیام‌هایی با عبارات تند و مشابه، از طرف یک عده خاص و با شماره تلفن‌های متعدد برای نمایندگان ارسال می‌شود. عمده بحث این پیام‌ها روی جنابعالی متمرکز شده و نگاهی که وجود دارد این است که مجلس باید تضعیف شود.

این نماینده به قالیباف گفت: اگر شما جلوی رانت و فساد یک عده را در بیرون مجلس گرفته‌اید، امروز می‌خواهند شما در این مجلس نباشید تا بتوانند همان رانت و فسادی را که دنبال آن بودند دنبال کنند. رانت و فساد صرفاً دزدی از بیت‌المال نیست، بلکه سوءاستفاده‌هایی که از امکانات این کشور صورت می‌گیرد نیز جزو فساد است. الان موضوعاتی مانند حجاب را شورای امنیت جلو آن را گرفته، ولی کارشان با شماست. مرتب پیام می‌دهند و مرتب پیام این است که این رئیس مجلس باید استیضاح شود و این رئیس نباشد. این نماینده در پایان اظهار کرد: یک عده مرتب افراد را هدایت می‌کنند که جلوی همین مجلس اعتصاب کنند و بنشینند. این اقدامات برای کشور ما خوب نیست. کشور ما در شرایط حساس بین‌المللی قرار گرفته و انتظار داریم انسجام کشور حفظ شود. این افراد دنبال این هستند که آرای شما در مجلس پایین نشان داده شود.

■ نگذارید سلبریتی‌ها برای مجلس تصمیم بگیرند

روح‌الله لک علی‌آبادی، نماینده دورود و ازنا در مجلس هم در تذکری گفت: از آقای قالیباف قدردانی و تشکر می‌کنم که یک‌بار برای همیشه بحث ابلاغ قانون حجاب و پالرمو را شفاف بیان کردند. او همچنین در تذکری خطاب به حراست مجلس بیان کرد: «متأسفانه می‌بینیم که بعضی وقت‌ها یک عده سلبریتی وارد مجلس می‌شوند، جلسه برگزار می‌کنند و برای اینکه هیئت رئیسه مجلس چه کسی باشد و چه کسی نباشد تصمیم می‌گیرند و متأسفانه امروز عده‌ای هدفمند پیامک‌های انبوه را با تهدید و تطمیع ارسال می‌کنند تا در روند تصمیم‌گیری مجلس تأثیرگذار باشند.» این نماینده مجلس با طرح این پرسش که منشأ این پیامک‌ها کجاست، تأکید کرد: به پیر و پیغمبر با هوچی گری نمی‌شود مملکت را اداره کرد. امروز مملکت نیاز به آرامش و همدلی دارد و قرار نیست یک عده هر طور که دوست دارند مجلس را تهدید کنند. این موضوع موجب وهن مجلس است و از آقای قالیباف می‌خواهم که به حراست مجلس تذکر دهند و حراست مجلس و نیروهای امنیتی به موضوع ورود پیدا کنند.

بسیج

رئیس سازمان بسیج مستضعفین:

رسالت امروز ما تقویت بسیج در خدمت به مردم است

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: ما امروز این رسالت را بر دوش خود احساس می‌کنیم که تشکیلات مردمی بسیج را در همه عرصه‌ها، در خدمت به مردم ایران و پاسداری از انقلاب اسلامی، تقویت کنیم و یکی از ابعاد تقویت تشکیلات بسیج، به روز کردن تجهیزات آن است.

محمدمهدی صافی|جوان

به گزارش جوان، همزمان با ایام سالروز آزادسازی خرمشهر، صبح دیروز، آیین سراسری تحویل تجهیزات حوزه‌های مقاومت بسیج مساجد و محلات و اقشار و کانون‌های متخصصین بسیج در قالب طرح ملی سردار شهید سیدمحمد حجازی، با حضور سردار سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین برگزار شد.

سردار سلیمانی طی سخنانی در این آیین، ضمن گرامیداشت سالروز آزادسازی خرمشهر و ادای احترام به مقام شامخ شهدا، با بیان اینکه روز «سوم خرداد» یک روز بزرگ و باعظمت در تاریخ ملت ایران محسوب می‌شود، گفت: سوم خرداد، نتیجه و محصول «راهبرد امام راحل» بود که از جماران پیش روی ملت ایران گذاشته شده بود. راهبردهای امام راحل سبب شد ارتش متجاوز بعثی که به تصور باطل خودش می‌خواست جموری اسلامی را ساقط و ملت ما را متوقف کند، در مدت زمان کمتر از ۹ ماه (از مهر ۶۰ تا خرداد ۶۱) در نتیجه چهار عملیات ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، به طور کامل منهدم شود و نیروهای آن یا کشته و مجروح شوند، یا به اسارت دربیایند یا صحنه نبرد را ترک و فرار کنند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین اضافه کرد: از همان زمانی که به امام راحل خبر دادند صدام به کشور ما تجاوز کرده، ایشان در کمال آرامش فرمودند «ملت ایران چنان سیلی به صدام خواهد زد که دیگر نتواند از جای خودش بلند شود». سپس امام در نیمه سال ۶۰ جمله مهم و راهبردی «حصر آبادان باید شکسته شود» را مطرح کردند و دیدیم که در پنجم مهرماه همان سال، حصر آبادان شکسته شد. امام عظیم‌الشأن ما بعد از فتح بستان فرمودند که «فتح بستان فتح‌الفتوح نیست بلکه فتح‌الفتوح، تربیت جوانانی است که این افتخارات را خلق می‌کنند». امام راحل همچنین پس از عملیات فتح‌المبین در اواخر سال ۶۰ فرمودند که «من بر دست و بازوی رزمندگان بوسه می‌زنم». ایشان در سوم خرداد سال ۶۱ و پس از آزادسازی خرمشهر نیز فرمودند «خدا خرمشهر را آزاد کرد». در حقیقت، راهبرد امام خمینی (ره) در این مدت زمان کمتر از ۹ ماه، سبب شد که ارتش متجاوز بعثی به طور کامل در میدان نبرد منهدم شود.

وی گفت: بعد از عملیات بیت‌المقدس، نظام سلطه ارتش بعثی را بازآرایش و بازسازماندهی کرد. همه تجهیزات ارتش بعثی در طول چهار عملیات ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس به غنیمت رزمندگان اسلام در آمده بود و در این میان، نقش نیروهای داوطلب مردمی بر اساس منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، یک نقش انکارناشدنی بود.

سلیمانی در ادامه عنوان کرد: تقدیم بیش از ۹۰ هزار شهید بسیجی در دوران دفاع مقدس، نشان دهنده حضور گسترده و مؤثر نیروهای مردمی در کنار ارتش و سپاه و سایر نیروهای مسلح در جریان هشت سال دفاع مقدس بود. رئیس سازمان بسیج با بیان اینکه امام راحل، دفاع مردم‌پایه را شکل دادند، اظهار کرد: آزادسازی خرمشهر، پیامد حضور مردم در عرصه دفاع از کشور بود.

سردار سلیمانی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: ما امروز این رسالت را بر دوش خود احساس می‌کنیم که تشکیلات مردمی بسیج را در همه عرصه‌ها، در خدمت به مردم ایران و پاسداری از انقلاب اسلامی، تقویت کنیم. یکی از ابعاد تقویت تشکیلات بسیج، به روز کردن تجهیزات آن است، کاری که از پایگاه‌ها و حوزه‌های مقاومت و رده‌های تخصصی و اقشاری بسیج شروع شده و ادامه پیدا خواهد کرد.

وی عنوان کرد: امروز بخش قابل توجهی از این تجهیزات در سراسر کشور به پایگاه‌ها و حوزه‌های مقاومت و رده‌های تخصصی و اقشاری بسیج واگذار می‌شود. در این مرحله از طرح تجهیز، تجهیزات بسیار باکیفیت و مناسبی تأمین شده‌اند. سردار سلیمانی با بیان اینکه بدون حضور مردم، بسیج معنایی ندارد و تداوم و قوام و تقویت آن با حضور مردم خواهد بود، خاطرنشان کرد: این تجهیزات وقتی در اختیار رده‌های بسیج قرار می‌گیرند، یعنی در اختیار نوجوانان و جوانان عزیز ملت و مردم بزرگوار کشورمان قرار گرفته‌اند.

از حاشیه تا متن

ستون دوشنبه‌ها

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

اسلام گرایی در دو سوی مدیترانه

حدود سی سال پیش بود که جبهه نجات اسلامی الجزایر به رهبری کسانی چون دکتر عباس مدنی و علی بلحاج در رویدادی مهم و در رقابتی دموکراتیک و آزاد، در انتخابات شهرداری‌های این کشور اکثریت را به دست آورد. جبهه نجات سپس فعالانه در انتخابات مجلس شرکت کرد و در اولین دوره انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۹۱، با رأی بسیار بالای مردم موفق شد ۱۸۸ کرسی از مجموع ۲۳۱ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد، در حالی که حزب حاکم فقط ۱۶ کرسی به دست آورده بود! این حزب اسلام‌گرا با انرژی زیاد مصمم بود در دومین دوره انتخابات پارلمانی که قرار بود در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲ برگزار شود، برای تعیین تکلیف ۱۹۹ کرسی باقیمانده شرکت کند، اما با قطعیت‌یافتن پیروزی اسلام‌گرایان و طرفداران این جبهه در انتخابات، ارتش انتخابات پارلمانی این کشور را ملغی و هفت تن از سران جبهه نجات اسلامی و هزاران تن از هواداران آن را دستگیر کرد و چندی بعد در ۴ مارس ۱۹۹۲ با دستور شورای عالی حکومتی الجزایر، جبهه نجات اسلامی غیرقانونی و منحل اعلام شد. این حوادث پی‌درپی و دیکتاتوری شدید و ضدمردمی، موجب درگیری‌ها و تشنجات فراوانی در کشور شد که بر اثر آن بیش از یک‌صد هزار تن کشته و مجروح شدند.

فکر می‌کنید واکنش مدعیان رأی مردم و دموکراسی غربی و جهان آزاد و سازمان‌های حقوق بشری به این رویدادها و به این کشتارها چه بود؟ آنها یا نامردانه سکوت کردند یا بی‌شرمانه از این دیکتاتوری و کنار گذاشتن رأی اکثریت مردم مسلمان الجزایر دفاع کردند. به همین وقاحت!

■■■

این را داشته باشید تا از این سوی مدیترانه به آن‌سوی آن و به لبنان برویم. تقریباً در همین سال و ماه‌ها، شیعیان و حزب‌الله لبنان در آستانه انتخاباتی که بعد از ۲۰ سال برگزار می‌شد، با پیشنهادها و در حقیقت رشوه‌های وسوسه‌کننده‌ای روبه‌رو شدند تا در مجلسی که قرار بود تشکیل شود تعداد مشخصی کرسی قطعی به آنان داده شود! اما مقامات حزب‌الله این پیشنهادها را رد کردند و اظهار داشتند ما به رأی مردم احترام می‌گذاریم حتی اگر کرسی قابل اعتنایی در مجلس به دست نیاوریم اما بدون رأی مردم بیشتر از آن را هم نمی‌خواهیم و آن را غیرقانونی هم می‌دانیم. چنین بود که این حزب در انتخابات دومرحله‌ای ۲۳ اوت و ۶ سپتامبر ۱۹۹۲، در شهرهای مختلف با فهرست واحد یا ائتلافی اگر چه اکثریت مجلس را به دست نیاورد، اما توانست بالاترین رقم نمایندگان را در مقایسه با سایر احزاب لبنانی به پارلمان بفرستد که پیروزی بسیار مهم و بزرگی برای حزب‌الله لبنان به شمار می‌آمد.

در اینکه حزب‌الله لبنان از این پس چه کرد و در حملات و کشتارهای رژیم صهیونیستی در بیروت و جنوب لبنان در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ چه واکنش‌های قدرتمندانه‌ای از خود نشان داد می‌گذریم، اما حیف است از قدرتنمایی خیره‌کننده و تاریخی آنان در چنین روزی در سال ۲۰۰۰ که به فرار خفت‌بار و ذلیلانه اسرائیل از لبنان انجامید چیزی نگوییم.

اول یک روایت از مجاهدان حزب‌الله را بخوانیم و سپس یک اعتراف از سربازان متجاوز صهیونیستی. این رزمنده مقاومت اسلامی درباره فرار صهیونیست‌ها از مناطق اشغالی جنوب لبنان می‌گوید: «با احتیاط پیشروی می‌کردیم. پایگاه‌ها را یکی پس از دیگری گرفتیم و مزدوران را دستگیر کردیم و بعد از آن به مردم گفتیم که می‌توانند وارد روستاهایشان بشوند. دشمن همه‌چیز را جا گذاشت، حتی سربازانش وقت نداشتند لباس‌هایشان را با خود ببرند. آنها تمام تجهیزاتشان را جاگذاشتند و اسناد و مدارک را سوزاندند. هیچ‌وقت تجهیزات دشمن را که در جاده‌های کفر تبنیت، خردلی و تل نحاس در حال سوختن بود، فراموش نمی‌کنم. اینها تجهیزات یک ارتش شکست‌خورده بود. این نشان می‌داد که آنان دیگر قادر به تأمین امنیت پایگاه‌هایشان نیستند.»

در خاطرات یکی از سربازان رژیم صهیونی از ماجرای امروز هم آمده است: «این عقب‌نشینی نبود، بلکه فرار بود... حزب‌الله می‌آمد و ما می‌ترسیدیم که مبادا به ما برسند. ما آن موقع در پایگاه‌مان در حاصبیا بودیم، بنابراین با سرعت آنجا را ترک کردیم و حتی تجهیزاتمان را هم جا گذاشتیم.»

■■■

شاید میزان محبوبیت و موفقیت این دو تشکیلات اسلامی در الجزایر و لبنان به یک اندازه بوده و حتی شاید میزان محبوبیت جبهه نجات اسلامی الجزایر در بدو امر از روزهای اولیه تشکیل حزب‌الله بیشتر هم بوده باشد، اما حزب‌الله هم کار تشکیلاتی بسیار قوی و سازمان‌یافته‌ای را برنامه‌ریزی و شروع کرد و هم ارتباط خوبی با احزاب دیگری که اشتراکاتی ولو محدود با آن داشتند گرفت و هم کار سیاسی و نظامی و بخصوص فرهنگی را جدی گرفت و همزمان پیش برد تا توانست در چنین روزی در سال ۲۰۰۰ آن پیروزی بزرگ را رقم بزند و بعدها در جنگ‌های ۳۳ روزه همه تئوریسین‌های جنگی جهان را انگشت به دهان کند و با کمترین امکانات، ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل را به آن شکست تاریخی بکشاند.

امروزه حزب‌الله لبنان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سران و فرماندهانش را در عملیات‌های ناجوانمردانه و تروریستی اسرائیل از دست داده، اما کمترین یأس و ناامیدی و سستی در عزم اعضای آن ایجاد نشده است. مجاهدان حزب‌الله این آیه شریفه قرآن را مد نظر دارند که فرمود «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟» اگر پیامبر بمیرد یا کشته شود به همان گذشته تاریک خودتان برمی‌گردید؟ معلوم است که نه.

حزب‌الله سمبل مقاومت است و بار دیگر و این بار مصمم‌تر از قبل کار سیاسی خود را جدی گرفته و حالا توانسته است در انتخابات اخیر پیروزی چشمگیری به دست آورد. روزنامه الاخبار در روز رأی‌گیری نوشت: «جمعیتی که جاده‌های منتهی به جنوب بیروت و بقاع را پر کرده بودند، عمدتاً هواداران مقاومت بودند که تلاش داشتند با نگاهی سیاسی و هدفمند در انتخابات شرکت کنند و گزینه‌های مقاومت را برگزینند. دشمنان مقاومت، توجیهی منطقی برای این حضور پرشور مردم ندارند؛ آن‌هم در شرایطی که تنها یک روز پیش، اسرائیل بیش از ۱۵ حمله هوایی به جنوب لبنان انجام داده است. به نظر می‌رسد این حملات، انگیزه مضاعفی برای مشارکت در انتخابات ایجاد کرده است.» تصاویر شادی گسترده مردم پس از این پیروزی سیاسی بزرگ را هم که حتماً همگی دیده‌ایم. این نتیجه توکل به خدا، عمل به وظیفه و عمل به فرمان استقامت است که «فاستقم کما امرت».

خبر

معاون امور بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری:

اگر مذاکرات به نتیجه نرسد امریکا مقصر است

اگر مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا به نتیجه نرسد، مقصر امریکاست که خواسته‌های نامعقول دارد و می‌گوید ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد.

به گزارش مهر، آیت‌الله محسن قمی، معاون امور بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری عصر دیروز در آیین پاسداشت روز مقاومت و پایداری و تجلیل از خدمات ارزشمند حسین امیرعبداللهیان گفت: ما مفتخریم که فضای کشور ما از این ستارگان فراوان دارد. ما در ایران نمادها و اسطوره‌هایی داریم که برای نسل‌های آینده راه را روشن می‌کنند. ما رهبری داریم که مدیریت یک تمدن نوپا را به سمت شکوفایی و پیشرفت به خوبی هدایت می‌کنند. قمی با اشاره به مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا، گفت: ایران در مذاکرات صادقانه آمده است و به دنبال رفع تحریم‌ها و بهره‌مندی ایران از انرژی هسته‌ای است. اگر این مذاکرات به نتیجه نرسد، مقصر امریکاست که خواسته‌های نامعقول دارد و می‌گوید ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد.

یادداشت

مهتاب نعمت‌اله‌زاده ماهانی / مشاور خانواده

آینده‌ای پایدار با جوانی جمعیت

در دنیای امروز که بسیاری از کشورها با بحران کاهش جمعیت و پیری روبه‌رو هستند، موضوع جوانی جمعیت به یک مسئله استراتژیک تبدیل شده‌است. آینده هر کشور در گروی نیروی انسانی جوان، پویا و خلاق آن است. در این میان، نقش خانواده‌ها در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری اهمیتی دوچندان می‌یابد.

گرایش به تک‌فرزندی، که در دهه‌های اخیر تحت‌تأثیر سبک زندگی مدرن، دغدغه‌های اقتصادی و فشارهای اجتماعی افزایش یافته، چالش‌هایی جدی در پی دارد. کودکانی که بدون خواهر و برادر بزرگ می‌شوند، در معرض کمبود مهارت‌های اجتماعی، احساس تنهایی و فشارهای روانی بیشتری هستند.

از سوی دیگر، پدر و مادری که تنها یک فرزند دارند، در آینده با مسئولیت‌های چند برابر مراقبتی و عاطفی روبه‌رو خواهند شد. فرزند بیشتر، به معنای مسئولیت بیشتر است، اما در عین حال به معنای سرمایه‌گذاری بر آینده‌ای پرامید نیز هست. خواهر و برادر نه‌تنها تکیه‌گاهی عاطفی برای یکدیگرند، بلکه در فرآیند رشد، همکاری، همدلی، رقابت سالم و مسئولیت‌پذیری را در محیطی طبیعی فرا می‌گیرند.

حمایت از خانواده‌های چندفرزند، ارائه مشوق‌های واقعی از سوی دولت و بازتعریف نگاه فرهنگی جامعه به فرزندآوری، از گام‌های اساسی برای حفظ جوانی جمعیت و جلوگیری از بحران‌های آتی است. آینده از آنِ کشورهایی خواهد بود که امروز، فرزندان بیشتری برای ساختن فردایی بهتر تربیت می‌کنند. تک‌فرزندی و توسعه جمعیت؛ نگاهی به آینده کشور در سال‌های اخیر، الگوی خانواده‌ها به‌سوی تک‌فرزندی تغییر یافته‌است؛ الگویی که هر چند در نگاه نخست ممکن است مزایایی مانند تمرکز بیشتر بر تربیت کودک یا کاهش هزینه‌های اقتصادی داشته باشد، اما در بلندمدت چالش‌هایی جدی برای جامعه و آینده کشور به‌همراه خواهد داشت.

از جمله پیامدهای گسترش تک‌فرزندی می‌توان به کاهش نرخ رشد جمعیت، پیری جمعیت، کاهش نیروی کار جوان و در نتیجه تضعیف پویایی اقتصادی کشور اشاره کرد. همچنین، کودکان تک‌فرزند ممکن است در حوزه‌های اجتماعی، از جمله تعامل با همسالان، همکاری و تحمل تفاوت‌ها با چالش‌هایی مواجه شوند. توسعه متوازن جمعیت، نه‌تنها برای حفظ ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه ضروری است، بلکه نقش مهمی در حفظ فرهنگ، زبان و سرمایه انسانی کشور ایفا می‌کند. خانواده‌هایی با بیش از یک فرزند، علاوه بر تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی، نقشی مهم در پایداری آینده کشور دارند.

با ترویج فرهنگ فرزندآوری آگاهانه و حمایت از خانواده‌ها از طریق سیاست‌های تشویقی، رفاهی و آموزشی، می‌توان مسیر توسعه جمعیت را به سوی تعادل و پویایی هدایت کرد. فرزندآوری نه‌تنها یک تصمیم فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و ملی است.

گزیده

۲۷ میلیون ناوگان فرسوده در جاده‌های ایران

سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم گفت: طبق قانون هوای پاک و برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده را از رده خارج کند.

احمد طاهری، سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم گفت: به‌طور متوسط، هر خودروی فرسوده حدود ۹ برابر یک خودروی غیر فرسوده آلودگی تولید می‌کند.

وی با استناد به داده‌های اندازه‌گیری شده در تهران افزود: ۱۰ درصد ناوگان خودرویی تهران که عمدتاً شامل خودروهای فرسوده هستند، مسئول تولید حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از کل آلاینده‌های منتشر شده در این شهر است.

سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم خاطرنشان کرد: مطالعات انجام‌شده توسط وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نشان می‌دهد که سالانه بیش از ۴۰ هزار مورد مرگ‌ومیر در کشور به دلیل انتشار ذرات معلق برآورد می‌شود.

طاهری با اشاره به الزامات قانونی موجود برای خروج ناوگان فرسوده از چرخه تردد کشور اعلام کرد: طبق قانون هوای پاک و برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده را از رده خارج کند.

وی افزود: در سال‌های گذشته، به‌ویژه در سال ۱۳۹۹، روند اسقاط خودروها تقریباً به صفر رسید و این مسئله باعث انباشت بالای خودروهای فرسوده در کشور شد.

به گفته طاهری، هم‌اکنون حدود ۲۷ میلیون دستگاه ناوگان فرسوده در کشور وجود دارد که از این تعداد بیش از ۱۱ میلیون دستگاه مربوط به موتورسیکلت‌ها است؛ این بخش از ناوگان مصرف سوخت بالایی دارد.

سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم در ادامه به خبرگزاری مهر گفت: پس از تصویب قانون ساماندهی صنعت خودرو و همچنین آیین‌نامه ماده ۱۰ این قانون در هیئت وزیران، شاهد افزایش نرخ اسقاط خودروها بودیم، به‌گونه‌ای که در سال ۱۴۰۲ بیش از ۷۰ هزار خودرو و در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۵۰ هزار خودرو از رده خارج شدند. با این حال، این اعداد هنوز با نیاز کشور و حجم ناوگان فرسوده فاصله زیادی دارد.

وی یکی از نقاط ضعف جدی فرآیند فعلی اسقاط را ناتوانی آن در مدیریت ناوگان موتورسیکلت دانست و افزود: فرآیند اسقاط در حال حاضر نتوانسته به شکل قابل قبولی در مورد ناوگان موتورسیکلت عمل کند و این بخش از ناوگان همچنان در چرخه تردد باقی مانده‌است

طاهری همچنین از همکاری با وزارت نفت برای جایگزینی موتورسیکلت‌های بنزینی کاربراتوری با موتورسیکلت‌های برقی خبر داد و گفت: این برنامه با اولویت موتورسیکلت‌های کار در کلانشهرها در دست تدوین است و امیدواریم امسال بتوانیم تعداد قابل‌توجهی از موتورسیکلت‌های کار را با نمونه‌های برقی جایگزین کنیم.

گزارش

مهسا گربندی

معدل پایین امتحانات نهایی به سؤال‌فروشی هم آراسته شد!

ادعای لو رفتن سؤالات و قطعی برق در زمان برگزاری آزمون، اعتماد به امنیت امتحانات نهایی را با چالش‌های جدید روبه‌رو کرده‌است

امین باری|موج نیوز

در میان اضطراب شب‌های امتحان و تلاشی که شاید آینده بهتر بسازد، داستان لو رفتن سؤالات امتحانات نهایی، ذهن دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان را به خود مشغول کرده‌است. چند سالی است که با شروع خردادماه، بازار سیاه فروش سؤالات امتحان نهایی شکل می‌گیرد و دانش‌آموزان را گرفتار تردید می‌کند؛ اینکه آیا قرار است در یک رقابت سالم شرکت کنند یا نه؟!

با وجود اینکه مسئولان آموزش و پرورش اعلام کردند که هیچ سؤالی لو نرفته و پلیس فتا نیز ادعاهای فروش سؤالات را رد می‌کند، اما نگرانی دانش‌آموزان و والدین همچنان پابرجاست. حق هم دارند. برخی‌شان می‌گویند سال‌های گذشته تجربه‌هایی از تطابق سؤالات منتشرشده با آزمون‌های رسمی وجود داشته‌است. برخی دیگر نیز بر این باورند که گرفتار یک بازی روانی شده‌اند، بازی‌ای که اضطراب امتحان را برایشان دوچندان کرده‌است. در این میان، برخی مدارس با قطعی برق و اینترنت مواجه شدند، عاملی که باعث تأخیر در شروع آزمون نیز شد. این ماجرا، در کنار ادعاهای مطرح‌شده درباره بازار سیاه فروش سؤالات، اعتماد به امنیت امتحانات نهایی را با چالش جدی مواجه کرده‌است؛ موضوعی که باید به طور جدی مورد بررسی قرار گیرد و با دقت شفاف‌سازی شود.

■ بازار سیاه فروش سؤالات؛ واقعیت یا کلاهبرداری؟

فضای مجازی پر شده از ادعاهایی درباره فروش سؤالات امتحانی. برخی کانال‌های تلگرامی مدعی شدند که می‌توانند سؤالات را با قیمت‌های نجومی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند؛ از ۵ تا ۱۰ میلیون تومان برای یک درس، تا ۵۰ میلیون تومان برای کل سؤالات. این کانال‌ها با تبلیغات گسترده، دانش‌آموزان را وسوسه می‌کنند که با پرداخت مبالغ هنگفت، سؤالات را پیش از امتحان دریافت کنند. وعده‌هایی که معلوم نیست چه واقعیتی پشت آن پنهان باشد.

این کانال‌ها با تکنیک‌های روانی، دانش‌آموزان را در لحظات حساس امتحانات هدف قرار می‌دهند. آنها با انتشار پیام‌هایی مانند «سؤالات لو رفته، تضمینی!» یا «با این سؤالات، نمره ۲۰ بگیرید!» تلاش می‌کنند تا دانش‌آموزان را به خرید ترغیب کنند. برخی از این تبلیغات حتی شامل تصاویری از برگه‌های امتحانی (به طور غیرواضح) است و به‌گونه‌ای عمل می‌کنند تا همه چیز واقعی به نظر برسند!

بسیاری از صاحبان کانال‌ها، برای اینکه شناسایی نشوند، از دانش‌آموزان می‌خواهند که هزینه را با ارز دیجیتال و تتر پرداخت کنند. این روش پرداخت، امکان ردیابی تراکنش‌ها را تقریباً غیرممکن می‌کند و باعث می‌شود که حتی در صورت لو رفتن شبکه، اثبات تبادل پول بسیار دشوار باشد.

همچنین این کانال‌ها ادعا می‌کنند که سؤالات را از طریق رابط‌هایی با نفوذ بالا به دست می‌آورند و طی یک پروسه امنیتی چند ساعته، آنها را به همراه پاسخنامه در اختیار خریداران قرار می‌دهند. برخی از این کانال‌ها نوشته‌اند که تیمی از برترین اساتید کشور، سؤالات را بررسی کرده و پاسخ‌های دقیق را ارائه می‌دهند!

■ قطعی برق و گمانه‌زنی درباره لو رفتن سؤالات

در شرایطی که ادعاهای فروش سؤالات امتحانی فضای مجازی را پر کرده، اختلالات پیش‌بینی‌نشده مانند قطعی برق، می‌تواند به این گمانه‌زنی‌ها دامن بزند. برخی مدارس ادعا کردند که این مشکل باعث تأخیر در دریافت سؤالات‌شده و این فاصله زمانی، امکان سوءاستفاده را افزایش داده‌است. به گفته برخی معلمان و مدیران مدارس، این قطعی‌ها موجب شد که برخی حوزه‌های امتحانی دیرتر آزمون را آغاز کنند، در حالی که سؤالات پیش‌تر در اختیار گروهی دیگر قرار گرفته بود.

این تأخیر در شروع آزمون‌ها، علاوه بر ایجاد بی‌نظمی در برگزاری امتحانات، پرسش‌هایی درباره نحوه ارسال و محافظت از سؤالات مطرح کرده‌است. کارشناسان آموزشی تأکید می‌کنند که حتی اگر این اتفاق در موارد محدودی رخ داده باشد، می‌تواند اعتماد عمومی به امنیت آزمون‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهد. برخی دانش‌آموزان و مسئولان مدارس بر این باورند که قطعی برق باید پیش از برگزاری امتحانات پیش‌بینی شود و اقدامات لازم برای تأمین برق اضطراری در حوزه‌های امتحانی انجام گیرد تا هیچ‌گونه خللی در روند آزمون‌ها به‌وجود نیاید.

امسال قطعی برق، فرصت‌طلبان همیشگی را جلوتر انداخت. برخی مدارس امتحان را به دلیل قطعی برق و نداشتن سؤالات، دیرتر آغاز کردند و احتمالاً توانستند از مدارسی که سروقت برگزار کرده بودند، سؤال‌ها را دریافت کنند! در همین رابطه مدیر یکی از مدارس به خبرنگار «جوان» گفت: بچه‌ها قبل از آغاز امتحان، سؤالات را از برخی کانال‌ها که به سرعت آن را منتشر کرده بودند، دریافت کردند.

■ نگرانی دانش‌آموزان و والدین

تبلیغ فروش سؤالات امتحانات نهایی که هر روز در فضای مجازی منتشر می‌شود، ذهن دانش‌آموزان را به خود مشغول کرده؛ اینکه آیا واقعاً سؤالات لو رفته؟ آیا کسانی که این سؤالات را می‌خرند، قرار است بدون زحمت و در ازای پرداخت پول، نمره‌های بالا بگیرند؟ این نگرانی‌ها نه‌تنها تمرکز دانش‌آموزان را بر هم زده، بلکه اعتماد آنها به سیستم آموزشی را نیز متزلزل کرده‌است.

امیر، دانش‌آموز پایه دوازدهم در این رابطه می‌گوید: «ماه‌ها تلاش کردم، شب‌های زیادی را بیدار ماندم، از تفریحاتم زدم تا بتوانم بهترین نتیجه را بگیرم، اما حالا که می‌بینم برخی افراد ادعا می‌کنند، سؤالات را دارند، احساس می‌کنم زحماتم هدر رفته‌است. با این شرایط دیگر انگیزه کافی برای درس خواندن ندارم. چرا باید وقت بگذارم و درس بخوانم، وقتی ممکن است کسی که حتی یک صفحه هم نخوانده، با خرید سؤالات نمره‌ای مشابه یا حتی بالاتر از من بگیرد؟»

همچنین سارا، دانش‌آموز دیگری در پایه دوازدهم است. او نگرانی خود درباره این موضوع را این‌گونه توضیح می‌دهد: «استرس امتحان همیشه بوده، اما امسال دو برابر شده. نه‌تنها باید نگران سختی سؤالات باشیم، بلکه باید نگران این باشیم که آیا واقعاً رقابت سالمی داریم یا نه. هر روز در گروه‌های درسی، حرف از لو رفتن سؤالات است. این موضوع باعث شده تمرکزمان را از دست بدهیم و مدام به این فکر کنیم که آیا واقعاً سؤالات در اختیار برخی افراد قرار گرفته یا نه؟!»

والدین هم از این وضعیت پیش آمده گلایه دارند. آنها که از نزدیک شاهد تلاش‌های فرزندانشان بودند، حالا با وجود تبلیغات فروش سؤالات امتحانات نهایی احساس می‌کنند که عدالت آموزشی زیر سؤال رفته‌است. مادر یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «ما همیشه به فرزندانمان تأکید می‌کنیم که با تلاش خودشان موفق شوند، اما وقتی چنین شایعاتی منتشر می‌شود، اعتماد به سیستم آموزشی سخت‌تر می‌شود. چطور می‌توانیم مطمئن باشیم که این امتحانات واقعاً عادلانه برگزار می‌شوند؟ آیا واقعاً هیچ راهی برای جلوگیری از فعالیت این کانال‌ها وجود ندارد؟»

پدر یکی دیگر از دانش‌آموزان می‌گوید: «فرزندم ماه‌ها برای این امتحانات تلاش کرده‌است، اما حالا فقط ناامیدی در چهره‌اش می‌بینم. او مدام می‌پرسد که آیا واقعاً سؤالات لو رفته‌است؟ این وضعیت روحیه بچه‌ها را خراب کرده‌است. مسئولان باید پاسخگو باشند و شفاف‌سازی کنند تا دانش‌آموزان بتوانند با آرامش امتحان دهند.»

■ واکنش مسئولان آموزش و پرورش و پلیس فتا

در حالی که شایعات مربوط به لو رفتن سؤالات امتحانات نهایی در فضای مجازی منتشر شده، مسئولان آموزش و پرورش و پلیس فتا بر امنیت امتحانات تأکید دارند؛ اینکه هیچ سؤالی لو نرفته و تبلیغات مربوط به فروش سؤالات، عمدتاً کلاهبرداری است.

هفته گذشته بود که محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش در نشست خبری خود اعلام کرد تمام تدابیر لازم برای تأمین امنیت آزمون‌ها اتخاذ شده‌است: «در مرحله طراحی سؤالات، قرنطینه کامل طراحان سؤال انجام می‌شود و در مرحله اجرا، تمام پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین امنیت آزمون‌ها انجام شده‌است.»

زارعی درباره قطعی برق هنگام برگزاری امتحانات نهایی و اقدامات انجام شده برای آن نیز گفت: «هماهنگی با وزارت نیرو، توانیر و وزارت کشور برای تأمین برق و تجهیزات اضطراری در حوزه‌های امتحانی انجام شد. تنها در دو حوزه قطعی برق گزارش شد که بلافاصله رفع شد.»

همچنین ابراهیم رفیعی، مدیر کل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه نظری در رابطه با شایعات لو رفتن سؤالات امتحان نهایی توضیح داد: «ما چیزی به نام افشای سؤالات امتحان نهایی نداریم و این غیرممکن و محال است، زیرا یک سیستم امنیتی بسیار محکم پشت ارسال سؤال‌ها وجود دارد.» رفیعی روند ارسال سؤالات را اینگونه تشریح کرد: «سؤال‌های امتحان نهایی در سامانه‌ای که یک جسم بی‌جان است، قرار دارد. در رأس ساعت مقرر، قفل این سامانه باز شده و سؤال‌ها به صورت خوشه‌ای در کل کشور در اختیار مدیران مرکز آزمون‌ها و حوزه‌های امتحانی قرار خواهد گرفت، بنابراین تا پیش از امتحان کسی به آن دسترسی ندارد.»

علاوه بر آن، پلیس فتا اعلام کرده که تاکنون هیچ موردی از فروش واقعی سؤالات نهایی کشف نشده و بیشتر این کانال‌ها تنها با هدف کلاهبرداری فعالیت می‌کنند. سرهنگ رامین پاشایی، رئیس مرکز امداد و فوریت‌های سایبری پلیس فتا در این رابطه گفت: «تا امروز هیچ سؤالی از سؤالات امتحانات نهایی به بیرون نشر پیدا نکرده و هر تبلیغی در این زمینه تا ۹۸ درصد دروغ محض است.» او همچنین توضیح داد که کلاهبرداران با استفاده از نام و اعتبار اشخاصی از سازمان سنجش و وزارت آموزش و پرورش، دانش‌آموزان را فریب می‌دهند: «در این کلاهبرداری که تقریباً ۸۰ درصد را شامل می‌شود، برای دریافت سؤالات، پول را مبلغی بین ۵ تا ۱۰۰ میلیون تومان به حساب کلاهبردار واریز می‌شود و حتی گاهی سکه دریافت می‌کنند. پس از واریز پول، از کلاهبردار دیگر خبری نمی‌شود یا سؤالات ادوار گذشته با اندک تغییرات گرافیکی در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد.»

■ لزوم برگرداندن اعتماد از دست رفته

امتحانات نهایی همیشه با فشار روانی زیادی همراه است، اما اکنون چیزی فراتر از اضطراب معمول در میان دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان جریان دارد؛ شایعاتی که ذهن‌ها را مشغول کرده و تردیدهایی که فضای آموزشی را تحت‌تأثیر قرار داده‌است.

بازار سیاه فروش سؤالات، وعده‌های فریبنده‌ای که در فضای مجازی دست به دست می‌شوند و تبلیغاتی که هیچ‌گونه مدرک معتبر ندارند، ادعا می‌کنند که می‌توانند امتحانات را از قبل قابل پیش‌بینی کنند. و اینها، همه و همه تبدیل به عاملی شدند تا رقابت سالم را زیر سؤال ببرند. این ماجرایی است که هر ساله تکرار می‌شود و نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند.

پربیراه نیست که دانش‌آموزان، والدین و معلمان منتظر پاسخ‌های روشن هستند و انتظار دارند که شفافیت جای تردید را بگیرد. هرچند مسئولان آموزش و پرورش می‌گویند که هیچ سؤالی لو نرفته، اما شاید آنچه بیش از هر چیز به پاسخ نیاز دارد، این باشد که آیا سیستم آموزشی قادر است این اعتماد از دست‌رفته را برگرداند؟

از شهر

ورود ۷۰۰ دستگاه اتوبوس نو تا پایان ۱۴۰۴ به تهران

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از ورود ۷۰۰ دستگاه اتوبوس نو تا پایان ۱۴۰۴ به پایتخت خبر داد.

احمد قیومی، مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از اجرای برنامه‌های گسترده نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی تهران خبر داد و گفت: برنامه‌های نوسازی ناوگان اتوبوسرانی تهران هم در سال قبل و هم در سال جاری در دستور کار ما قرار دارد و افزایش تعداد اتوبوس‌های برقی و دیزلی در حال اجراست.

وی با اشاره به افزایش اتوبوس‌های برقی در پایتخت، افزود: امروز ۱۸۹ دستگاه اتوبوس برقی در تهران مورد استفاده قرار می‌گیرد و این ظرفیت را در گام اول برای سال جاری به ۵۰۰ دستگاه ارتقا خواهیم داد. به گفته قیومی، طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، ۷۰۰ دستگاه اتوبوس نو در قالب قراردادهای داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ به تدریج وارد ناوگان حمل و نقل عمومی خواهد شد.

وی تصریح کرد: این اتوبوس‌ها خریداری شده و به ظرفیت امروز ما افزوده می‌شوند. تاکنون هزار و ۵۰۰ دستگاه وارد ناوگان شده و ۷۰۰ دستگاه دیگر نیز به آن اضافه خواهد شد.

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با تأکید بر نوسازی

سامانه‌های تندرو بیان کرد: سامانه‌های تندروی ما عمری بالای ۱۰ سال دارند. امسال قراردادی برای تأمین ۴۰۰ دستگاه اتوبوس تندرو منعقد کرده‌ایم که سامانه‌هایی مانند خطوط سامانه یک (آزادی-تهرانپارس) و تجریش-راه‌آهن را به‌طور کامل نوسازی خواهد کرد.

وی همچنین از بازسازی ۳۷۲ دستگاه اتوبوس دیگر خبر داد و افزود: فرآیند بازسازی کامل این اتوبوس‌ها آغاز شده و آنها نیز به مجموعه خدمت‌رسان به شهر تهران اضافه خواهند شد.

قیومی درباره بهبود وضعیت ایستگاه‌ها نیز گفت: دو اقدام برای ایستگاه‌ها در حال اجراست؛ یکی توسعه ایستگاه‌های هوشمند و دیگری اصلاح مبادی و مقاصد ایستگاهی است. با توجه به تغییرات جمعیتی و واگذاری فضای مسکونی در برخی مناطق تهران، نقاطی که قبلاً خدمات نداشتند، اکنون در طرحی جامع آماده‌سازی شده‌اند تا مبدأ و مقصدهای جدیدی برای بهره‌برداری همشهریان تعریف شود.

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران همچنین درباره خدمات ویژه برای سالمندان، جانبازان و معلولان اظهار کرد: ما سامانه‌ای مخصوص برای جانبازان و معلولان داریم که به‌صورت ویژه خدمات‌رسانی می‌کند. رئیس این سامانه به طور خاص امور مربوط به این عزیزان را پیگیری می‌کند، اما تقریباً ۹۰ دستگاه ون ویژه برای دوستان داریم و همچنین اتوبوس و مینی‌بوس داریم که به طور خاص خدمات‌رسانی می‌کند. اگر عزیزان بخواهند استفاده کنند با تلفن ۶۳۰۵ که سامانه معلولین و جانبازان است، تماس بگیرند.

یادداشت

اعتراض به مرگ آینده

بهمن متین‌پور

دکترای روان‌شناسی بالینی

کاهش فرزندآوری در ایران را نمی‌توان تنها با فرمول‌های خشک اقتصادی یا فشارهای سیاسی توضیح داد. این پدیده، زخمی است بر پیکره روان جمعی ما؛ زخمی که از ترس زیستن در فردایی می‌تراود که هرگز نخواهد آمد. در چنین فضایی، علاقه فزاینده به نگهداری سگ‌ها از کوچه‌های تهران تا آپارتمان‌های شهرستان‌ها نشانه روشنی است از تلاش ناخودآگاه جامعه برای پر کردن خلئی عمیق: گریز از آینده‌ای که دیگر نه رؤیا، که کابوس است.

سگ، در این معنا، تنها یک حیوان خانگی نیست؛ او آینه‌ای است که اضطراب وجودی ما را بازمی‌تاباند: جامعه‌ای که به‌جای پرورش فرزند، به نوازش حیوانات مشغول است، در واقع دارد فریاد می‌زند که «فردایی در کار نیست». این جایگزینی، انتخابی است میان «هیچ» و «تقریباً هیچ»؛ تلاشی است برای زنده نگهداشتن غریزه مراقبت در جهانی که امید به تداومش را از دست داده‌ایم.

■ روان‌شناسی گریز: سگ به مثابه پناهگاه امن

در نظریه دلبستگی، انسان برای حفظ سلامت روانی نیازمند پیوندهایی است که احساس امنیت و تعلق خاطر را تقویت کنند. در شرایطی که فرزندآوری به دلیل هزینه‌های روانی، اقتصادی و وجودی به عنوان یک ریسک بزرگ تلقی می‌شود، رابطه با سگ‌ها به عنوان جایگزینی کم‌خطر ظاهر می‌گردد. سگ با وفاداری بی‌قیدوشرط، نیاز به عشق ورزیدن را بدون وادار کردن فرد به مواجهه با ترس‌های وجودی (مانند مرگ، شکست والدگری، یا نگرانی برای آینده‌ی فرزند) ارضا می‌کند. این رابطه، هرچند رضایت بخش، نوعی «عاطفه مصرفی» است که در آن، فرد به جای سرمایه‌گذاری روی آینده، احساساتش را در بازه‌ای محدود و کنترل‌شده خرج می‌کند.

■ بدن‌مندی منفعل: لمس اکنون، فراموشی آینده

در پدیدارشناسی، بدن رسانه ارتباط با جهان است. اما رابطه با حیوانات خانگی، بدن‌مندی را به سطحی فردی و فاقد بعد جمعی تقلیل می‌دهد. نوازش سگ یا بازی با او، اگرچه حس «حضور در لحظه» را تقویت می‌کند، فاقد آن بعد تاریخی است که در فرزندآوری نهفته است؛ مثلاً انتقال خاطرات، ارزش‌ها، یا حتی ریتم‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر. این رابطه، انسان را در حلقه‌ای بسته از «اکنون» محبوس می‌کند؛ اکنونی که هر چند آرامش‌بخش است، مانند داروی مسکنی موقت، درد غیاب آینده را بی‌آنکه درمان کند، پنهان می‌سازد.

■ آیین‌های جدید: شبیه‌سازی معنای جمعی

آیین‌ها چه مذهبی، چه ملی ابزارهایی برای اتصال گذشته به آینده هستند، اما در جامعه‌ای که این آیین‌ها تضعیف شده‌اند، شاهد ظهور «آیین‌های جایگزین» هستیم: جشن تولد سگ، خرید لباس‌های تجملی برای حیوانات، یا شبکه‌های اجتماعی مخصوص حیوانات خانگی. این آیین‌ها هرچند حس همبستگی موقت ایجاد می‌کنند، مانند نقاشی‌ای روی یخ هستند زیبا، اما شکننده و فاقد ریشه. آنها نه روایتی مشترک می‌سازند، نه پلی به آینده می‌زنند. در مقابل، فرزندآوری خود یک آیین زنده است؛ آیینی که ادامه حیات جمعی را تضمین می‌کند.

■ اقتصاد وجودی: هزینه‌های پنهان یک جایگزینی

نگهداری سگ به‌رغم تمام لذت‌هایش نوعی «فرار رو به پایین» در سلسله مراتب نیازهای وجودی است. جامعه با جایگزینی فرزندآوری با حیوانات خانگی، شاید به طور موقت اضطراب خود را تسکین دهد، اما در بلندمدت، این انتخاب سه پیامد دارد:

- فردگرایی افراطی: عاطفه در چارچوب رابطه‌ای دونفره محدود می‌شود، نه در شبکه‌ای از پیوندهای خانوادگی و اجتماعی.
- کاهش تاب‌آوری جمعی: جامعه‌ای که کودکان کمتری دارد، توان کمتری برای نوآوری، همدلی و حل بحران‌های آینده خواهد داشت.
- فروپاشی روایت مشترک: حیوانات خانگی نمی‌توانند واسطه انتقال فرهنگ، زبان، یا حافظه‌ی تاریخی باشند.

■ فرزندآوری به مثابه اعتراض به مرگ آینده

کودک فقط ادامه‌ی زیست‌بیولوژیک نیست؛ او تجسم امید به آینده است. در مقابل، گرایش به حیوانات خانگی اگرچه طبیعی و انسانی است می‌تواند نشانه‌ای از تسلیم شدن در برابر «امپراتوری اکنون» باشد. درمان این بحران، نه با تقبیح علاقه به حیوانات، که با بازسازی روایت‌های جمعی محقق می‌شود: روایت‌هایی که آینده را نه به مثابه سرزمینی هراس‌انگیز، که به مثابه امتدادی زنده از امروز ترسیم کنند. فرزندآوری، در این معنا، کنشی انقلابی است اعتراضی ساکت به همه آنچه آینده را از ما دزدیده‌است.

جامعه‌ای که کودکانش را با سگ‌ها عوض می‌کند، شاید تنها نیاز دارد بار دیگر بیاموزد که چگونه آینده را در آغوش بگیرد، نه از سر اجبار، که از سر عشق به بودن در جریانی که از گذشته می‌آید و به فردا می‌رود.

خبر کوتاه

■ دیوان عدالت اداری در نامه‌ای به وزارت راه تأکید کرد: اجرای کامل رأی هیئت عمومی درباره حذف شرط تأهل از طرح‌های حمایتی مسکن برای مجردها الزامی است. این اقدام برای صیانت از حقوق شهروندی و جلوگیری از تبعیض انجام شده‌است.

■ رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات وزارت بهداشت گفت: ۱۴ درصد سنین بالای ۱۸ سال در کشور استعمال دخانیات دارند؛ میزان مصرف محصولات دخانی میان مردان ۳ درصد و در زنان بالای ۱۸ سال نیز ۱۱ درصد افزایش یافته و متأسفانه این افزایش مصرف در گروه‌های سنی «۱۸ تا ۲۴» و «۲۵ تا ۳۴» سال ملموس‌تر است.

■ عضو شورای شهر تهران تعداد معتادان جمع‌آوری‌شده در سطح شهر را حدود ۱۷ هزار و ۵۰۰ نفر اعلام کرد و افزود: کلونی‌های معتادان که زمانی در مناطق مختلف تهران دیده می‌شد، امروز تقریباً ناپدید شده‌اند.

■ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اشاره به اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول گفت: ۲۰ میلیون ملک فاقد سند رسمی و دارای سند عادی است که مطابق قانون باید طی دو سال سند رسمی برای آنها صادر شود.

■ مدیرعامل سازمان عمرانی مناطق شهر تهران گفت: اواخر سال ۱۴۰۲، حدود ۵۶ درصد از پله‌های مکانیزه خاموش بودند، اما اکنون این عدد به ۲۰ درصد کاهش یافته است و برنامه‌ریزی ما این است که تا پایان سال، خاموشی‌های دائمی را به صفر برسانیم.

■ رئیس پژوهشگاه غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: درصد قابل توجهی از جمعیت کشور، به‌ویژه زنان، با اختلالات تیروئیدی مانند کم‌کاری یا پرکاری مواجهند.

■ مدیر پروژه دارو رسانی با بیان اینکه مداخله غیر تخصصی در امر عرضه اینترنتی دارو (دارو رسانی) ممنوع است، گفت: مرحله آزمایشی این طرح با توزیع شیرخشک و داروی آلبومین در استان‌های قزوین، کرمان و ایلام از نیمه دوم خرداد آغاز می‌شود.

■ شهردار منطقه ۱۰ تهران از راه‌اندازی نخستین سامانه هوشمند نابینایان در موزه هفت‌چنار خبر داد.

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

اکسیر حُسن خُلق

آیت‌الله جوادی آملی(حفظه‌الله):

معاذ بن جبل می‌گوید: وجود مبارک پیامبر(ص) من را برای یمن و غیر یمن اعزام کرد؛ حضرت به بدرقه من آمد که آخرین سفارش را بکند. فرمودند: «مواظب اخلاقت باش!» برای اینکه مردم را علم اداره نمی‌کند، مردم را اخلاق اداره می‌کند. اکثر مردم اهل تحقیق و دقت‌های علمی نیستند. مردم از خُلق و روش و منش بهره می‌گیرند. وقتی مودب بودید، در برخوردتان، در رفتارتان، در گفتارتان، در نوشتارتان مردم متأثر می‌شوند.

و بعد می‌فرمود به اینکه: «اکمل المومنین ایماناً احسنهم خُلقاً». اگر در قیامت درجات افراد را بخواهند بسنجند، برابر با خُلق حَسن می‌سنجند. حدیث بعدی هم می‌فرماید: «لا شیء اثقل فی المیزان من حُسن الخُلق». بالاخره باید در ترازو یک عمل سنگینی، یعنی وزینی آورد. فرمود: «بهترین چیزی که باعث سنگینی ترازوست، حُسن خُلق است.» حدیث دیگر فرمود: خیلی‌ها در قیامت علاقه‌مندند به من نزدیک شوند، ولی آن روز کسی را با قرارداد جلوی ما نمی‌آورند. هر کس اخلاقش بهتر است، پیش ما نزدیک‌تر است.

منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی» با اندکی تلخیص

صدقه، مستقیم در دست خداست

کانال تلگرامی «حاج آقا مجتبی تهرانی(ره)» بیانی از ایشان را به اشتراک گذاشت. مرحوم حاج آقا مجتبی(ره) نقل کرده‌اند: روایتی را محمد بن مسلم از امام صادق(ع) نقل می‌کند. حضرت فرمودند: «ما مِن شَیءٍ إلاّ وَکلَ بِهِ مَلَک إلاّ الصَّدَقَهُ فإنَّها تَقَعُ فِی یدِ الله تَعالَی؛ هیچ چیزی نیست مگر اینکه خداوند فرشته‌ای را برای او قرار داد.» «إلاّ الصَّدَقَهُ»، خدا برای هر کاری فرشته‌ای مأمور کرده مگر برای صدقه. «فإنَّها تَقَعُ فِی یدِ الله تَعالَی»، در صدقه فرشته هم واسطه نیست و مستقیم در دست خدا قرار می‌گیرد.

بزرگ‌ترین اثر هنری برای یک پدر

سعید کریمی در توئیتی با انتشار تصویر فوق نوشت: این جامدادی رو دخترم بهار وقتی خردسال بود برام درست کرد! تا امروز همیشه روی میز کارم بوده! این جامدادی برای من بزرگ‌ترین اثر هنری بود!

محبت در ترازو نگنجد

کاربری با نام «ساحل» نوشت: هر کس که واسه کارگاه بار میاره و از یک‌سال رفت و آمدش بیشتر میشه مامانم براش یه ماگ میبره، میگه این هدیه کارگاه بچه‌هاست به شما. بعد از این اتفاق این آدما جوری عوض میشن که حتی بار رو تا روی پله‌ها میارن! و واقعاً مولانا درست گفته: «در قیامت چون نمازها را بیارند در ترازو نهند و روزه‌ها را همچنین، اما چون محبت را بیارند محبت در ترازو نگنجد، پس اصل محبت است...» (فیه ما فیه)

مشکل کجاست؟!

همت قلی‌زاده در کانال شخصی خود در ایتا نوشت: ما نباید مقطعی به مسئله نگاه کنیم چون کشور دچار مشکلات پیچیده‌ای شده است. دولت باید این سؤال جدی را از خود بپرسد که چطور در دهه ۷۰ پس از جنگ و با قیمت انرژی ۱۰ تا ۵۰ ریالی دولت می‌توانست نیروگاه و سد و کارخانه احداث کند ولی الان حتی قادر نیست حقوق کارمند خود را درست پرداخت کند!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به درگذشت دکتر ناصر قفلی، رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز

کسی که بلد بود با آجر آینده بسازد درگذشت

فوت دکتر ناصر قفلی، رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز، با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران از بزرگ‌منشی و خدمات بسیار او نوشتند. ناصر قفلی، متولد یکم بهمن ۱۳۱۵ بود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترای کشاورزی در آلمان گذرانده بود. قفلی از نخستین افرادی بود که صنعت مرغداری نوین را به ایران آورد و از کارآفرینان بزرگ این سرزمین شد. او که از بنیانگذاران جامعه خیرین مدرسه‌ساز کشور بود در طول عمرش از منابع شخصی خود و خانواده بیش از ۸۰ مدرسه ساخت و در سال ۱۳۹۸ ریاست جامعه خیرین مدرسه‌ساز را بر عهده گرفت. در ادامه واکنش‌های کاربران به درگذشت ایشان را مرور کرده‌ایم.

■ **آتوسا دولت‌یاری:**
آقای ناصر قفلی، رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز هم آسمانی شدن. آرزوی رحمت و مغفرت الهی و صبر برای خانواده گرامی‌شون. به شخصه بارها باهاشون مصاحبت داشتم و صد حیف که چنین نیکانی رو از دست میدیم. روح ایشون و دکتر محمدرضا حافظی دیگر رئیس فقید جامعه شاد.

■ **علی رمضانی:**
دکتر قفلی با همکاری برادرش دهها مدرسه در مناطق محروم کشور احداث کرد و در سال‌های بعد به عنوان رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز کشور، نقش مؤثری در توسعه فضاهای آموزشی ایفا کرد. او در طول عمر پربار خود، بیش از ۸۰ مدرسه در استان‌های مختلف بنا نهاد.

■ **محمدصادق عبداللهی:**
خدا رحمت کند دکتر ناصر قفلی را. آخرین بار در ایام تصویب بودجه ۱۴۰۴ با ویلچر و به‌سختی به کمیسیون آموزش آمدند و نطقی در حمایت از مدرسه ومدرسه‌سازی کردند. زندگی‌شان از تحصیل در آلمان تا ورود به صنعت و مدرسه‌سازی برایم الهام بخش بوده و خواهد بود. به چگونه زیستنش غبطه می‌خورم. الگویی برای جمع ایمان و ثروت که اگر آیندگان نشناسنش مقصریم.

■ **ابراهیم اسلامی:**
«ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم». دکتر ناصر قفلی خیر مدرسه ساز و رئیس هیئت مدیره جامعه خیرین مدرسه‌ساز به رحمت الهی پیوست. نیک اندیشی که به برکت همت والای او، هزاران دانش‌آموز در گوشه و کنار ایران از نعمت آموزش و فضای یادگیری بهره‌مند شدند. روحشان آرام در جوار رحمت الهی.

■ **نرگس ملک‌زاده:**
ناصر قفلی رفت و مدرسه‌ها یتیم شدن. کسی که بلد بود چطور باید با آجر، آینده ساخت.

■ **حسین صادقی:**
عروج ملکوتی دکتر ناصر قفلی، رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز کشور، خانواده بزرگ آموزش و پرورش را به سوگ نشاند. زنده‌یاد قفلی با راهبری ساخت بیش از ۵۰ هزار کلاس درس و ساخت ۸۰ مدرسه از محل منابع خانوادگی در مناطق محروم کشور، ترجمان واقعی محرومیت‌زدایی از فضاهای آموزشی بود. روحش شاد.

■ **یوسف بهارلو:**
درگذشت دکتر ناصر قفلی، پدر مدرسه‌سازی ایران، ضایعه‌ای بزرگ برای جامعه تعلیم و تربیت است. او فقط بنا نساخت، بنیان نهاد؛ بر آینده، امید کاشت. این داغ را به همه نیک‌خواهان آموزش تسلیت می‌گویم. یادش روشن، راهش پُر رهرو.

■ **مجید پارسا:**
چه غم‌انگیز است رفتن کسی که عمرش را صرف ساختن آینده کرد. دکتر ناصر قفلی، دیگر در میان ما نیست، اما صدای خنده کودکان در مدرسه‌هایی که ساخت تا همیشه خواهد ماند. روحش شاد، یادش جاودان.

■ **فرشید شمشیری:**
دکتر ناصر قفلی، همسفر دکتر حافظی و از بزرگان مدرسه‌سازی ایران، آرامش زندگی‌اش را در خدمت به کودکان این سرزمین می‌دید. ۸۰ مدرسه با هزینه شخصی ساخت. در دوران ریاستش بیش از ۴۰ هزار کلاس با مشارکت مردم ساخته شد. او می‌گفت: «خدمت به خلق، خدمت به خداست.»

■ **محمد محمدشیرازی:**
رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز بود. عمرش را صرف ساختن مدارس در مناطق محروم کرد. یکی دوبار بیشتر او را ندیدم. آدم بزرگ‌منشی بود و مورد احترام همه با هر سلیقه و جناح. دو چیز توأمان در او جمع بود: ثروت و هدفی ارزشمند برای مصرف کردن آن. به خدا اعتقاد داشت. خدایش بیامرزد.

آیا هوش مصنوعی می‌تواند احساسات را بهتر از ما درک کند؟

دکتر هادی صمدی، استاد فلسفه و آینده‌پژوه تکاملی در کانال تلگرامی خود نوشت: پژوهشی جدید از دانشگاه ژنو که در نیچر منتشر شده است نشان می‌دهد هوش مصنوعی مولد، مانند مدل‌هایی نظیر چت‌جی‌پی‌تی در آزمون‌های هوش هیجانی عملکردی بهتر از انسان‌ها دارد. شش مدل هوش مصنوعی مولد در آزمون‌های استاندارد هوش هیجانی که برای انسان‌ها طراحی شده‌اند، شرکت کردند. نتایج نشان داد این هوش‌های مصنوعی به طور میانگین به ۸۲ درصد پرسش‌ها پاسخ صحیح دادند، در حالی که این رقم برای انسان‌ها ۵۶ درصد بود. این یعنی هوش مصنوعی نه تنها احساسات را درک می‌کند، بلکه رفتار هوشمندانه از نظر احساسی را نیز تشخیص می‌دهد. علاوه بر پاسخگویی، هوش مصنوعی (مشخصاً چت‌جی‌پی‌تی- ۴) توانست آزمون‌های هوش هیجانی جدیدی با سناریوهای تازه و با کیفیتی مشابه آزمون‌های انسانی (که ساخت و جرح و تعدیل در آنها سال‌ها طول کشیده) در زمانی بسیار کوتاه تولید کند. این یافته‌ها درهای جدیدی را برای استفاده از هوش مصنوعی در زمینه‌هایی مانند آموزش، مربیگری و مدیریت اختلافات باز می‌کند. البته در متن تأکید شده است استفاده از آن باید تحت نظارت متخصصان باشد.

■ **آزمون تورینگ و جایزه لوبنر**

آزمون تورینگ، ایده‌ای از دانشمند کامپیوتر، آلن تورینگ است که در سال ۱۹۵۰ مطرح شد. هدف این آزمون، سنجش توانایی یک ماشین (کامپیوتر یا هوش مصنوعی) در به نمایش گذاشتن رفتاری هوشمندانه است که از رفتار انسان قابل تشخیص نباشد. به زبان خیلی ساده، آزمون به این شکل است که یک داور انسانی داریم و این داور به طور همزمان با دو موجود دیگر از طریق متن (مثلاً چت) صحبت می‌کند بدون اینکه آنها را ببیند. یکی از این دو موجود، یک انسان واقعی است و موجود دیگر، یک ماشین (هوش مصنوعی) است.

وظیفه داور این است که بر اساس گفت‌وگوها تشخیص دهد کدام یک انسان و کدام یک ماشین است. اگر داور نتواند با اطمینان ماشین را از انسان تشخیص دهد (یا به اشتباه ماشین را انسان تشخیص دهد)، گفته می‌شود که آن ماشین آزمون تورینگ را گذرانده است. این آزمون به دنبال سنجش آگاهی یا درک واقعی ماشین نیست، بلکه صرفاً توانایی آن در تقلید قانع‌کننده از رفتار هوشمندانه انسان در گفت‌وگو را می‌سنجد. جایزه لوبنر که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ در چندین نوبت برگزار شد به سازنده ماشینی اهدا می‌شد که بتواند آزمون تورینگ را با موفقیت پشت سر گذارد.

■ **ارتباط یافته‌های مطالعه در مورد هوش هیجانی با آزمون تورینگ**

یافته‌های مطالعه‌ای که در آن هوش مصنوعی در آزمون‌های هوش هیجانی بهتر از انسان عمل کرده، به طور غیرمستقیم با آزمون تورینگ مرتبط است هرچند گذراندن آزمون تورینگ به معنای کلاسیک آن نیست.

آزمون تورینگ به نوعی یک سنجش کلی از توانایی تقلید هوش انسانی است. هوش هیجانی (درک، تفسیر و پاسخ مناسب به احساسات) بخش مهمی از هوش و تعاملات انسانی است. وقتی یک هوش مصنوعی می‌تواند در این زمینه خاص، نه تنها با انسان برابری کند، بلکه از او پیشی بگیرد، نشان می‌دهد که در یکی از جنبه‌های مهمی که برای گذراندن آزمون تورینگ لازم است، پیشرفت چشمگیری داشته است. اگر در یک آزمون تورینگ، بخشی از مکالمه به موقعیت‌های احساسی و نحوه واکنش به آنها مربوط شود، هوش مصنوعی که در این مطالعه بررسی شده است، احتمالاً پاسخ‌هایی می‌دهد که داور آنها را نه تنها انسانی، بلکه بسیار «هوشمندانه از نظر احساسی» تلقی می‌کند. این امر تشخیص ماشین از انسان را دشوارتر می‌کند.

اینکه هوش مصنوعی توانسته است آزمون‌های هوش هیجانی جدید و معتبری ایجاد کند، نشان‌دهنده سطحی از درک یا استدلال در مورد مفاهیم هیجانی است، نه فقط یادگیری الگوهای پاسخ. این توانایی می‌تواند به تولید پاسخ‌های خلاقانه‌تر و انسانی‌تر در یک گفت‌وگوی باز (مانند آزمون تورینگ) کمک کند.

به طور خلاصه، هرچند این یافته‌ها مستقیماً به این معنا نیست که هوش مصنوعی آزمون تورینگ را گذرانده است، زیرا آزمون تورینگ معمولاً یک گفت‌وگوی عمومی و گسترده‌تر را شامل می‌شود، اما نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در یکی از حوزه‌های بسیار پیچیده و انسانی یعنی هوش هیجانی، به سطحی از توانایی رسیده که می‌تواند به طور قابل توجهی به توانایی آن در گذراندن آزمون تورینگ در آینده کمک کند. گویی هوش مصنوعی یک آزمون تورینگ تخصصی برای هوش هیجانی را با موفقیت پشت سر گذاشته که مطابق فهم عرفی سخت‌ترین بخش آزمون بوده است. اکنون شاید زمان برگزاری مجدد آزمون تورینگ فرا رسیده باشد. در گروه آزمایش از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود در چت کردن با انسان و هوش مصنوعی تشخیص دهند کدام انسان بوده و کدام هوش مصنوعی. دو گروه کنترل نیز نیاز است که در یکی از تمامی چت‌ها با انسان و در دیگری تمامی چت‌ها با هوش مصنوعی باشد. این‌بار احتمال اینکه یک هوش مصنوعی مولد جایزه لوبنر را ببرد بسیار بالاست.

چطور بعضی‌ها الکی الکی «استاد» می‌شوند؟!

علیرضا زاهدبر در توئیتی نوشت: گاهی اوقات مردم و مخاطبان آنقدر به آدم استاد استاد می‌گویند که آدمیزاد باورش می‌شود! وقتی جامعه‌ای کتاب نمی‌خواند، اهل پرسش نباشد، اهل یافتن پاسخ سؤالات خود نباشد، وقتی منجمد بماند یک عده که کمی مطالعه داشته باشند می‌شوند استاد! استادی درجه آسانی نیست.

جهان در تهدید ناترازی انرژی

مهدی یحیایی در توئیتی نوشت: میخوان جوایز برندگان فیلم «کن» رو بدن اما برق کل شهر کن قطع شده! ناترازی انرژی داره تمام دنیا رو می‌بلعه. احتمالاً واسه همین هم هست که دیشب ترامپ دستور افزایش غنی‌سازی اورانیوم رو در امریکا صادر کرده.

پیروزی بزرگ ادامه دادن است

امیرعلی بنی‌اسدی در کانال تلگرامی خود نوشت: از کج فهمی‌هایم یکی هم این بود که فکر می‌کردم همه جنگ‌ها برد و باخت دارد که اگر نبرم لابد باخته‌ام. فکر می‌کردم که همه تقلاها یا شکست می‌خورد یا پیروز می‌شود. در همه مسیرها یا به مقصد می‌رسم یا نمی‌رسم. گرفتار یک مشت دوگانه بودم. دوگانه‌هایی که بیشتر وقت‌ها رخ نمی‌دهد. طول کشید تا بفهمم جهان، جهان کشمکش‌هاست. جهانی که کار ما طناب کشی دائمی است. طنابی که دست‌هایمان را زخم می‌کند و این ایرادی ندارد تا وقتی ما به جهان تاریکی مطلق، به سوی دیگر نور و روشنی کشیده نشده‌ایم. از جایی که من به جهان نگاه می‌کنم خیلی‌ها شکست خوردند، خیلی‌ها وا دادند، خیلی‌ها بریدند چون باورشان شده بود که اگر پیروز نشوند لاجرم شکست خورده‌اند. شکست خوردند چون نمی‌دانستند اصل ماجرا وا ندادن است. اصل ماجرا نبریدن است. اصل ماجرا ادامه دادن است. پس در چنین جهانی است که شکست نخوردن، دوام آوردن و ادامه دادن دستاورد بزرگی است، جهانی که در آن به ندرت برد و باخت رخ می‌دهد. جهان نبردهایی که تمام عمر ادامه دارد.

ظرفیت انرژی بادی و خورشیدی چین از انرژی حرارتی پیشی گرفت

کانال تلگرامی «فناوری چین» گزارش داد: برای اولین بار ظرفیت انرژی بادی و خورشیدی چین از ظرفیت تولید برق حرارتی که عمدتاً با سوخت زغال‌سنگ کار می‌کند، پیشی گرفت. این خبر را نهاد ملی انرژی چین در تاریخ ۲۵ آوریل اعلام کرد. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای جهان که عامل اصلی تغییرات اقلیمی هستند، متعهد شده است تا سال ۲۰۳۰ به اوج انتشار کربن برسد و تا سال ۲۰۶۰ به بی‌کربن شدن (کربن خنثی) دست یابد. با اینکه حدود ۶۰ درصد انرژی چین از زغال‌سنگ تأمین می‌شود، این کشور در عین حال قدرتی بزرگ در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر به شمار می‌رود، به‌طوری که طبق پژوهشی که در سال ۲۰۲۴ منتشر شد، چین تقریباً دو برابر سایر کشورها در مجموع ظرفیت انرژی بادی و خورشیدی نصب کرده است. نهاد ملی انرژی چین اعلام کرد: «در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵، ظرفیت جدید نصب‌شده انرژی بادی و فتوولتائیک (خورشیدی) در چین به ۷۴/۳۳ میلیون کیلووات و ظرفیت نصب‌شده تجمیعی به ۱/۴۸۲ میلیارد کیلووات رسید.»

فقط ۳ شب بی‌خوابی کافی است تا قلب آسیب ببیند

کانال تلگرامی «ایتنا» نوشت: در مطالعه‌ای جدید که از سوی دانشگاه اوپسالا (Uppsala) در سوئد انجام شده، محققان دریافتند که تنها سه شب خواب محدود - حدود چهار ساعت در شب - منجر به تغییراتی در ترکیبات خون می‌شود که با افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی ارتباط مستقیم دارد. در این پژوهش، تمرکز بر بررسی پروتئین‌های التهابی موجود در خون بود؛ مولکول‌هایی که در واکنش به استرس یا مبارزه با بیماری‌ها توسط بدن تولید می‌شوند. اگر این پروتئین‌ها برای مدت طولانی در سطحی بالا باقی بمانند، می‌توانند به دیواره رگ‌های خونی آسیب وارد کنند و احتمال بروز نارسایی قلبی، بیماری عروق کرونر قلب و بی‌نظمی ضربان قلب (فیبریلاسیون دهلیزی) را افزایش دهند. اگرچه زندگی مدرن اغلب ما را به سمت قربانی کردن خواب در برابر بهره‌وری، سرگرمی یا استفاده از صفحات نمایش سوق می‌دهد، اما یافته‌های علمی از این دست به ما یادآوری می‌کنند بدن بی‌وقفه امتیاز ثبت می‌کند آرام، شیمیایی و بدون هیچ‌گونه مصالحه‌ای.

استراتژی مؤثر یعنی «نه گفتن آگاهانه»

کانال تلگرامی «مدیریت استراتژیک» نوشت: بسیاری از مدیران تصور می‌کنند اتخاذ تصمیمات متعدد، ورود به بازارهای گوناگون و پاسخگویی به تمام درخواست‌ها، نشانه‌ای از مدیریت فعال و مؤثر است، اما در واقعیت، شرکت‌های پیشرو معمولاً موفقیت خود را مدیون تصمیماتی هستند که آگاهانه نپذیرفته‌اند. چرا «نه گفتن» یک تصمیم استراتژیک محسوب می‌شود؟ چون پذیرش هر پیشنهاد جدید منابع را پراکنده می‌سازد، تمرکز سازمان را کاهش می‌دهد، برند را دچار ابهام می‌کند و عملکرد کلی را تضعیف می‌نماید. در مقابل، سازمان‌هایی که بر یک حوزه مشخص تمرکز دارند، توان رقابتی بالاتری خواهند داشت.

■ **۳ اقدام کلیدی برای نه گفتن حرفه‌ای:**

۱) تعریف شفاف مأموریت و چشم‌انداز سازمان: هر تصمیم باید با مأموریت اصلی سازمان تطبیق داده شود. در صورت عدم هم‌راستایی، تصمیم باید کنار گذاشته شود.

۲) ارزیابی دقیق فرصت‌ها: با استفاده از ابزارهایی نظیر ماتریس اولویت‌بندی باید مشخص گردد کدام پیشنهاد بیشترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند.

۳) ارتباط شفاف با ذی‌نفعان: «نه گفتن» به‌صورت محترمانه و همراه با استدلال منطقی موجب افزایش اعتماد و احترام از سوی همکاران و مشتریان خواهد شد.

سازمان‌های موفق الزاماً آنهایی نیستند که فرصت‌های بیشتری را می‌پذیرند، بلکه آنهایی هستند که با دقت انتخاب می‌کنند کدام مسیر را ادامه ندهند. استراتژی مؤثر با «تمرکز» و «انضباط در تصمیم‌گیری» آغاز می‌شود.

کریدورهای دریایی و سیاست خارجی و امنیتی ترامپ

ابوذر گوهری در کانال تلگرامی خود نوشت: ترامپ سیاست خارجی امریکا را بر اساس تسلط بر پنج کریدور حیاتی دریایی تنظیم کرده و مقابله با نفوذ چین در این مناطق را در اولویت قرار داده است. پنج کلید استراتژیک دریایی:

۱) کانال پاناما: مسئول ۵ تا ۶ درصد تجارت جهانی و ۴۰ درصد تجارت کانتینری امریکا

۲) کانال سوئز: مسیر عبور ۱۲ درصد تجارت جهانی و ۳۰ درصد ترافیک کانتینری. نقش حیاتی در تحرکات نیروی دریایی امریکا در خاورمیانه دارد.

۳) تنگه باب‌المندب: پیونددهنده دریای سرخ و خلیج عدن. تهدیدهای یمن و نزدیکی پایگاه دریایی چین در جیبوتی، اهمیت حضور نظامی امریکا را تقویت می‌کند.

۴) تنگه مالاکا: عبورگاه یک‌سوم حمل‌ونقل دریایی جهان از جمله نفت و گاز. کنترل آن می‌تواند موازنه در دریای چین جنوبی را به نفع امریکا تغییر دهد.

۵) گذرگاه شمال غربی: مسیر تازه‌ای در شمالگان از نظر اقتصادی کمتر مهم، اما از منظر ژئوپلتیکی به دلیل حضور چین، روسیه و ناتو اهمیت فراوان دارد. از این‌رو بحث خرید گرینلند از سوی تیم ترامپ نیز مطرح می‌شود.

رقابت برای تسلط بر این گذرگاه‌ها عمدتاً با چین (در باب‌المندب، مالاکا و شمالگان) و تا حدی با روسیه (در شمالگان) است. با توجه به اینکه ۸۰ درصد تجارت جهانی از طریق دریا انجام می‌شود، کنترل این مسیرها نقش کلیدی در ثبات اقتصادی جهان و امنیت ملی امریکا دارد.

تصویر منتخب

رودخانه اژدهای آبی در پرتغال
از صفحه توئیتری کاربری با نام «مازیار»

برترین روزنامه‌ها

فتنه و آشوب ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه امریکا!

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: برخورد دوگانه امریکا با مذاکرات غیرمستقیمی که روز جمعه پنجمین دور آن برگزار شد، نمی‌تواند اتفاقی! و بدون برنامه‌ریزی قبلی باشد. این برخورد دوگانه و متناقض در متن خود پیام ویژه‌ای دارد که نباید از نگاه هوشمندانه تیم مذاکره‌کننده کشورمان پنهان بماند. موضوع مذاکرات غیرمستقیم اخیر، موازنه صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از یکسو و لغو تحریم‌ها از طرف مقابل بوده و هست، ولی امریکا همزمان با آغاز مذاکرات و در طول آن تحریم‌های تازه‌ای علیه کشورمان وضع کرده است و نکته درخور توجه آنکه وزارت خزانه‌داری امریکا، قبل از هر دوره مذاکرات، زنجیره‌ای از تحریم‌های جدید را به تحریم‌های قبلی افزوده است و این در حالی است که لغو تحریم‌ها یکی از دو سوی موازنه‌ای است که به عنوان هدف و موضوع مذاکرات مطرح شده است. نویسنده اضافه کرده است: همه شواهد حکایت از آن دارند که نگاه امریکا برخلاف آنچه تظاهر می‌کند به مسئله هسته‌ای و درصد غنی‌سازی نیست. ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه امریکا، فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب در داخل کشور است. مواضع متناقض امریکا درباره مذاکرات را باید در این چارچوب ارزیابی کرده و آن را بهره‌گیری از ترفند «کجدار و مریز» برای ادامه مذاکره تا رسیدن به ایستگاه مورد نظر دانست. به گروگان گرفتن شرایط اقتصادی و معیشت مردم از طریق شرطی کردن و گره زدن آن به مذاکرات یکی از اصلی‌ترین اهداف حریف است و در این میان به وضوح می‌توان دید که یک جریان سیاسی آلوده در داخل کشور از مدت‌ها قبل در این عرصه فعال شده است.

تکنیک خلق گزاره‌های کاذب در مذاکرات

روزنامه رسالت در یادداشتی نوشت: خلق گزاره‌های کاذب، تاکتیکی است که برخی کشورها و بازیگران سیاسی در راستای انحراف افکار عمومی از مسئله اصلی صورت می‌دهند. در جریان برگزاری پنجمین دور از مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا در رم، شاهد انتشار خبری هدفمند از سوی یک رسانه اماراتی در خصوص درخواست واشینگتن مبنی بر بازرسی از اماکن نظامی ایران بودیم.
این خبر در حالی منتشر شد که تمرکز افکار عمومی روی اصلی‌ترین مانع در مذاکرات هسته‌ای، یعنی مسئله «غنی‌سازی در خاک ایران» بود. نویسنده اضافه کرده است: قطعاً در خصوص خبرسازی رسانه اماراتی و کذب بودن آن کمترین شبهه‌ای وجود ندارد اما هدف این رسانه و مهم‌تر از آن، منتشرکنندگان پشت پرده این خبر در بحبوحه مذاکرات رم قابل تأمل است. این مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که نسبت به نقش امارات متحده عربی و حکومت بن زاید به‌عنوان یکی از بازوان منطقه‌ای مشترک واشنگتن و تل‌آویو واقف باشیم. نکته دیگر، معطوف به محتوای این خبر و کارکرد آن است: جایی که تلاش شده به مخاطبان خاص و عام مذاکرات هسته‌ای این گونه القا شود که وزن «ستانده‌های ایران» در مذاکرات به‌مراتب کمتر از «داده‌ها» بوده و انعقاد توافق به هر قیمت ممکن برای تهران اهمیت دارد! این القاگری کاذب در حالی صورت می‌گیرد که خطوط قرمز هسته‌ای، نظامی، امنیتی و حقوقی ایران در مذاکرات پررنگ و غیرقابل‌مذاکره (چه رسد به معامله) است. این گزاره القایی، کمترین تناسبی با ثوابت و قواعد تثبیت‌شده در حوزه کلان امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیست و تنها کارکرد آن، درگیرسازی ذهن مخاطبان مذاکرات و خلق دغدغه‌ای موازی در کنار موضوع جنجالی «حق ذاتی غنی‌سازی ایران» است.

مسقط و مفهوم‌سازی جدید در عرصه دیپلماسی

روزنامه صبح‌نو در شماره دیروز خود نوشت: در سپهر متلاطم سیاست غرب آسیا میانجیگری صرفاً نقش انتقال پیام‌ها یا میزبانی گفت‌وگو نیست، بلکه شکل پیشرفته‌ای از کنشگری هوشمند است که می‌تواند معادلات را بازتعریف کند؛ کنشگری مبتنی بر عقلانیت در جهت کاهش تنازعات ساختاری نظام بین‌الملل. سلطنت عمان با تکیه بر سیاست خارجی متمایز و عقلانی، نه‌فقط واسطه‌ای بی‌طرف، بلکه معماری اصیل در خلق فضاهای تنش‌زدا میان ایران و ایالات متحده بوده است. آنچه مسقط انجام می‌دهد نه دیپلماسی حاشیه‌ای، بلکه مشارکت در بازطراحی مسیرهای تنش‌زدایی است. نقشی که باید آن را به رسمیت شناخت، تقویت کرد و فهمید. عمان در حالی به میانجیگری میان تهران و واشینگتن ادامه می‌دهد که نظام امنیتی منطقه عمدتاً بر محور «خصومت نهادینه شده» شکل گرفته و بازیگران عمده منطقه‌ای از ابزارهای نرم دیپلماسی تهی هستند. بسیاری از بازیگران بزرگ منطقه با دوگانه ثروت و اتکا بر غرب به دنبال حفظ نظم غرب محور هستند، اما مسقط به درستی با این دوگانه بیگانه است. درست در چنین بستری کارکرد سیاسی عمان همچون لنگر ثبات عمل کرده است؛ لنگری که به جای مشارکت در بلوک‌های ضدایرانی یا پیروی از منطق تقابل، به‌طور سیستماتیک گفت‌وگو را جانشین تهدید کرده است. این کشور از دهه‌ها پیش با ذخیره‌ای از اعتماد تاریخی نزد تهران و ادراک مثبت در واشینگتن، توانسته حلقه‌ای حیاتی در زنجیره صلح باشد. مذاکرات اخیر در مسقط و سپس در رم بار دیگر این حقیقت را آشکار ساختند که عمان فقط پیام‌رسان نیست، بلکه با ارائه پیشنهادهای ملموس، طراحی مسیرهای گفت‌وگو و حتی ترسیم خطوط میانه میان خواسته‌های حداکثری دو طرف در حال شکل‌دهی به قواعد بازی است. از منظر نظری این نقش را باید در چارچوب «میانجیگری نقش‌آفرین» تحلیل کرد؛ جایی که کشور میانجی نه در حاشیه، بلکه در متن فرایند تصمیم‌سازی قرار دارد.

ایران و آذربایجان پس از یک بحران

روزنامه دولتی ایران در یادداشتی به فصل جدیدی از روابط ایران و جمهوری آذربایجان پرداخت و نوشت: با پایان یافتن یکی از رویدادهای تنش‌زای اخیر میان ایران و جمهوری آذربایجان که در پی حمله مسلحانه به سفارت باکو در تهران رخ داد، اکنون زمینه برای تمرکز دو کشور بر تعمیق همکاری‌های اقتصادی راهبردی فراهم شده است؛ ظرفیتی که اگر به درستی بهره‌برداری شود، می‌تواند فصل تازه‌ای در مناسبات دو کشور همسایه رقم بزند. در شرایط فعلی، یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌دهنده روابط ایران و جمهوری آذربایجان، حوزه اقتصادی، تجاری و ترانزیتی است. این روابط در ماه‌های اخیر با تحولات تازه‌ای همراه شده که نشان از افق‌های نو در همکاری‌های دوجانبه دارد. کریدور شمال- جنوب که اصلی‌ترین مسیر ترانزیتی میان ایران و اوراسیا محسوب می‌شود، از خاک جمهوری آذربایجان عبور می‌کند و شهرهای آستارا، باکو، داغستان، مناطق غربی روسیه و حتی بلاروس را به هم متصل می‌سازد. تحول مهم دیگر در روابط دو کشور، به قرارداد گازی ایران و روسیه بازمی‌گردد که مقرر شده سالانه ۵۵میلیارد‌مترمکعب گاز از مسیر جمهوری آذربایجان و نقطه مرزی آستارا به ایران تحویل داده شود. این مسیر انتقال انرژی، بار دیگر یادآور نقش تاریخی آستارا در مبادلات گازی ایران با شوروی سابق است. در کنار این همکاری‌های راهبردی، پیوندهای تجاری نیز پتانسیل قابل توجهی برای گسترش دارند. در مجموع، شرایط کنونی- با پایان یافتن یکی از مهم‌ترین بحران‌های سیاسی میان تهران و باکو- فرصتی کم‌نظیر برای ترمیم و تقویت روابط دوجانبه فراهم کرده است. اگر دولت‌ها در تهران و باکو با نگاهی عمل‌گرایانه به تحولات اخیر بنگرند، این همکاری‌ها می‌تواند الگویی موفق از همزیستی راهبردی و همکاری‌های اقتصادی پایدار در منطقه قفقاز خلق کند.

تحلیل

فائزه‌سادات یوسفی

بازدارندگی دفاعی سال‌هاست گزینه نظامی را از روی میز دشمنان برداشته است

ضرورت بازسازی بازدارندگی سیاسی

بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات دشمنان در منازعات منطقه‌ای و جهانی، از چند جهت تأمین می‌شود. مهم‌ترین رکن این بازدارندگی، بر توانمندی‌های نظامی و قدرت دفاعی بازدارنده استوار است. کشوری که بتواند قدرت تدافعی خود را تا سطح خنثی‌سازی تهدیدات ارتقا دهد و همزمان قابلیت تهاجمی مؤثر خود را اثبات کند، قادر خواهد بود امنیت خود را در برابر هرگونه تهدیدی تضمین کند.
از طرفی اقدامات سیاسی مؤثر برای رفع تهدیدات، به‌کارگیری راهبردهای مدون برای مهار فشارها و تهدیدات و همچنین پویایی سیاسی کارا در نظام بین‌الملل، می‌تواند سبب بازدارندگی سیاسی شود. به عنوان نمونه، تقویت روابط با کشورهای منطقه و جهان، عضویت در سازمان‌های نوپای خارج از نظم غربی چون بریکس، تقویت قدرت علمی و صنعتی و همچنین استفاده از قدرت نرم دیپلماسی در تعیین جایگاه ایران و در تشکیل اتحادهای معارض با غرب در این زمره قرار دارند.
با وجود دیدگاه‌های متفاوت در این رابطه، اما می‌توان این دو مقوله بازدارندگی سیاسی و نظامی را لازم و ملزوم هم تعریف و از تفکیک معنایی آن دو اجتناب کرد.

■ بومرنگ تهدیدات نظامی علیه ایران

در حال حاضر ایران به لحاظ داشتن قدرت دفاعی و صنایع پیشرفته نظامی در زمره قدرتمندترین کشورهای دنیا از امنیت برخوردار است و پایدار نگه داشتن این امنیت نیز در گرو تقویت مؤلفه‌های آن خواهد بود.
در واقع، دستاوردهای موفق صنایع دفاعی کشور موجب بازدارندگی نظامی حداکثری ایران در جهان و تغییر رفتار بازیگران متخاصم شده است. به عنوان نمونه پیش از این، طرف‌های غربی در مذاکراتی که با نمایندگان ایران داشتند، مرتب از گزینه نظامی روی میز سخن می‌گفتند، اما اکنون و به مدد توسعه و تقویت توان دفاعی کشور، خصوصاً در حوزه پهپادی و موشکی، ایران به سطحی از بازدارندگی رسیده که گزینه تهدید سال‌هاست از روی میز دشمن طرد شده است. اگر هم اکنون جبهه مشترک امریکایی- صهیونیستی به طور متناوب ایران را به اقدام نظامی تهدید می‌کند، هدفی جز تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر در رفتار ایران ندارد و به اعتراف بسیاری از ناظران سیاسی، قدرت عملی کردن تهدیداتش را ندارند.

■ اثرات ویران‌کننده اقدام نظامی علیه ایران برای امریکا

در حال حاضر، تحلیل‌های متعددی در جهان مطرح است که تشدید تنش امریکا با ایران، حتی بدون وقوع جنگ، پیامدهای فاجعه‌باری برای ایالات‌متحده به دنبال خواهد داشت. این تحلیل‌ها، هر گونه تحرک نظامی علیه ایران را سبب بروز فاجعه‌ای غیرقابل بازگشت برای منافع امریکا در منطقه قلمداد می‌کنند؛ موضوعی که حتی کاخ سفید هم از آن به خوبی آگاه است، زیرا جنگ با ایران یک درگیری خونین و غیرضروری را در سراسر منطقه به وجود خواهد دارد که امکان باخت امریکا در آن بیشتر خواهد بود.
نمونه بارز این باخت، در شکست راهبرد این کشور علیه یمن به ثمر نشست. در بحبوحه ابتدایی مذاکرات، ترامپ اعلام کرده بود ایالات‌متحده حملات شبه‌نظامیان انصارالله یمن را به مثابه حملاتی از سوی تهران قلمداد و با آن برخورد خواهد کرد، اما ناتوانی امریکا در عملی کردن این تهدید ادعایی و استمرار حملات یمن به خاک سرزمین‌های اشغالی، اعتبار تهدیدات این کشور را در پیش ناظران جهانی زائل کرد و نشان داد امریکا نه تنها توانایی، بلکه اراده‌ای برای عملی کردن تهدیداتش علیه ایران ندارد. اکنون نیز امریکا با اقدام به افزایش استقرار ناوهای جنگی و تجهیزات نظامی در منطقه، تلاشی را برای نمایش قدرت در برابر ایران و القای فشار به ایران در پیش گرفته است، در نتیجه تثبیت و ارتقای قدرت تدافعی و تهاجم نظامی ایران، امریکا را وادار به طرح گزینه‌هایی کرده که فاقد اعتبار لازم است. این کشور در استراتژی‌های چندوجهی خود علیه ایران ناکام مانده است، از این رو تلاش دارد با بازکردن دریچه تعاملات دیپلماتیک با ایران، امکان دستیابی به اهدافش را آزمایش کند.
در این میان، خطای راهبردی که در این برهه حساس و تعیین‌کننده وجود دارد، ترویج این دیدگاه است که ایران با کاستن از صورت تهاجمی خود و تعدیل روابطش با امریکا می‌تواند امنیت خود را تضمین کند؛ دیدگاهی که هیچ پشتوانه منطقی و اصولی ندارد و حتی سابقه تاریخی عملکرد امریکا در قبال کشورهای جهان به وضوح آن را رد می‌کند.

■ خطر محدودکردن بازدارندگی سیاسی به مذاکره با امریکا

یکی از معضل‌های موجود در کشور که بر اثرات جانبی آن بر سیاست خارجه ایران سایه انداخته، انحصار معنای بازدارندگی سیاسی صرفاً به «وجود» رابطه با غرب است. به این منظور، مدافعان این دیدگاه دائماً تلاش می‌کنند ایجاد رابطه با غرب و به ویژه امریکا را تنها راهکار رفع تهدیدات معرفی کنند، بنابراین توافق با امریکا را ضروری و لازم جلوه دهند.
عده‌ای از این افراد که الزاماً در دستگاه سیاست خارجه نیستند، اما از نفوذ بالایی برخوردارند، طرفدار دکترین موهوم «هر نوع توافق بهتر از عدم‌توافق است» هستند که در حال حاضر، فشارهای سیاسی را از جنبه‌های مختلف برای وادار کردن ایران به بدترین توافق ممکنه وارد می‌کنند. این افراد، به مذاکره و توافق به عنوان پیش‌شرط رابطه با امریکا نگاه می‌کنند و درصدد هستند از کانال مذاکره با امریکا، فرصتی را برای ایجاد رابطه با امریکا فراهم آورند؛ همان‌هایی که طی ماه‌های گذشته با غوغاسازی رسانه‌ای بر لزوم مذاکره مستقیم با امریکا تأکید می‌کردند. تردیدی نیست که اتفاقاً چنین دیدگاهی تا چه میزان به اعتبار ایران ضربه وارد و تهدیدات مشترک امریکایی- صهیونیستی را تشدید کرده است، زیرا امریکا تنها گفت‌وگوهای دیپلماتیک را منبع مطالعاتی قرار نمی‌دهد، بلکه این کشور مترصد تحولات و دیدگاه‌های موجود در کشور است و بخشی از سیاست‌های اعمالی را بر اساس آن تنظیم می‌کند، از این رو اگر ایران طوری نقش‌آفرینی کند که موجودیت مذاکره با امریکا را حفظ کرده و هراس خود را از اینکه امریکا میز مذاکرات را ترک کند، نشان دهد، دقیقاً اختیار عمل را به امریکا واگذار کرده است، در نتیجه شرایطی را برای تشدید فشارها، تهدیدات و زیر پا گذاشتن خطوط قرمز ایران فراهم می‌کند، این امر از اعتبار ایران در دید دولتمردان جهان کاسته و بازدارندگی ایران را در ابعاد دیگر نیز مخدوش می‌کند.

دفاعی

فرمانده کل سپاه:

هنر مقاومت جلوگیری از دفن ملت‌ها زیر آوار تهاجم فرهنگی است

دشمن کاری می‌کند که ما در دفاع از ارزش‌های خود خجالت بکشیم و جرئت نکنیم فکر کنیم. ما اگر از ارزش‌های‌مان دفاع کنیم هو می‌شویم، اگر از مقدسات دفاع کنیم متهم می‌شویم، این کار دشمن است و آنقدر تکرار می‌کند که ما باور کنیم ولی ما ایستاده‌ایم و می‌دانیم باید از چه حقیقتی دفاع کنیم.

به گزارش ایسنا، سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه شنبه شب در اختتامیه هجدهمین دوره جشنواره فیلم مقاومت با بیان اینکه امشب یکی از شب‌های پرشکوه و پرافتخار ملت عزیز ایران است، اظهار کرد: ۴۳سال پیش در چنین روزی پاره تن ملت ایران و کشور عزیزمان خرمشهر به مام میهن بازگشت و ایرانیان یکی از نقاط اوج عظمت نام بزرگ ایران را در جهان متجلی کردند.
وی ادامه داد: با چشمان سر می‌بینیم و با گوش سرمان می‌شنویم، آنچه با چشمان‌مان می‌بینیم عموماً مقیاس‌های فیزیکی پدیده‌ها هستند. ما طول و عرض و ارتفاع اجسام را، رنگ‌های آنها را، زمینه‌ها را، کرانه‌ها را و احجام را می‌بینیم یا پژواک صداها را می‌شنویم.
فرمانده کل سپاه تأکید کرد: ما واقعیت‌ها را با چشم و گوش می‌بینیم و می‌شنویم، اما ورای این چشم و گوش ظاهری ما یک چشم و گوش حقیقت‌بینی هست که با آن می‌توانیم احساس کنیم می‌توانیم ماورای اجسام را ببینیم، می‌توانیم نور حقیقت را ببینیم و آن قلب ماست. انسان با قلب به عمیق‌ترین منبع معرفت خود دست می‌یابد. وی یادآور شد: برای اینکه حقیقت را از واقعیت تشخیص بدهیم، نیاز به استفاده از چشم و گوش باطنی خود که در قلب ما تعبیه شده است، داریم. هنرمندان با قلب خود به قلب دیگران سفر می‌کنند.
فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه نبرد ما نبرد نور و تاریکی است، اظهار کرد: شیطان و شیاطین انس و جن تلاش می‌کنند تیرگی جهل، نابینایی معرفتی و حتی نابینایی سیاسی را بر انسان‌ها غلبه دهند و انسان‌ها را آنگونه بسازند که خود می‌خواهند. همانگونه که دشمنان ما گفتند، می‌خواهیم کاری کنیم حرکات فیزیکی ملت‌ها تابع فعل و انفعالات ذهنی آنها نباشد، آنها به ما گفتند هنر اصلی ما جداسازی ذهن از جسم است. این یعنی تغییر هویت یک ملت از منبع خلقت هویت خود به یک سرزمین دیگر، یعنی اینکه ما تابع اراده سیاسی، تابع جهان‌بینی و تابع آن مطلوبیت‌هایی باشیم که آنها برای‌مان ترسیم می‌کنند.
سلامی یادآور شد: وقتی امریکایی‌ها استراتژی خود را برای قرن ۲۱ می‌نوشتند و رئیس‌جمهور وقت امریکا بر آن مقدمه می‌نگاشت، قرن ۲۱ را قرن نزدیک‌شدن شتابدار قاره‌ها به یکدیگر توصیف کرد که در آن همه انسان‌ها شهروند یک دهکده جهانی و همه مردمان عالم دارای سه خصوصیت مشترک باشند. گفتند انسان‌ها باید در قرن جدید بر اساس ایده و طرح امریکایی در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، امریکایی‌های غیرامریکایی باشند، یعنی کسانی که در ملیت متعلق به کشور خودشان هستند اما در هویت، در شخصیت، در فرهنگ، در جهان‌بینی و در نگرش امریکایی باشند؛ کسانی که به واقع امریکایی نیستند اما با ارزش‌های امریکایی زندگی می‌کنند، این یعنی جهانی شدن فرهنگ، اندیشه و اعتقاد. این سه خصوصیت اینها بود.
وی با تأکید بر اینکه هنرمندان ما باید بدانند در چه فضایی می‌سازند و خلق می‌کنند، ادامه داد: سران امریکا گفتند باید همه دارای عقاید یکسان باشند و تفاضل اعتقادات و ارزش‌ها همه محو شوند. همه دارای یک اعتقاد واحد باشند؛ اعتقادی که از سرمنشأ تولید آن سرچشمه می‌گیرد.
سلامی ادامه داد: وقتی اینگونه باشد همه این خصوصیت را پیدا می‌کنند، همه مصرف‌کننده کالاهای یکسان می‌شوند، یعنی جهانی‌سازی اقتصاد و این لازمه‌اش این است که همه دارای اطلاعات یکسان در آن واحد باشند. این یعنی سوار شدن بر چشم، بر گوش، بر قلب و بر ذهن، یعنی از دست دادن هویت، ملیت، معرفت و بنیادهای اعتقادی و از بین رفتن سنت‌ها، آداب، محو شدن شکوه ملت‌ها و از دست رفتن استقلال. وی افزود: امریکا این کار خطرناک را سال‌های سال است انجام می‌دهد و ما تحت تأثیر این عملیات سنگین ارزش‌زدایی فرهنگی غرب در جوامع مسلمان هستیم و هنر مقاومت پاسداشت این فضیلت‌هاست؛ حفظ ایرانی بودن، اسلامی بودن و سنت‌ها و حافظه تاریخی بزرگی که ما را در جهان معرفی می‌کند.
فرمانده کل سپاه گفت: پس هنرمندان خالقان این حقیقت هستند و هنر والا، هنر متعالی، هنر متعهد، هنر برخاسته از قلب که به روح انسان وسعت می‌دهد، اتفاقاً ابعاد لایتناهی شخصیت انسان را می‌تواند توصیف کند، این هنر، هنر والاست.
سلامی یادآور شد: هنر مقاومت از این جنس است؛ هنری که می‌خواهد از دفن ملت‌ها زیر آوار تهاجم فرهنگی دشمنان جلوگیری کند، هنر افتخار و جاودانگی هنر بقا.
وی با بیان اینکه فرهنگ مقاومت الهام‌بخش عزت است، افزود: عزیز کسی است که تحقیر نمی‌شود، نفوذ نمی‌پذیرد، شکست نمی‌خورد و ذلیل نمی‌شود. فرهنگ مقاومت، فرهنگ بسط، ترویج، تعمیق این مفاهیم و معانی در پیکره روح یک ملت است. فرهنگ مقاومت با روح انسان ارتباط می‌گیرد.
فرمانده کل سپاه گفت: دشمن کاری می‌کند که ما در دفاع از ارزش‌های خود خجالت بکشیم و جرئت نکنیم فکر کنیم. ما اگر از ارزش‌های‌مان دفاع کنیم هو می‌شویم. اگر از مقدسات دفاع کنیم، متهم می‌شویم، این کار دشمن است و آنقدر تکرار می‌کند که ما باور کنیم ولی ما ایستاده‌ایم و می‌دانیم باید از چه حقیقتی دفاع کنیم. سرشت جامعه خود را بر چه عناصری پایه‌گذاری کنیم تا این کشور و این ملت بماند.

گزیده خبر

رئیس جمهور:

زنده نگه‌داشتن یاد شهدا ارزشمند است اما مهم‌تر ادامه راه آنان است

زنده نگه‌داشتن یاد شهدا ارزشمند است، اما مهم‌تر آن است که راه آنان را ادامه دهیم و مهم‌تر از یادآوری، این است که مردم این سرزمین را از فقر، بی‌عدالتی و ناترازی‌های موجود نجات دهیم.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در همایش «خلاقیت و نوآوری در مهندسی دفاع مقدس» که در دانشگاه تهران برگزار شد، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای والامقام انقلاب اسلامی و نیز سالروز فتح خرمشهر، با مرور خاطراتی از دوران جوانی خود، بر ضرورت بازگشت به روحیه ایثار و باورمندی آن روزها تأکید کرد.
وی گفت: همواره بر این باور بوده‌ام و بارها تکرار کرده‌ام که امکان ندارد با این همه علم، امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار داریم، اگر اراده کنیم، نتوانیم مشکلات کشور را حل کنیم. آن زمان که جوان بودیم، نه سواد زیادی داشتیم، نه پولی در اختیارمان بود و نه پشتیبانی گسترده‌ای داشتیم اما دوستانی بودند که با خلاقیت، اقداماتی کردند که در تصور بسیاری نمی‌گنجید.
رئیس‌جمهور با بیان اینکه امروز کشور با پیچیدگی‌ها و چالش‌های بیشتری نسبت به دوران دفاع مقدس مواجه است، اظهار داشت: قطعاً امروز از جایگاه قوی‌تر و امکانات بسیار بیشتری برخورداریم و اگر نتوانیم با این جایگاه و امکانات، بر مشکلات غلبه کنیم، فردا پاسخ شهدایی را که با خلوص جان خود را تقدیم کردند، چگونه خواهیم داد؟
پزشکیان با اشاره به برخی نارسایی‌ها از جمله ناترازی‌ها، افزود: معتقدم اگر باور درونی باشد و علم در خدمت آن باور قرار گیرد، محال است نتوانیم مسائل را حل کنیم. هیچ گرفتاری‌ای نیست که بر آن چیره نشویم، به شرط آنکه عشق به مردم، به این خاک و به این سرزمین در وجود ما زنده باشد.
رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه امروز برخی برای مقام و موقعیت معامله می‌کنند، در حالی که در دوران دفاع مقدس، معامله‌ها با عشق، ایمان، باور و برای مردم بود و در میدان عمل نمود داشت، تصریح کرد: در دفاع مقدس عراق با تمام پشتیبانی‌های جهانی به میدان آمده بود تا ما را از پا درآورد، اما نتوانست چراکه پشت این کشور، جوانانی ایستاده بودند که با تمام وجود، خالصانه برای دفاع از خاک خود تلاش می‌کردند.
پزشکیان با اشاره به آمادگی سرپرست دانشگاه تهران برای به میدان آوردن ظرفیت دانشگاه برای کمک به دولت، تصریح کرد: این گوی و این میدان، ما می‌توانیم، به شرطی که از اتاق‌ها بیرون بیاییم و نه فقط با تحقیق و پژوهش، بلکه در میدان عمل حاضر شویم.
پزشکیان در پایان، ضمن تقدیر از برگزارکنندگان همایش، با بیان اینکه رفتار امروز ما با سیره شهدا فاصله دارد و این فاصله باید کاسته شود، تصریح کرد: زنده نگه‌داشتن یاد شهدا ارزشمند است، اما مهم‌تر آن است که راه آنان را ادامه دهیم و مهم‌تر از یادآوری، این است که مردم این سرزمین را از فقر، بی‌عدالتی و ناترازی‌های موجود نجات دهیم. ما با کمک شما می‌توانیم و اگر علم و آگاهی، با درد و عشق توأم باشد، هیچ غیر ممکنی در برابر آن تاب مقاومت ندارد، باید غیرممکن‌ها را ممکن کنیم و این کار، شدنی است.

محمدمهدی سلامی | جوان

جانشین رئیس سازمان بسیج:

پیروزی‌های چشمگیر مرهون اعتماد امامین انقلاب به جوانان است

پیشرفت‌های ایران اسلامی مرهون امام(ره) و مقام معظم رهبری است که به جوانان و فرزندان غیور ایران اسلامی اعتماد کردند؛ جوانانی مانند شهید طهرانی‌مقدم که امروزه موشک‌های پیشرفته در ایران ساخته می‌شود.
به گزارش «جوان» سردار سید قاسم قریشی، جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین در همایشی که به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر، عملیات غرورآفرین حاج عمران، سالروز شهادت شهید محمد بروجردی و سالگرد شهادت شهدای خدمت در مصلای امام خمینی(ره) شهرستان بروجرد برگزار شد، بیان کرد: قبل از انقلاب فقط سه‌درصد روستاها برق داشت، اگر کارشکنی دشمنان نبود ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای مشکل ناترازی برق را حل می‌کرد.
وی اضافه کرد: ایران جزو کشورهای برتر سدسازی، پالایشگاه و نیروگاه‌سازی در جهان است.
قریشی با اشاره به عملیات بیت‌المقدس تصریح کرد: در عملیات بیت‌المقدس اسلحه و فشنگ نداشتیم، اما امروز پیشرفته‌ترین سلاح‌ها در داخل کشور ساخته می‌شود، انواع و اقسام سلاح‌ها و تجهیزات و موشک‌های پیشرفته در ایران ساخته می‌شود.
وی عنوان کرد: موشکی که از لایه‌های پدافندی و سیستم‌های دشمنان عبور و در اسرائیل با هدف برخورد کند از دستاوردهای بزرگ نظامی ایران است. پیشرفت‌های ایران اسلامی مرهون امام(ره) و مقام معظم رهبری است که به جوانان و فرزندان غیور ایران اسلامی اعتماد کردند؛ جوانانی مانند شهید طهرانی‌مقدم که امروزه موشک‌های پیشرفته در ایران ساخته می‌شود.
قریشی با اشاره به اینکه انرژی هسته‌ای از اولویت‌های مهم است، افزود: مردم ولایتمدار ایران اسلامی با رهبری شجاع در مقابل دشمنان ایستاده است، انرژی هسته‌ای از اولویت‌های مهم است؛ از درمان تا کشاورزی و تولید برق تأثیر دارد.
وی اظهار داشت: دشمنان در زمان جنگ به ما سیم خاردار نمی‌دادند، امروزه ایران به تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم دست یافته است. حفظ غنی‌سازی و توان هسته‌ای واجب و برای فردای ایران اسلامی واجب‌تر است، دشمنان قصد دارند توان هسته‌ای را از ایران بگیرند.
جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به اینکه تاکنون مذاکرات با امریکا در چارچوب ایران انجام شده است، خاطرنشان کرد: مذاکرات غیرمستقیم انجام شد، امریکا قابل اعتماد نیست ولی مذاکرات در چارچوب نظام و حفظ منافع ملت است که این مهم با مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان محقق خواهد شد.

نبض روزنامه‌ها

فتنه و آشوب
ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه امریکا!

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: برخورد دوگانه امریکا با مذاکرات غیرمستقیمی که روز جمعه پنجمین دور آن برگزار شد، نمی‌تواند اتفاقی! و بدون برنامه‌ریزی قبلی باشد. این برخورد دوگانه و متناقض در متن خود پیام ویژه‌ای دارد که نباید از نگاه هوشمندانه تیم مذاکره‌کننده کشورمان پنهان بماند. موضوع مذاکرات غیرمستقیم اخیر، موازنه صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از یکسو و لغو تحریم‌ها از طرف مقابل بوده و هست، ولی امریکا همزمان با آغاز مذاکرات و در طول آن تحریم‌های تازه‌ای علیه کشورمان وضع کرده است و نکته درخور توجه آنکه وزارت خزانه‌داری امریکا، قبل از هر دوره مذاکرات، زنجیره‌ای از تحریم‌های جدید را به تحریم‌های قبلی افزوده است و این در حالی است که لغو تحریم‌ها یکی از دو سوی موازنه‌ای است که به عنوان هدف و موضوع مذاکرات مطرح شده است. نویسنده اضافه کرده است: همه شواهد حکایت از آن دارند که نگاه امریکا برخلاف آنچه تظاهر می‌کند به مسئله هسته‌ای و درصد غنی‌سازی نیست. ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه امریکا، فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب در داخل کشور است. مواضع متناقض امریکا درباره مذاکرات را باید در این چارچوب ارزیابی کرده و آن را بهره‌گیری از ترفند «کجدار و مریز» برای ادامه مذاکره تا رسیدن به ایستگاه مورد نظر دانست. به گروگان گرفتن شرایط اقتصادی و معیشت مردم از طریق شرطی کردن و گره زدن آن به مذاکرات یکی از اصلی‌ترین اهداف حریف است و در این میان به وضوح می‌توان دید که یک جریان سیاسی آلوده در داخل کشور از مدت‌ها قبل در این عرصه فعال شده است.

تکنیک خلق گزاره‌های کاذب در مذاکرات

روزنامه رسالت در یادداشتی نوشت: خلق گزاره‌های کاذب، تاکتیکی است که برخی کشورها و بازیگران سیاسی در راستای انحراف افکار عمومی از مسئله اصلی صورت می‌دهند. در جریان برگزاری پنجمین دور از مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا در رم، شاهد انتشار خبری هدفمند از سوی یک رسانه اماراتی در خصوص درخواست واشینگتن مبنی بر بازرسی از اماکن نظامی ایران بودیم.

این خبر در حالی منتشر شد که تمرکز افکار عمومی روی اصلی‌ترین مانع در مذاکرات هسته‌ای، یعنی مسئله «غنی‌سازی در خاک ایران» بود. نویسنده اضافه کرده است: قطعاً در خصوص خبرسازی رسانه اماراتی و کذب بودن آن کمترین شبهه‌ای وجود ندارد اما هدف این رسانه و مهم‌تر از آن، منتشرکنندگان پشت پرده این خبر در بحبوحه مذاکرات رم قابل‌تأمل است. این مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که نسبت به نقش امارات متحده عربی و حکومت بن زاید به‌عنوان یکی از بازوان منطقه‌ای مشترک واشینگتن و تل‌آویو واقف باشیم. نکته دیگر، معطوف به محتوای این خبر و کارکرد آن است: جایی که تلاش شده به مخاطبان خاص و عام مذاکرات هسته‌ای این گونه القا شود که وزن «ستانده‌های ایران» در مذاکرات به‌مراتب کمتر از «داده‌ها» بوده و انعقاد توافق به هر قیمت ممکن برای تهران اهمیت دارد! این القاگری کاذب در حالی صورت می‌گیرد که خطوط قرمز هسته‌ای، نظامی، امنیتی و حقوقی ایران در مذاکرات پررنگ و غیرقابل‌مذاکره (چه رسد به معامله) است. این گزاره القایی، کمترین تناسبی با ثوابت و قواعد تثبیت‌شده در حوزه کلان امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیست و تنها کارکرد آن، درگیرسازی ذهن مخاطبان مذاکرات و خلق دغدغه‌ای موازی در کنار موضوع جنجالی «حق ذاتی غنی‌سازی ایران» است.

مسقط و مفهوم‌سازی جدید در عرصه دیپلماسی

روزنامه صبح‌نو در شماره دیروز خود نوشت: در سپهر متلاطم سیاست غرب آسیا میانجیگری صرفاً نقش انتقال پیام‌ها یا میزبانی گفت‌وگو نیست، بلکه شکل پیشرفته‌ای از کنشگری هوشمند است که می‌تواند معادلات را بازتعریف کند؛ کنشگری مبتنی بر عقلانیت در جهت کاهش تنازعات ساختاری نظام بین‌الملل. سلطنت عمان با تکیه بر سیاست خارجی متمایز و عقلانی، نه‌فقط واسطه‌ای بی‌طرف، بلکه معماری اصیل در خلق فضاهای تنش‌زدا میان ایران و ایالات متحده بوده است. آنچه مسقط انجام می‌دهد نه دیپلماسی حاشیه‌ای، بلکه مشارکت در بازطراحی مسیرهای تنش‌زدایی است. نقشی که باید آن را به رسمیت شناخت، تقویت کرد و فهمید. عمان در حالی به میانجیگری میان تهران و واشینگتن ادامه می‌دهد که نظام امنیتی منطقه عمدتاً بر محور «خصومت نهادینه شده» شکل گرفته و بازیگران عمده منطقه‌ای از ابزارهای نرم دیپلماسی تهی هستند. بسیاری از بازیگران بزرگ منطقه با دوگانه ثروت و اتکا بر غرب به دنبال حفظ نظم غرب محور هستند، اما مسقط به درستی با این دوگانه بیگانه است. درست در چنین بستری کارکرد سیاسی عمان همچون لنگر ثبات عمل کرده است؛ لنگری که به جای مشارکت در بلوک‌های ضدایرانی یا پیروی از منطق تقابل، به‌طور سیستماتیک گفت‌وگو را جانشین تهدید کرده است. این کشور از دهه‌ها پیش با ذخیره‌ای از اعتماد تاریخی نزد تهران و ادراک مثبت در واشینگتن، توانسته حلقه‌ای حیاتی در زنجیره صلح باشد. مذاکرات اخیر در مسقط و سپس در رم بار دیگر این حقیقت را آشکار ساختند که عمان فقط پیام‌رسان نیست، بلکه با ارائه پیشنهادهای ملموس، طراحی مسیرهای گفت‌وگو و حتی ترسیم خطوط میانه میان خواسته‌های حداکثری دو طرف در حال شکل‌دهی به قواعد بازی است. از منظر نظری این نقش را باید در چارچوب «میانجیگری نقش‌آفرین» تحلیل کرد؛ جایی که کشور میانجی نه در حاشیه، بلکه در متن فرایند تصمیم‌سازی قرار دارد.

ایران و آذربایجان پس از یک بحران

روزنامه دولتی ایران در یادداشتی به فصل جدیدی از روابط ایران و جمهوری آذربایجان پرداخت و نوشت: با پایان یافتن یکی از رویدادهای تنش‌زای اخیر میان ایران و جمهوری آذربایجان که در پی حمله مسلحانه به سفارت باکو در تهران رخ داد، اکنون زمینه برای تمرکز دو کشور بر تعمیق همکاری‌های اقتصادی راهبردی فراهم شده است؛ ظرفیتی که اگر به درستی بهره‌برداری شود، می‌تواند فصل تازه‌ای در مناسبات دو کشور همسایه رقم بزند. در شرایط فعلی، یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌دهنده روابط ایران و جمهوری آذربایجان، حوزه اقتصادی، تجاری و ترانزیتی است. این روابط در ماه‌های اخیر با تحولات تازه‌ای همراه شده که نشان از افق‌های نو در همکاری‌های دوجانبه دارد. کریدور شمال - جنوب که اصلی‌ترین مسیر ترانزیتی میان ایران و اوراسیا محسوب می‌شود، از خاک جمهوری آذربایجان عبور می‌کند و شهرهای آستارا، باکو، داغستان، مناطق غربی روسیه و حتی بلاروس را به هم متصل می‌سازد. تحول مهم دیگر در روابط دو کشور، به قرارداد گازی ایران و روسیه بازمی‌گردد که مقرر شده سالانه ۵۵میلیارد مترمکعب گاز از مسیر جمهوری آذربایجان و نقطه مرزی آستارا به ایران تحویل داده شود. این مسیر انتقال انرژی، بار دیگر یادآور نقش تاریخی آستارا در مبادلات گازی ایران با شوروی سابق است. در کنار این همکاری‌های راهبردی، پیوندهای تجاری نیز پتانسیل قابل توجهی برای گسترش دارند. در مجموع، شرایط کنونی - با پایان یافتن یکی از مهم‌ترین بحران‌های سیاسی میان تهران و باکو - فرصتی کم‌نظیر برای ترمیم و تقویت روابط دوجانبه فراهم کرده است. اگر دولت‌ها در تهران و باکو با نگاهی عمل‌گرایانه به تحولات اخیر بنگرند، این همکاری‌ها می‌تواند الگویی موفق از همزیستی راهبردی و همکاری‌های اقتصادی پایدار در منطقه قفقاز خلق کند.

تحلیل

فائزه‌سادات یوسفی

بازدارندگی دفاعی سال‌هاست گزینه نظامی را از روی میز دشمنان برداشته است

ضرورت بازسازی بازدارندگی سیاسی

بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات دشمنان در منازعات منطقه‌ای و جهانی، از چند جهت تأمین می‌شود. مهم‌ترین رکن این بازدارندگی، بر توانمندی‌های نظامی و قدرت دفاعی بازدارنده استوار است. کشوری که بتواند قدرت تدافعی خود را تا سطح خنثی‌سازی تهدیدات ارتقا دهد و همزمان قابلیت تهاجمی مؤثر خود را اثبات کند، قادر خواهد بود امنیت خود را در برابر هرگونه تهدیدی تضمین کند.

از طرفی اقدامات سیاسی مؤثر برای رفع تهدیدات، به‌کارگیری راهبردهای مدون برای مهار فشارها و تهدیدات و همچنین پویایی سیاسی کارا در نظام بین‌الملل، می‌تواند سبب بازدارندگی سیاسی شود. به عنوان نمونه، تقویت روابط با کشورهای منطقه و جهان، عضویت در سازمان‌های نوپای خارج از نظم غربی چون بریکس، تقویت قدرت علمی و صنعتی و همچنین استفاده از قدرت نرم دیپلماسی در تعیین جایگاه ایران و در تشکیل اتحادهای معارض با غرب در این زمره قرار دارند.

با وجود دیدگاه‌های متفاوت در این رابطه، اما می‌توان این دو مقوله بازدارندگی سیاسی و نظامی را لازم و ملزوم هم تعریف و از تفکیک معنایی آن دو اجتناب کرد.

■ **بومرنگ تهدیدات نظامی علیه ایران**

در حال حاضر ایران به لحاظ داشتن قدرت دفاعی و صنایع پیشرفته نظامی در زمره قدرتمندترین کشورهای دنیا از امنیت برخوردار است و پایدار نگه داشتن این امنیت نیز در گرو تقویت مؤلفه‌های آن خواهد بود.

در واقع، دستاوردهای موفق صنایع دفاعی کشور موجب بازدارندگی نظامی حداکثری ایران در جهان و تغییر رفتار بازیگران متخاصم شده است. به عنوان نمونه پیش از این، طرف‌های غربی در مذاکراتی که با نمایندگان ایران داشتند، مرتب از گزینه نظامی روی میز سخن می‌گفتند، اما اکنون و به مدد توسعه و تقویت توان دفاعی کشور، خصوصاً در حوزه پهپادی و موشکی، ایران به سطحی از بازدارندگی رسیده که گزینه تهدید سال‌هاست از روی میز دشمن طرد شده است. اگر هم‌اکنون جبهه مشترک امریکایی-صهیونیستی به طور متناوب ایران را به اقدام نظامی تهدید می‌کند، هدفی جز تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر در رفتار ایران ندارد و به اعتراف بسیاری از ناظران سیاسی، قدرت عملی کردن تهدیداتش را ندارند.

■ **اثرات ویران‌کننده اقدام نظامی علیه ایران برای امریکا**

در حال حاضر، تحلیل‌های متعددی در جهان مطرح است که تشدید تنش امریکا با ایران، حتی بدون وقوع جنگ، پیامدهای فاجعه‌باری برای ایالات‌متحده به دنبال خواهد داشت. این تحلیل‌ها، هر گونه تحرک نظامی علیه ایران را سبب بروز فاجعه‌ای غیرقابل بازگشت برای منافع امریکا در منطقه قلمداد می‌کنند؛ موضوعی که حتی کاخ سفید هم از آن به خوبی آگاه است، زیرا جنگ با ایران یک درگیری خونین و غیرضروری را در سراسر منطقه به وجود خواهد دارد که امکان باخت امریکا در آن بیشتر خواهد بود.

نمونه بارز این باخت، در شکست راهبرد این کشور علیه یمن به ثمر نشست. در بحبوحه ابتدایی مذاکرات، ترامپ اعلام کرده بود ایالات‌متحده حملات شبه‌نظامیان انصارالله یمن را به مثابه حملاتی از سوی تهران قلمداد و با آن برخورد خواهد کرد، اما ناتوانی امریکا در عملی کردن این تهدید ادعایی و استمرار حملات یمن به خاک سرزمین‌های اشغالی، اعتبار تهدیدات این کشور را در پیش ناظران جهانی زائل کرد و نشان داد امریکا نه تنها توانایی، بلکه اراده‌ای برای عملی کردن تهدیداتش علیه ایران ندارد. اکنون نیز امریکا با اقدام به افزایش استقرار ناوهای جنگی و تجهیزات نظامی در منطقه، تلاشی را برای نمایش قدرت در برابر ایران و القای فشار به ایران در پیش گرفته است، در نتیجه تثبیت و ارتقای قدرت تدافعی و تهاجم نظامی ایران، امریکا را وادار به طرح گزینه‌هایی کرده که فاقد اعتبار لازم است. این کشور در استراتژی‌های چندوجهی خود علیه ایران ناکام مانده است، از این رو تلاش دارد با بازکردن دریچه تعاملات دیپلماتیک با ایران، امکان دستیابی به اهدافش را آزمایش کند.

در این میان، خطای راهبردی که در این برهه حساس و تعیین‌کننده وجود دارد، ترویج این دیدگاه است که ایران با کاستن از صورت تهاجمی خود و تعدیل روابطش با امریکا می‌تواند امنیت خود را تضمین کند؛ دیدگاهی که هیچ پشتوانه منطقی و اصولی ندارد و حتی سابقه تاریخی عملکرد امریکا در قبال کشورهای جهان به وضوح آن را رد می‌کند.

■ **خطر محدودکردن بازدارندگی سیاسی به مذاکره با امریکا**

یکی از معضل‌های موجود در کشور که بر اثرات جانبی آن بر سیاست خارجه ایران سایه انداخته، انحصار معنای بازدارندگی سیاسی صرفاً به «وجود» رابطه با غرب است. به این منظور، مدافعان این دیدگاه دائماً تلاش می‌کنند ایجاد رابطه با غرب و به ویژه امریکا را تنها راهکار رفع تهدیدات معرفی کنند، بنابراین توافق با امریکا را ضروری و لازم جلوه دهند.

عده‌ای از این افراد که الزاماً در دستگاه سیاست خارجه نیستند، اما از نفوذ بالایی برخوردارند، طرفدار دکترین موهوم «هر نوع توافق بهتر از عدم‌توافق است» هستند که در حال حاضر، فشارهای سیاسی را از جنبه‌های مختلف برای وادار کردن ایران به بدترین توافق ممکنه وارد می‌کنند. این افراد، به مذاکره و توافق به عنوان پیش‌شرط رابطه با امریکا نگاه می‌کنند و درصدد هستند از کانال مذاکره با امریکا، فرصتی را برای ایجاد رابطه با امریکا فراهم آورند؛ همان‌هایی که طی ماه‌های گذشته با غوغاسازی رسانه‌ای بر لزوم مذاکره مستقیم با امریکا تأکید می‌کردند.

تردیدی نیست که اتفاقاً چنین دیدگاهی تا چه میزان به اعتبار ایران ضربه وارد و تهدیدات مشترک امریکایی-صهیونیستی را تشدید کرده است، زیرا امریکا تنها گفت‌وگوهای دیپلماتیک را منبع مطالعاتی قرار نمی‌دهد، بلکه این کشور مترصد تحولات و دیدگاه‌های موجود در کشور است و بخشی از سیاست‌های اعمالی را بر اساس آن تنظیم می‌کند، از این رو اگر ایران طوری نقش‌آفرینی کند که موجودیت مذاکره با امریکا را حفظ کرده و هراس خود را از اینکه امریکا میز مذاکرات را ترک کند، نشان دهد، دقیقاً اختیار عمل را به امریکا واگذار کرده است، در نتیجه شرایطی را برای تشدید فشارها، تهدیدات و زیر پا گذاشتن خطوط قرمز ایران فراهم می‌کند، این امر از اعتبار ایران در دید دولتمردان جهان کاسته و بازدارندگی ایران را در ابعاد دیگر نیز مخدوش می‌کند.

دفاعی

فرمانده کل سپاه:

هنر مقاومت جلوگیری از دفن ملت‌ها زیر آوار تهاجم فرهنگی است

دشمن کاری می‌کند که ما در دفاع از ارزش‌های خود خجالت بکشیم و جرئت نکنیم فکر کنیم. ما اگر از ارزش‌های‌مان دفاع کنیم هو می‌شویم، اگر از مقدسات دفاع کنیم متهم می‌شویم، این کار دشمن است و آنقدر تکرار می‌کند که ما باور کنیم ولی ما ایستاده‌ایم و می‌دانیم باید از چه حقیقتی دفاع کنیم.

رضا دهشیری | جوان

به گزارش ایسنا، سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه شنبه شب در اختتامیه هجدهمین دوره جشنواره فیلم مقاومت با بیان اینکه امشب یکی از شب‌های پرشکوه و پرافتخار ملت عزیز ایران است، اظهار کرد: ۴۳ سال پیش در چنین روزی پاره تن ملت ایران و کشور عزیزمان خرمشهر به مام میهن بازگشت و ایرانیان یکی از نقاط اوج عظمت نام بزرگ ایران را در جهان متجلی کردند.

وی ادامه داد: با چشمان سر می‌بینیم و با گوش سرمان می‌شنویم، آنچه با چشمان‌مان می‌بینیم عموماً مقیاس‌های فیزیکی پدیده‌ها هستند. ما طول و عرض و ارتفاع اجسام را، رنگ‌های آنها را، زمینه‌ها را، کرانه‌ها را و احجام را می‌بینیم یا پژواک صداها را می‌شنویم.

فرمانده کل سپاه تأکید کرد: ما واقعیت‌ها را با چشم و گوش می‌بینیم و می‌شنویم، اما ورای این چشم و گوش ظاهری ما یک چشم و گوش حقیقت‌بینی هست که با آن می‌توانیم احساس کنیم می‌توانیم ماورای اجسام را ببینیم، می‌توانیم نور حقیقت را ببینیم و آن قلب ماست. انسان با قلب به عمیق‌ترین منبع معرفت خود دست می‌یابد. وی یادآور شد: برای اینکه حقیقت را از واقعیت تشخیص بدهیم، نیاز به استفاده از چشم و گوش باطنی خود که در قلب ما تعبیه شده است، داریم. هنرمندان با قلب خود به قلب دیگران سفر می‌کنند.

فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه نبرد ما نبرد نور و تاریکی است، اظهار کرد: شیطان و شیاطین انس و جن تلاش می‌کنند تیرگی جهل، نابینایی معرفتی و حتی نابینایی سیاسی را بر انسان‌ها غلبه دهند و انسان‌ها را آنگونه بسازند که خود می‌خواهند. همانگونه که دشمنان ما گفتند، می‌خواهیم کاری کنیم حرکات فیزیکی ملت‌ها تابع فعل و انفعالات ذهنی آنها نباشد، آنها به ما گفتند هنر اصلی ما جداسازی ذهن از جسم است. این یعنی تغییر هویت یک ملت از منبع خلقت هویت خود به یک سرزمین دیگر، یعنی اینکه ما تابع اراده سیاسی، تابع جهان‌بینی و تابع آن مطلوبیت‌هایی باشیم که آنها برای‌مان ترسیم می‌کنند.

سلامی یادآور شد: وقتی امریکایی‌ها استراتژی خود را برای قرن ۲۱ می‌نوشتند و رئیس‌جمهور وقت امریکا بر آن مقدمه می‌نگاشت، قرن ۲۱ را قرن نزدیک‌شدن شتابدار قاره‌ها به یکدیگر توصیف کرد که در آن همه انسان‌ها شهروند یک دهکده جهانی و همه مردمان عالم دارای سه خصوصیت مشترک باشند. گفتند انسان‌ها باید در قرن جدید بر اساس ایده و طرح امریکایی در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، امریکایی‌های غیرامریکایی باشند، یعنی کسانی که در ملیت متعلق به کشور خودشان هستند اما در هویت، در شخصیت، در فرهنگ، در جهان‌بینی و در نگرش امریکایی باشند؛ کسانی که به واقع امریکایی نیستند اما با ارزش‌های امریکایی زندگی می‌کنند، این یعنی جهانی شدن فرهنگ، اندیشه و اعتقاد. این سه خصوصیت اینها بود.

وی با تأکید بر اینکه هنرمندان ما باید بدانند در چه فضایی می‌سازند و خلق می‌کنند، ادامه داد: سران امریکا گفتند باید همه دارای عقاید یکسان باشند و تفاضل اعتقادات و ارزش‌ها همه محو شوند. همه دارای یک اعتقاد واحد باشند؛ اعتقادی که از سرمنشأ تولید آن سرچشمه می‌گیرد.

سلامی ادامه داد: وقتی اینگونه باشد همه این خصوصیت را پیدا می‌کنند، همه مصرف‌کننده کالاهای یکسان می‌شوند، یعنی جهانی‌سازی اقتصاد و این لازمه‌اش این است که همه دارای اطلاعات یکسان در آن واحد باشند. این یعنی سوار شدن بر چشم، بر گوش، بر قلب و بر ذهن، یعنی از دست دادن هویت، ملیت، معرفت و بنیادهای اعتقادی و از بین رفتن سنت‌ها، آداب، محو شدن شکوه ملت‌ها و از دست رفتن استقلال. وی افزود: امریکا این کار خطرناک را سال‌های سال است انجام می‌دهد و ما تحت تأثیر این عملیات سنگین ارزش‌زدایی فرهنگی غرب در جوامع مسلمان هستیم و هنر مقاومت پاسداشت این فضیلت‌هاست؛ حفظ ایرانی بودن، اسلامی بودن و سنت‌ها و حافظه تاریخی بزرگی که ما را در جهان معرفی می‌کند.

فرمانده کل سپاه گفت: پس هنرمندان خالقان این حقیقت هستند و هنر والا، هنر متعالی، هنر متعهد، هنر برخاسته از قلب که به روح انسان وسعت می‌دهد، اتفاقاً ابعاد لایتناهی شخصیت انسان را می‌تواند توصیف کند، این هنر، هنر والاست.

سلامی یادآور شد: هنر مقاومت از این جنس است؛ هنری که می‌خواهد از دفن ملت‌ها زیر آوار تهاجم فرهنگی دشمنان جلوگیری کند، هنر افتخار و جاودانگی هنر بقا.

وی با بیان اینکه فرهنگ مقاومت الهام‌بخش عزت است، افزود: عزیز کسی است که تحقیر نمی‌شود، نفوذ نمی‌پذیرد، شکست نمی‌خورد و ذلیل نمی‌شود. فرهنگ مقاومت، فرهنگ بسط، ترویج، تعمیق این مفاهیم و معانی در پیکره روح یک ملت است. فرهنگ مقاومت با روح انسان ارتباط می‌گیرد.

فرمانده کل سپاه گفت: دشمن کاری می‌کند که ما در دفاع از ارزش‌های خود خجالت بکشیم و جرئت نکنیم فکر کنیم. ما اگر از ارزش‌های‌مان دفاع کنیم هو می‌شویم. اگر از مقدسات دفاع کنیم، متهم می‌شویم، این کار دشمن است و آنقدر تکرار می‌کند که ما باور کنیم ولی ما ایستاده‌ایم و می‌دانیم باید از چه حقیقتی دفاع کنیم. سرشت جامعه خود را بر چه عناصری پایه‌گذاری کنیم تا این کشور و این ملت بماند.

گزیده خبر

رئیس جمهور:

زنده نگه‌داشتن یاد شهدا ارزشمند است اما مهم‌تر ادامه راه آنان است

زنده نگه‌داشتن یاد شهدا ارزشمند است، اما مهم‌تر آن است که راه آنان را ادامه دهیم و مهم‌تر از یادآوری، این است که مردم این سرزمین را از فقر، بی‌عدالتی و ناترازی‌های موجود نجات دهیم.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در همایش «خلاقیت و نوآوری در مهندسی دفاع مقدس» که در دانشگاه تهران برگزار شد، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای والامقام انقلاب اسلامی و نیز سالروز فتح خرمشهر، با مرور خاطراتی از دوران جوانی خود، بر ضرورت بازگشت به روحیه ایثار و باورمندی آن روزها تأکید کرد.

وی گفت: همواره بر این باور بوده‌ام و بارها تکرار کرده‌ام که امکان ندارد با این همه علم، امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار داریم، اگر اراده کنیم، نتوانیم مشکلات کشور را حل کنیم. آن زمان که جوان بودیم، نه سواد زیادی داشتیم، نه پولی در اختیارمان بود و نه پشتیبانی گسترده‌ای داشتیم اما دوستانی بودند که با خلاقیت، اقداماتی کردند که در تصور بسیاری نمی‌گنجید.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه امروز کشور با پیچیدگی‌ها و چالش‌های بیشتری نسبت به دوران دفاع مقدس مواجه است، اظهار داشت: قطعاً امروز از جایگاه قوی‌تر و امکانات بسیار بیشتری برخورداریم و اگر نتوانیم با این جایگاه و امکانات، بر مشکلات غلبه کنیم، فردا پاسخ شهدایی را که با خلوص جان خود را تقدیم کردند، چگونه خواهیم داد؟

پزشکیان با اشاره به برخی نارسایی‌ها از جمله ناترازی‌ها، افزود: معتقدم اگر باور درونی باشد و علم در خدمت آن باور قرار گیرد، محال است نتوانیم مسائل را حل کنیم. هیچ گرفتاری‌ای نیست که بر آن چیره نشویم، به شرط آنکه عشق به مردم، به این خاک و به این سرزمین در وجود ما زنده باشد.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه امروز برخی برای مقام و موقعیت معامله می‌کنند، در حالی که در دوران دفاع مقدس، معامله‌ها با عشق، ایمان، باور و برای مردم بود و در میدان عمل نمود داشت، تصریح کرد: در دفاع مقدس عراق با تمام پشتیبانی‌های جهانی به میدان آمده بود تا ما را از پا درآورد، اما نتوانست چراکه پشت این کشور، جوانانی ایستاده بودند که با تمام وجود، خالصانه برای دفاع از خاک خود تلاش می‌کردند.

پزشکیان با اشاره به آمادگی سرپرست دانشگاه تهران برای به میدان آوردن ظرفیت دانشگاه برای کمک به دولت، تصریح کرد: این گوی و این میدان، ما می‌توانیم، به شرطی که از اتاق‌ها بیرون بیاییم و نه فقط با تحقیق و پژوهش، بلکه در میدان عمل حاضر شویم.

پزشکیان در پایان، ضمن تقدیر از برگزارکنندگان همایش، با بیان اینکه رفتار امروز ما با سیره شهدا فاصله دارد و این فاصله باید کاسته شود، تصریح کرد: زنده نگه‌داشتن یاد شهدا ارزشمند است، اما مهم‌تر آن است که راه آنان را ادامه دهیم و مهم‌تر از یادآوری، این است که مردم این سرزمین را از فقر، بی‌عدالتی و ناترازی‌های موجود نجات دهیم. ما با کمک شما می‌توانیم و اگر علم و آگاهی، با درد و عشق توأم باشد، هیچ غیر ممکنی در برابر آن تاب مقاومت ندارد، باید غیرممکن‌ها را ممکن کنیم و این کار، شدنی است.

محمدمهدی صافی | جوان

جانشین رئیس سازمان بسیج:

پیروزی‌های چشمگیر مرهون اعتماد امامین انقلاب به جوانان است

پیشرفت‌های ایران اسلامی مرهون امام(ره) و مقام معظم رهبری است که به جوانان و فرزندان غیور ایران اسلامی اعتماد کردند؛ جوانانی مانند شهید طهرانی‌مقدم که امروزه موشک‌های پیشرفته در ایران ساخته می‌شود.

به گزارش «جوان» سردار سید قاسم قریشی، جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین در همایشی که به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر، عملیات غرورآفرین حاج عمران، سالروز شهادت شهید محمد بروجردی و سالگرد شهادت شهدای خدمت در مصلای امام خمینی(ره) شهرستان بروجرد برگزار شد، بیان کرد: قبل از انقلاب فقط سه‌درصد روستاها برق داشت، اگر کارشکنی دشمنان نبود ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای مشکل ناترازی برق را حل می‌کرد.

وی اضافه کرد: ایران جزو کشورهای برتر سدسازی، پالایشگاه و نیروگاه‌سازی در جهان است.

قریشی با اشاره به عملیات بیت‌المقدس تصریح کرد: در عملیات بیت‌المقدس اسلحه و فشنگ نداشتیم، اما امروز پیشرفته‌ترین سلاح‌ها در داخل کشور ساخته می‌شود، انواع و اقسام سلاح‌ها و تجهیزات و موشک‌های پیشرفته در ایران ساخته می‌شود.

وی عنوان کرد: موشکی که از لایه‌های پدافندی و سیستم‌های دشمنان عبور و در اسرائیل با هدف برخورد کند از دستاوردهای بزرگ نظامی ایران است. پیشرفت‌های ایران اسلامی مرهون امام(ره) و مقام معظم رهبری است که به جوانان و فرزندان غیور ایران اسلامی اعتماد کردند؛ جوانانی مانند شهید طهرانی‌مقدم که امروزه موشک‌های پیشرفته در ایران ساخته می‌شود.

قریشی با اشاره به اینکه انرژی هسته‌ای از اولویت‌های مهم است، افزود: مردم ولایتمدار ایران اسلامی با رهبری شجاع در مقابل دشمنان ایستاده است، انرژی هسته‌ای از اولویت‌های مهم است؛ از درمان تا کشاورزی و تولید برق تأثیر دارد.

وی اظهار داشت: دشمنان در زمان جنگ به ما سیم خاردار نمی‌دادند، امروزه ایران به تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم دست یافته است. حفظ غنی‌سازی و توان هسته‌ای واجب و برای فردای ایران اسلامی واجب‌تر است، دشمنان قصد دارند توان هسته‌ای را از ایران بگیرند.

جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به اینکه تاکنون مذاکرات با امریکا در چارچوب ایران انجام شده است، خاطرنشان کرد: مذاکرات غیرمستقیم انجام شد، امریکا قابل اعتماد نیست ولی مذاکرات در چارچوب نظام و حفظ منافع ملت است که این مهم با مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان محقق خواهد شد.

گفت‌وگوی «جوان» با خواهر و برادر شهید محمد صالحی از شهدای دفاع مقدس

غنچه باغ حیدر در هور شکفت

■ شکوفه زمانی

خواهر شهید صالحی می‌گوید: مادرم بعد از اعزام برادرم محمد به اتفاق پدرم و یکی دیگر از برادرانم برای دیدن او به پادگان امیدیه اهواز رفتند. چند ساعتی ماندند و بعد به شیراز برگشتند. همان نیمه‌شب برادرم محمد آقا و دیگر رزمندگان به خط مقدم اعزام شدند. اما دشمن که از آمدن نیروهای تازه نفس مطلع شده بود، کاروان آنها را بمباران کرد و محمد به شهادت رسید. هنوز والدینم به شیراز نرسیده بودند که پیکر محمد زودتر به شیراز رسید. «شهید محمد صالحی، متولد ۱۳۴۴ از نیروهای پاسدار گردان الفتح از تیپ المهدی(عج) شیراز بود که در سن ۱۸سالگی در عملیات خیبر و منطقه هور به شهادت رسید. او که به تازگی وارد سپاه شده بود، پیش از شهادت تصویری از خود با لباس پاسداری برای خانواده به یادگار گذاشت که اکنون این تصویر زینت‌بخش خانه تمام برادرها و خواهرهایش است. گفت‌وگوی ما با زهرا صالحی، خواهر و عبدالخالق صالحی، برادر شهید را پیش رو دارید.

تصویری که شهید صالحی با لباس پاسداری برای خانواده به یادگار گذاشت

یک تصویر از شهید صالحی در لباس سپاه وجود دارد که خیلی کم سن و سال است، ایشان چه زمانی به جبهه رفته بود؟

محمد آقا در سال ۱۳۶۱ به عضویت سپاه درآمد. آن موقع ۱۷سال داشت. زمانی که می‌خواست به عضویت در سپاه درآید، چند ماهی از سنش برای عضویت کم بود. باید ۱۸سالش کامل می‌شد. برای همین شناسنامه‌اش را دستکاری کرد و سنش را بالاتر برد. بعد آموزش‌های نظامی را پشت سر گذاشت و نهایتاً بهمن سال ۱۳۶۲ در حالی که مسئولیت گروهی از برادران بسیجی گردان الفتح از تیپ‌المهدی(عج) را برعهده داشت به جبهه جنوب اعزام شد. اسفند همان سال در عملیات خیبر شرکت کرد و نهایتاً بر اثر حمله هوایی بعثی‌ها در چهارم اسفند ۱۳۶۲ درعملیات خیبر به شهادت رسید.

پدرتان چه شغلی داشتند، شهید درچه خانواده‌ای رشد کرده بود؟

پدرمان مرحوم آقا حیدر، باغبان بود و بسیارفرد سخاوتمندی بود. همه فامیل و آشنا از محصولات باغ بابا سهم داشتند و برای همه صندوق میوه می‌فرستاد. حتی محصولات باغ را به هموطنان جنگ زده که از خوزستان به شیراز آمده بودند هم می‌فرستاد و به آنها کمک می‌کرد. ما یک خانواده پرجمعیتی داشتیم. هشت خواهر و برادر بودیم. برادرم محمدآقا شهریور ۱۳۴۴ در محله خوش‌وآب‌وهوا و در میان باغات سر سبز قصرالدشت شیراز به دنیا آمد. ما یک خانواده مذهبی داشتیم و شهید در چنین خانواده‌ای رشد کرده بود.

چه خاطراتی از دوران کودکی شهید دارید؟

دوران کودکی محمد با درس و بازی و شادی و کمک به پدرمان در امور باغداری گذشت. بیشتر موقع تعطیلات تابستان شهید پیش پدرمان می‌رفت و کمکش می‌کرد. موقع انقلاب یک تحولی در همه ما به وجود آمد. یادم است در زمان کودکی همراه مادرمان در تظاهرات شرکت می‌کردیم. محمد آقا هم در همین دوران بود که با مسجد مأنوس شد تا اینکه در سال ۱۳۶۰ به عضویت بسیج مسجد محله‌مان در آمد. همان زمان بود که در کلاس‌های آموزش قرآن و احکام شرکت می‌کرد و همان زمان قدم‌های اولیه را در تزکیه و تذهیب نفس برداشت. یک نکته در زندگی شهید این است که خیلی زود توانست در مسائل عرفانی و عقیدتی پیشرفت کند. خصوصاً در چند ماه آخر عمرش بسیار کم حرف و متین و با وقار شده بود. انگار داشت پله‌های تکامل را طی می‌کرد و نهایتاً هم به شهادت رسید.

واکنش پدرومادرتان به موضوع جبهه رفتن برادرتان آن هم در سن کم چگونه بود؟

مرحوم مادرم «مهری‌نازی» علاقه خاصی به محمد آقا داشت و این علاقه مادر با عضویت محمد در سپاه چند برابر شده بود. محمد آقا به خاطر اینکه موقع اعزام به جبهه با بی‌تابی مادر مواجه نشود، بی‌خبر به جبهه رفت. مادرم وقتی فهمید به اتفاق پدر و یکی از برادرانم و مادر یکی از همرزمان محمد برای دیدار با او به پادگان امیدیه اهواز رفتند. مرحوم مادرم انگار به دلش افتاده بود، پسرش شهید می‌شود و در نبود داداش محمد خیلی بی‌تابی می‌کرد. می‌گفت من باید بروم و محمد آقا را ببینم. شاید این آخرین دیدار من و پسرم باشد. وقتی شب به پادگان امیدیه اهواز می‌رسند چند ساعتی پیش محمد آقا می‌مانند. بعد محمد به برادر دیگرمان که همراه والدینم به اهواز رفته بود می‌گوید زودتر پدرومادر را به شیراز برگردان چون ما فردا عازم خط مقدم هستیم. همان نیمه شب محمد آقا و دیگر رزمندگان به خط مقدم می‌روند. متأسفانه دشمن از اعزام نیروهای تازه نفس با خبر می‌شود و تمام این رزمندگان را بمباران می‌کنند و به شهادت می‌رسانند. پیکرمطهر محمد آقا قبل از آن که پدر و مادرم از اهواز برگردند و هنوز در مسیر برگشت بودند به شیراز منتقل شده بود. ولی به ما اطلاع نداده بودند. وقتی که مادرم از اهواز برگشت با آن که پسرش را دیده بود ولی خیلی بی‌تابی می‌کرد و می‌گفت دلشوره عجیبی دارم. احساس می‌کنم محمد طوری شده است و شهید شده است و واقعاً احساس مادرمان درست می‌گفت. قبل از آن که مادرم برگشته باشد، پیکر محمد زودتر به شیراز برگشته بود. بعد هم که از شهادتش مطلع شدیم و پس از تشییع، پیکرش در دارالرحمه شیراز در کنار دیگر شهدا آرام گرفت.

موقع شهادت برادرتان شما چند سال داشتید؟

موقع شهادت محمدآقا من حدوداً ۱۴ساله بودم. او یک پاسدار شهید بود. هرچند من فقط یکبار او را در لباس سپاه دیدم. یادم است صبح‌ها که مدرسه می‌رفتم و داداش محمد پاسدار بود و شب‌ها شیفت می‌ایستاد، صبح در مسیر برگشت به خانه همدیگر را می‌دیدیم و با هم سلام و علیک می‌کردیم. همیشه در حالی او را می‌دیدم که شلوار سپاه و پوتین پایش بود. لباس سپاهش را در آورده و داخل نایلون در دست می‌گرفت و به منزل برمی‌گشت. با لباس سپاه در محله و جلوی ما ظاهر نمی‌شد. در مدت حدود یک‌سالی که به سپاه وارد شده بود، فقط یک‌بار او را در لباس سپاه دیدم. آن هم زمانی بود که روز عاشورا محمد با لباس سپاه و بدون کفش در دسته عزاداری زنجیر می‌زد و همراه دیگران به سمت حرم مطهراحمد بن موسی شاه چراغ می‌رفتند. آنجا من و خواهرم برای اولین بار داداش را در لباس سپاه در صف زنجیرزنی رزمندگان پاسدار دیدیم. ما پشت سرش بودیم و هرچه صدایش می‌زدیم، آنقدر غرق در خودش بود که اصلاً متوجه حضور ما نشد.

داستان عکس شهید با لباس پاسداری چیست؟

محمد سه هفته قبل از شهادتش یک روز با یک قاب عکس از خودش که با لباس سپاه انداخته بود، به خانه آمد و آن را روی طاقچه خانه‌مان گذاشت. همه ما با دیدن عکس داداش محمد کلی ذوق کردیم. ولی مادرم توی دلش خالی شد و سکوت کرد. داداش بعد از گذاشتن قاب عکس خودش در طاقچه بدون هیچ صحبتی و نشان‌دادن عکس‌العمل به ذوق ما و قربان و صدقه رفتن‌های مادر، از اتاق خارج شد. ما آن زمان نفهمیدیم داداش محمد این قاب عکس را برای شهادتش آماده کرده بود. در صورتی که انگار داداش خودش می‌دانست به زودی شهید خواهد شد و ما به عکس او در لباس سپاه نیاز داشتیم! اینطور شد که قاب عکس بردارم، زینت‌بخش منزل ما خواهروبرادرهایش شد. در ماه‌های پایانی عمر محمد، تمام رفتار و کردارش دال بر شهادتش بود. ولی متأسفانه ما متوجه نبودیم

شهید محمد صالحی

> علاقه مادرم به محمد با عضویت او در سپاه چند برابر شده بود. محمد به خاطر اینکه موقع اعزام به جبهه با بی‌تابی مادر مواجه نشود، بی‌خبر به جبهه رفت. مادرم وقتی فهمید به اتفاق پدر و یکی از برادرانم برای دیدار با محمد به پادگان امیدیه اهواز رفتند. انگار به دل مادر برات شده بود که دیگر محمد را نمی‌بیند

> وقتی والدینم از پیش محمد به شیراز برمی‌گشتند، همان موقع کاروان محمد و همرزمانش به وسیله جنگنده‌های دشمن بمباران شدند و به شهادت رسیدند. قبل از اینکه مادروپدرم به شیراز برسند، پیکر محمد و تعدادی از همرزمانش زودتر برگشته بود. مادر هنوز خبر نداشت پسرش شهید شده اما دلشوره عجیبی داشت

و این درک را من آنموقع نداشتم. همانطور که سردار سلیمانی می‌گفتند: «اگر می‌خواهید شهید شوید باید مثل شهید زندگی کنید تا بتوانید شهید شوید.» الان می‌فهمیم، محمدآقا شهیدگونه زندگی کرد و آخر هم به شهادت که آرزویش بود نائل آمد. روح همه شهدا قرین رحمت الهی باشد و از خدا می‌خواهیم با شهدای کربلا همنشین و محشور شوند.

■■■

برادر شهید

شما چه خاطراتی از برادر شهیدتان دارید؟

زمانی که شهید هشت ساله بود، علاقه زیادی به روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان داشت. برای همین در کارها با من هماهنگ بود و حرفم را گوش می‌کرد (مانند خرید نان برای منزل و...) به این ترتیب می‌خواست من او را سحرها بیدار کنم تا سحری بخورد و بتواند روزه بگیرد. سالی که ماه‌رمضان در سرمای زمستان بود، هوا آنقدر سرد بود که آب حوض حیاط خانه یخ زده بود. من آب جوش روی لوله‌ها می‌ریختم که بتوانیم از آب شیر استفاده کنیم. یادم است بعد از سحری من و محمد و مرحوم پدرم به نوبت می‌خواستیم وضو بگیریم. من آب را سرد و گرم کرده بودم و در کتری ریخته بودم تا پدرم بتوانند وضو بگیرند. بعد از اتمام وضو پدرم گفت: «محمد بیا با باقی آب کتری شما هم وضو بگیر» ولی محمد در همان سن کم در جواب پدر گفت: «ثواب وضو با آب سرد بیشتر است.»

با آن که شهادت محمدآقا در سن ۱۸سالگی رقم خورد، آیا شهید وصیتنامه هم داشت؟

بله، ایشان در اول بهمن ماه ۱۳۶۲ وصیتنامه‌ای با دست‌خط خود نوشته بود. در بخشی از وصیتنامه‌اش اینطور نوشته است: «من به دلخواه خود و پیش معبود خود و پیش به سوی آرزوی خود رفتم و هیچ‌کس مرا به زور نیاورده و دوم اینکه برادران حزب‌الله محل و گروه مقاومت و خانواده خودم را شرعاً مسئول می‌دانم، در تشییع جنازه من گریه و زاری نکنند و در ختم و تشییع جنازه من شیرینی و نقل خیرات کنند. همان‌طور که در عروسی این کار را می‌کنند و من هم در موقع شهید شدنم ان‌شاءالله به وصال معبود خود رسیده‌ام و نمی‌خواهم کسی گریه کند. هرکس گریه کند قلب مرا پیش معبودم غمگین و ناراحت کرده است. کسی حق ندارد برایم سیاه بپوشد و قبر من در کنار شهید علی محمدی باشد...»

در آخر وصیتنامه‌اش گفته بود: «از گروه مقاومت مسجد و خانواده‌ام می‌خواهم، پرچم اسلام را از دست خون آلود من برداشته و پیش تازند و راه مرا ادامه دهند. سنگر مرا محکم‌تر کنند و نفاق و اختلاف را از خود دور نگه دارند. این چند خواسته من بود که گروه مقاومت و مسجد محل و خانواده من مسئول هستند انجام دهند.»

خاطره

خاطراتی از نقش تدارکات در عملیات الی بیت‌المقدس برگرفته از کتاب «موقعیت الله وکیل»

یک ترکش کوچک ماشین مهمات را می‌فرستاد هوا!

حاج رمضان الله وکیل، مسئول تدارکات تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم(ع) در دوران دفاع مقدس، در بخشی از کتاب خاطرات خود به نام «موقعیت الله وکیل»، به بیان اقدامات ارزشمند پشتیبانی و تدارکات در عملیات الی‌بیت‌المقدس یا همان آزادسازی خرمشهر پرداخته است. بخشی از خاطرات حاج رمضان برگرفته از این کتاب را می‌خوانیم.

■ **تدبیر جهاد**

به نظر من از تدابیر صحیحی که از همان اولین روزهای شروع جنگ اندیشیده شد، فعال شدن پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی بود که در عملیات الی بیت‌المقدس نیروهای آن آشکارتر وارد صحنه نبرد شدند و گام‌به‌گام با نیروها از هر محور برای احداث دپو، سنگر، کانال و... بر اساس نیاز یگان‌های خودی اقدام می‌کردند. سپاه هم از این عملیات به بعد، به فکر تقویت و تأمین تجهیزات مهندسی و ارتقای توانایی‌های این واحد افتاد. زمانی که نیروهای تیپ ما (۲۵ کربلا) در مرحله اول عملیات بیت‌المقدس به جاده اهواز- خرمشهر رسیدند، نیروهای جهاد و مهندسی سپاه، دپوی عظیمی به ارتفاع بیش از سه متر در امتداد جاده اهواز- خرمشهر از بعد از سه‌راهی پادگان حمید تا میدان ورودی شهر احداث

کردند و درحالی که در دید مستقیم دشمن بودند، موفق شدند این فاصله ۱۰۰کیلومتری را در کمتر از یک هفته دپوکشی کنند تا تردد برای نیروهای خودی در جاده اهواز- خرمشهر باامنیت بیشتری امکان‌پذیر شود.

■ **ماشین مهمات**

امکاناتی هم که جهاد در این زمینه به کار گرفت، از طریق مردم، سازمان‌ها و نهادها تأمین‌شده بود. مثلاً فلان وزارتخانه یا اداره، پنج دستگاه لودر داشت که یکی از آنها را به جهاد اهدا کرده

> **روزی که خرمشهر به محاصره نیروهای ما درآمد، حسین خرازی که وضعیت دشمن را دیده بود، به‌منظور تضعیف روحیه آنها و تقویت روحیه رزمندگان، با خودرو از خاکریز خودی عبور و به سمت مرکز شهر خرمشهر حرکت کرد. خرازی هیچ ترسی از دشمن نداشت و در حین عملیات دائم می‌گفت این قسمت را پر کنید، فلان جا را آتش بریزید...**

بود تا در جبهه به کار گرفته شود. ما در هر سه مرحله عملیات بیت‌المقدس در نقش تدارکات و پشتیبانی تیپ ۲۵ کربلا، به سهم خود برای آزادی خرمشهر و تثبیت و استقرار رزمندگان، با توجه به گستردگی منطقه عملیاتی و اینکه دائم نیروها در حال پیشروی بودند، بسیار فعال بودیم و فشار زیادی را متحمل شدیم. گاهی در محور و خطی اعلام نیاز به مهمات می‌شد اما وقتی ماشین حاوی مهمات به محل اعزام می‌شد، نیروها پیشروی کرده بودند و با شدت آتش دشمن، هرلحظه احتمال برخورد ترکش یا تیر به ماشین حمل مهمات و انفجار آن وجود داشت که اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، ماشین به همراه راننده و نیروهای همراهش در یک‌لحظه با انفجار وحشتناکی دود می‌شد و به هوا می‌رفت.

■ **حرکت خرازی**

روزی که خرمشهر به محاصره نیروهای ما درآمد، حسین خرازی که وضعیت دشمن را دیده بود، به‌منظور تضعیف روحیه آنها و تقویت روحیه رزمندگان، با خودرو از خاکریز خودی عبور و به سمت مرکز شهر خرمشهر حرکت کرد. خرازی هیچ ترسی از دشمن نداشت و در حین عملیات دائم می‌گفت این قسمت را پر کنید، فلان جا را آتش بریزید. به خاطر دارم وقتی برادر احمد کاظمی و حسین خرازی به قرارگاه مرکزی عملیات اعلام کردند، ما الان داخل خرمشهریم، در آنسوی بیسیم باورش برای فرماندهان قرارگاه مشکل بود و آنها چندین بار تکرار کردند ما داخل خرمشهریم و ۶هزار نفر عراقی به شکل تظاهرات خودشان را تسلیم کرده‌اند تا باورپذیر شد. دیگر اینکه آن دسته از نیروهای عراقی که خودشان را به آب‌زده بودند که فرار کنند، اکثرشان غرق شدند یا هدف گلوله قرار گرفتند و جنازه‌های آنها در کنار ساحل در دو طرف رودخانه به چشم می‌خورد.

■ **طعم پیروزی**

به‌هرحال استعداد و نبوغی که آن زمان فرماندهان و طراحان اصلی در قرارگاه مرکزی عملیات به خرج دادند، به‌حول قوه‌الهی و تلاش واحد پشتیبانی و تدارکات، یگان‌های رزمی شرکت‌کننده در عملیات بزرگ بیت‌المقدس، همه اهداف پیش‌بینی‌شده و موردنظر محقق شد و ما طعم بسیار شیرین پیروزی را در آزادی خرمشهر چشیدیم و با شنیدن پیام امام خمینی(ره) از رادیو و بلندگوهای واحد تبلیغات در جبهه، همه خستگی‌های‌مان در رفت.

قبل از این عملیات، صدام اعلام کرده بود هر نیروی نظامی ایرانی که بتواند خرمشهر را فتح کند، کلید بصره را به او خواهم داد.

طبق گزارش‌های نیروهای اطلاعات- عملیات، نیروهای عراقی تا نزدیک بصره فرار کرده بودند که اگر از قبل پیش‌بینی‌های لازم در خصوص تأمین امکانات و نیروی رزمنده شده بود، می‌توانستیم با تعقیب آنها ضربات بیشتری به ارتش عراق وارد کنیم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۱۴

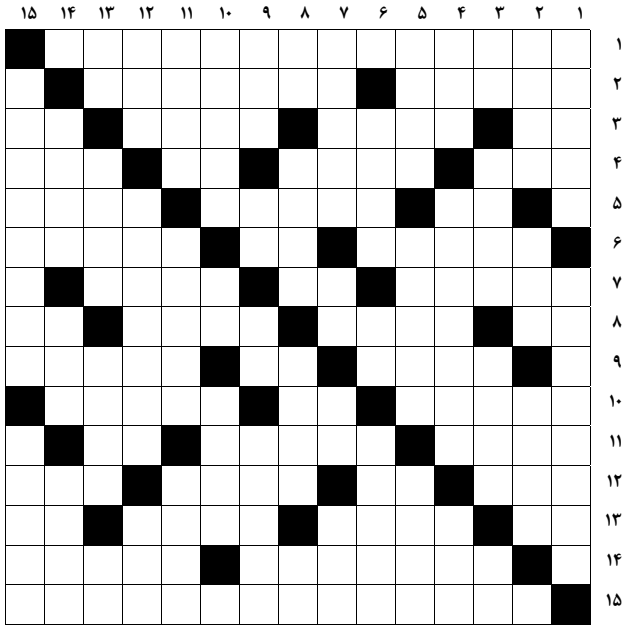

از راست به چپ

■ ۱- سر ارادت ما و آستان حضرت دوست/ که هر چه بر سر ما... ■ ۲- سابقه کاری و شغلی- از قدیم گفته‌اند به از حلوای نسیه است ■ ۳- عدد رمزی- کبوتر چاهی- سستی- بنده وشما ■ ۴- چاه جهنم- حنا- غذای نذری- دعای زیرلب ■ ۵- کوزه بزرگ- از نام های خدا به معنای نگهبان- نام لاگرلوف، نخستین زن برنده جایزه نوبل در ادبیات ■ ۶- زیراکه- فلز سرچشمه- فعال ■ ۷- سازمان تبهکاری ایتالیا- مجازات شرعی- جوان ■ ۸- حرف دهن کجی- تیغه ماه- جمجمه نرم نوزاد- چوب خوشبو ■ ۹- جست وجو- بز کوهی- همراه کبکبه ■ ۱۰- صورتگری- علامت مفعول- گیاه گون ■ ۱۱- بیوه- دربردارنده- چانه گیلانی ■ ۱۲- سرند- هواپیمای سریع- آرد فروش- باطل شدن ■ ۱۳- شلوار جین- مسابقه اسبدوانی- خندان- یزدان ■ ۱۴- کشوری در اقیانوسیه- از اول تا آخر ■ ۱۵- امام (ره) در پیامش او را «فرزند عزیزی که پاره تنم بود» توصیف کردند

از بالا به پایین

■ ۱- جیوه- جزیره‌ای در بندر ترکمن ■ ۲- نوعی شیرینی- نوشیدنی داغ- از صادرات زیبای کشورمان ■ ۳- صورت- مقتل ابن‌طاووس- کاغذ نقشه‌کشی- تار ساز ■ ۴- علامت اختصاری سازمان هواشناسی- خاندان پیامبر- متضاد جزئی ■ ۵- منکر وجود خدا- پهلوان تورانی- لقب امام نهم ■ ۶- گوشت ریز سرخ کرده- مایع دباغی پوست- زمزمه‌کننده ■ ۷- هر وسیله خبری- جواب جدول- باران اندک- سرشوی گیاهی ■ ۸- از ویتامینها- گاوآهن- قطب منفی لامپ- یادداشت ■ ۹- آزمون رسمی برای سنجش سطح زبان فرانسه- فلز رسانا- صابون خیاطی- گرفته شده ■ ۱۰- بزرگترین قمر زحل- مخترع تلفن- ولگرد و مفتخور ■ ۱۱- جاوید- دوستی و صمیمیت- فرزند شهید امام حسن(ع) در کربلا ■ ۱۲- سنگینی- شربت مخصوص کاهو- قرار و پیمان ■ ۱۳- آب بند- مخترع پیل الکتریکی- از تفرجگاه های شمال تهران- همراه ناله ■ ۱۴- گلوله- خبر قرآنی- کاشف آسپرین ■ ۱۵- را باد می برد- نوعی نان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱					۳
۲					۴			۱
۸					۵			۷
	۴			۶		۲		
	۵			۱		۸	۶	
	۷			۸				
		۹					۴	
		۵					۱	
			۶		۸		۵	

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۳۱۳

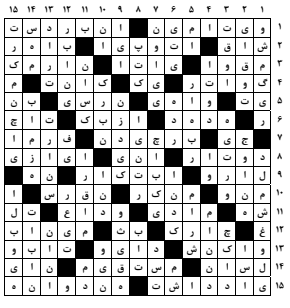

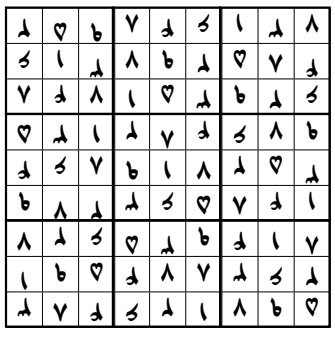

سیما

«دو نقطه» برای پاسداشت زبان فارسی

مسابقه تلویزیونی «دو نقطه» یادآور زیبایی‌ها و ظرافت‌های زبان فارسی بود

مسابقه تلویزیونی «دو نقطه» که به همت دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری به تهیه کنندگی مجید ظریف و با هدف آشنا کردن نسل جدید با زبان فارسی و ظرافت‌ها و ظرفیت‌های آن در شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران تولید شده با استقبال مخاطبان بسیاری روبه‌رو شده است.

ناصر فیض، مدیر دفتر پاسداشت زبان فارسی در گفت‌وگو با روابط عمومی حوزه هنری درباره روند تولید دو نقطه گفت: فکر اصلی این مسابقه از سوی آقای مجید ظریف (تهیه‌کننده) و دوستان‌شان مطرح شد و از آنجایی که حوزه هنری همیشه نسبت به زبان فارسی توجه ویژه داشته است، از این طرح استقبال کرد و بلافاصله با تشکیل شورای علمی و سیاستگذاری نخستین گام‌ها در این زمینه برداشته شد. سپس با حمایت مالی از این اتفاق مهم تولید آن در شبکه دو با تهیه‌کنندگی آقای ظریف و کارگردانی آقای پورصباغ آغاز شد.

وی با اشاره به نقش دفتر پاسداشت زبان فارسی در بخش محتوایی مسابقه تلویزیونی دونقطه افزود: کار اصلی ما در این برنامه نظارت بر محتوای تأمین شده و حضور در بخش علمی و محتوایی مسابقه از تدوین پرسش‌ها تا اجرای صحیح بخش‌های مختلف اعم از واژه‌شناسی، ضرب‌المثل‌ها و نکات زبانی بود. نمایندگانی از طرف دفتر ما در تمام مراحل پیش تولید و تولید حضور داشتند که حتی هنگام ضبط برنامه در اتاق فرمان یاریگر گروه سردبیری و تحریریه بودند که اگر به لحاظ زبانی و ادبی نیاز به اصلاح وجود داشت، عزیزان تولیدکننده بتوانند با کمترین معطلی کارشان را انجام دهند.

ناصر فیض درباره چگونگی انتخاب شرکت‌کنندگان گفت: در چند استان کشور فراخوان‌هایی برگزار شد که دانش‌آموزان بسیاری شرکت کردند. بعد از برگزاری نشست‌های فراوان و به منظور آزمون و سنجش توانایی‌های زبانی و هوشی نوجوانان شرکت‌کنندگان اصلی برگزیده شدند.

مدیر دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری ضمن اشاره به جذابیت‌های ساختاری مسابقه دونقطه، آن را از عوامل استقبال این برنامه برشمرد و افزود: بخش‌های مختلف به گونه‌ای طراحی شده بود که برای شرکت‌کنندگان و خانواده‌هایشان در سالن و برای بینندگان سراسری جذاب باشد و موجب شود تا پایان آن را دنبال کنند. بخش‌هایی مثل حدس زدن ضرب‌المثل با اشیا، املا و واژه‌گزینی چنین صبغه‌ای داشتند.

> **بخش‌های مختلف به گونه‌ای طراحی شده بود که برای شرکت‌کنندگان و خانواده‌هایشان در سالن و برای بینندگان سراسری جذاب باشد و موجب شود تا پایان آن را دنبال کنند. بخش‌هایی مثل حدس زدن ضرب‌المثل با اشیا، املا و واژه‌گزینی چنین صبغه‌ای داشتند**

این شاعر طنزپرداز در پایان خاطرنشان کرد: برنامه دونقطه تجربه بسیار خوبی برای ما و مخاطبان بود، چراکه توانستیم در قالبی شاد و رقابتی زبان فارسی، زیبایی‌ها و ظرافت‌های آن را به جامعه دوباره یادآوری کنیم. در این رقابت‌ها شرکت‌کنندگان و مخاطبان گسترده برنامه، افزون بر توجه ویژه به زبان فارسی به عنوان هویت ملی و فرهنگی ما که برگرفته از اعتقادات اصیل دینی، ملی و میهنی هموطنان عزیز است، در قالب برنامه‌ای تأثیرگذار و سرشار از جاذبه و نوآوری با سبک زندگی ایرانی از نزدیک آشنا شدند.

نقد فیلم

مروری بر تصویر خانواده در فیلم «در آغوش درخت»

روایت عشق، تنش و رشد در خانواده

فاطمه شریفی

فیلم «در آغوش درخت» به کارگردانی «جواد خواجه‌پاشا» و به همت سازمان سینمایی سوره روانه اکران آنلاین شده است. این فیلم که نماینده ایران در جشنواره اسکار ۲۰۲۵ بود، یکی از آثار درخشان سینمای ایران است که به طور ویژه به مسئله خانواده، روابط میان اعضای آن و پیچیدگی‌های انسانی می‌پردازد. در این اثر، خانواده به عنوان هسته‌ای از روابط عاطفی و اجتماعی بررسی می‌شود که هر کدام از اعضای آن با چالش‌ها و بحران‌های فردی و جمعی خود مواجهند. این فیلم با استفاده از داستانی دراماتیک و شخصیت‌پردازی‌های عمیق، بازنمایی جدیدی از خانواده به نمایش می‌گذارد که جنبه‌های مثبت و منفی آن را به شکلی پیچیده و واقع‌گرایانه نشان می‌دهد.

در «در آغوش درخت»، خانواده به عنوان یک نهاد به نظر می‌رسد که همزمان می‌تواند فضایی برای حمایت و محبت باشد و هم جایی برای تنش و نارضایتی. این تضاد، یکی از ویژگی‌های برجسته فیلم است. در این فیلم، اعضای خانواده به‌ویژه مادر و پدر که نقش‌های سنتی‌تری در خانواده دارند، با فشارهای روانی و عاطفی مواجهند که روابط آنها را دچار اختلال می‌کند. در عین حال، این اختلالات در روابط می‌تواند بر شخصیت و رفتار فرزندان تأثیرگذار باشد. در واقع، این فیلم با نگاه به چالش‌ها و فشارهایی که خانواده‌ها در دنیای معاصر با آن روبه‌رو هستند، نشان می‌دهد حتی روابط عاطفی عمیق نیز ممکن است تحت تأثیر فشارهای بیرونی و درونی قرار گیرند.

یکی از مهم‌ترین ارکان این فیلم، شخصیت مادر است که نقشی محوری در فرایند نگهداری و مراقبت از خانواده دارد. مادر در این فیلم همزمان با نقشی محافظتی و مراقبتی، با احساسات گوناگونی نظیر استرس، فشاری از بیرون و حتی نارضایتی درونی دست و پنجه نرم می‌کند. این تصویر از مادر که به دور از ایده‌آل‌های رمانتیک و ملایم از آن در بسیاری از فیلم‌ها و داستان‌ها دیده می‌شود، نشان‌دهنده واقعیت پیچیده نقش مادرانه است. در «در آغوش درخت»، مادر نه تنها مسئولیت‌های عاطفی و روانی خانواده را بر دوش دارد، بلکه خودش نیز نیازمند حمایت و درک از طرف سایر اعضای خانواده است. در مقابل مادر، پدر در این فیلم به عنوان فردی معرفی می‌شود که در تلاش برای رسیدن به جایگاه مورد نظر خود در خانواده و جامعه است. در حالی که مادر بیشتر درگیر مسائل عاطفی و ارتباطی با دیگر اعضای خانواده است، پدر بیشتر روی بُعد اقتصادی و اجتماعی زندگی خانواده تمرکز دارد. این تضاد در اولویت‌ها باعث می‌شود تا روابط پدر با همسر و فرزندانش تحت تأثیر قرار گیرد و بحران‌های هویتی به تدریج در شخصیت او شکل بگیرد. پدر در این فیلم به نوعی نماینده چالش‌های هویتی و اجتماعی است که بسیاری از مردان در زندگی روزمره با آنها مواجهند. فرزندان در «در آغوش درخت» به‌عنوان موجوداتی حساس و در حال رشد، در مرکز این تضادها و بحران‌ها قرار دارند. این فیلم با نمایش فرزندان که همزمان از بحران‌های خانوادگی تأثیر می‌پذیرند، نشان می‌دهد چگونه محیط خانواده می‌تواند بر شکل‌گیری هویت فردی و عاطفی آنها تأثیر بگذارد. روابط فرزندان با والدین که ابتدا ممکن است پیچیده و مملو از تنش باشد، در طول داستان به تدریج به سمت درک و پذیرش تغییر می‌کند. فیلم در آغوش درخت به شدت بر تأثیر محیط طبیعی و نمادهای آن در زندگی خانواده تأکید دارد. درخت به عنوان نمادی از رشد و پایداری در فیلم ظاهر می‌شود و خانواده نیز در این زمینه در حال رشد و تغییر است، اما در عین حال، همان‌طور که درخت ممکن است تحت تأثیر شرایط محیطی قرار گیرد، خانواده نیز با چالش‌های مختلف دست و پنجه نرم می‌کند و باید برای بقا و رشد خود با این شرایط سازگار شود.

> **فیلم در آغوش درخت بازنمایی پیچیده‌ای از خانواده ارائه می‌دهد که در آن عشق و تعارض، حمایت و بی‌توجهی، امنیت و بحران به طور همزمان وجود دارند. این فیلم با برجسته کردن چالش‌ها و زیبایی‌های روابط خانوادگی نشان می‌دهد هیچ خانواده‌ای به طور کامل بدون دردسر و بحران نیست**

در نهایت، فیلم در آغوش درخت بازنمایی پیچیده‌ای از خانواده ارائه می‌دهد که در آن عشق و تعارض، حمایت و بی‌توجهی، امنیت و بحران به طور همزمان وجود دارند. این فیلم با برجسته کردن چالش‌ها و زیبایی‌های روابط خانوادگی نشان می‌دهد هیچ خانواده‌ای به طور کامل بدون دردسر و بحران نیست، بلکه هر خانواده‌ای با مشکلات و موانع خاص خود روبه‌روست که بر اساس نحوه مواجهه با آنها می‌تواند یا شکوفا شود یا از هم بپاشد.

ادبیات

نگاهی به رمان «کافه ماگنولیا»

کافه‌ای در طوفان تاریخ

علیرضا ملوندی

در ادبیات معاصر ایران، کمتر رمانی را می‌توان یافت که همزمان سه بُعد «تاریخ»، «هویت» و «روایت‌پردازی خلاق» را به گونه‌ای متوازن و قابل تأمل با هم پیوند داده باشد. «کافه ماگنولیا» نوشته منیژه آرمین، یکی از آن معدود آثار است. این رمان نه فقط داستانی درباره چند شخصیت و چند واقعه است، بلکه تجربه‌ای چندلایه از زیستن در ایران دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی است؛ زمانی که سیاست در همه چیز جاری و سرنوشت فرد و خانواده و عشق و هنر را نیز در خود بلعیده بود.

منیژه آرمین پیش‌تر با آثاری چون «شب و قلندر» و «شباویز» شناخته شده بود. آثاری که به نوعی سنگ بنای جهان داستانی او را شکل دادند؛ جهانی که در آن، انسان ایرانی در تلاقی با تاریخ، دین، غربت و غربزدگی به تصویر کشیده می‌شود. کافه ماگنولیا را می‌توان برگرفته یا ادامه همان مسیر دانست اما اگر بخواهیم صادق باشیم، این کتاب در عین حفظ پیوندهای درون‌متنی با آثار پیشین، پخته‌تر، پیچیده‌تر و چندصداتر است.

درونمایه اصلی رمان، حول خانواده‌ای روشنفکر و اهل قلم شکل می‌گیرد؛ خانواده‌ای که قلب تپنده آن رضاداد، مدیرمسئول و سردبیر یک مجله فرهنگی به نام این فصل است. ما در فصل‌های نخست با فضای این مجله، تحریریه خانوادگی‌اش و دغدغه‌های غیرسیاسی آن آشنا می‌شویم. این فصل بیشتر متمایل به ادبیات و فرهنگ است تا سیاست اما همین انتخاب در فضای ملتهب ملی‌شدن نفت، خودش سیاسی‌ترین کنش ممکن است. جایی که همه چیز رنگ و بوی سیاست گرفته، سکوت، نوعی فریاد است.

ورود مردی مرموز و یهودی به نام «محجوب» به داستان، نقطه عطفی مهم در روایت است. محجوب که ظاهراً برای نجات مجله آمده، در واقع حامل یک لایه تاریخی- تمثیلی دیگر در داستان است: او نماد گذشته‌ای است که در تاریکی تاریخ ایران، گم شده و حالا بازمی‌گردد تا از زیر خاک خاطرات و رازها، چیزی را بازیابد؛ گنجی خانوادگی که تنها با کمک رضاداد قابل دستیابی است. این جست‌وجو، البته تنها معنای ظاهری ندارد. گویی کل رمان نیز در حال جست‌وجوی همین «گنج» است؛ گنجی که همان هویت ایرانی، آزادی اندیشه و حق انتخاب است.

رمان در ۳۵ فصل روایت می‌شود. فصل‌هایی که از منظرهای گوناگون با زمان‌های متفاوت و روایت‌های موازی، ما را با شخصیت‌هایی آشنا می‌کنند که هر یک نماینده بخشی از جامعه ایران آن روزگارند. از مظفر، برادرزاده مجسمه‌ساز و کمونیست رضاداد گرفته تا پروانه سمیعی، مخاطب پروپاقرص مجله و دلداده محجوب، تا زهره‌جان و حاج‌خانم و حتی چهره‌هایی تاریخی مانند دکتر مصدق و قوام‌السلطنه که حضوری زنده و پررنگ در پس‌زمینه داستان دارند.

یکی از نقاط قوت کتاب، توانایی نویسنده در خلق شخصیت‌های خاکستری است. هیچ‌کس قدیس یا شیطان مطلق نیست. رضاداد، روشنفکر منزوی و اخلاق‌گرایی است که گاه ناتوان از تصمیم‌گیری است. مظفر با وجود شور انقلابی‌اش دچار شک و بازاندیشی می‌شود. حتی محجوب، یهودی مسلمان‌شده‌ای که علیه صهیونیسم می‌جنگد، در نهایت قربانی همان دوگانگیِ هویت و سیاست می‌شود. این انسان‌های متزلزل، ما را با انسانِ واقعی درگیر تاریخ آشنا می‌کنند، نه شخصیت‌هایی مقوایی و شعاری.

منیژه آرمین با چیره‌دستی خاصی، وقایع سیاسی و تاریخی آن دوره را در دل زندگی روزمره و روایت‌های شخصی جای داده است. از تلاش مصدق برای ملی کردن صنعت نفت، خیانت‌های پشت‌پرده انگلستان و بازی‌های دوگانه شوروی تا نقش آژانس‌های خارجی و چهره‌هایی چون اشرف و قوام در به بیراهه کشاندن مردم، همه در تار و پود داستان تنیده شده‌اند. نویسنده نه در جایگاه مفسر تاریخ، بلکه به‌عنوان راوی صمیمی سعی می‌کند آنچه بر سر مردم آن روزگار آمده را از درون خانه‌ها، کوچه‌ها و کافه‌ها نشان دهد.

کافه ماگنولیا، نام خود را از مکانی استعاری و شاید نیمه‌واقعی گرفته است؛ کافه‌ای که محل برخورد نگاه‌ها، تضادها و عشق‌هاست. در این کافه است که محجوب و پروانه به هم نزدیک می‌شوند، مظفر به بن‌بست ایدئولوژی‌اش می‌رسد و رضاداد در آستانه تصمیمی بزرگ قرار می‌گیرد. کافه، نماد گفت‌وگو و در عین حال، غربت است؛ جایی برای دیدن و نادیده گرفته شدن.

وجه دیگر درخشان کتاب، نگاه زنانه و دغدغه‌مند نویسنده است. آرمین که خود سال‌ها در حوزه فرهنگ، خانواده و ادبیات فعالیت داشته است، نه‌فقط شخصیت‌های زن رمان را مستقل و قوی خلق کرده، بلکه آنها را به مثابه سوژه‌هایی فعال در تاریخ معرفی کرده است. پروانه، تنها یک معشوق نیست؛ او زنی است که تصمیم می‌گیرد، انتخاب می‌کند و تا مرز خطر می‌رود. زهره‌جان، مادر مقتدر خانواده، حافظ سنتی است که در برابر طوفان‌های زمان ایستادگی می‌کند. آرمین از زنان ناتوان نمی‌نویسد؛ از زنانی می‌نویسد که در شرایط دشوار، سهم خود را از تاریخ طلب می‌کنند.

در بخش پایانی کتاب، شدت روایت تاریخی افزایش می‌یابد. قیام ۳۰ تیر، انحلال مجلس، تلاش مصدق برای حفظ استقلال و نهایتاً کودتای مرداد ۳۲ با جزئیات و از منظر شخصیت‌ها روایت می‌شوند. آرمین در اینجا اگرچه با جانبداری از دولت مصدق می‌نویسد، اما نگاهی کاملاً تحسین‌گر ندارد. او اشتباهات مصدق را هم به نقد می‌کشد؛ از تنهایی تصمیم‌هایش تا اعتماد بیش از حد به مشروعیت توده‌ای، اما در عین حال با زبان داستان نشان می‌دهد که کودتا نه فقط شکست یک دولت، بلکه شکست یک رؤیا بود؛ رؤیای استقلال، قانون‌گرایی و توسعه بومی.

کافه ماگنولیا با پایان یافتن دولت مصدق به پایان می‌رسد اما آنچه در دل خواننده باقی می‌ماند، پایان نیست، آغاز یک درک تازه است؛ درکی از اینکه چگونه می‌توان با زبان رمان، تاریخ را فهمید، احساس کرد و دوباره اندیشید. آرمین با نگاهی انسانی و عمیق، ما را وادار می‌کند که از دل خرده‌روایت‌های یک خانواده، سرنوشت یک ملت را بازخوانی کنیم.

کافه ماگنولیا را انتشارات سوره مهر در ۴۵۲ صفحه و با قیمت ۳۷۵ هزار تومان راهی بازار نشر کرده است.

نگاه

رفاقت برای زبان فارسی

تجربه راهبری شرکت‌کننده‌های مسابقه «دونقطه»

ساجده ابراهیمی

برنامه تلویزیونی «دو نقطه» یک اتفاق ویژه روی آنتن تلویزیون بود. نه چون پیش از این مسابقه‌ای با حضور نوجوانان سراسر کشور برگزار نشده یا کسی قبل از این جوش زبان فارسی و فاصله معنادار زبان نوجوانان با آن را نزده بود. البته «دو نقطه» همه اینها بود اما فقط اینها نبود. «دو نقطه» قرار بود شرکت‌کنندگان و تماشاچیان خود را همزمان رشد دهد، به همه ما یادآوری کند اگر «حرف همو می‌فهمیم» نتیجه پاسداشت این زبان کهن طی هزاران سال است که این میراث گرانقدر بنا نیست پای راحت‌طلبی و تغافل ما لاغر و ضعیف شود یا به نفس‌نفس بیفتد. تلویزیون و حوزه هنری انقلاب اسلامی دوشادوش هم اتفاقی را رقم زدند که اگر نخواهیم بگوییم بی‌سابقه بود، می‌توان گفت کمتر نظیر آن را دیده‌ایم. برنامه تلویزیونی «دو نقطه» با گردهم آوردن نوجوانانی از سراسر کشور، آنها را در چالش‌های مختلف آزموده و مرحله‌به‌مرحله با کمک راهبرهایشان رشد داده است. ما نیز به‌عنوان مخاطبان همگام با آنان ارتقا می‌یابیم. ساجده ابراهیمی که نامی آشنا در عرصه نویسندگی است، به‌عنوان راهبر شرکت‌کنندگان در «دو نقطه» حضور داشته و تجربه خود از همکاری را در قالب این یادداشت مستند کرده است.

رسول خادم کنار تشک کشتی حرص می‌خورد و مدام حسن یزدانی را صدا می‌زد و می‌گفت چطور از پس حریف روسش برآید. بعد او را با حوله باد می‌زد و نصیحت می‌کرد و برای نبردی تن به تن به تشک می‌فرستاد، اما خب اینجا مسابقه دونقطه و برای زبان فارسی بود. نبرد تن به تنی در میان نبود و قرار نبود آهنگ حماسی‌ای پخش شود. به من گفته بودند: «مثل خانم معلم‌ها بازی‌ها رو با بچه‌ها کار می‌کنی، بهشون خط میدی و میگی چه منابعی بخونن و چی بلد باشن، انگیزه و انرژی میدی همین.» من با همین حرف‌ها رفتم و راهبری - که به احترام زبان فارسی به آن «منتوری» نمی‌گوییم- بچه‌های شرکت‌کننده در دونقطه را پذیرفتم، اما هر روز خودم را برای آن حرکت‌های جانانه و هوار کشیدن‌های کنار صحنه آماده می‌کردم.

اولین دیدار حضوری ما راهبرها با بچه‌های برگزیده، در یک عصر بارانی بهمن ۱۴۰۳ اتفاق افتاد. دخترها یکی‌یکی می‌آمدند و پشت میزی بزرگ می‌نشستند و پچ‌پچ‌هایشان شروع می‌شد. بیشترشان حاضرجواب بودند و به سؤال‌های ما با خنده جواب می‌دادند: «به‌نظر خودت چرا اینجایی؟ آخرین کتابی که خواندی؟ چه بازی‌هایی می‌کنی؟ پاترهدی یا نه؟ برای برنده شدن چه می‌کنی؟» قرار بود با این سؤال‌ها آنها را بشناسیم، رفتار و واکنش‌هایشان را ببینیم و دانش ادبی‌شان را بسنجیم. جواب‌ها به طرز متنوعی تکراری و گاهی دلسردکننده بودند. «قیصر امین‌پور» نویسنده محبوب خیلی‌ها بود و بعضی‌ها «ذبیح‌الله منصوری» را از نویسنده‌های خوب کشورمان می‌دانستند. جواب‌هایی منحصر به فرد هم در میانشان پیدا می‌شد

مثل «م» که گفت آخرین فیلمی که دیده «اوپنهایمر» بوده و به‌نظرش از کارهای قبلی «نولان» ضعیف‌تر آمده است. همانطور که داشتیم به اعجوبه ۱۴ ساله‌ای نگاه می‌کردیم که نولان می‌بیند و نقد و نظر شخصی هم دارد، گفت: «البته هیچی ازش ندیدما. اینم بقیه میگن.»

بچه‌ها رفتند و من و «فاطمه قربانی» گروه‌بندی‌شان را شروع کردیم. هر کدام‌شان یک منظومه بودند و چفت کردن چهارتا منظومه کنار هم کار سختی بود. ساختن گروه‌هایی چهار نفره که بین‌شان هم بامزه و شوخ داشته باشند، هم باهوش و زرنگ، هم خوش‌سر و زبان و هم یکی که رهبری گروه را بلد باشد، سخت بود. بارها گروه‌ها را چیدیم و بارها به هم ریختیم و از نو چیدیم تا بهترین ترکیب‌ها اتفاق بیفتد.

بازی‌ها را در چند ویدئو برای بچه‌ها توضیح دادیم و چند اصل را گفتیم: از «ز» و «ذ»هایی که کار دست‌شان می‌داد و هکسره‌هایی که از دست‌شان در می‌رفت و بهترین راه ساختن کلمه‌ها. اگر اینها را یاد می‌گرفتند و کمی در گنجور می‌چرخیدند، بازی را برده بودند.

من روزهای زیادی کنار صحنه منتظر آمدن‌شان و روشن شدن نورافکن‌ها بودم. با همین هیجان جلسه‌های تصویری آنلاین را با گروه‌ها برگزار کردیم و تازه اصل قصه شروع شد. وقتی به اصرارها و قربان صدقه رفتن‌های زیاد از دخترها می‌خواستم دوربین‌هایشان را روشن کنند، فهمیدم چالش اصلی‌مان دانش ادبی‌شان نیست، خجالت‌شان از دوربین است. دختری که در جمع پنج نفره‌مان از دوربین فراری بود، در استودیو به آن بزرگی و در هجوم دوربین‌ها چه می‌کرد؟

من معلم بچه‌ها نبودم. قرار بود همراه‌شان باشم تا از پس همین چالش‌ها بربیایند. باید رفیق‌شان می‌شدم، نه آنطور که جیک و پوک هم را بدانیم اما اگر نقطه ضعف‌ها و قوت‌هایشان را نمی‌دانستم، اگر حساسیت‌ها و مهارت‌هایشان را نمی‌فهمیدم و اگر از پس چهره‌ها و واکنش‌هایشان، احساسات‌شان را نمی‌فهمیدم، همراه خوبی برایشان نبودم. راهبری مرافقت می‌خواست. رفیق‌شان شدم. به هر حیله در دل هم جا پیدا کردیم و روزهای زیادی با هم از ضرب‌المثل‌ها گفتیم، بغلی‌بگیر بازی کردیم، با اسم‌های گروه‌شان شعار ساختیم (ی حرف آخره و اومده حرف آخرو بزنه. ظ ظلم‌ستیزه و ه همه‌رو می‌بره) و تمرین کردیم در هر موقعیتی چطور با شعر و مَثَل جواب بدهند.

دوست داشتم روی صحنه بدرخشند و من از آن عقب فریاد بزنم: «اینا دخترای منن»، اما خب همه‌چیز آن‌طور که آدم دوست دارد پیش نمی‌رود. همه آن رؤیاهایم برای صحنه و نفس حبس کردن‌هایم برای تشویق و فریاد زدن، تبدیل شد به دلگرمی دادن، این پا و آن پا کردن در اتاق رژی و پشت صحنه و صلوات‌هایی که بچه‌ها گفته بودند برایشان بفرستم. من آن مربی حوله به دست نبودم و کنار صحنه فن و تکنیک به کسی یادآوری نمی‌کردم. اینجا دو نقطه بود، من دوست ۱۲۸ دختر نوجوان بودم و برای زبان فارسی جمع شده بودیم. دخترها کارشان را بلد بودند، روی صحنه می‌درخشیدند و می‌خواندند: «شاهنامه آخرش خوشه.»

پیشخوان

در حاشیه انتشار یادمانی نوین برای «شهید جمهور»

گواهی بر آنکه «رئیسی روحانی بود»

■ شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، بر آن است که با استفاده از عناصر داستانی به تبیین سیره شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی بپردازد. «رئیسی روحانی بود» از سوی گروه فرهنگی انتشارات شهید ابراهیم هادی، تدوین و روانه بازار کتاب شده است. تارنمای ناشر در تشریح محتوای کتاب به نکات ذیل اشارت برده است: «کتاب رئیسی روحانی بود، زندگینامه و خاطرات رئیس‌جمهور شهید، خادم الرضا، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی است که به همت گروه فرهنگی انتشارات شهید ابراهیم هادی گردآوری شده است. نامگذاری این کتاب به دلیل مشی زندگی و روش زیست ایشان است که به معنای واقعی تبلور یک روحانی در متن جامعه بودند و در راه جست‌وجوی عدالت و تقوا و برای خدمت به مردم، شهید شدند. کتاب رئیسی روحانی بود سعی دارد به گونه‌ای شفاف، روش زیست ایشان، زندگی واقعی یک روحانی مخلص و خادم مردم را به نمایش بگذارد. این کتاب با نگاهی جامع، از ابتدای تولد او تا پایان شهادتش را شرح داده و خاطرات جذاب و شنیدنی‌ای در این کتاب می‌خوانید که کمتر جایی شنیده‌اید. ماجرای سید ابراهیم ۲۰ساله که دادستان شهر پرحاشیه کرج می‌شود و برای اجرای قانون با هیچ‌کس تعارف ندارد و همان زمان بنی‌صدر و منتظری برای اجرای قانون توسط او با وی درگیر هم می‌شوند! داستان عباس معروفی و حکم اعدامی که شهید رئیسی آن را لغو می‌کند. زندگی ساده و خانه استیجاری که سال‌ها با وجود داشتن مسئولیت‌های بزرگ در جمهوری اسلامی در آن زندگی می‌کند. گره‌گشایی از مردم رسم

زندگی او بود و بسیاری از مردمی که با ایشان برخورد مستقیم داشتند، لطافت و مهربانی وی را تأیید می‌کنند. در زمانی که با سوء مدیریت‌ها، کارخانه‌ها به تعطیلی کشانده می‌شد و کارگران بسیاری بیکار می‌شدند، او کمر همت بست و یکی یکی موانع را برداشت و رونق تازه به جریان صنعت کشور داد، مثالش کارخانه هپکو. او را با سوادترین رئیس‌جمهور ایران می‌دانند، در دروس حوزه تا پایان سطح چهار و همزمان اخذ مدرک دکتری در رشته فقه خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی، شاهدی بر این مدعاست، اما کسانی حالا به او بی‌سواد می‌گویند که عنوان رساله دکتری وی را حتی نمی‌توانند بنویسند!...»

در بخشی از اثر فوق آمده می‌خوانیم: «در جریان دادگاه‌های گروهک منافقین در تهران که در ایام شهادت آیت‌الله رئیسی برگزار شد، یکی از اعضای قبلی این سازمان در مورد اقدامات این گروهک صحبت کرد و گفت: من در یک عملیات ترور شرکت کردم و یک مغازه لوازم ورزشی را - که یک فرد انقلابی آن را اداره می‌کرد- با نارنجک هدف قرار دادم. در جریان این حمله، یکی از عابرین پیاده به شهادت رسید. من به دنبال عملیات دیگری در همدان بودم که دستگیر شدم. جرم من مشخص بود. خودم می‌دانستم که اعدام من حتمی است. من انسان بی‌گناهی را کشته بودم، اما در زندان واقعاً توبه کردم. دادستان همدان از طریق خانواده‌ام متوجه موضوع شد. به دیدنم آمد و با من صحبت کرد و گفت: تمام تلاشم را برای رهایی تو انجام می‌دهم. باورم نمی‌شد دادستان انقلاب، اینقدر با مهربانی برخورد کند. نامش را پرسیدم و فهمیدم آیت‌الله رئیسی است. ایشان وقتی فهمید با نیروهای انقلابی همکاری دارم، شرایط را برای من مهیا کرد. پس از چند جلسه دادگاه، مبلغی به عنوان دیه تعیین کرد و چند سال حبس نیز برایم تعیین شد و سپس آزاد شدم. او بود که با برخورد خوب، سرنوشت مرا تغییر داد...»

حضور شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در واپسین راهپیمایی روز قدس در دوران حیات

جستارهایی در خصال شخصیتی شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در آیینه ۶ روایت

در بحران‌ها آرام بود و فقط به خدمت می‌اندیشید

■ سمانه صادقی

نخستین سالروز شهادت آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی، فرصتی مغتنم است تا سیره مدیریتی وی مورد بازخوانی و بازنمایی قرار گیرد. در مقال پی آمده، برادر و شش نفر از همکارانش در دولت به روایت پاره‌ای از خاطرات‌شان در این فقره دست زده‌اند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **مراقبه، محاسبه و رازداری**

درآغاز این یادمان بهنگام می‌نماید قدری در باب خصال دیرین شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی سخن رود. چه این امر موجب می‌شود که اخلاق مدیریتی وی نیز به سهولت فهم گردد. سید علی رئیسی برادر شهید در باب خصال «شهید جمهور» در ادوار گوناگون حیات چنین آورده است:

«باید گفت که اخلاق‌مداری از شاخصه‌های شخصیت او بود و از همان نوجوانی سعی می‌کرد با خانواده و اقوام رابطه خوبی داشته باشد. همچنین اهل توسل به قرآن، اهل‌بیت(ع) و کارهای تبلیغی بود و در دوران طلبگی‌اش هم به تبلیغ می‌رفت. او از کودکی اهل تواضع بود. این تواضع را در دوران میانسالی و حتی همین اواخر هم می‌دیدیم و مثلاً در روضه خانگی‌شان وقتی برایش جایی برای نشستن تعیین می‌کردند تا بنشیند، هر مکانی که می‌شد می‌نشست و نمی‌خواست برتر از دیگران باشد. از دیگر روحیات ایشان که بسیار بر آن اهتمام داشت، این بود که سید ابراهیم به مادر توجه بسیار داشت و از کودکی تا همین اواخر، همواره می‌کوشید به مادر احترام ویژه بگذارد و به ایشان خدمت کند. همیشه سعی داشت به مادر سر بزند و حتی با شرایط سخت امنیتی هم حتماً خدمت مادرمان می‌رسید و همیشه می‌کوشید رضایت ایشان را جلب کند. منزل مادر ما در منطقه‌ای متوسط است. شهید رئیسی در رفت‌وآمد به منزل مادر رعایت می‌کرد تا کسی متوجه نشود و واقعاً هم همسایگان دوردست، ما را نمی‌شناختند و بعد از شهادت باخبر شدند. البته برخی همسایگان مجاور مطلع بودند. حتی بنده هم شناخته شده نبودم و در شهر و محله به راحتی رفت‌وآمد داشتم و بعد از شهادت ایشان شناخته شدیم و مردم کم و بیش مطلع شدند. اخلاص فوق‌العاده و رازداری، مراقبه و محاسبه در رفتار، از جمله شاخصه‌های شخصیتی ایشان محسوب می‌شود. شهید رئیسی در هر منصبی که بود، مردم را محور قرار می‌داد و می‌کوشید خدمت به جامعه و مردم به نحو شایسته انجام پذیرد. از دیگر ویژگی‌های ایشان اهتمام بر زیارت ائمه اطهار(ع) بود؛ شهید رئیسی سعی می‌کرد تا در هر شرایطی زیارت اربعین را برود. به یاد دارم یک سال در مسیر پیاده‌روی اربعین بود و اتفاقاً با شهید سلیمانی هم دیدار کرد. ایشان توصیه می‌کرد در این راهپیمایی عظیم شرکت کنید و تعظیم شعائر الهی حتماً صورت بگیرد...»

■ **بر محمل عبادتی عاشقانه**

از مدخل‌های مهم به شخصیت شناسی «رئیس‌جمهور شهید»، سیره عبادی وی بود. علاقه به راز و نیاز با حضرت حق و نجواهای متضرعانه به پیشگاه او به ویژه در مقاطع دشوار و تعیین کننده، در زندگی رئیسی مکانتی والا و دائمی داشت. آیت‌الله محمدمهدی شب زنده‌دار از فقهای شورای نگهبان در تبیین این امر خاطرنشان کرده است:

«یکی از ویژگی‌های برجسته شهید آیت‌الله رئیسی، انس و الفت با عبادت و مناجات با پروردگار متعال بود. سجده‌های طولانی، اشک‌های عاشقانه و خلوت با خداوند، بخشی جدایی‌ناپذیر از سیره عبادی ایشان به شمار می‌آمد. حتی در فرصت‌های کوتاهی که برای تشرف به حرم مطهر حضرت رضا (ع) فراهم می‌شد، ایشان با اشتیاق می‌کوشیدند در یکی از نمازهای جماعت، ولو یک وعده شرکت کنند و از ثواب آن بهره‌مند شوند. با اینکه جایگاه رسمی و مدیریتی ایشان اقتضا می‌کرد تا از امکانات خاصی استفاده کنند، اما نهایت تواضع را در سلوک خود داشتند. به یاد دارم در یکی از سفرهایی که در هتل ولایت - که برای طلاب و علماست- اقامت داشتیم، ایشان نیز همانجا سکونت کردند و اتاقی عادی مانند دیگران گرفتند. رفتارشان کاملاً ساده و بی‌تکلف بود. حتی یادم است در همان سفر، برخی افراد نوزاد خود را نزد ایشان آوردند تا در گوش نوزاد اذان و اقامه بگویند و ایشان با کمال تواضع این درخواست را پذیرفتند. اینها جلوه‌هایی از روحیه طلبگی ایشان بود که در تمام شئون رفتاری و اجتماعی‌شان نمایان بود. با وجود مسئولیت‌های کلان، ایشان بارها در سخنرانی‌های عمومی خود تصریح می‌کردند من یک طلبه‌ام و همین عنوان را بزرگ‌ترین افتخار خود می‌دانستند. شهید رئیسی ارزش واقعی خود را در طلبگی و در خدمت در اردوگاه حضرت بقیةالله الاعظم (اروا‌حنا فداه) می‌دیدند و این مسئله نشان می‌داد به‌خوبی درک کرده بودند که معنای واقعی طلبگی چیست و هرگز ظاهر امور دنیوی را بر آن ترجیح ندادند. بحمدالله روحیه جهادی و اخلاص در خدمت در ایشان موج می‌زد و دور از ذهن نیست اگر بگوییم خدای متعال به‌پاس همین اخلاص، مجاهدت‌ها و صفات برجسته، شهادت را نیز نصیب ایشان فرمود، چراکه شهدا نیز در محفل انس الهی، بهره‌مند از قرب الهی و انس با حق‌تعالی‌اند...»

■ **در قاموس او، اوقات فراغت مفهومی نداشت**

از دیگر نکات بارز در سیره شهید رئیسی، پرکاری وی بود. گو اینکه خستگی به وجودش راه نداشت و همواره انجام کارها را در زمانی زودتر از موعد مقرر کلید می‌زد. این امر موجب شد در دوره کوتاه ریاست جمهوری به توفیقاتی فراوان دست یابد. سیدمحمد حسینی معاون پارلمانی دولت سیزدهم در این باره اشاراتی به ترتیب ذیل دارد:

«شهید رئیسی دائماً می‌گفت: الفُرصَةُ تمُّر مرَّ السَّحاب، فانتهزوا فرص الخیر: فرصت‌ها به سرعت باد عبور می‌کنند و زمان از دست می‌رود، فرصت‌های خیر را برای انجام بهنگام کارها مغتنم بشمارید. کار مردم را سریع و بدون فوت وقت انجام دهید و اگر کوتاهی کنید، فردای قیامت باید جوابگو باشید. شهید جمهور کسی نبود که گرفتار دیوان‌سالاری اداری شود و انتظار داشت مدیران با نظارت و اشراف، کارها را به‌سرعت به نتیجه برسانند تا بوروکراسی اداری اخلال در سرعت انجام کارها ایجاد نکند یا آنها را متوقف نسازد. شباهت سیدابراهیم به شهید حاج قاسم سلیمانی این بود که مانند سردار دل‌ها در اخلاص، تدبیر و خستگی‌ناپذیری بی‌بدیل بود. شهید بزرگوار سلیمانی عزیز، ۴۱ سال در میدان رزم و جهاد بود و آرام و قرار نداشت و آقای رئیسی نیز واقعاً نستوه و خستگی‌ناپذیر در خدمت نظام و مردم بود. از زمان تولیت آستان قدس رضوی(ع) به چهار تا پنج ساعت استراحت در شبانه‌روز اکتفا می‌کرد و بقیه وقتش وقف تلاش و مجاهدت بود و اوقات فراغت و تفریح در قاموس او معنا و مفهومی نداشت. دیگر شباهت آیت‌الله رئیسی به سردار سلیمانی این بود که مانند شهید سلیمانی همواره در صحنه و میدان کار حضور داشت. انگار آقای رئیسی در خدمت به مردم و گره‌گشایی از مشکلات آنان آرام و قرار نداشت. عصر چهارشنبه سوم شهریور ۱۴۰۰، وقتی وزرا رأی اعتماد گرفتند، بلافاصله و بدون تشریفات معمول، آنها را روانه وزارتخانه‌ها کرد و صبح روز بعد یعنی پنج‌شنبه، بعد از حضور در مرقد امام خمینی (ره) و بهشت زهرا و میثاق با شهدا، اولین جلسه دولت سیزدهم را تشکیل داد و بعدازظهر عازم خوزستان شد و اولین سفر استانی را کلید زد. در حالی که روال عادی این بود که از شنبه کابینه کار را آغاز کند، اما ایشان نمی‌خواست فرصت این دو روز یا حتی چند ساعت را از دست بدهد. نکته دیگر در شیوه مدیریت وی این بود که با وقت‌گذاری بسیار سعی می‌کرد در حوزه‌های مختلف در جریان آخرین اخبار و رخدادها باشد تا اظهار نظر، تصمیم‌گیری و اقدامی که می‌کند، سنجیده و دقیق باشد. مثلاً آخرین قیمت کالاها را مرتب رصد می‌کرد و معمولاً در جلسات دولت و طی یادداشتی از وزرای مربوطه علت افزایش را جویا می‌شد یا در تعامل با نمایندگان مجلس نه تنها ارتباط قابل‌توجهی با آنان داشت، بلکه اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های آنان را هم مطالعه می‌کرد...»

■ **اهل هزینه دادن برای نظام بود**

«خادم جمهور» در ادوار گوناگون حیات سیاسی خویش همواره در حوالی مجاهدت و شهادت منزل داشت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برای ماندگاری و کارآمدی نظام برآمده از آن از بذل نفس و نفیس دریغ نکرد و در این مسیر استقامت ورزید. سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در این خصوص اذعان می‌کند:

«آقای رئیسی معتقد بود امکانات و استعداد در کشور کم نداریم و باید بتوانیم از اینها برای پیشرفت همه جانبه استفاده کنیم. او حل مسائل را در داخل جست‌وجو می‌کرد و نه در خارج. البته این نکته به آن معنا نبود که با خارج ارتباط نداشته باشد، بلکه اتفاقاً در دوران سه‌ساله مسئولیت ایشان دستاوردهای بزرگی در عرصه‌های مختلف سیاست خارجی شکل گرفت، اما در عین حال معتقد بود جمهوری اسلامی این ظرفیت را دارد که بتواند بدون نگاه به خارج بر بسیاری از مشکلات فائق آید. آقای رئیسی اهل هزینه‌دادن برای نظام بود و واقعاً هم هزینه می‌داد، نه مانند برخی مسئولان که تا قدری مورد فشار قرار می‌گیرند، همه‌چیز را فدای خود می‌کنند یا از نظام و ارزش‌ها و انقلاب و شخصیت‌های ملی و مذهبی برای خود هزینه می‌کنند. او خود را سرباز انقلاب می‌دانست. رئیس‌جمهور شهید حقیقتاً در قبال نظام و رهبری، شأنی جز سربازی برای خود قائل نبود. خیلی‌ها را دیدیم که وقتی قدری مورد اقبال مردم قرار گرفتند، دچار توهم شدند و با نظام زاویه پیدا کردند، ولی شهید رئیسی با اینکه محبوب قلوب مردم بود، اما خود را خدمتگزاری ساده می‌دانست. به‌یاد نداریم که آقای رئیسی، یک پنج‌شنبه و جمعه را تعطیل بوده باشد. با اینکه با این حجم از کار، قاعدتاً میزانی از استراحت طبیعی است، اما آقای رئیسی اینگونه نبود. شهید رئیسی اهل امید بود و هیچ‌گاه او را ناامید نمی‌دیدیم. به‌رغم اشراف بر مسائل و مشکلات کشور اما هیچ‌گاه دچار یأس نشد و به جامعه هم امید می‌داد. ممکن بود در صحبت با مردم بگوید که کشور دچار مشکل اقتصادی است، اما ترس را به دل مردم نمی‌انداخت. آقای رئیسی اهل تصمیمات بزرگ بود و با این مشی جلو می‌رفت. در سیاست داخلی و خارجی تصمیمات بزرگی برای حل مسائل اتخاذ کرد و بسیاری از مسائل مانند حل ارتباط با عربستان، حرکت به سمت برقراری روابط با مصر و غیره در آن دوره بنیان گذاشته شد. همچنین پیوستن ایران به اتحادیه‌های بین‌المللی که دستاوردی برای کشور بود، با تصمیم دولت سیزدهم عملی شد...»

■ **در جنگ ترکیبی، حساب مزدوران را از فریب خوردگان جدا کرد**

نحوه مواجهه شهید رئیسی با جنگ ترکیبی موسوم به «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، بس درس آموز و عبرت آفرین است. وی در عین صبر و آرامش، با این توطئه پیچیده مواجه شد و رفته رفته امواج آن را فرونشاند. سردار احمد وحیدی، وزیر کشور دولت سیزدهم در روایت ماجرا می‌گوید:

«همان‌طور که رهبر معظم انقلاب نیز اشاره فرمودند، دشمن در آن سال یک جنگ ترکیبی پیچیده را با طراحی دقیق به اجرا در آورد. هدف دشمن در آن طراحی، براندازی نظام بود. البته لایه‌های مختلفی داشت، عده‌ای مزدور داخلی بودند که از بیرون خط می‌گرفتند. عده‌ای تحت تأثیر جنگ شناختی قرار گرفته و وارد صحنه شده بودند. مسئله کاملاً مشخص بود که یک دختر خانم فوت شد و این مانند هزاران پدیده دیگر بود و قوه قضائیه پیگیری می‌کرد و اگر کسی تخلفی داشت، رسیدگی و روال قانونی طی می‌شد. از شخص مقام معظم رهبری تا رئیس‌جمهور و دست‌اندرکاران ابراز تأسف کرده بودند، ولی مشخص بود این یک بهانه بود. همچنین گروهک‌های تجزیه‌طلب غرب کشور در این عرصه فعال شدند و البته برخی نیز کم‌اطلاع بودند و به‌علت عدم شناخت، وارد صحنه شده بودند. شهید رئیسی با نگاه همه‌جانبه، مسئله را رصد می‌کرد. او اعتقاد داشت باید بین کسانی که آگاهانه و مزدورانه برای بی‌ثباتی تلاش کرده و کسانی که ناآگاهانه و فریب خورده‌اند، تفاوت قائل شد و صف‌شان جدا شود. همچنین می‌گفت باید برخوردها نیز بسیار نرم باشد. شخص آیت‌الله رئیسی، ما در وزارت کشور و فرماندهان فراجا به افرادِ در میدان تذکر می‌دادند که از سلاح استفاده نشود، ولو اینکه علیه‌شان نیز از سلاح استفاده شود. در این‌خصوص نیز شهدای عزیزی از جمله شهید عجمیان ناجوانمردانه به شهادت رسیدند. همچنین ایشان و ما در وزارت کشور تأکید داشتیم که باید فضاهای دانشگاه‌ها به‌آرامی مدیریت شود و به رغم برخی شلوغی‌ها در بعضی دانشگاه‌ها - که شعارهای هنجارشکنانه سر داده شد- حتی یک نیروی مسلح وارد دانشگاه نشد! در حالی که در غرب می‌بینیم که چه برخوردی با دانشجویان دارند! روحیه شهید رئیسی در خستگی‌ناپذیری، شگفت‌انگیز بود و دوست و دشمن بر این مسئله اعتراف دارند. ما شاهد بودیم که حجم کار، تلاش، حضور در صحنه و فعالیت‌شان بسیار بالا بود. مثلاً زمانی که قیمت‌ها افزایش یافته بود، اگر فرد دیگری مسئول بود، برای اینکه از مردم حرف نشنود، بین جامعه حاضر نمی‌شد، ولی ایشان با کمال شجاعت شخصاً بین مردم می‌رفت. به‌یاد داریم مثلاً یک موضوع مرتبط را ساعت ۲ نیمه‌شب با وزیر مربوطه تماس می‌گرفتند و پیگیری می‌کردند. ساعات کاری‌شان به‌نحوی بود که بعد از ساعت ۱۲ شب، بخشی از کارهایشان را دنبال و پیگیری می‌کردند...»

■ **واجد سکینه روحی و قلبی**

و سرانجام شهید آیت‌الله رئیسی در دیپلماسی فعال و عزتمندانه خویش از مباهات به مفاخر دینی و انقلابی کشورمان ابا نداشت و در مجامع جهانی از جمله سازمان ملل متحد، قرآن شریف و تصویر سردار شهید قاسم سلیمانی را سرِ دست می‌گرفت. خاطرات رضا نقی‌پور، معاون مراسم و تشریفات دفتر رئیس‌جمهور در این موضوع، ختام نوشتار ماست:

«آقای رئیسی، یک شخصیت واجد سکینه قلبی بود. این از آن جهت بود که ایشان در تمام لحظه‌های زندگی، برای رضایت خدا گام برمی‌داشت. به‌عنوان مثال، روزی که خبر داده شد رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق حمله کرده و برخی مستشاران ما به شهادت رسیده‌اند، شهید رئیسی در میزبانی از ایتام بودند و نشست افطاری داشتند. آقای اسماعیلی رئیس‌دفترشان خبر را به اطلاع‌شان رساند. به رغم اینکه خبر ناراحت‌کننده بود، ایشان با کنترل احساسات، برنامه با ایتام را ادامه دادند و بعد از آن بلافاصله به جلسه ویژه مسئولان نظامی و امنیتی مرتبط با این مسئله رفتند. ما همیشه آرامش را در چهره ایشان می‌دیدیم و به‌یاد نداریم ایشان به‌هم‌ریخته باشند. در این موارد نیز اطمینان قلبی‌شان محفوظ بود. هر اتفاق خوبی را از جانب خدا می‌دانستند و تلاش برای رفع مشکلات مردم برایشان اهمیت داشت و مشکلات مردم بود که ناراحت‌شان می‌کرد. درباره سخنرانی شهید رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۴۰۱ که ایشان تصویر شهید سلیمانی را بالای دست برد و در برابر دیدگان جهانیان گرفت، ما از قبل آماده انجام این کار بودیم و آقای رئیسی بعد از انتظار در محل مشخص و فرارسیدن زمان سخنرانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران با متن سخنرانی و همچنین همراه داشتن تصویر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، پشت جایگاه سازمان ملل قرار گرفتند. وقتی رئیس‌جمهور شهید در اثنای صحبت با شجاعت تصویر سردار دل‌ها را بالا بردند و مطالبه رسیدگی دادگاه بین‌المللی درخصوص این جنایت را مطرح کردند، من هم مانند بسیاری از ایرانیانی که این قاب ماندگار را می‌دیدند، اشک ریختم و تحت تأثیر قرار گرفتم! این اقدام آقای رئیسی، دارای پیام‌های مهمی بود. وقتی رئیس‌جمهور ایران با حضور در نشست سازمان ملل، در کشوری که سال‌های سال با ما دشمنی کرده و رئیس‌جمهور آن قاتل محبوب‌ترین چهره ملی ماست، تصویر این شهید را بر دست می‌گیرد، نشان از اقتدار و شجاعت حاج آقا و نشان دادن جایگاه سردار سلیمانی در قلوب مردم ایران بوده است. همچنین در جریان حضور ایشان در سال ۱۴۰۲ در سازمان ملل، همزمان با چندین مورد اهانت به قرآن کریم در برخی کشورها و حمایت‌های سران این کشورها از این اقدام ننگین، ایشان نسخه‌ای از قرآن را بر دست گرفت و ندا سر داد که حقیقت نمی‌سوزد! آن‌زمانی که آقای رئیسی در حال سخنرانی بود و نسخه‌ای از کلام‌الله را بلند کرد، رئیس‌جمهور الجزایر نفر بعدی بود که باید سخنرانی می‌کرد. او از اقدام رئیس‌جمهور ایران در دفاع از قرآن و مظلومانِ عالم شگفت‌زده شد و با مشت گره کرده به من گفت ماشاءالله و من پاسخ دادم الحمدلله...»

> **سردار احمد وحیدی: «آیت‌الله رئیسی در جنگ ترکیبی ۱۴۰۱اعتقاد داشت باید بین کسانی که آگاهانه و مزدورانه برای بی‌ثباتی تلاش کرده و کسانی که ناآگاهانه فریب خورده‌اند، تفاوت قائل شد و صف‌شان را جدا کرد. می‌گفت برخوردها باید بسیار نرم باشد. شخص ایشان، ما در وزارت کشور و فرماندهان فراجا به افرادِ در میدان تذکر می‌دادند که از سلاح استفاده نشود، ولو اینکه علیه‌شان نیز از سلاح استفاده شود!»**

> **سیدعلی رئیسی: «اخلاص فوق‌العاده و رازداری، مراقبه و محاسبه در رفتار و اهتمام به زیارت ائمه اطهار(ع)، از جمله خصال برادرم محسوب می‌شود. شهید رئیسی در هر منصبی که بود، مردم را محور قرار می‌داد و در جلب رضایت آنان می‌کوشید. علاوه بر این شهید سعی می‌کرد در هر شرایطی، زیارت اربعین را برود. به یاد دارم یک سال در مسیر پیاده‌روی با شهید سلیمانی هم دیدار کرد»**

شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در حاشیه اقامه جماعت در واپسین ماه رمضان حیات

گزارش

زهرا چیذری

نگاهی به آسیب‌هایی که خانواده زندانیان در معرض آن قرار دارند به بهانه پنجم خرداد، روز نسیم مهر

چالش‌های دشوار خانواده زندانیان

سه سال است هنوز خاطرات آن روز را در ذهنش مرور می‌کند؛ روزی که مأمورها به خانه ریختند و شوهرش را از پای بساط بلند کردند و بردند. با مقدار موادی که از خانه پیدا کردند، قاضی حکم کرد شوهرش باید چند سالی آب خنک بخورد! آب خنک خوردن شوهرش اما باعث شده بود در تمام این سه سال یک آب خوش از گلوی او و فرزندانش پایین نرود. از نگاه سنگین همسایه‌ها و هم‌محلی‌ها که بگذریم، جور کردن دخل و خرج و مخارج خورد و خوراک و لباس و درس و مدرسه سه بچه قدونیم‌قد شوخی نبود؛ بچه‌هایی که نمی‌توانست همه جا دنبال‌شان برود و وقتی مردم درباره زندانی‌بودن پدرشان صحبت می‌کنند، گوش‌شان را نگه دارد تا نشنوند چه می‌گویند و قداست پدر در نگاه‌شان بگذرد. پدری که هر چند معتاد، زندانی و خلافکار بود اما باز هم پدر بود. در کنار اینها معتادانی که گاه و بی‌گاه در خانه‌شان سبز می‌شدند تا ببینند می‌توانند جنسی تهیه کنند یا نه هم برایش دردسر بودند و هم نگرانش می‌کردند مبادا بچه‌ها هم در مسیر پدر پا بگذارند. با تمام این مصیبت‌ها اما نه لیلا و نه سه فرزندش هیچ کدام مجرم و گناهکار نبودند اما با مجازات شوهرش انگار آنها هم مجازات می‌شدند.

■■■

زندان و زندانی‌شدن مجرم‌ها خیلی وقت‌ها پایان راه نیست، بلکه آغازی برای بسیاری از چالش‌هاست. به همین خاطر است که نگاه پیشگیرانه در همه زمینه‌ها و به خصوص در حوزه جرائم می‌تواند به مراتب کارایی بیشتری داشته باشد تا یک سیستم مجازات قوی! با تمام اینها اما تا بوده همین بوده و برخی از افراد در مسیر خلاف و اشتباه می‌افتند و هم خودشان آسیب می‌بینند و هم به دیگران آسیب می‌رسانند. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که در این وادی دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌شوند هم خانواده زندانیان هستند؛ خانواده‌هایی که خیلی وقت‌ها تنها گناه‌شان این است که همسر یا فرزند یک فرد مجرم و خلافکار هستند، البته بخشی از زندانیان و مجرمان هم بابت جرائم غیرعمد یا جرائم مالی راهی زندان می‌شوند و لزوماً خلافکار یا کلاهبردار نیستند، اما با زندانی شدن آنها باز هم خانواده‌های‌شان آسیب می‌بینند و به زحمت می‌افتند. خلاصه‌اش اینکه از هر زاویه‌ای که به خانواده زندانیان نگاه کنید، درمی‌یابید این گروه یکی از مهم‌ترین اقشار و گروه‌های در معرض آسیبند و اگر حاکمیت و نهادهای حمایتی و گروه‌های مردمی هوای‌شان را نداشته باشند، همسر و فرزندان این افراد می‌توانند در چرخه آسیب‌های اجتماعی محو شوند و ناگزیر همان مسیری را طی کنند که پدر خانواده یا عضو بزهکار خانواده پیموده است.

■ نسبت سنی و جنسی زندانیان

پنجم خردادماه مصادف با روز نسیم مهر (روز ملی حمایت از خانواده زندانیان) درحالی گرامی داشته می‌شود که این خانواده‌ها در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی و اقتصادی قرار دارند.

بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های زندانیان را که هیچ نقشی در ارتکاب جرم ازسوی فرد بزهکار نداشته‌اند، باید در زمره اولین قربانیان جرم و جنایت در جامعه به حساب آورد. بر اساس تحقیقات صورت گرفته اکثر خانواده‌های زندانیان، نیازمند حمایت مبرم هستند. گرچه نهادهای حمایتی در حد بضاعت خود به این خانواده‌ها خدمات ارائه می‌کنند اما فقدان نظام جامع حمایتی و کمبود اعتبارات، شرایط دشواری را برای زندگی روزمره آنان به وجود آورده است، به نحوی که حتی در غالب موارد برای تأمین حداقل نیازها دچار بحران‌های جدی می‌شوند، در حالی که باید دغدغه این خانواده‌ها صرفاً حبس سرپرست خانواده باشد.

در صورت عدم‌حمایت از این خانواده‌ها شاهد رشد چشمگیر طلاق همسران زندانیان، ترک تحصیل فرزندان، ناهنجاری‌های اجتماعی و روانی، گرایش اعضای خانواده به مشاغل کاذب و تکدی‌گری خواهیم بود و باید این زنگ خطر را به صدا درآورد که در آتیه باید شاهد ورود تعداد قابل توجهی از اعضای خانواده زندانیان به چرخه جرم باشیم.

از سوی دیگر برچسب زندان و زندانی نوعی نگرش منفی را برای همسران و فرزندان زندانیان در برخی مناطق به وجود آورده و تردیدهایی برای کمک به آنان ایجاد کرده است، در حالی که بر اساس آموزه‌های مؤکد اسلامی و با جست‌وجو در سیره عملی ائمه اطهار(ع) و اولیای عظام به خوبی می‌توان دریافت که خانواده‌های زندانیان از مصادیق بارز فقرا هستند که ضرورت حمایت از آنها بیش از سایر نیازمندان احساس می‌شود.

نسبت جنسی زندانیان زن و مرد نشان می‌دهد ۹۶درصد آنان را مردان تشکیل می‌دهند و نسبت سنی آنان نشان می‌دهد حدود ۷۳درصد در مقطع سنی ۱۹ تا ۳۹ سال هستند که سن کار و اشتغال محسوب می‌شود، هر چند ۲۶درصد دیگر بالای ۳۹ سال اغلب شاغلند و مسئولیت خانواده را بر عهده دارند. وجود ۷۳درصد زندانی در مقطع سنی از ۱۹ سال تا ۳۹ سال از منظر دیگر هم برای تحلیل آسیب‌های خانواده مهم است، زیرا این سنین دوران باروری، فرزندآوری و اشباع عاطفی خانواده است و از این نظر آسیب‌های واردشده اثرگذار و ویرانگرتر است.

■ سرپرست خانوارشدن زن بازندانی‌شدن مرد

بخشی از زنان سرپرست خانوار آسیب‌دیده کشورمان اغلب زنانی هستند که به نوعی با آسیب‌های اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ زنانی که هر کدام‌شان برای سرپرست خانوار شدن مسیر پر پیچ و خمی را طی کرده‌اند و قصه‌ای دردناک و تراژیک دارند. یکی همسرش را از دست داده و دیگری از شوهر معتادش جدا شده است. گروهی از این زنان هم همان‌هایی هستند که شوهران‌شان به دلایل جرائم غیرعمد یا حتی عمد به زندان افتاده‌اند و به یک‌باره باید بار سنگین مسئولیت اداره اقتصاد خانواده را به دوش بکشند. این گروه از زنان سرپرست خانوار اما چالش‌های‌شان فقط به مشکلات اقتصادی و اجتماعی بر عهده گرفتن مسئولیت‌های خانواده محدود نمی‌شود بلکه آنها باید پتک قضاوت‌های اجتماعی را که هر لحظه بر سرشان کوبیده می‌شود، تحمل کنند! زن‌هایی که بیشتر از هر گروه دیگری از زنان سرپرست خانوار باید حواس‌شان به فرزندان‌شان باشد

> **به دلیل چالش‌هایی که ممکن است در زندان برای فرد زندانی به وجود بیاید، اغلب خانواده‌های زندانیان ناگزیرند ماهانه به فرد زندانی هزینه‌هایی را پرداخت کنند که این می‌تواند بار سنگینی را بر دوش خانواده تحمیل کند چراکه اغلب خانواده‌های زندانیان از طبقه ضعیف جامعه هستند. از آنجا که خانواده پایه اصلی جامعه است هم به طور مستقیم از زندانی شدن عضو خود تأثیر می‌پذیرد و هم بخشی از این تأثیرپذیری را خواه‌ناخواه به جامعه منتقل می‌کند**

چراکه ممکن است در چرخه آسیب‌های اجتماعی ذوب شوند. خیلی وقت‌ها ممکن است خانواده زندانیان هم در همان مسیر بیفتند که مردان آنها در آن مسیر حرکت می‌کردند؛ مسیری که انتهایش زندان یا حتی اتفاقاتی بدتر از اینهاست، به همین خاطر هم خانواده زندانیان مهم و نیازمند حمایت هستند؛ خانواده‌هایی که بیشتر از سایر افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و رها شدن‌شان می‌تواند موجب شود بسیاری از آسیب‌های بالقوه به فعلیت دربیایند و فرزندان اعضای خانواده آنها در گرداب آسیب و جرائم اقتصادی و اجتماعی غوطه‌ور شوند.

■ مجازاتی برای خانواده!

زندان به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کیفری پذیرفته شده است. با وجود این بی‌شک اصلاح و تربیت مجرمان بدون توجه به ابعاد مختلف میسر نیست و بازگشت مجرم به اجتماع بدون توجه به خانواده مجرم و نقش آن جای سؤال دارد. پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی که در سال ۱۳۷۹ از سوی دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی انجام شده است، نشان می‌دهد اگرچه بین هیچ یک از متغیرهای سابقه قضایی، نوع جرم و وضعیت مالی زندانی با گرایش به طلاق و فساد اخلاقی همسر زندانی رابطه معناداری وجود ندارد اما بین سابقه قضایی زندانی و گرایش به جرم در خانواده زندانی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همچنین بین جرم زندانی و میزان افسردگی همسر زندانی و بین سابقه قضایی و میزان انحراف اجتماعی همسر زندانی رابطه معنادار وجود دارد.

■ ضعف کنترل‌های اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی در جامعه‌شناسی انحرافات مبحثی جدید در مطالعات اجتماعی است که به بررسی تأثیر زندان بر روابط خانواده و گرایش فرزندان به بزهکاری توجه دارد.

رویکرد کنترل اجتماعی، وقوع رفتارهای کجروانه را برحسب وجود ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند. براساس این رویکرد، هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد از وقوع کجروی‌ها جلوگیری می‌شود، اما وقتی کنترل‌های داخلی یا خارجی ضعیف یا از هم پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می‌شود.

برخی صاحبنظران بحث جامعه‌پذیری را با کنترل اجتماعی یکی می‌دانند و برخی مرحله‌ای از کنترل اجتماعی و بعضی هم فرایندهای مستقل را مکمل می‌دانند. یکی از پیامدهای زندان بر خانواده‌ها اخلال در فرایند جامعه‌پذیری فرزندان است.

در واقع پدیده زندان یکی از شاخص‌های ضعف کنترل اجتماعی است و هر چه جمعیت زندانیان بیشتر باشد، کنترل اجتماعی ضعیف‌تر است. همچنین یکی از پیامدهای مهم محکومیت زندان، سست شدن کنترل اجتماعی بر فرزندان و همسران و به طور کلی خانواده زندانی است. اعتبار و انسجام نهاد خانواده، نظام روابط و مناسبات خانواده با فرسایش و آسیب مواجه می‌شود و پیامدهای منفی و آسیب‌زای ویژه خود را در پی دارد.

■ چالش‌های خانواده‌های زندانیان

طبق الگوی پارسونزی که چهار خرده‌نظام اصلی را برای نظام اجتماعی زندان بازمی‌شناسد، زندان مجموعه‌ای از پیامدهای فردی و شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به همراه دارد. همه این پیامدها به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم بر خانواده زندانی تأثیر می‌گذارند. تحمیل فقر و کاهش درآمد خانواده، مشکلات شغلی برای زندانی پس از آزادی و نیز برای اعضای خانواده از جمله این چالش‌ها هستند. همچنین در دوران حبس، خانواده زندانی نه فقط نان‌آور خود را از دست می‌دهند بلکه به دلیل چالش‌هایی که ممکن است در زندان برای فرد زندانی به وجود بیاید، اغلب خانواده‌های زندانیان ناگزیرند ماهانه به فرد زندانی هزینه‌هایی را پرداخت کنند که این می‌تواند بار سنگینی را بر دوش خانواده تحمیل کند چراکه اغلب خانواده‌های زندانیان از طبقه ضعیف جامعه هستند. از آنجا که خانواده پایه اصلی جامعه است هم به طور مستقیم از زندانی شدن عضو خود تأثیر می‌پذیرد و هم بخشی از این تأثیرپذیری را خواه‌ناخواه به جامعه منتقل می‌کند. بر این اساس در جامعه‌شناسی به خانواده زندانیان و به ویژه زندانیان مواد مخدر به عنوان قربانی نگاه می‌شود.

محققان نشان داده‌اند زندان پیامدهای مختلفی بر خانواده و جامعه دارد و ممکن است موجب ازهم‌گسیختگی خانوادگی شود. براساس مطالعات تجربی احتمال آسیب‌پذیری خانواده زندانیان و استعداد جرم‌خیزی در خانواده‌های کسانی که به دلیل بزهکاری‌های اجتماعی زندانی شده‌اند، زیاد است و میان ارتکاب جرم و وضعیت خانواده رابطه وجود دارد، اما اگر بخواهیم مهم‌ترین مشکلات آنها را دسته‌بندی کنیم با موارد ذیل مواجه خواهیم بود.

مشکلات اقتصادی: از قبیل قطع شدن یا تقلیل منابع درآمدی خانوار، فقدان یا محدودیت فرصت‌های شغلی برای همسر و فرزندان، ازبین رفتن پس‌اندازهای پس خانواده، بازتاب مشکلات اقتصادی در معیشت، تغذیه و سایر نیازهای اولیه و ثانویه مربوط به رفاه خانواده و در نهایت تقلیل سطح رفاه و سلامت خانواده.

برچسب‌زنی و طرد اجتماعی: علاوه بر اینها خانواده زندانیان اغلب با احساس طرد شدن و برچسب‌زنی از سوی جامعه مواجهند که این مسئله اغلب در غیاب نهادهای حمایتی رخ می‌دهند. به میزانی که همبستگی و حمایت اجتماعی کاهش یابد احتمال ضداجتماعی‌شدن افراد افزایش می‌یابد. هر قدر نهادهای مدنی با کارکردهای حمایتی وجود داشته باشد و از خانواده زندانیان حمایت کند، احتمال شکل‌گیری پدیده ضداجتماعی شدن کمتر است.

افزایش احتمال طلاق: آمارها نشان می‌دهد میان مدت محکومیت و نوع جرم با احتمال طلاق رابطه زیادی وجود دارد. در تحقیقی که در هفت زندان بزرگ ایران با جامعه آماری ۲۴هزار نفر دو بخش زنان و مردان انجام گرفته است، روابط رگرسیونی نشان می‌دهد مردان زندانی سابقه‌دار به احتمال بیشتر با تقاضای طلاق از سوی همسران‌شان مواجه خواهند شد، البته با افزایش فرزندان و حمایت‌های مددکاری امکان طلاق کاهش می‌یابد. به طور کلی ۲۰درصد از همسران مردان متأهل زندانی حداقل بار یک طلاق گرفته‌اند.

خلأعاطفی: عدم‌حضور سرپرست خانواده تنها از جنبه اقتصادی اهمیت ندارد، بلکه خلأ عاطفی ایجادشده گاهی از پیامدهای اقتصادی مهم‌تر به حساب می‌آید. دلیل این موضوع در مواردی است که خانواده از تمکن یا حمایت کافی دیگران برخوردار نبوده و در نتیجه اختلالات عاطفی که از جمله مسائل غیرمادی ویژه به‌شمار می‌روند به وجود آمده‌اند.

■ راهکارها

برای کاهش آسیب‌های زندان هم برای خانواده‌های زندانیان و هم برای خود افراد زندانی راهکارهایی در سطح خرد و کلان وجود دارد. حمایت از خانواده زندانیان و توانمندسازی آنها، فراهم کردن امکان اشتغال و کسب درآمد برای زندانی‌ها از جمله موضوعاتی است که می‌تواند از تبعات زندان کم کند. مجازات‌های جایگزین حبس هم از جمله موارد دیگری است که به خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه قوه قضائیه قرار گرفته است و علاوه بر بازدارندگی و نقش تنبیهی، می‌تواند از تبعات زندانی شدن برای خانواده زندانیان بکاهد و چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن را کم کند.

خانواده زندانیان زیر چتر حمایت کمیته امداد

حسین خدرویسی

معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد

کمیته امداد ۳۴هزار و ۸۶۲ خانواده زندانیان نیازمند را تحت حمایت دارد. این تعداد خانوار حدود ۹۲هزار نفر را شامل می‌شود که در طول دوره محکومیت سرپرست خانوار، از خدمات کمیته امداد بهره‌مند می‌شوند. آموزش‌های مهارتی و کسب و کار، تأمین اجاره و ودیعه مسکن، تأمین لوازم ضروری زندگی، احداث و خرید مسکن، هزینه تحصیل دانش‌آموزان و تأمین جهیزیه نوعروسان از جمله خدمات کمیته امداد به خانواده‌های زندانیان نیازمند است. بر اساس تفاهم‌نامه با سازمان زندان‌ها، خدمات ارائه شده به خانواده زندانیان تا سه ماه پس از آزادی تداوم می‌یابد تا سرپرست خانواده در این مدت با آرامش به دنبال کسب و کار و تأمین خانواده خود برود. با توجه به تفاهم‌نامه منعقد با سازمان زندان و اقدامات تأمینی و نظر به رسالت و اهداف امداد نسبت به رسیدگی به وضعیت نیازمندان واجد شرایط، خانواده‌هایی که سرپرست آنان در زندان به سر می‌برند و طبق دستورالعمل پذیرش و خدمات مددکاری امداد شرایط حمایت را دارند با معرفی از سوی انجمن مددکاری زندان‌ها تحت پوشش قرار می‌گیرند. معیارهای اصلی تحت حمایت قرار گرفتن خانواده‌های زندانیان این است که سرپرست آنها در زندان به سر ببرد و خانواده آنها در وضعیت اقتصادی مناسبی قرار نداشته باشند. این خانواده‌ها طبق شرایط دستورالعمل پذیرش و مددکاری و تأیید نیازمندی آنان از سوی مددکار مربوط، تحت حمایت امداد قرار می‌گیرند. در صورتی که خانواده زندانی شرایط حمایتی امداد را داشته باشند برخی به صورت خدمات تک و چندخدمتی از خدمات امداد مانند وام، لوازم ضروری زندگی، وام‌های اشتغال و توانمندسازی و غیره را دریافت می‌کنند و در صورتی که از بعد اقتصادی نیز نیاز به حمایت داشته باشند، مستمری کمک معیشت نیز برای آنها برقرار می‌شود، خانواده‌ها در صورت تمایل و دارا بودن شرایط اشتغال همانند سایر مددجویان به حوزه اشتغال جهت آموزش کاریابی و مشاغل خانگی معرفی می‌شوند و می‌توانند از این خدمات به جهت توانمندسازی و اشتغال خانواده استفاده کنند.

یادداشت

«پدر» ستون استوار تربیت

زهرا کریمی

تربیت فرزند، مسئولیتی مهم و پیچیده است که اغلب به مادر نسبت داده می‌شود، به طوری که گاهی تمام هویت و وظیفه زن صرفاً در تربیت فرزند خلاصه می‌گردد. اگرچه نقش مادر در فرایند تربیت غیرقابل انکار است، اما نقش پدر نیز به همان اندازه حیاتی و اثرگذار است و نباید نادیده گرفته شود. این موضوع به معنای کمرنگ جلوه دادن نقش مادر نیست، بلکه بیانگر برابری و اشتراک مسئولیت در تربیت فرزند است.

در گذر زمان و به واسطه غفلت از اصول تربیت دینی، این نقش والا به حاشیه رانده شده و بار تربیت، به غلط تماماً بر دوش مادران نهاده شده است.

این ضعف فرهنگی حتی در میان افرادی که دایه‌دار مذهب هستند نیز مشاهده می‌شود. در جامعه ما، گاه با توجیهات به ظاهر دینی، وظیفه تربیت فرزند صرفاً بر عهده مادر گذاشته می‌شود. این تفکر که نتیجه فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی است، به چنین باوری تبدیل شده که مسئولیت تربیت فرزندان فقط برعهده زنان است و این امر موجب تحمیل بار سنگینی بر آنها شده است.

در آثار تربیتی نیز کمتر به این موضوع پرداخته شده و در بسیاری از آنها، تنها نقش مادر یا والدین به‌طور کلی مطرح می‌شود، به‌خصوص نقش پدر در تربیت به صورت کمرنگی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، آن هم غالباً بدون استناد به متون دینی.

امروزه، نقش تربیتی پدر به قدری رنگ باخته است که تنها وظیفه‌اش در قالب نقش اقتصادی خلاصه و تعریف می‌شود. مردان بسیاری وظایف تربیتی خود را در قبال فرزندان به طور آگاهانه یا ناآگاهانه به دوش مادران یا مراکز آموزشی انداخته‌اند و این خلأ دقیقاً نقطه آغاز آسیب‌های جبران‌ناپذیری است که جامعه امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

در صورت بروز مشکلات تربیتی نیز همیشه انگشت اتهام به سمت مادر نشانه می‌رود. به رغم اینکه مادر بار سنگینی از مسئولیت‌های تربیتی و غیرتربیتی را بر دوش می‌کشد، در این عدم‌موفقیت و ناکامی به تنهایی مقصر و مسئول نیست.

از دیدگاه اسلام، پدر ستون استوار خانواده و سکاندار کشتی تربیت است. او نه تنها تأمین‌کننده معاش، بلکه راهنمای معنوی و الگوی رفتاری فرزندان نیز است. اسلام جایگاه پدران را در فرایند تربیت بسیار پررنگ و حائز اهمیت می‌داند و برای آنها وظایف و مسئولیت‌های ویژه‌ای در این زمینه قائل است. این وظایف نه تنها به رشد جسمی و روحی کودک کمک می‌کنند، بلکه در شکل‌گیری شخصیت و تضمین آینده او نیز تأثیری عمیق دارند؛ وظایفی که برخی از آنها، فراتر از توان مادر است و تنها پدر قادر به ایفای چنین نقش‌هایی است. در کلام وحی و احادیث معصومین(ع) این نقش اساسی به روشنی تبیین و تشریح شده‌است.

در قرآن کریم بارها به وظایف تربیتی مرد نسبت به فرزندان در خانواده اشاره شده است. تلاش برای تأمین سلامت فرزندان و مراقبت از آنها، سوق دادن فرزند به ایمان و بینش توحیدی، آموزش مسائل اعتقادی و عبادی و همچنین آموزش اخلاق و آداب معاشرت، از جمله وظایف مهم پدر شمرده شده‌اند. در آیات قرآن، سفارش شده که پدران فرزندان خود را به دین خداوند دعوت کنند و آنها را از شرک و ظلم دور دارند. همچنین به آنها بیاموزند که با دیگران با تواضع و مهربانی رفتار کنند و از تکبر و غرور بپرهیزند، بنابراین قرآن کریم پدران را به تربیت جامع فرزندان، شامل سلامت جسمی، هدایت دینی، آموزش عبادی و پرورش اخلاق نیکو فرا می‌خواند و آنها را مسئول سعادت، تربیت و رشد خانواده می‌داند.

در روایات نیز اهمیت تربیت کودک از سوی پدر با تأکیدات فراوانی بیان شده است. مثلاً اینکه حق فرزند بر پدر این است که آنچه به سود دنیا و آخرت کودک است، به او بیاموزد یا بهترین هدیه به فرزند، آموزش نیکو و تربیت صحیح دانسته‌شده است. همچنین تأکید شده است پدر نام نیکو برای فرزندش انتخاب کند، ادب و تربیتش را به خوبی انجام دهد و قرآن را به او بیاموزد. در حدیثی دیگر آمده که تربیت فرزند بهتر از انفاق روزانه است و کسی که فرزندی را بر تقوای الهی تربیت کند، به او نیکی کرده و راهش را استوار ساخته است.

در روایات متعدد آمده است هیچ میراثی از ادب و تربیت بهتر برای فرزند نیست و نیز نقل شده که منزلت مؤمن نزد خداوند به تربیت فرزند صالح بستگی دارد. همچنین رسول خدا(ص) درباره فرزندان آخرالزمان هشدار داده‌اند که وای بر فرزندان از پدران‌شان که حتی واجبات دینی را به آنها نمی‌آموزند.

این آیات و روایات به وضوح اهمیت نقش پدر در تربیت فرزندان را تقویت می‌کنند و نشان می‌دهند اسلام به طور خاص به وظایف و مسئولیت‌های پدر در این زمینه توجه دارد. رعایت این اصول می‌تواند به احیای مسئولیت‌های پدران و ارتقای نقش آنان در تربیت فرزندان کمک کند و از فشار بار تعلیم و تربیت بر دوش مادران بکاهد.

نادیده گرفتن نقش اساسی پدر و واگذاری انحصاری وظیفه تربیت به مادر، آثار منفی و جبران‌ناپذیری بر شخصیت و آینده کودکان بر جای می‌گذارد که علاوه بر ایجاد چالش‌های خانوادگی و اجتماعی، کودک را از مزایای حضور فعال و همراهی پدر در زندگی محروم می‌کند، بنابراین اهمیت نقش پدر در تربیت همتراز با نقش مادر است و مشارکت فعال هر دو در این مسیر ضروری به نظر می‌رسد. هرچند نقش مادر حیاتی و بنیادی است، اما تربیت فرزند مسئولیتی مشترک و برابر میان پدر و مادر است که نیازمند آگاهی‌بخشی و حمایت است تا پدران نیز بتوانند در کنار مادران، در این فرایند ارزشمند سهیم باشند.

پاسخ به این پرسش که چرا پدران امروزه از این وظیفه خطیر شانه خالی می‌کنند، نیازمند بررسی‌های دقیق و جامعه‌شناسانه است. از مهم‌ترین دلایل فرار پدران از مسئولیت‌های تربیتی می‌توان به راحت‌طلبی، عدم‌آگاهی و فقدان آموزش‌های لازم در فرایند تربیت‌پذیری اشاره کرد، همچنین به زنان و مادران جامعه نیز آموزش‌های کافی ارائه نشده است تا بار سنگین این مسئولیت، همراه با فشارهای روحی مضاعف و تلاش‌های گاه بی‌نتیجه، از دوش آنان برداشته شود.

حقوقی که اسلام برای زنان مطرح کرده است، متأسفانه به گونه‌ای که شایسته باشد، در جوامع اسلامی محقق نشده است. باورها و توقعات خارج از توان زنان، بعضاً به نام اسلام بر آنها تحمیل می‌شود که این امر موجب فرسایش روحی و جسمی، خمودگی، حس ناتوانی و خستگی آنان در جامعه می‌شود. زنان مسلمان باید با کسب آگاهی و شناخت جایگاه واقعی خود، همان‌طور که خداوند برای آنها ترسیم کرده، به مطالبه‌گری از حقوق واقعی‌شان بپردازند تا با جسم و روحی سالم‌تر، جامعه‌ای سالم‌تر را بنا نهند.

بی‌گمان، جامعه‌ای که در آن پدران از نقش تربیتی خود غافل هستند، نمی‌تواند پویا و رو به پیشرفت باشد. برای رسیدن به خانواده‌ای سالم و متوازن، باید ابتدا به اهمیت و ضرورت نقش پدر در تربیت آگاه شد، سپس بستر مناسبی را برای مشارکت فعال او فراهم ساخت و در نهایت انتظارات و نیازهای خانواده را نسبت به هر دو والد به‌درستی تعریف کرد، بنابراین به جای تأکید بر یک‌طرفه بودن مسئولیت، باید به اشتراک و تعادل در وظایف والدین توجه شود.

پدران می‌توانند در زمینه‌های مختلفی، از جمله ایجاد محیط امن و محبت‌آمیز، هدایت و راهنمایی، تشویق و الگوسازی در خانه نقش کلیدی ایفا کنند، همچنین مشارکت فعال پدر در زندگی کودک می‌تواند به اعتمادبه‌نفس، استقلال و رشد همه‌جانبه او کمک کند.

در نهایت برای تربیت فرزندانی سالم و موفق، همکاری مؤثر و ایفای نقش برابر پدر و مادر امری ضروری است. با درک صحیح وظایف هر یک از اعضای خانواده، بازگشت به آموزه‌های دینی، ارتقای آگاهی والدین و احیای نقش آنان می‌توان نسلی صالح و بالنده تربیت کرد. تلاش مشترک و تعهد هر دو والد به مسئولیت‌های تربیتی، زمینه‌ساز جامعه‌ای شاداب و پایدار است که فرزندان در آن با توانمندی‌های مختلف و ارزش‌های انسانی رشد می‌کنند. تشویق به نقش‌آفرینی بیشتر پدران در تربیت فرزندان و ایجاد فضای حمایتی برای مادران، به تقویت پیوندهای خانوادگی و ارتقای سطح کیفی زندگی منجر خواهد شد. با این رویکرد، می‌توان امیدوار بود آینده‌سازان جامعه با تربیت سالم و متوازن در کنار باورهای محکم و مهارت‌های کافی، آماده مواجهه با چالش‌های بزرگ زندگی شوند.

گزارش

سجاد مرسلی

روزهای سخت‌وخاکی سیستان‌وبلوچستان

هنوز دومین ماه بهار جای خود را باز نکرده بود که اولین موج گردوغبار از غرب کشور آغاز و استان‌های خوزستان، کرمانشاه، لرستان، بوشهر، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و زنجان را تعطیل کرد. وقتی شاخص آلودگی هوا در کرمانشاه به بالاتر از ۵۰۰ رسید، دیگر نمی‌شد میزان آلاینده‌ها را سنجید، چون دستگاه‌ها فقط توانایی نشان‌دادن شاخص صفر تا ۵۰۰ را دارند و فراتر از آن امکانپذیر نیست. در همان زمان به جز مراکز بهداشتی و امدادی تمام شهر تعطیل شد. البته حال‌وروز دیگر استان‌ها بهتر از کرمانشاه نبود. در خوزستان، تمام مدارس و دانشگاه‌ها غیرحضوری شدند و ادارات به دورکاری رفتند چون ذرات معلق به ۶۷ برابر حد مجاز رسیده بودند. اوضاع لرستان هم مثل خوزستان شد و رسانه‌های رسمی وضعیت این استان را «کاملاً خطرناک» توصیف کردند. بوشهر و ایلام هم وضعیت بحرانی داشتند و اینبار استان‌هایی مثل زنجان که به ندرت هوای آلوده داشتند هم آژیر قرمز ورود گرد و غبار را به صدا درآوردند. اما حالا و در سومین ماه بهار سیستان‌وبلوچستان چنان در گیر گرد و غبار است که نفس کشیدن برای ساکنانش سخت و دشوار شده است.

■■■

در دل گرمای سوزان جنوب شرق ایران، مردمانی زندگی می‌کنند که از اواسط بهار تا انتهای تابستان، بیشتر روزهای‌شان با خاک آغاز و به شب می‌رسد. ریه‌های پر از گردوغبار یک موضوع عادی در این منطقه به شمار می‌آید. زابل، یکی از شهرهای سیستان، سال‌هاست با بحران‌های جدی زیست‌محیطی، بی‌آبی و فقر شدید دست و پنجه نرم می‌کند، اما همچنان در اولویت تصمیم‌گیران قرار ندارد. مسئولان، به‌جای آن که راه‌حلی پایدار و عملی برای این شرایط فراهم کنند، یا سکوت کرده‌اند یا تنها به وعده‌هایی اکتفا می‌کنند که سال‌هاست به واقعیت تبدیل نشده یا مفید و کارساز نیستند.

یکی از عوامل اصلی این وضعیت، سیاست‌های آبی کشور افغانستان است؛ همسایه‌ای که با بستن آب ورودی به هامون، شریان حیاتی سیستان را قطع کرده و دشت‌هایی را که روزی محل زندگی هزاران کشاورز و دامدار و انبار غله ایران بود، به بیابانی بی‌جان تبدیل کرده است. هامون که زمانی مایه حیات مردم منطقه بود، حال به خاطره‌ای تبدیل شده که نسل جدید اصلاً آن را به یاد نمی‌آورند. هامون با خودش، نه‌فقط آب، بلکه امید را هم از مردم گرفت و رفت.

در این میان، گردوغبار نفس‌گیر حاصل از طوفان‌های مکرر، نفس مردم را گرفته است. تنفس در چنین شرایطی، طبق نظر کارشناسان بهداشتی، می‌تواند منجر به بیماری‌های قلبی، ریوی، کاهش عملکرد سیستم ایمنی و حتی کاهش عمر متوسط افراد شود. بسیاری از سالمندان، کودکان و بیماران در زابل، قربانی خاموش همین هوای آلوده‌اند. با این حال، بسیاری از مردم زابل، با وجود فقر شدید و نداشتن امکان اقتصادی برای مهاجرت، همچنان در شهر اجدادی خود مانده‌اند، شهری که با وجود همه رنج‌ها، برای‌شان عزیز است. آنها خانه و خاک خود را دوست دارند اما دوست‌داشتن کافی نیست، آنها نیازمند توجه، حمایت و اقدام واقعی هستند، نه فقط همدردی و ابراز نگرانی.

■ خانه‌ها مدفون در خاک

به گفته یکی از ساکنان زابل، وقتی طوفان‌های گرد و خاک می‌آید، خاک به حدی زیاد است که داخل خانه نیز گرد و خاک می‌شود و به سختی جایی دیده می‌شود. پنجره‌ها و وسایل خانه همیشه پر از گرد و خاک هستند و حتی وقتی در را باز می‌کنیم، موجی از خاک انباشته شده مقابل در، به داخل می‌آید.

آنها می‌گویند:«بزرگ‌ترین مشکل، خاکی است که جلوی در خانه جمع می‌شود. این خاک مثل کوهی روی هم انباشته می‌شود و باید هر بار تا ساعت‌ها وقت بگذارم تا آن را جارو کنم. روزهای زیادی را صرف تمیز کردن جلوی خانه و حیاط می‌کنیم اما انگار هیچ وقت تمام نمی‌شود. این وضعیت واقعاً خسته‌کننده است و احساس می‌کنم خانه دیگر جای امن و آرامی نیست، بلکه با خاکی که وارد آن می‌شود، نفس کشیدن هم سخت شده است.»

یکی از شهروندان سیستانی با بیان اینکه از طریق مسافرکشی کسب درآمد می‌کند، می‌گوید:«بیشتر وقت‌ها وقتی طوفان می‌آید، جاده‌ها بسته می‌شوند یا دید بسیار کم است و نمی‌توان کار کرد. این باعث شده درآمد بنده و خیلی از کارگران و کسبه‌های منطقه سیستان به شدت کاهش پیدا کند و زندگی برای‌مان سخت‌تر شود.»

او تأکید می‌کند:«علاوه بر این، وقتی برق قطع می‌شود، باید گرمای نزدیک به ۵۰ درجه را نیز تحمل کنیم که در این شرایط گرد و خاک نفس کشیدن را سخت‌تر می‌کند. این وضعیت واقعاً آزاردهنده است و از مسئولان استانی و کشوری می‌خواهیم تا برای جلوگیری از نابودی سیستان و پایان‌دادن به رنج مردم سیستان، کاری کنند.»

■ ایران درگیر ریزگردها

هم اکنون ۲۳ استان ایران، به طور مستقیم درگیر بحران گردوغبار هستند و شش استان خراسان جنوبی، کرمان، سیستان‌وبلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان و هرمزگان بیشترین غبارخیزی کشور را دارند. استان‌های کردستان، همدان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان تحت‌تأثیر کانون شمال عراق هستند و خوزستان و چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر هم قربانی گرد و غبار حاصل از کانون‌های شمال عربستان، جنوب شرق و شمال عراق هستند.

کانون‌های جنوب عربستان، امارات و جنوب شرق عراق هم بر استان‌های فارس، هرمزگان و کرمان تأثیر گذاشته و سیستان‌وبلوچستان و خراسان‌جنوبی هم اسیر کانون‌های افغانستان و پاکستان هستند.

اگر تا چندی پیش استان‌های شمالی ایران به بهشت کوچک تشبیه می‌شدند، حالا گردوغبار ترکمنستان، نفس خراسان رضوی و شمالی، گیلان، مازندران و گلستان به شماره انداخته است.

■ سازمان‌های مسئول و بی‌خیال

ریزگردها و تأثیرات آن از اوایل دهه ۸۰ مورد توجه قرار گرفتند. در آن زمان این پدیده در استان‌های غربی و به‌خصوص خوزستان بیش از هر جای دیگری مد نظر قرار می‌گرفت اما حالا تقریباً تمام ایران درگیر آن است. زیرا ذرات موسوم به «PM۲.۵» به هیچ کس رحم نمی‌کنند و باعث افزایش آسم، برونشیت و بیماری‌های قلبی می‌شوند.

جالب اینجاست در برنامه مقابله با گرد و غبار، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان منابع طبیعی، سازمان هواشناسی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان زمین شناسی، همچنین وزارت بهداشت و درمان طیف گسترده‌ای از اقدامات تکالیفی دارند. در برنامه ۱۰ ساله مقابله با گردوغبار نیز از استانداران خواسته شده تا اقدامات لازم را در شورای برنامه‌ریزی توسعه استان‌ها مصوب و بر اساس اولویت پیگیری کنند. حال باید پرسید کدام استان‌ها آماده ارائه گزارش از میزان عملکرد خود در زمینه مدیریت ریزگردها هستند.

بهره‌برداری از کارخانه تولید شیر خشک شهرستان نهاوند تا هفته دولت

همدان

در راستای جلوگیری از واردات شیر خشک و تأمین نیاز داخلی کشور، دو کارخانه در شهرستان نهاوند استان همدان در حال احداث است که یکی از آنها در هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسد.

معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی همدان از تولید سالیانه ۴۰۰ هزار تن شیر خام در این استان خبر داد و افزود: همدان دارای ۳۹۰ گاوداری صنعتی گاوشیری با ظرفیت ۵۴هزارو۴۶۴ رأس دام بوده که نیمی از این دام‌ها معادل ۲۷هزارو۲۳۲ رأس گاو شیری مولد است. میثم پورطلوعی با اشاره به رتبه دهم همدان در سطح کشور در تولید شیر خام، ادامه داد: شهرستان ملایر با تولید سالیانه ۵۸هزارو ۲۶۱ تن درصد بیشتر تولید شیر را در استان به خود اختصاص داده که این میزان درصد بالای تولید شیر این شهرستان به خاطر وجود دو واحد گاوداری صنعتی گاو شیری است. وی با بیان اینکه بیشترین گاوداری گاو شیری صنعتی سطح استان با ۷۹ واحد با ظرفیت ۵هزارو۳۳۴ رأس به شهرستان اسدآباد اختصاص دارد، تصریح کرد: از نظر ظرفیت واحد گاوداری‌های موجود شهرستان ملایر با ۱۱هزارو۸۲۴ رأس بیشترین دام در سطح استان را داراست. مدیر صنایع تبدیلی و غذایی سازمان جهادکشاورزی همدان هم از بهره‌برداری کارخانه شیرخشک شهرستان نهاوند در سال‌جاری خبر داد و افزود: در حال حاضر دو واحد کارخانه شیرخشک در استان در دست احداث بوده که یک واحد آن در هفته دولت در شهرستان نهاوند افتتاح شده و به بهره‌برداری خواهد رسید و وارد خط تولید می‌شود. حسن محمدی، ظرفیت تولید سالیانه شیر خشک این کارخانه را ۲ هزار تن برشمرد و افزود: این واحد در هر نوبت کاری ظرفیت فراوری ۲۴۰ تن شیر و تبدیل آن به ۲۰ تن شیرخشک را خواهد داشت. وی با بیان اینکه هم اکنون در استان همدان دو واحد کارخانه شیر خشک در شهرستان‌های رزن و تویسرکان دارای فعالیت هستند، تصریح کرد: با افتتاح و بهره‌برداری این دو واحد در دست احداث، تعداد کارخانه شیر خشک استان به چهار واحد افزایش پیدا خواهد کرد. این مسئول با اشاره به فواید تولید شیر خشک در استان گفت: این فرایند موجب افزایش ماندگاری شیر، تسهیل حمل‌ونقل و نگهداری آن می‌شود.

افتتاح ۴هزارو۸۲۷ واحد نهضت ملی مسکن و کنارگذر شمالی اراک با حضور رئیس‌جمهور

مرکزی

۴هزارو ۸۲۷ واحد نهضت ملی مسکن و ۲۴ کیلومتر از کنارگذر شمالی اراک، در استان مرکزی به صورت تماس ویدئو کنفرانس با حضور رئیس‌جمهور افتتاح شد.

با حضور رئیس‌جمهور، وزیر راه‌وشهرسازی و همه معاونان وزیر راه‌وشهرسازی و دیگر مسئولان استان مرکزی ۴هزارو ۸۲۷ واحد نهضت ملی مسکن و ۲۴ کیلومتر از کنار گذر شمالی اراک، به صورت ویدئو کنفرانس افتتاح شد. در این مراسم معاون وزیر راه‌وشهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور گفت: ۲۴ کیلومتر از کنارگذر شمالی شهر اراک به ارزش ۲هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان افتتاح شد که هدف آن کاهش آلودگی هوای این شهر است. هوشنگ بازوند با اشاره به اینکه شاهد افتتاح بخشی از یک کریدور آزادراهی دریا به دریا هستیم. افزود: این کریدور که از چالوس تا بندر امام خمینی(ره) به طول ۹۷۰ کیلومتر می‌رسد، شامل ۵۵۳ کیلومتر در حال بهره‌برداری و ۱۳۳ کیلومتر در حال اجرایی شدن است و ۲۴ کیلومتر از این کریدور در کنارگذر شهر اراک نیز افتتاح شد. بازوند افزود: از این کریدور، حدود ۲۸۴ کیلومتر هنوز آغاز نشده و امیدواریم این پروژه به تدریج و مرحله به مرحله عملیاتی شود. وی با اشاره به اینکه پروژه کنارگذر شمالی اراک ۴۶ کیلومتر طول دارد یک بخش به طول ۲۴ کیلومتر افتتاح شد، ادامه داد: برای این پروژه، فعالیت‌های گسترده‌ای شامل یک میلیون‌متر مکعب خاکبرداری و ۱۶۰ هزار تن آسفالت انجام شده است. سرپرست اداره کل راه‌وشهرسازی استان مرکزی هم در این مراسم با اشاره به آیین افتتاح ۴هزارو۸۲۷ واحد نهضت ملی مسکن و همچنین ۲۴ کیلومتر از قطعه اول آزاد راه کنار گذر شمالی اراک افزود: از تعداد ۴هزارو۸۲۷ واحد نهضت ملی مسکن در سطح استان تعداد ۲هزارو۹۴۶ واحد در شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر جمعیت، تعداد ۱۹۲ واحد در شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت، تعداد ۵۲۸ واحد خود مالک، تعداد ۱۵۰ واحد در شهر جدید امیرکبیر و تعداد هزارو ۱۱ واحد در روستاهای استان مرکزی قرار دارد. علیرضا عزیزی افزود: میزان اعتبار هزینه شده از محل تسهیلات برای ساخت مسکن شهری میزان ۲۱۰ همت و میزان اعتبار هزینه شده برای آماده‌سازی زیر ساخت‌ها و آسفالت ۱/۶۹ همت می‌باشد.

نیاز قصر قند به ۱۲۰ کلاس جدید

سیستان‌وبلوچستان

به گفته فرماندار قصرقند این شهرستان در حال حاضر نیازمند ساخت ۱۲۰ کلاس جدید تا زمان آغاز سال تحصیلی است.

فرماندار قصرقند در همایش خیرین نیک‌اندیش که با هدف جلب مشارکت در توسعه زیرساخت‌های آموزشی، کشاورزی، بهداشتی و خدمات عمومی در محل فرمانداری این شهرستان برگزار شد، با اشاره به نیازهای اساسی منطقه گفت: مسیر توسعه از آموزش، اشتغال و کشاورزی می‌گذرد و همراهی خیرین می‌تواند آینده این شهرستان را متحول کند. گلنسا مبارکی با بیان اینکه شهرستان با کمبود ۱۲۰ کلاس درس مواجه است، از تعهد بنیاد هاسب برای ساخت ۲۵ کلاس و همچنین مشارکت یک خیر بومی در احداث مدرسه‌ای سه کلاسه در منطقه جنگل خبر داد. وی با بیان اینکه سرانه فضای آموزشی در شهرستان‌های راسک، سرباز و قصرقند پایین‌تر از میانگین استان است، افزود: احداث ۹ مدرسه به وسیله بنیاد هاسب در قصرقند و فعالیت گروه‌هایی چون کودکان فرشته در تلنگ، نشان از ظرفیت‌های مردمی فعال و مؤثر دارد.

اجرای نخستین طرح پهپاد سمپاش کشاورزی در شاهرود

سمنان

در راستای اشتغال آفرینی، نخستین طرح پهپاد سمپاش کشاورزی در شاهرود اجرا شد.

مدیر کل کمیته امداد استان سمنان با اشاره به اجرای نخستین طرح پهپاد سمپاش کشاورزی با هدف اشتغالزایی در شهرستان شاهرود گفت: در این طرح تلاش خواهد شد تا کارجویان منتخب پس از فراگیری آموزش خلبانی و استفاده از پهپادهای کشاورزی گامی در جهت کشاورزی نوین و استقلال مالی بردارند. محمدحسین ذوالفقاری، ادامه داد: منتخبین بعد از گزینش و استعداد سنجی با هماهنگی واحدهای اشتغال کمیته امداد استان از مزایای این تسهیلات اشتغالزایی بهره‌مند می‌شوند. وی گفت: در راستای مدرنسازی صنعت کشاورزی، کمیته امداد امام‌خمینی(ره) با همکاری یک شرکت دانش‌بنیان، طرح‌ویژه‌ای برای اعطای تسهیلات خرید پهپاد سم‌پاش در قالب وام کمیته امداد امام‌خمینی(ره) ارائه کرده است. این مسئول گفت: برای نخستین با پرداخت تسهیلات اشتغالزایی نخستین پهپاد سم‌پاش از سوی مجری طرح اشتغال خریداری و به کارگیری شد.

بزرگ‌ترین مجتمع تخصصی اوتیسم کشور در اصفهان احداث می‌شود

اصفهان

بزرگ‌ترین مجتمع تخصصی اوتیسم کشور در شهرستان خوراسگان اصفهان احداث می‌شود.

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان گفت: نخستین و بزرگ‌ترین مجتمع تخصصی اوتیسم کشور در زمینی به مساحت ۴ هزار مترمربع با زیربنای ۱۰ هزارمترمربع در خیابان رویان واقع در خوراسگان احداث می‌شود که نخستین مرکز جامع خدمات‌رسانی به توان‌خواهان طیف اوتیسم در سه حوزه آموزش، توانبخشی و درمان در استان اصفهان به شمار می‌رود. هوشنگ نظری‌پور افزود: بر اساس اعلام انجمن اوتیسم اصفهان، ساخت این مجموعه با اعتباری بالغ بر ۱۷۰ میلیارد تومان برنامه‌ریزی شده و با بهره‌گیری از ظرفیت متخصصان مجرب، امکانات متعددی را زیر یک سقف فراهم خواهد کرد. وی ادامه داد: انجمن اوتیسم اصفهان با بیش از هزارو ۱۱۰ مددجوی ثبت‌شده یکی از فعال‌ترین مراکز غیردولتی در حوزه خدمات تخصصی اوتیسم در کشور به شمار می‌آید.

افتتاح نخستین آرامستان رسمی ورامین در هفته دولت

تهران

نخستین آرامستان رسمی ورامین در کیلومتر ۱۱ جاده ورامین چرمشهر هفته دولت به طور رسمی به بهره‌برداری می‌رسد.

شهردار ورامین از افتتاح و بهره‌برداری فاز اول آرامستان بهشت معصومه شهرداری ورامین در اراضی واگذارشده منابع طبیعی در کیلومتر ۱۱ جاده ورامین چرمشهر خبر داد و گفت: با بهره‌برداری از فاز اول این پروژه، یکی از نیازهای اساسی و وظایف ذاتی شهرداری در شهر ورامین محقق می‌شود. علیرضا مؤمنی با اشاره به فقدان آرامستان رسمی در این شهر طی سال‌های گذشته افزود: تاکنون ۷۸۰ میلیارد ریال برای دیوارکشی محوطه، احداث هزارو ۸۰۰ متر مربع ابنیه، ساخت سردر اصلی، ایجاد راه‌های دسترسی و فضاسازی داخلی هزینه شده است. وی مساحت آرامستان را ۲۵ هکتار اعلام کرد و ادامه داد: فاز نخست این پروژه تا هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسد و شهر ورامین پس از سال‌ها به یک آرامستان رسمی و استاندارد مجهز می‌شود.

تحویل ۴۹ واحد مسکونی به مددجویان کمیته امداد بابل

مازندران

سال گذشته کمیته امداد شهرستان بابل، ۴۹ واحد مسکونی ساخته شده را به مددجویان واجد شرایط واگذار کرد.

رئیس کمیته امداد بابل گفت: در یک سال اخیر ۴۹ واحد مسکونی برای مددجویان تحت پوشش در بخش‌های مختلف این شهرستان تکمیل و تحویل خانواده‌ها شد. احمد نیک‌پور افزود: علاوه بر خانه‌های ساخته شد این نهاد در یک سال اخیر با کمک ۵۰۰ میلیون‌ریالی ۴۶ واحد مسکونی مددجویان تحت پوشش مرمت و بازسازی شد. وی با بیان اینکه تهیه جهیزیه برای نوعروسان تحت پوشش یکی از برنامه‌های مهم این نهاد در شهرستان بابل محسوب می‌شود، افزود: در یک سال گذشته ۴۳۲ نوعروس از این حمایت‌ها بهره‌مند شدند. این مسئول با بیان اینکه توانمندسازی مددجویان هر ساله تداوم خواهد داشت، ادامه داد: در یک سال اخیر ۸۷۸ مددجوی کمیته امداد به مبلغ هزارو ۱۲۰ میلیارد ریال تسهیلات اشتغال دریافت کردند.

بهره‌برداری از ۲هزارو۴۰۰ واحد مسکن روستایی در فارس

فارس

با حضور وبیناری رئیس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی، ۲هزارو۴۰۰ واحد در استان فارس به بهره‌برداری رسید.

استاندار فارس در آیین بهره‌برداری همزمان از طرح‌های وزارت راه‌وشهرسازی که به‌صورت ویدئوکنفرانس با حضور رئیس‌جمهور و با حضور جمعی از مسئولان کشوری و استانی برگزار شد، گفت: اکنون ۲۹ هزارواحد مسکن روستایی در سطح کشور آماده تحویل است که ۲هزارو ۴۰۰ واحد از این مجموع در ۳۶ شهرستان فارس به بهره‌برداری رسید. حسینعلی امیری با اشاره به گستردگی این طرح در سطح روستاهای استان افزود: این واحدها در مجموع در ۹۰۰ روستای استان واقع شده‌اند.

وی با بیان اینکه برای ساخت این واحدها در کشور ۱۶ هزار میلیارد تومان وام اختصاص یافته است، ادامه داد: سهم استان فارس از این تسهیلات ۸۴۰ میلیارد تومان بوده است. نماینده عالی دولت در فارس گفت: این استان در حال حاضر دارای ۳۷۶ هزار واحد مسکن روستایی است که تاکنون ۲۶۶ هزار واحد از این تعداد نوسازی شده‌اند. امیری با اشاره به ظرفیت بازسازی مسکن روستایی در فارس و اعلام اینکه در شرایط عادی، امکان بازسازی سالانه حدود ۱۵ هزار واحد وجود دارد، افزود: تنها هزار واحد مسکونی روستایی باقی مانده که نیازمند نوسازی هستند.

سبزوار قطب پرورش انواع ماهیان آب سرد شرق کشور شد

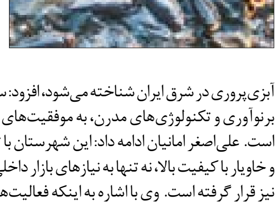

خراسان رضوی

به گفته مدیر جهاد کشاورزی سبزوار، این شهرستان با تولید سالانه ۵ هزار تن انواع ماهی‌های پرورشی و خاویار کیفیت بالا، به بزرگ‌ترین قطب آبزی‌پروری در شرق ایران تبدیل شده است.

مدیر جهاد کشاورزی سبزوار در استان خراسان‌رضوی با بیان اینکه با اقدامات صورت گرفته این شهرستان به عنوان قطب نوین آبزی‌پروری در شرق ایران شناخته می‌شود، افزود: سبزوار با استفاده از منابع آبی محدود خود و با تکیه بر نوآوری و تکنولوژی‌های مدرن، به موفقیت‌های چشمگیری در تولید ماهی و خاویار دست یافته است. علی‌اصغر امانیان ادامه داد: این شهرستان با تولید سالانه ۵ هزارتن از انواع ماهی‌های پرورشی و خاویار با کیفیت بالا، نه تنها به نیازهای بازار داخلی پاسخ می‌دهد، بلکه به تدریج در مسیر صادرات نیز قرار گرفته است. وی با اشاره به اینکه فعالیت‌های گسترده در زمینه پرورش‌ماهی، وجود مراکز تخصصی و کارخانه‌های خوراک آبزیان سبزوار را به یک الگوی موفق در عرصه آبزی‌پروری تبدیل کرده است، افزود: گرچه این شهرستان در دل منطقه کویری قرار دارد اما با استفاده از منابع آبی و زیرساخت‌های مناسب، به موفقیت‌های چشمگیری در صنعت پرورش ماهی دست یافته است.

این مسئول ادامه داد: در سال‌های اخیر، شهرستان سبزوار اقدام به تولید انواع ماهیان پرورشی از جمله سردآبی، گرمابی و تیلاپیا، در سطح ۲۰۰ واحد تولیدی، به تأمین نیازهای بازار داخلی پرداخته است. امانیان گفت: به علاوه، این شهرستان با رهاسازی ۱۰ میلیون قطعه بچه‌ماهی پرورشی در سال، نقش مهمی در تأمین ذخایر ماهی کشور ایفا می‌کند، ضمن اینکه وجود هفت مرکز پرورش ماهیان خاویاری در این منطقه، نشان‌دهنده توانمندی‌های خاص سبزوار در تولید این نوع ماهی با ارزش است. وی در ادامه به ظرفیت‌های موجود در حوزه شیلات اشاره کرد و افزود: سبزوار با توانمندی‌های خود در تولید محصولات آبزی می‌تواند به عنوان الگویی برای دیگر مناطق کشور عمل کند.

خبر

۴ مدرسه جدید در میبد به بهره‌برداری می‌رسد

یزد

با پیگیری سرپرست بخشداری مرکزی میبد و همراهی اداره کل نوسازی مدارس استان یزد، چهار مدرسه جدید در بخش مرکزی میبد در سال تحصیلی آینده آماده بهره‌برداری خواهد شد.

عرفان کریم‌بیکی، سرپرست بخشداری مرکزی میبد با بیان اینکه، چهار مدرسه جدید تا مهر سال‌جاری به بهره‌برداری می‌رسد، گفت: مدرسه «افرا» در روستای محمدآباد با مشارکت یک خیر نیک‌اندیش ساخته شده و آماده بهره‌برداری است. همچنین ساختمان مدرسه «برکت» در روستای حجت‌آباد و مدرسه «شهید حسین‌زاده» در روستای رکن‌آباد نیز تکمیل شده و اعتبارات لازم برای محوطه‌سازی این مدارس در نظر گرفته شده است که در ماه‌های آینده انجام خواهد شد.

وی افزود: مدرسه «شهید سجادی‌پور» نیز از سوی اداره کل نوسازی مدارس استان یزد تأمین اعتبار شده و پیمانکار آن در روزهای آینده مشخص خواهد شد. انتظار می‌رود این پروژه نیز تا پایان شهریور امسال تکمیل شده و به بهره‌برداری برسد. سرپرست بخشداری مرکزی میبد همچنین از ادامه ساخت مدرسه «راه نو» در بخش مرکزی خبر داد و تصریح کرد: این مدرسه با همت دکتر میر رکنیان، خیر نیک‌اندیش، در حال احداث است و بر اساس برنامه‌ریزی‌ها، برای سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ تکمیل خواهد شد. این اقدامات در حالی انجام می‌شود که میبد با رشد جمعیت دانش‌آموزی مواجه است و توسعه فضاهای آموزشی به یکی از ضرورت‌های این شهرستان تبدیل شده است.

گذری بر استان‌ها

■ **بوشهر:** استاندار بوشهر در اختتامیه همایش منطقه‌ای دیپلماسی اقتصادی که باحضور استانداران پنج‌استان جنوبی و نمایندگان وزارت خارجه برگزار شد، گفت: با توجه به موقعیت ویژه این استان و همکاری سفرای منطقه، زمینه توسعه روابط تجاری باکشورهای قطر و امارات متحده‌عربی، عمان ودر آینده باعربستان، کویت وبحرین وسایر کشورهای آسیایی فراهم می‌شود. ارسلان زارع با اشاره به ظرفیت‌های مهم اقتصادی و سرمایه‌گذاری استان در حوزه‌های مختلف نفت، گاز، پتروشیمی، کشاورزی، صنایع، معادن و بازرگانی افزود: اگرچه بوشهر در تولید برخی محصولات پتروشیمی، کشاورزی و آبزی‌پروری، رتبه ممتاز بین استان‌ها دارد ولی به سبب ظرفیت‌های فوق‌العاده که درعرصه‌های تولید انواع محصولات، خصوصاً صنایع پایین دستی پتروشیمی، گلخانه‌ای و آبزی‌پروری دارد، بنا داریم تا با برنامه‌ریزی و رویکرد تولیدات صادرات محور در ارتقای کیفیت و کمیت تولیدات به اهداف مطلوب دست یابیم.

■ **مرکزی:** استاندار استان مرکزی در حاشیه بازدید از تعدادی واحد صنعتی شهرک صنعتی ایبک‌آباد، بیان کرد: در راستای ارتقای تولید و افزایش کیفیت خدمات صنعتی، تمامی ظرفیت‌ها و منابع استان به منظور شناسایی و رسیدگی به چالش‌های موجود در این حوزه به‌کارگیری شده است. مهدی زندیه‌وکیلی افزود: با همکاری بین بخشی و بهره‌گیری از قابلیت‌های محلی، می‌توانیم به بهبود وضعیت صنایع و ایجاد فرصت‌های جدید در بازار کمک کنیم.

■ **گلستان:** رئیس کل دادگستری گلستان از بازگشت ۱۰۰ هکتار از جنگل‌های انبوه هیرکانی در منطقه خان‌ببین به مالکیت منابع طبیعی خبر داد و افزود: با وجود اینکه این اراضی جنگلی بخشی از انفال و تحت مالکیت دولت بود لیکن به اشتباه سند مالکیت به نام یکی از ارگان‌ها صادر شده بود که با پیگیری کارگروه ویژه مبارزه با زمین‌خواری دادسرای مرکز استان این اراضی به منابع طبیعی بازگردانده شد. به گفته حیدر آسیابی این اقدام مانع از واگذاری و تخریب احتمالی یکی از زیست‌بوم‌های حساس شمال کشور شد.

■ **سیستان و بلوچستان:** رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان سراوان از پیشرفت ۵۰ درصدی عملیات آماده‌سازی سایت ۱۵۰ هکتاری طرح نهضت ملی مسکن در این شهرستان خبر داد. حامد ریگی افزود: عملیات اجرایی این پروژه از مرداد سال گذشته آغاز شده و با اعتباری بیش از هزارو ۳۸۰ میلیارد ریال در حال تکمیل است. وی با اشاره به اهمیت این مرحله ادامه داد: عملیات آماده‌سازی، پایه و اساس اجرای موفق ساخت‌وسازهای طرح نهضت ملی مسکن است که شامل تسطیح زمین، احداث زیرساخت‌هایی همچون شبکه‌های آب، برق، فاضلاب و راه‌های دسترسی می‌شود، به‌طوری که اجرای دقیق و اصولی این مرحله نقش تعیین‌کننده‌ای در تسهیل و تسریع ساخت واحدهای مسکونی دارد.

■ **قزوین:** مدیر مخابرات منطقه قزوین گفت: در راستای عدالت و توسعه متوازن، اینترنت روستایی در بستر تلفن همراه دنبال شده و در سه سال گذشته ۱۳۶ روستا به اینترنت پرسرعت متصل شدند، همچنین در ۱۲۲ روستا سرویس ADSL ارائه می‌شود و امسال هم تاکنون ۲۰ روستا به ما ابلاغ شده است. محمدرضا نصرآبادی افزود: تاکنون ۱۵ سایت 5G افتتاح و فعال شده که در شهرستان‌های مختلف قرار دارد، البته در کنار زیرساخت‌ها، فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی هم‌استانی‌ها درباره نحوه استفاده از اینترنت و سواد رسانه اهمیت دارد.

نوبت دوم

شناسه آگهی: ۱۹۳۴۸۳۲

فراخوان مناقصه عمومی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً به صورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۴۶/۰۰۴۶-۰۴ مربوط به تکمیل ابنیه و حصار و تاسیسات جانبی جهت نصب تلمبه درون چاهی چاه ۳۶۰ اهواز

الف- شرح مختصر خدمات
اتاق نگهبانی- مخزن آب- مخزن سوخت ۱۵۰۰۰ لیتری- برج روشنایی ۱۲ متری- غلاف کابل- کابل کشی- وسایل آتش نشانی- ساخت فونداسیون جهت تجهیزات سرچاهی - حصار محوطه چاه- تجهیز و برچیدن کارگاه.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در اهواز و مدت انجام آن ۸ ماه می باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۶۷,۰۷۱,۶۵۸,۰۹۰ ریال و تعدیل پذیر می باشد.

د- شرایط مناقصه گران متقاضی
■ داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه.
■ مناقصه گران دارای پایه ۵ گرایش ساختمان و ابنیه و داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمان عقد قرارداد- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، الویت با شرکت های بومی استانی می باشد.- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۳,۳۵۳,۵۸۲,۹۰۵ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکر به شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران -اهواز کد ۰ حساب - بنام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب.
ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت(۹۰ روز) معتبر بوده وپس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
■ (۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) به عنوان تضمین انجام تعهدات می باشد. مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.

■ **توجه:** ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک های پاسارگاد و سپه قابل پذیرش نمی باشد.

هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده) بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران به‌عمل آید.
مهلت اعلام آمادگی: به صورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

■■ **محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها**
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.

■ **تذکر:** حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
WWW.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir

رهبر حکیم انقلاب، ۲۰ اردیبهشت‌ماه همزمان با میلاد با سعادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و در سالی که با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» مزین شده است، در دیداری صمیمانه با کارگران، به بیان نکاتی کلیدی و راهبردی درباره مسائل کار و تولید پرداختند. ایشان با تأکید بر نقش بنیادین کارگران در پیشرفت کشور، کار را دارای ارزشی والا دانسته و کارگر را ستون استوار اقتصاد ملی معرفی کردند. در این بیانات الهام‌بخش، محورهایی مهم همچون ارزش‌گذاری کار و کارگر، تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها، امنیت شغلی کارآفرین، مهارت‌افزایی کارگران، ایمنی کارگر، حمایت از تولید داخلی، مشارکت کارگران در سود تولید، تأمین مسکن کارگری، تقویت فرهنگ محیط کار و توجه به تنوع نیروی کار با نگاهی آینده‌نگر و دقیق مورد تأکید قرار گرفتند؛ مسائلی که می‌توانند نقشه راهی مؤثر برای تحکیم پیوند میان تولید و معیشت باشند. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورهای به‌صورت جداگانه واکاوی و تلاش شده است ابعاد گوناگون آنها روشن و پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران، کارفرمایان و بدنه کارگری کشور ارائه شود؛ دومین گزارش به تأمین امنیت شغلی کارگران می‌پردازد.

گزارش
هادی اسماعیلی

سلسله گزارش‌های «جوان» درباره مسائل کارگری - ۲

کرامت و ثبات شغلی را در رشد اقتصادی جدی بگیرید

تأمین امنیت شغلی، حفظ ایمنی محیط کار و رفع دغدغه‌های معیشتی، سه محور اصلی حمایت از نیروی کارند که بی‌توجهی به آنها نه‌تنها کرامت انسانی را زیر سؤال می‌برد، بلکه مسیر توسعه اقتصادی را نیز ناهموار می‌سازد

نیروی کار، در مسیر پیشرفت اقتصادی و توسعه پایدار، ستون فقرات تولید و به‌تبع آن جامعه محسوب می‌شود، اما این ستون، برای اینکه بتواند با قدرت بایستد و در مسیر رشد و شکوفایی حرکت کند، نیازمند سه مؤلفه حیاتی و پشتیبانی ملموس است؛ امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و آرامش معیشتی. امنیت شغلی، یعنی نیروی کار از ثبات موقعیت خود مطمئن باشد و ترس از بیکاری ذهن او را درگیر نکند. این اطمینان، انگیزه و تعهد را افزایش می‌دهد و منجر به بهبود عملکرد و ارتقای بهره‌وری می‌شود. ایمنی محیط کار نیز از دیگر نیازهای حیاتی است. وقتی کارگر در فضایی فعالیت می‌کند که از حداقل استانداردهای ایمنی برخوردار نیست، جان و سلامت او به خطر می‌افتد و هزینه‌های انسانی و اقتصادی زیادی به جامعه تحمیل می‌شود. در کنار این دو، معیشت آبرومندانه نیز عاملی تعیین‌کننده است. نیروی کاری که دغدغه تأمین حداقل‌های زندگی دارد، توان جسمی و روانی لازم برای تمرکز و نوآوری در کار را از دست می‌دهد. بی‌توجهی به این سه محور، نه‌تنها کرامت انسانی نیروی کار را خدشه‌دار می‌کند، بلکه بر کارایی نظام تولید، اعتماد اجتماعی و مسیر توسعه نیز تأثیر منفی می‌گذارد. این موضوع فقط یک مطالبه کارگری یا دغدغه صنفی نیست، بلکه رویکردی انسانی و در عین حال راهبردی است که سیاست‌گذاران باید آن را جدی بگیرند. توجه به این نیازها، سرمایه‌گذاری بلندمدت روی آینده اقتصادی کشورمان است؛ آینده‌ای که در آن نیروی انسانی با انگیزه، سالم و مطمئن پایه‌گذار رشد پایدار خواهد بود.

در مسیر حرکت به‌سوی توسعه اقتصادی پایدار و عادلانه، کمتر عاملی به‌اندازه «نیروی کار» نقش‌آفرین و تأثیرگذار است. نیروی انسانی، صرف‌نظر از جایگاه شغلی و سطح تخصص، موتور محرک تولید ملی و قلب تپنده نظام اقتصادی هر کشور است. در واقع، وقتی سخن از رشد اقتصادی به میان می‌آید، نمی‌توان از سرمایه انسانی غافل شد؛ سرمایه‌ای که اگر خوب پرورده و حمایت شود، ضامن شکوفایی کشور خواهد بود، اما این سرمایه همچون هر دارایی ارزشمند دیگری، برای بقا و بهره‌وری، نیاز به محافظت، احترام و رسیدگی دارد. کارگر یا کارمندی که هر روز در کارخانه، مزرعه، اداره یا کارگاه مشغول فعالیت است، برای اینکه بتواند نقش خود را به‌درستی ایفا کند، نیازمند حداقلی از ثبات، ایمنی و معیشت است. به عبارت دیگر، امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و آرامش معیشتی سه محور اصلی و حیاتی هستند که نیروی کار برای پویایی، انگیزه و وفاداری به کار به آنها نیاز دارد.

■ امنیت شغلی؛ نخستین رکن اعتماد به آینده

امنیت شغلی، به‌طور خلاصه به معنای اطمینان خاطر نیروی کار از تداوم اشتغال و حفظ موقعیت شغلی خود است. کارگری که هر روز با ترس از تعدیل یا تعطیلی محل کار به سر کار می‌رود، حتی اگر به ظاهر وظایف خود را انجام دهد، در واقع بخشی از تمرکز، انگیزه و امیدش را از دست داده است. ترس از آینده، خلاقیت را خاموش می‌کند و روحیه رشد را از بین می‌برد. از منظر اقتصادی این ناامنی به بروز پدیده‌هایی چون کاهش بهره‌وری، افزایش جابه‌جایی نیروی کار، کاهش تعهد سازمانی و در نهایت آسیب به تولید منجر می‌شود. در مقابل، نیروی کاری که از شغل خود مطمئن است، با انرژی و برنامه‌ریزی دقیق‌تری کار می‌کند، در آموزش و مهارت‌آموزی سرمایه‌گذاری می‌کند و به جای «ماندن موقت»، به «پیشرفت ماندگار» می‌اندیشد. کشورهایی که توانسته‌اند امنیت شغلی را در چارچوب قانون، حمایت‌های اجتماعی و گفت‌وگوی مؤثر کارگر و کارفرما تضمین کنند، اقتصادهایی پایدارتر و مقاوم‌تر در برابر بحران‌ها دارند. این تجربه جهانی نشان می‌دهد که امنیت شغلی، صرفاً یک مطالبه صنفی نیست، بلکه سیاستی هوشمندانه برای ثبات و پایداری اقتصادی است.

■ ایمنی شغلی؛ شرط انسانی و اقتصادی ادامه کار

ایمنی محیط کار، دیگر بعد حیاتی در تأمین نیازهای نیروی انسانی است. محیط کاری که اصول ایمنی در آن رعایت نمی‌شود، نه‌تنها تهدیدی برای جان و سلامت کارگر است، بلکه هزینه‌های هنگفتی برای کارفرما و نظام درمانی کشور به دنبال دارد. حادثه‌های کاری، از قطع عضو و سوختگی گرفته تا مرگ و ناتوانی دائمی، ضربه‌هایی سنگین به خانواده کارگر، روحیه همکاران و اعتبار کارفرما وارد می‌کند. از نظر روانی، کارگری که احساس کند هر لحظه ممکن است با حادثه‌ای مواجه شود، در استرس دائمی قرار دارد و این استرس، عملکرد و بازده او را به شدت کاهش می‌دهد. ایمنی، حق اولیه نیروی کار است. پیشگیری از حوادث با ایجاد استانداردهای فنی، آموزش مستمر، بازرسی‌های دقیق و استفاده از تجهیزات ایمن، نه‌تنها جان انسان‌ها را حفظ می‌کند، بلکه روی اعتماد عمومی به محیط کار، انسجام سازمانی و حتی وجهه صنعت در نگاه جامعه تأثیر مثبت دارد. در بسیاری از کشورها، نهادهای بازرسی ایمنی مستقل، آیین‌نامه‌های الزام‌آور و تشویق به نوآوری در حوزه ایمنی، جزئی جدانشدنی از سیاست‌های اقتصادی هستند. ایران نیز در این زمینه به تقویت ساختارهای اجرایی و افزایش پاسخگویی نیازمند است.

■ معیشت آبرومندانه؛ زیرساخت انگیزه و عزت نفس

مهم‌تر از همه معیشت است. حقوق و مزایای کافی و منصفانه، تضمین می‌کند که نیروی کار تنها برای بقا کار نکند، بلکه برای رشد زندگی کند. کارگری که درآمدش کفاف هزینه‌های اولیه زندگی - مسکن، خوراک، آموزش فرزندان، سلامت و تفریح - را نمی‌دهد، درگیر روزمرگی، اضطراب و خستگی مفرط خواهد شد. در چنین شرایطی، انتظار خلاقیت، دقت یا کیفیت بالا در کار انتظاری غیرواقع‌بینانه است. پایین‌بودن سطح دستمزدها، نه‌تنها به مهاجرت نیروی متخصص و کاهش انگیزه کار منجر می‌شود، بلکه مستقیماً به نابرابری اجتماعی، فقر شهری و کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دامن می‌زند. تدوین نظام عادلانه مزد، بر اساس نرخ تورم، سبد معیشتی خانوار و بازنگری دوره‌ای در سطح درآمدها، از جمله اقداماتی است که باید با رویکردی علمی و ملی دنبال شود. همچنین حمایت‌های غیرمستقیم مثل بیمه درمانی، دسترسی به خدمات رفاهی، وام‌های مسکن و آموزش نیز مکمل این مسیر هستند.

■ نگاهی فراتر از اقتصاد

نکته مهم این است که این سه مؤلفه، تنها مسائل اقتصادی یا صنفی نیستند. آنها در بطن خود حامل پیام‌هایی از کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای هستند. جامعه‌ای که به نیروی کار خود بی‌توجه باشد، در واقع به بخش حیاتی پیکره خودش بی‌اعتناست. اگر کارگر احساس کند دیده نمی‌شود، شنیده نمی‌شود و زحماتش پاس داشته نمی‌شود، رابطه او با کار رابطه‌ای مکانیکی و سرد خواهد بود، اما اگر این رابطه به اعتماد، احترام و همدلی گره بخورد، آنگاه کار به یک فعالیت سازنده، رضایتبخش و در خدمت پیشرفت جمعی تبدیل می‌شود. امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و معیشت پایدار، سه‌ضلعی پایداری نیروی کار هستند. اینها فقط نیاز نیستند، بلکه حقوق بنیادین انسان‌هایی‌اند که زندگی‌شان را صرف کار می‌کنند. حمایت از این حقوق، نه لطف است نه امتیاز، بلکه سرمایه‌گذاری هوشمندانه‌ای است که بازده آن در بلندمدت به شکل اقتصادی قدرتمندتر، جامعه‌ای منسجم‌تر و آینده‌ای روشن‌تر بازمی‌گردد. سیاست‌گذاران، کارفرمایان و نهادهای اجتماعی، همه در قبال این سه رکن مسئولند. هر گامی که در جهت تأمین امنیت و کرامت نیروی کار برداشته شود، در واقع قدمی است به سوی یک اقتصاد انسانی‌تر، مقاوم‌تر و پایدارتر.

■ نقش نهادهای سیاستگذار و مسئولیت اجتماعی کارفرمایان

برای تحقق سه‌گانه امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و معیشت پایدار، نمی‌توان تنها از کارگران و تشکل‌های صنفی انتظار داشت. نقش نهادهای سیاستگذار در این مسیر بسیار کلیدی است. قانون‌گذاری دقیق، شفاف و کارآمد، اولین قدم در حمایت واقعی از نیروی کار است. قوانین کار باید چنان تنظیم و اجرا شوند که ضمن حفظ منافع تولید و اشتغال، به حقوق بنیادین کارگران احترام بگذارند و ضمانت اجرایی داشته باشند. نظارت مستمر بر عملکرد واحدهای تولیدی، حمایت از بازرسان کار، تشویق به رعایت استانداردهای ایمنی و تعیین حداقل دستمزد واقعی و منطبق بر سبد معیشت از جمله وظایف دولت و نهادهای مرتبط است. همچنین مجلس شورای اسلامی، با تقویت قوانین حمایتی و پرهیز از رویکردهای شعاری می‌تواند در شکل‌گیری محیط کاری پایدار و انسانی نقش‌آفرین باشد. در کنار دولت، کارفرمایان نیز باید نگاه خود را از «هزینه‌محوری» صرف، به «سرمایه‌گذاری انسانی» تغییر دهند. تجربه نشان داده است کارفرمایانی که به رضایت شغلی و رفاه کارکنان خود بها داده‌اند، در بلندمدت شاهد افزایش بهره‌وری، وفاداری نیروی کار و رشد پایدار بوده‌اند. مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی، امروز دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است.

■ آموزش، آگاهی و مشارکت؛ پیش نیاز پایداری

یکی دیگر از ارکان اساسی در تحقق امنیت و ایمنی در محیط‌های کاری، آموزش مستمر و فرهنگسازی است. بسیاری از حوادث شغلی، ناشی از ناآگاهی یا کم‌توجهی به اصول ساده ایمنی است. آموزش‌های منظم، به‌روزرسانی دانش فنی و افزایش سطح آگاهی کارکنان در کنار الزام کارفرمایان به تأمین تجهیزات ایمنی، می‌تواند به کاهش محسوس حوادث منجر شود. فرهنگ کار نیز باید ارتقا یابد. وقتی شأن کارگر در فرهنگ عمومی جامعه نادیده گرفته می‌شود، پیامد آن نه‌تنها بی‌انگیزگی نیروی کار، بلکه ضعف در هویت ملی و انسجام اجتماعی است. رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و مسئولان فرهنگی نقش مهمی در تغییر این نگاه دارند. احترام به کارگر و نیروی مولد، باید به ارزش اجتماعی تبدیل شود.

■ فناوری و آینده نیروی کار

یکی از دغدغه‌های مهم در سال‌های اخیر، ورود تکنولوژی و خودکارسازی به محیط‌های کاری است. در حالی که فناوری می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد، نگرانی‌هایی از جمله حذف مشاغل سنتی و گسترش بیکاری نیز وجود دارد. در چنین شرایطی، امنیت شغلی معنای تازه‌ای پیدا می‌کند. دیگر صرفاً به معنای حفظ یک شغل مشخص نیست، بلکه به معنای توانایی تطبیق با تغییرات، بازآموزی و ارتقای مهارت‌هاست. نقش دولت در ایجاد بسترهایی برای آموزش‌های فنی، دوره‌های مهارت‌افزایی و توانمندسازی نیروی کار در مواجهه با تحولات فناورانه بسیار مهم است. آینده نیروی کار، به میزان آمادگی آن در برابر دگرگونی‌ها بستگی دارد. برنامه‌ریزی برای «امنیت شغلی انعطاف‌پذیر» باید در دستور کار قرار گیرد. در نهایت توجه به امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و معیشت پایدار، نه‌تنها ضرورتی برای حفظ کرامت نیروی کار است، بلکه سنگ‌بنای یک اقتصاد پویا، پایدار و مقاوم محسوب می‌شود. کارگری که آینده‌اش را امن، سلامت خود را تضمین شده و زندگی‌اش را آبرومند ببیند، با انگیزه، خلاقیت و تعهد بیشتری به فعالیت می‌پردازد. این سه‌گانه، یک رویکرد صرفاً حمایتی نیست، بلکه راهبردی اقتصادی و اجتماعی برای عبور از بحران‌ها و ساختن آینده‌ای روشن‌تر است. وظیفه نهادهای سیاستگذار، کارفرمایان و جامعه فراهم‌سازی بستری است که در آن نیروی کار نه با ترس و فشار، بلکه با امید و اطمینان، چرخ تولید را به حرکت درآورد. توسعه پایدار، از دل انسانی‌ترین سیاست‌ها آغاز می‌شود؛ جایی که کارگر، نه فقط به عنوان ابزار تولید، بلکه به عنوان شریک پیشرفت دیده شود.

فراسو

سیاست‌های جمعیتی بدون مسکن، شعار بی‌پشتوانه است

رئیس‌جمهور اگر بخواهد حال سفره مردم را بهبود بخشد، باید تیغ جراحی بر ساختارهای ناکارآمد تولید فرود آورد؛ موانع ریشه‌ای نیاز به عزم ریشه‌ای دارند

در حالی با همزمان‌شدن با هفته جمعیت بار دیگر بر ضرورت افزایش فرزندآوری تأکید می‌کنند که بسیاری از جوانان به دلیل نداشتن مسکن از تشکیل خانواده ناتوانند. طبق آخرین آمارها نرخ ازدواج به کمترین میزان در ۲۵ سال اخیر رسیده و بیش از ۷۰ درصد جوانان، مشکل مسکن را اصلی‌ترین مانع فرزندآوری می‌دانند. سیاست‌های تشویقی بدون توجه به بحران مسکن راه به جایی نمی‌برد. هفته جمعیت در حالی سپری می‌شود که بار دیگر رسانه‌های رسمی و تریبون‌های دولتی، بر ضرورت فرزندآوری و افزایش نرخ باروری تأکید می‌کنند، اما در این میان، صدای یک واقعیت خاموش کمتر شنیده می‌شود، جوانی که سقفی برای زندگی ندارد، نمی‌تواند خانواده بسازد. در سال‌های اخیر، نرخ ازدواج و فرزندآوری با شیب نگران‌کننده‌ای کاهش یافته است؛ آماری که بخش بزرگی از آن به عامل مسکن بازمی‌گردد. براساس آخرین گزارش مرکز آمار، کمترین میزان ازدواج طی ربع قرن اخیر ثبت شده است. در کنار آن نظرسنجی‌ها در مطالعه‌ای از مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد جوانان نداشتن مسکن مناسب را عامل اصلی بی‌میلی به فرزندآوری دانسته‌اند.

■ خانه‌ای برای نسل فردا نیست

به‌رغم تصویب قوانین متعددی در حمایت از ازدواج و فرزندآوری طی دو دهه اخیر، متأسفانه اجرای ناقص، کند و گزینشی این قوانین باعث شده است دستیابی به مسکن که باید یک حق اولیه باشد، به آرزویی دست‌نیافتنی برای بسیاری از جوانان تبدیل شده است. در حقیقت، شعارهای زیبای افزایش جمعیت که در سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها مطرح می‌شوند، عمدتاً روی کاغذ باقی مانده‌اند، در حالی که در عمل بسیاری از جوانان با چالش‌های عمیقی مانند بیکاری، تورم افسارگسیخته و به ویژه بحران مسکن مواجه هستند که کوچک‌ترین انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده در آنها باقی نمی‌گذارد.

در همین‌باره، مسعود حبیبی، معاون فرهنگی وزارت بهداشت با اشاره به آمارهای نگران‌کننده اظهار می‌دارد: «حدود ۳ میلیون نفر از جمعیت مجرد کشور را دانشجویان تشکیل می‌دهند که سهم قابل توجهی از این تعداد به دلیل نبود مسکن مناسب و امکانات اولیه زندگی، ازدواج را به تعویق می‌اندازند یا به کلی از آن صرف‌نظر می‌کنند.» این در حالی است که بسیاری از این جوانان در سنین ایده‌آل برای تشکیل خانواده هستند و تأخیر در ازدواج آنها می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر ساختار جمعیتی کشور در سال‌های آینده داشته باشد.

جالب توجه اینکه، این مشکل تنها محدود به دانشجویان نیست و بسیاری از جوانان شاغل نیز با وجود داشتن درآمد، به دلیل قیمت‌های سرسام‌آور مسکن در شهرهای بزرگ و حتی شهرهای متوسط، امکان خرید یا حتی اجاره خانه مناسب را ندارند. این وضعیت باعث شده است سن ازدواج در کشور به طور پیوسته افزایش یابد و بسیاری از جوانان به اجبار سال‌های طلایی تشکیل خانواده را از دست بدهند.

■ ۳ سند، یک مطالبه؛ زمین برای زندگی

با نگاهی به اسناد قانونی و برنامه‌های کلان کشور، مشخص می‌شود که مسکن نه تنها فراموش نشده، بلکه به‌عنوان محور اصلی تشویق فرزندآوری مورد توجه قرار گرفته است، اما آنچه مشکل‌ساز شده، فاصله بین تدوین قانون و اجرای عملی آن است.

قانون تسهیل ازدواج جوانان (۱۳۸۴): این قانون قدیمی با هدف کاهش سن ازدواج، دولت را مکلف کرده تا از طریق واگذاری زمین، وام قرض‌الحسنه برای خرید یا ساخت مسکن و احداث مسکن ارزان، زمینه ازدواج جوانان را فراهم کند. با این حال بسیاری از بندهای این قانون اجرایی نشده و به دلیل ضعف ضمانت اجرایی، عملاً از کارکرد اصلی خود فاصله گرفته است.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰): در پاسخ به روند کاهش زاد و ولد، این قانون مشوق‌هایی چون واگذاری زمین و تسهیلات ویژه به خانواده‌های دارای فرزند را مطرح کرده است. مصادیق مورد حمایت این قانون شامل واگذاری زمین رایگان به خانواده‌های دارای سه فرزند، حذف قرعه‌کشی در این واگذاری و اولویت مسکن ملی برای خانواده‌های با فرزند هستند. باید توجه داشت این قانون نیز مشروط به تولد فرزند است، در حالی که اصل مشکل، در مرحله قبل‌تر، یعنی ازدواج و تأمین مسکن اولیه نهفته است.

برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷): این برنامه، رویکردی جامع‌نگر به بحران جمعیت دارد و هدفگذاری کمی برای افزایش ازدواج و باروری از طریق واگذاری زمین و احداث ۲۰۰ هزار واحد مسکونی برای جوانان در سال تعیین کرده است. مفاد مهم این برنامه اعم از حمایت ویژه از خانواده‌های دارای فرزند اول تا سوم، گسترش محدوده شهرها برای ساخت‌وساز و تسهیلات بانکی با نرخ پایین می‌باشند. درخصوص این برنامه هنوز جزئیات اجرایی این طرح‌ها مشخص نشده و نگرانی‌ها درباره سرعت و عدالت در توزیع زمین‌ها پابرجاست.

■ عبور از قانون و ورود به ورطه عمل؛ سیاست برج‌سازی باید متوقف شود

در حالی که قوانین بر تأمین مسکن افقی تأکید دارند، در دهه‌های گذشته سیاست‌های شهری به سمت برج‌سازی پیش رفته‌اند. مدل‌هایی که با نیاز خانواده‌های چندفرزندی و سبک زندگی ایرانی همخوانی ندارد و با اهداف افزایش جمعیتی نیز در تضاد است. به جای توسعه افقی و واگذاری زمین، تمرکز بر انبوه‌سازی در کلانشهرها نه‌تنها قیمت مسکن را کاهش نداده، بلکه کیفیت زندگی را نیز به خطر انداخته است.

■ توسعه افقی و واگذاری زمین مساوی با بازگشت به خانواده‌محوری

کارشناسان معتقدند راه عبور از بن‌بست جمعیتی، نه در افزایش شعارها، بلکه در افزایش زمین در دست مردم است. الحاق زمین‌های دولتی به محدوده شهرها، واگذاری زمین برای ساخت مسکن حیاط‌دار و توسعه شهرهای جدید با زیرساخت مناسب برای خانواده‌ها از پیشنهادهای قابل دفاع مطرح شده در این زمینه‌اند. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران در گزارشی در آذر ۱۴۰۳، دیدگاه‌های مرتبط با توسعه افقی و عمودی شهرها را بررسی کرده و ۱۲ محور اختلافی میان دو رویکرد موجود را شناسایی کرده است. در این گزارش، موافقان توسعه افقی بر مزایایی چون کاهش تراکم جمعیتی کلانشهرها، کاهش قیمت تمام‌شده مسکن به دلیل حذف سهم بالای زمین، تناسب بیشتر با ساختار خانوار ایرانی و فراهم‌بودن زمینه برای اشتغال و تولید در خانه‌های ویلایی تأکید دارند. به باور این گروه، توسعه افقی می‌تواند انگیزه لازم را برای مهاجرت معکوس از کلانشهرها به شهرهای کوچک‌تر و میانی فراهم کند و در خدمت سیاست تمرکززدایی قرار گیرد. همچنین، موافقان با استناد به آمار رسمی، نبود زمین کافی را ادعایی غیرعلمی دانسته و معتقدند تنها ۲ درصد از ۱۵ درصد اراضی قابل توسعه کشور ساخته شده است. آنها توسعه افقی را از نظر هزینه ساخت، نگهداری، مصرف انرژی و زمان ساخت در بسیاری موارد به‌صرفه‌تر از بلندمرتبه‌سازی می‌دانند. این پژوهش در نهایت با اولویت دادن به دیدگاه‌هایی که بر بررسی‌های زمینه‌ای هر شهر تأکید دارند، توصیه کرده از تعمیم نسخه واحد برای توسعه شهری پرهیز شود.

■ کلید مسئله جمعیت در گرو زمین است

سیاست‌های جمعیتی، بدون تأمین زیرساخت مسکن، تنها یک تابلو تبلیغاتی‌اند. هر گامی در راستای افزایش جمعیت باید از خانه آغاز شود. اگر قرار است آینده‌ای جوان‌تر برای ایران رقم بخورد، باید امروز زمین را از انحصار خارج کرد و آن را در اختیار خانواده‌ها گذاشت. تا آن زمان، شعار «فرزندآوری» برای بسیاری از جوانان، تنها یک رویا باقی خواهد ماند.

فوتبال اروپا

اشرف رامین

آرمنیا بیله‌فلد در فینال جام‌حذفی کم آورد

پایان طلسم ۲۷ ساله اشتوتگارت

اشتوتگارت ناکامی‌اش در بوندس‌لیگا را با قهرمانی در جام‌حذفی جبران کرد. فینال جام‌حذفی فوتبال آلمان موسوم به دی‌اف‌بی پوکال، در ورزشگاه المپیک برلین برگزار شد و اشتوتگارت با پیروزی ۴ بر ۲ تیم شگفتی‌ساز آرمنیا بیله‌فلد را شکست داد. جام قهرمانی درحالی به تیم نهم بوندس‌لیگا رسید که شاگردان سباستین هوینس برای رسیدن به این موفقیت تا لحظه آخر دست از تلاش نکشیدند. هواداران اشتوتگارت انتظار داشتند تیم محبوب‌شان همانند فصل گذشته که نایب‌قهرمان آلمان شده بود، بدرخشد، ولی فصل برایشان خوب پیش نرفت و در نهایت خبری از کسب سهمیه لیگ‌قهرمانان نیست. منتها فتح جام‌حذفی پس از ۲۷ سال، سهمیه لیگ‌اروپا را برای اشتوتگارت تضمین کرد. قهرمان بوندس‌لیگا در سال ۲۰۰۷ فرصت قهرمانی در جام‌حذفی را از دست نداد و حالا باید سوپرجام آلمان را نیز مقابل بایرن‌مونیخ برگزار کند.

سباستین هوینس اولین جام دوران مربیگری‌اش را به دست آورده و از این پس او نیز یکی از مربیان موفق آلمان به حساب خواهد آمد. اشتوتگارت از سال ۲۰۰۷ به بعد دیگر هرگز در هیچ رقابتی صاحب جام نشد و طلسم انتظار ۱۸ ساله هواداران در برلین شکست. در تاریخ جام‌حذفی آلمانی بایرن‌مونیخ با ۲۰ قهرمانی رکورددار است. این تیم درحالی ۲۵ مردادماه باید رودرروی بایرن‌مونیخ قرار بگیرد که فصل گذشته در سوپرکاپ مغلوب لورکوزن شد و تنها یک‌بار (۱۹۹۲) طعم قهرمانی در این رقابت را چشید. نیک وولتمید زننده اولین گل اشتوتگارت در فینال جام‌حذفی همان بازیکن ۲۳ساله‌ای است که در این فصل برای تیمش ۱۷ گل (در تمامی رقابت‌ها) به ثمر رسانده و یکی از مهره‌های کلیدی هوینس محسوب می‌شود. وولتمید با عملکرد درخشانش ناگلزمان سرمربی تیم‌ملی آلمان را نیز مجبور کرد، او را برای اولین‌بار به اردوی مانشافت دعوت کند. نام آرمنیا بیله‌فلد برای ایرانی‌ها آشناست؛ همان تیم آلمانی که روزگاری علی دایی برای آنها بازی می‌کرد. این تیم در حال حاضر به دسته سوم آلمان سقوط کرده و با این وجود تیم‌های مدعی بیله‌فلد را دست‌کم گرفتند.

آرمنیا بیله‌فلد برای صعود به فینال جام‌حذفی چهار تیم از بوندس‌لیگا را حذف کرد و حسرت جام را به دلشان گذاشت. شاگردان میشل کنیات اولین تیم دسته‌سومی هستند که چهار تیم از دسته اول فوتبال آلمان را در جام‌حذفی کنار زده‌اند. پیروزی ۲ بر صفر بر یونیون برلین آنها را به یک‌هشتم نهایی رساند، فرایبورگ مقابل بیله‌فلد ۳ بر یک باخت تا همه نگاه‌ها به یک‌چهارم نهایی باشد، اما وردربرمن نیز از پس آنها برنیامد و با قبول شکست ۲ بر یک، لورکوزن حریف بیله‌فلد شد. تیم ژابی آلونسو نیز ۲ بر یک به رقیب دسته‌سومی باخت تا معلوم شود درخشش این تیم اتفاقی نبوده است. با این حال اشتوتگارت در فینال رؤیای تیم کنیات را نقش بر آب کرد، وگرنه یک تیم دسته سومی فصل آینده نماینده آلمان در لیگ‌اروپا می‌شد.

فریدون حسن

پاریسی‌ها آماده فتح سه‌گانه

انریکه: می‌خواهیم تاریخ‌ساز باشیم

پاری‌سن‌ژرمن با فتح جام حذفی فرانسه در یک قدمی کسب سه‌گانه این فصل قرار گرفته است. شاگردان انریکه که پیش از بازی نهایی جام حذفی مقابل رنس، قهرمانی خود در لوشامپیونه را جشن گرفته بودند شنبه شب با برتری قاطعانه ۳ بر صفر جام حذفی فرانسه را هم تصاحب کردند و حالا برای پیروزی مقابل اینترمیلان و فتح لیگ قهرمانان اروپا لحظه‌شماری می‌کنند تا سه‌گانه را بالای سر ببرند و تاریخ‌سازی کنند.

تیم انریکه در موقعیتی کاملاً متفاوت با اینتر اینزاگی قرار دارد. اینتر هر دو جام ایتالیا را تقدیم رقبای خود کرده است؛ جام حذفی را به آث‌میلان و سری آ را به ناپولی و حالا فقط یک امید دارد و آن هم فتح لیگ قهرمانان است، اما در پاریس همه برای فتح سه‌گانه لحظه‌شماری می‌کنند. این شرایط کاملاً متفاوت فینالیست‌های لیگ قهرمانان اروپا برای بازی ۱۰ خردادماه است. هرچند که نمی‌توان چیزی را پیش‌بینی کرد، اما ظاهراً همه چیز به سود انریکه و پاریسی‌ها در جریان است تا مرد اسپانیایی نیمکت پی‌اس‌جی از همین حالا به فکر تاریخ‌سازی و برپایی جشن فتح سه‌گانه باشد. پاری‌سن‌ژرمن برای شکست دادن رنس کار چندان سختی نداشت و حتی زیاد به خودش هم فشار نیاورد تا خود را آماده بازی مقابل اینتر کند. انریکه بعد از پایان این بازی با اشاره به اینکه تمام هوش و حواسش معطوف به بازی با اینتر است، گفت: «پیروزی شیرینی را به دست آوردیم. این یک بازی بسیار خوب بود. رسیدن به فینال آسان نیست. فکر می‌کنم ما بهترین راه ممکن را برای فینال ۳۱ ماه می (۱۰ خرداد) آماده کرده‌ایم. مدت‌ها به این فینال فکر کردیم. می‌خواهیم با هوادارانمان تاریخ بسازیم. ما آماده‌ایم.»

سرمربی پاری‌سن‌ژرمن درباره مصدومیت خویچا کوارتسخلیا گفت: «موضوع جدی نیست. او بعد از گرم کردن احساس ناراحتی کرد و نمی‌خواستیم ریسک کنیم. ما یک تیم واقعی هستیم. همه ما به عنوان یک تیم آماده‌ایم و به فینال لیگ قهرمانان فکر می‌کنیم. امیدوارم این لحظه برای همه بسیار خاص باشد.» لوئیس انریکه حرف‌هایش را اینگونه به پایان رساند: «فینال لیگ قهرمانان اروپا مهم‌ترین مسابقه در یک فصل است. باید به بهترین شکل ممکن آماده شویم. مدیریت همه چیزهایی که تیم را احاطه کرده‌اند، آسان نیست. ما یک تیم جوانیم، اما تجربه داریم و می‌دانیم که در این لحظات حساس باید چگونه رفتار کرد. امیدوارم بتوانیم در پایان بازی مقابل اینتر جشن بگیریم.»

گزارش یک

شیوا نوروزی

پنجمی آسیا زنگ خطری برای کاراته ایران

درخشش بانوان جبران ضعف مردان

عملکرد ضعیف تیم مردان اجازه نداد کاراته ایران با وجود درخشش کاراته‌کاهای بانوی خود در قهرمانی آسیا به سکو برسد. رقابت سه روزه بهترین کاراته‌کاهای قاره‌کهن در تاشکند با اینکه هفت مدال برای کاروان کشورمان به همراه داشت، اما جایگاه پنجمی، عنوانی درخور شأن کاراته ایران نیست.

بیست و یکمین دوره رقابت‌های کاراته قهرمانی آسیا برای ما با حاشیه ناپدید شدن ۴۰ هزار دلار و یورو آغاز شد و در نهایت هم برخلاف انتظارات، خبری از درخشش کومیته مردان نبود. رقابت سه روزه کاراته‌کاها دیروز به پایان رسید و تیم کومیته مردان در کسب مدال طلا ناکام ماند. تنها طلای کاروان اعزامی کشورمان را آتوسا گلشادنژاد به گردن آویخت؛ یک طلا، سه نقره و سه برنز باعث شد تیم کاراته ما (در مجموع مردان و زنان و در دو بخش کاتا و کومیته) مقامی بهتر از پنجمی آسیا به دست نیاورد. قهرمانی قزاقستان با چهار طلا، یک نقره و پنج برنز زنگ خطری برای کاراته ایران است، درحالی که ژاپن (با سه طلا، پنج نقره و چهار برنز) نایب‌قهرمان آسیا شد و حتی ویتنام (سه طلا و یک برنز) و اردن (دو طلا و سه برنز) نیز با کسب مقام‌های سومی و چهارمی از ما جلو زدند!

■ ناکامی تیم مردان

در روز پایانی مسابقات همه نگاه‌ها به مبارزه کومیته تیمی مردان بود. شاگردان شهرام هروی برای رسیدن به فینال ترکمنستان، عربستان و قزاقستان را شکست دادند، اما در گام آخر مقابل اردن کم آوردند و یک طلای ارزشمند از دست‌مان پرید. شکست ۳ بر ۲ به اردن قابل باور نیست. تیم کومیته مردان در جدالی سخت با اردن و در مبارزه آخر تا ۹ ثانیه مانده به پایان مسابقه پیروز میدان و قهرمان آسیا بود، اما بی‌دقتی صالح اباذری در ثانیه‌های پایانی باعث شد پیروزی ۲ بر صفر او به باخت ۳ بر ۲ تبدیل و طلایمان با نقره عوض شود. اسماعیل معتمدی ۴ بر یک حریف اردنی را برد، ولی مهدی عاشوری ۴ بر ۲ شکست خورد و پس از آن هم محمود نعمتی با عملکردی ضعیف ۱۰ بر ۴ باخت. مرتضی نعمتی در مبارزه چهارم با تلاش زیاد ۷ بر ۳ به پیروزی رسید و کار به تساوی ۲ - ۲ کشید. منتها اباذری نتوانست از این فرصت استفاده کند و در ثانیه‌های آخر ورق به سود حریف برگشت.

عملکرد ضعیف مردان کاراته ایران فراتر از حد انتظار بود، تا جایی که مرتضی نعمتی تنها مدال انفرادی کومیته مردان را به گردن آویخت. نعمتی در وزن ۷۵ - به هر زحمتی بود با عبور از سد حریفان عربستانی، ازبک و ژاپنی به فینال رسید، ولی در دیدار پایانی به نورکانات آژیکانوف قزاقستانی باخت (۵ بر ۳) و به مدال نقره بسنده کرد. کاتا مردان نیز دستش به مدال طلا نرسید. بعد از ناکامی مطلق کاتاروها در بخش انفرادی، مردان کاتا در بخش تیمی (ابوالفضل شهرجردی، میلاد فرازمهر و علی زند) یک مدال برنز به دست آوردند. تیم ایران بعد از پیروزی بر چین‌تایپه به ژاپن باخت و مجبور شد با تایلند مبارزه کند. پس از تحمیل باخت به این تیم، ویتنام را برد و برنز آسیا را به چنگ آورد.

■ پیشرفت بانوان در کومیته

تنها طلای کاروان اعزامی به تاشکند از آن آتوسا گلشادنژاد شد. ملی‌پوش کومیته بانوان در وزن ۶۱-کیلوگرم برای هموار ساختن مسیرش تا فینال کاراته‌کایی از هند را برد، پس از آن نوبت به حریف چینی بود که ۵ بر صفر تن به شکست دهد و حتی نماینده ژاپن نیز نتوانست مقابل گلشادنژاد راه به جایی ببرد. در فینال نماینده کومیته بانوان ۵ بر یک رقیب ازبک را قاطعانه شکست داد و اجازه نداد کاراته ایران بدون طلا تاشکند را ترک کند. قبل از او فاطمه سعادتی در وزن ۵۵ - کیلوگرم هم به فینال رسیده بود، ولی طلا را از دست داد. او در فینال در جدال با هوانگ تای ویتنامی ۵ بر صفر مغلوب شد و مدال نقره را به گردن آویخت. سعادتی پیش از این دو برنز آسیا را در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به دست آورده بود. سارا بهمنیار در وزن ۵۰- کیلوگرم مدال برنز را از آن خود کرده بود.

کومیته بانوان در بخش تیمی نیز بدون مدال از تاتامی خارج نشد؛ شاگردان پگاه زنگنه که شایستگی صعود به فینال را داشتند با قبول شکست ۲ بر یک برابر قزاقستان به دیدار رده‌بندی رفتند و چین‌تایپه را ۲ بر یک بردند و روی سکوی سوم آسیا ایستادند. با این حال تیم کاتا بانوان با ترکیب سپیده امینی، ملیکا عزتی و زینب‌السادات حسینی موفق به کسب مدال در قهرمانی آسیا ۲۰۲۵ نشدند.

■ قدر پاراکاراته را بدانیم

تیم‌ملی پاراکاراته با هفت مدال رنگارنگ روی سکوی قهرمانی آسیا ایستاد و خیال همه را راحت کرد. دو طلا، سه نقره و دو برنز ایران را معصومه ایجی، فرزاد صفری، نگار فراهانی، لیلا چالیان، حافظ حافظی‌کیا، محمد جعفری فهیم و رحیم گل‌محمدی برای کشورمان به ارمغان آوردند. این در حالی است که فاطمه صادقی، علی زند، بهنام دهقان‌زاده، مبینا کاویانی، رضا بشارتی، محمدرضا گیلانپور، محمود نعمتی، علی مسکینی و حنانه صالحی با حذف از مسابقات به سکوی آسیا نرسیدند.

گزارش ۲ | دنیا حیدری | قوانین شرکتی پله فرار تیم‌های شبه‌دولتی

قانون مجلس فعلاً کارساز نیست!

مجلس روز گذشته پرداخت هرگونه وجهی از محل بودجه کل کشور به ورزش حرفه‌ای را ممنوع کرد. دیروز نمایندگان در صحن علنی مجلس با ماده ۹ لایحه نظام جامع باشگاهداری موافقت کردند. براساس ماده ۹ این لایحه؛ هرگونه تصدی‌گری دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده(۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/ ۷/ ۱۳۸۶ در امر باشگاهداری و تیمداری در ورزش حرفه‌ای ممنوع و پرداخت هرگونه وجهی از محل بودجه کل کشور به هر شکل و هر نحو به ورزش حرفه‌ای در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی است.

مصوبه مجلس این ابهام را ایجاد کرد که با این اوضاف وضعیت تیم‌هایی چون سپاهان، فولاد خوزستان، مس، گل‌گهر و آلومینیوم چه خواهد شد. با پیگیری‌های خبرنگار «جوان»، مشخص شد این مسئله امروز مشکلی برای باشگاه‌های صنعتی ایجاد نمی‌کند، اما با توجه به حساسیت فیفا و ای‌اف‌سی و قانون فیرپلی مالی در ادامه اوضاع می‌تواند چالش‌برانگیز شود.

کاظم اولایی، عضو هیئت موسس اتحادیه باشگاه‌ها با مثبت شمردن چنین مصوباتی تأکید می‌کند این باشگاه‌ها کاملاً دولتی نیستند و این یعنی پله فرار: «شخصاً از چنین مصوباتی استقبال می‌کنم، اما مسئله این است که باشگاه‌های نامبرده شده دولتی نیستند، بلکه شبه‌دولتی یا همان خصولتی هستند، یعنی اگرچه عمده سهام آنها دولتی است، اما ضوابط و مقررات حاکم بر آنها شرکتی است، به همین دلیل قانون اجازه می‌دهد آنها تا حدودی برای ورزش هزینه کنند.»

مدیرعامل سابق استقلال اما بر این باور است که باید پروتکل‌هایی نوشته شود که براساس آن محدوده تیم‌های خصولتی هم مشخص شود: «ما باید برای اینها هم پروتکل و دستورالعمل بنویسیم، چراکه گاه شاهد حجم بالای پول در یک استان هستیم که در استان دیگر حجم آن اندک و حتی در استانی دیگر شاید هیچ باشد. حال آنکه این پول‌ها درآمد حاصل از انفال است و انفال هم شرعاً ثروت‌های عمومی محسوب می‌شود. مثلاً درست است که نفت در آبادان است، اما این انفال است. مس انفال است. آلومینیوم انفال است و این نیاز دارد به یک صندوق مسئولیت اجتماعی که ۸۵میلیون ملت ایران از آن استفاده کنند، نه فقط یک محدوده جغرافیایی خاص. این اشکال دارد. اما آنهایی که دارند استفاده می‌کنند دولتی نیستند. تعریف دولت در مورد شرکت‌هایی که مورد نظر شماست صادق نیست. به همین دلیل مشکلی گریبانگیرشان نمی‌شود، اما فعلاً، چراکه آنها شامل قوانین شرکتی می‌شوند که ما اصطلاحاً به آن شبه‌دولتی یا خصولتی می‌گوییم. درست است سهام عمده آنها برای دولت است، اما دولتی تلقی نمی‌شوند، بلکه شرکت‌های وابسته به دولت تلقی می‌شوند.»

اولایی همچنین با اشاره با انفال بودن تمام معادن کشور بر این باور است که باید حق مردم به صورت مساوی بین آنها تقسیم شود: «در برخی استان‌ها درآمد این تیم‌ها از معادن است و معادن انفال است. انفال، یعنی ثروت‌های عمومی و وقتی ما از ثروت‌های عمومی داریم برای ورزش هزینه می‌کنیم، درست نیست، خیلی از استان‌ها که به شکل دیگری به کشور خدمت می‌کنند از این درآمد محروم باشند و تنها استانی که معدن در آن وجود دارد از آن استفاده کند و بهره ببرد. در واقع این نقص کار است که باید دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای برای آن نوشته شود.»

مدیرعامل سابق پاس می‌گوید دستورالعمل عدم پرداخت هرگونه وجهی از دولت به باشگاه حرفه‌ای که باعث عدم تیمداری صنعت نفت شد، گامی مثبت بود: «وزارت نفت بسیار خوبی کرد. اتفاقاً کار او باعث شد باشگاه‌های نظامی هم به دستور فرماندهی کل قوا و ستاد کل نیروهای مسلح امتیازهای خود را واگذار کنند، چراکه دولت نباید تیمداری کند. این مغایر با فیرپلی مالی است. فیرپلی مالی خوشبختانه در برنامه پنج ساله هفتم گنجانده شده و در فیفا ۲۰۱۱ نوشته، ۲۰۱۵ ابلاغ کرده، فیفا ۲۰۱۵ اجرا کرده و تیم‌های انگلیسی را جریمه کرد. دو سال هم هست که برای اجرای آزمایشی به ایران ابلاغ شده است. فیرپلی مالی این اجازه را نمی‌هد که از جیب دولت برای فوتبال هزینه شود.»

اولیایی بر این باور است که فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا در نهایت باعث اجرای قانون فیرپلی مالی در ایران می‌شوند، پس باید همین امروز برای آن قانونی نوشت: «فیرپلی مالی می‌گوید از کجا آورده‌اید و هزینه می‌کنید؟ نه باید دولت بدهد، نه باید قرض کنند، نه وام بگیرند، بلکه باید از درآمد خودشان هزینه کنند و همین مسئله فوتبال کشور را که همین امروز هم با چالش عظیمی مواجه است، جلوتر با مشکل بدتری مواجه خواهد کرد. به همین دلیل اگر همین امروز به دنبال نوشتن مقررات باشیم سال‌های آینده می‌توانیم در آسیا شرکت کنیم و با جرائم مواجه نشویم. در غیر این صورت باید خود را آماده عواقب آن کنیم. همانطور که چند سال است به واسطه ارائه آمار و گزارش‌های غیرواقعی مجوز حرفه‌ای دریافت و به آسیا راه پیدا کردیم، اما کلی هم جریمه دلاری دادیم و این خطرناک است، هم برای کشور و هم فوتبال آن.»

علوی، مدیر روابط عمومی فدراسیون فوتبال هم با تأیید صحبت‌های کاظم اولیایی تأکید دارد مصوبه مجلس شاید امروز مشکلی ایجاد نکند، چون این تیم‌ها صرفاً دولتی نیستند و عموماً شبه‌دولتی و خصولتی هستند، اما با توجه به قوانین فیفا و ای‌اف‌سی، هرچه سریع‌تر باید تکلیف مالکیت باشگاه‌های صنعتی مشخص شود تا فرداروز در اخذ مجوز حرفه‌ای و دیگر مسائل با مشکل مواجه نشوند. اما سؤال اینجاست که اگر مجلس مصوبه‌ای داده، چرا به‌طور کامل به همه جوانب آن نیندیشیده تا دست فوتبال برای همیشه از جیب دولت و حتی از جیب شرکت‌های خصولتی که حق تمام مردم کشور است، کوتاه شود وقتی این قوانین نصفه و نیمه نمی‌تواند دردی از مسئله اصلی (دست‌درازی به جیب ملت) را دوا کند.

بازتاب

بزرگ‌ترین تیم دنیا تحت فرمان ژابی

سال ۲۰۱۷ کفش‌ها را آویخت، یک سال استراحت کرد، سپس در سال ۲۰۱۸ هدایت تیم زیر ۱۴ سال رئال را برعهده گرفت. دوره حرفه‌ای یوفا را در کنار رائول، ژاوی و والدس پشت سر گذاشت و مدرک آن را در سال ۲۰۱۹ دریافت کرد. سپس جهشی بزرگ کرد و حالا اینجاست؛ در بزرگ‌ترین تیم دنیا. صحبت از ژابی آلونسو است، مردی که با لورکوزن شایستگی‌های خود را نشان داد و حالا در بازگشت به رئال می‌خواهد کهکشانی‌ها را دوباره به اوج قدرت برگرداند. مراسم معارفه او امروز برگزار می‌شود و ژابی کارش را از یک‌شنبه آینده رسماً آغاز می‌کند.

یادداشت

دنیا حیدری

درآمدزایی والیبال از جیب بازیکنان

درست در شرایطی که انتظار می‌رفت فدراسیون والیبال تدبیری برای مقابله با زیاده‌خواهی‌ها در فصل نقل و انتقالات بیندیشد، صحبت‌های تقوی، رئیس فدراسیون والیبال از واقعیتی تلخ پرده برداشت تا اوضاع پیچیده‌تر شود، چراکه فدراسیون رسماً با تصمیماتی که گرفته به جای حمایت در حال ایفا کردن نقش شریک اجباری بازیکنان است!

تقوی صراحتاً می‌گوید وقتی بازیکنان بابت صدور کارت مبلغی پرداخت می‌کنند، چرا لژیونرها نباید دست به جیب شوند! جالب‌تر اینکه جناب رئیس در توجیه درخواست فدراسیون برای پرداخت ۱۰ درصد از مبلغ قرارداد بازیکنان به عنوان حق صدور کارت بازی بین‌المللی پای واسطه‌هایی را که بیشتر از فدراسیون پول می‌گیرند، به میان می‌آورد.

اما چه دلیلی دارد که تقوی بخواهد فدراسیون را با واسطه‌ها مقایسه کند و قدم در راه آنها بگذارد. مگر واسطه‌ها همان دلال‌هایی نیستند که روزگار ورزش را سیاه کرده‌اند و چند سالی است که همان رویه را در والیبال هم در پیش گرفته‌اند. مگر واسطه‌ها باعث ایجاد هرج و مرج در نقل و انتقالات نمی‌شوند، پس چرا فدراسیون در توجیه اقدام تعجب‌برانگیز خود از دلال‌ها وام گرفته و پای آنها را به ماجرا باز کرده است!

بی‌شک دلالیلی که تقوی برمی‌شمارد، نمی‌تواند سهم‌خواهی فدراسیون را توجیه کند. البته دریافت مبلغی جهت صدور ITC غیرقانونی یا حتی غیرموجه نیست و در بیشتر کشورهای صاحب سبک دنیا از جمله فرانسه، روسیه، هلند و ترکیه نیز چنین مبلغی از بازیکنان دریافت می‌شود، اما رقم دریافتی منطقی و چیزی حدود ۲ تا ۳ هزار دلار است، نه ۱۰ درصد از مبلغ قرارداد! در واقع تنها کوباست که در این زمینه سیاستی مشابه ایران دارد، البته با این تفاوت که آنها با پیامدهایی نظیر تغییر ملیت برخی بازیکنان برای فرار از محدودیت‌های داخلی مواجه هستند و شاید در نظر گرفتن چنین قانونی صرفاً برای ممانعت از تغییر ملیت بازیکنان باشد. ظاهراً تقوی ترجیح می‌دهد داستان را به گونه‌ای دیگر تفسیر کند و توپ را به میدان ایجنت‌ها بیندازد. اما اینکه در روابط بین بازیکن و دلال رقم هنگفتی به واسطه می‌رسد دلیل نمی‌شود فدراسیون هم برای عقب نماندن از قافله سهم‌خواهی کند، آن‌هم ۱۰ درصد از کل رقم قرارداد را!! سؤال اینجاست؛ چرا نهادی که باید داور باشد و نهایتاً نقش حامی را بازی کند برای سودآوری شخصی وارد زمین این بازی می‌شود؟

رئیس فدراسیون در توجیه این اقدام می‌گوید وقتی بازیکنان داخلی این مبلغ را می‌پردازند، لژیونرها هم باید بپردازند، اما بحث این است که اصلاً چرا بازیکن، چه داخلی و چه لژیونر باید ۱۰ درصد قراردادش را بابت دریافت ITC بپردازد؟

مسئله مهم‌تر هم این است که اگر بازیکن این مبلغ را بابت دریافت کارت بازی بپردازد، آیا فدراسیون هم گامی برای سامان دادن به نقل و انتقالات برمی‌دارد و قانونی برای مقابله با زیاده‌خواهان در این عرصه وضع می‌کند؟

جالب است که در گذشته فدراسیون تلاش می‌کرد با حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از لژیونرها مسیر پیشرفت آنها را هموار کند و در همین راستا نیز در مواردی، حتی مبالغ دریافتی از باشگاه‌های خارجی بابت صدور ITC مجدداً به بازیکنان بازمی‌گشت، اقدامی که هم حمایت مالی محسوب می‌شد و هم نشانه‌ای از احترام به شخصیت حرفه‌ای بازیکنان ایرانی. این نوع نگاه، تأثیر مستقیمی در عملکرد موفق تیم‌های ملی نیز داشت، اما امروز فدراسیون با بهانه‌هایی چون مقابله با دلال‌ها و واسطه‌ها و ایجاد عدالت بین بازیکنان داخلی و لژیونرها خود در مسیر همان دلال‌ها قدم گذاشته است، منتهی با درصد پایین‌تر، درحالی که فدراسیون والیبال باید از طرق دیگر درآمدزایی کند، نه از جیب بازیکنان. اما به نظر می‌رسد درصد گرفتن از بازیکنان داخلی و لژیونرها که قاعدتاً افزایش آنها دستاوردی بزرگ برای والیبال است، به مراتب ساده‌تر از جذب اسپانسر و راه‌های متداول دیگر برای درآمدزایی است.

افزایش قیمت فشنگ را مدیریت می‌کنیم

ناصر رسولی دبیر فدراسیون تیراندازی، در واکنش به حاشیه‌های ایجاد شده پس از افزایش قیمت فشنگ‌های اهداف پروازی به ایرنا گفت: «با توجه به اینکه تیراندازی، رشته‌ای تجهیزات‌محور است، اولین بخشی که از این شرایط آسیب ببیند خود فدراسیون است، چراکه ما ارتباط مستقیمی با جامعه هدف داریم. حدود ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش قیمت داشتیم که رئیس فدراسیون از همان ابتدا درصدد ارائه راهکار برای کاهش آن بود. در بخش تفنگ و تپانچه، ساچمه‌هایی که استفاده می‌شود، خارجی است و در حال حاضر بحث فشنگ اهداف پروازی که تولید داخل است، مدنظر بوده که فدراسیون تلاش دارد، موضوع افزایش قیمت آن نیز به شکلی مدیریت شود تا مشکل ورزشکاران حل شود.»

رسولی در پاسخ به این سؤال که برنامه‌های تیم ملی با این شرایط چگونه پیش می‌رود، گفت: «خوشبختانه ارتباط خوبی بین فدراسیون و وزارت دفاع برقرار بوده و همکاری مناسبی بین طرفین ایجاد شده و انتظار داریم با تدبیر مسئولان مربوطه این بحث نیز به سرانجام برسد. با تمام اتفاقات اخیر، حتی یک روز هم برنامه‌های تیم ملی را به تعویق نینداختیم.»

بازداشت موبایل‌قاپ با پابند الکترونیکی

سارق حرفه‌ای در حالی که پابند الکترونیکی به پا داشت، هنگام موبایل‌قاپی در یکی از خیابان‌های تهران به همراه همدستش بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کیانوش نظری، سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: روز گذشته مأموران کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن در حال گشت‌زنی بودند که به راکب و ترک‌نشین موتورسیکلت عبوری که پلاک موتورشان مخدوش بود، مظنون شدند. در حالی که مأموران آنها را تحت نظر گرفته بودند، موتورسواران به رهگذری که در حال حرف زدن با گوشی تلفن همراهش بود نزدیک شدند و بعد از سرقت موبایل وی فرار کردند. بعد از آن عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد و مأموران موفق شدند سارقان را متوقف و آنها را بازداشت کنند. خیلی زود مشخص شد ترک‌نشین موتور پابند الکترونیکی به پا دارد. او در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی همراه همدستش اعتراف کرد. متهم گفت که به تازگی با سپردن وثیقه از زندان آزاد و همراه همدستش مشغول سرقت شده بود که دوباره بازداشت شد. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

سارق با شلیک گلوله بازداشت شد

سارقی که با پرسه در محله گاندی تهران از رهگذران سرقت می‌کرد با شلیک پلیس بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حمید کلانتری، سرپرست سرکلانتری سوم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: همزمان با مطرح شدن شکایت‌های مشابه در کلانتری ۱۰۳ گاندی تحقیقات در این باره به جریان افتاد. شاکیان به پلیس گفته بودند هنگام عبور از محل، مردی چاقو به دست راه‌شان را سد و اموالشان را سرقت کرده است. با اطلاعاتی که شاکیان در اختیار پلیس گذاشتند و همچنین با بررسی دوربین‌های مداربسته، تصویر متهم به دست آمد و در اختیار گشت‌های پلیس قرار گرفت. بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد تا اینکه روز گذشته مأموران هنگام گشت‌زنی متهم را شناسایی کردند. متهم وقتی متوجه حضور پلیس شد سوار خودروی سواری‌اش شد و از محل فرار کرد. مأموران سرانجام در جریان تعقیب و گریز و با شلیک گلوله، خودرو را متوقف و سارق را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به زورگیری‌های خشن با تهدید چاقو اعتراف کرد.

مرگ مشکوک پسر گمشده بررسی می‌شود

تحقیقات تیم جنایی تهران درباره مرگ پسری که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته، جریان دارد.

به گزارش «جوان»، چند روز پیش مردی گم شدن پسرش را به پلیس گزارش داد. او گفت: پسرم علی برای خرید از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. هرچه با تلفن همراهش تماس گرفتم، گوشی‌اش خاموش بود و کسی از دوستان و بستگان هم از او خبر نداشت، برای همین تصمیم گرفتم پلیس را از ماجرا باخبر کنم.
بعد از مطرح شدن این شکایت، پرونده به دستور قاضی شفیعی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفت. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت از کلانتری ابوسعید گزارش رسید رهگذران پیکر نیمه‌جان پسری با همین مشخصات را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. بررسی‌های بعدی نشان داد هرچند تلاش پزشکان برای نجات جان پسر گمشده به جریان افتاده بود، اما او تسلیم مرگ شد. بررسی‌های اولیه نشان داد علت مرگ اوردوز بوده که خانواده او مورد تحقیق قرار گرفتند. آنها به بازپرس گفتند علی اصلاً به مصرف مواد اعتیاد نداشت.
بررسی‌های در این باره جریان دارد.

مرگ خاموش خواهران بلاگر

سه خواهر که با حضور در شبکه‌های اجتماعی به شهرت رسیده‌بودند، دچار گازگرفتگی شدند و دو نفر از آنها فوت شدند. سومین خواهر روی تخت بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

عصر روز یک‌شنبه دختری با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و خبر داد احتمال می‌دهد برای دوستانش که سه خواهر هستند، اتفاق بدی رقم خورده‌باشد. او گفت: هر چه با گوشی تلفن همراهشان تماس می‌گیرد، خاموش است. حتی به خانه‌شان در شرق تهران رفته‌ام، اما در را به رویش باز نمی‌کنند. بعد از آن بود که مأموران پلیس و آتش‌نشانان راهی محل شدند. بعد از آن بود که آتش‌نشانان به دستور قاضی محمدجواد شفیعی بازپرس جنایی در آپارتمان را گشودند و وارد شدند.
کولری گازی روشن و پنجره‌ها بسته بود. امدادگران در آشپزخانه با جسد یکی از خواهران مواجه شدند که مشخص شد به دلیل گازگرفتگی جانش را از دست داده‌است. همچنین در اتاق پذیرایی با پیکر نیمه جان دو خواهر دیگر مواجه شدند که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند. با انتقال آنها به بیمارستان، تلاش تیم پزشکی برای درمان آنها به جریان افتاد. تلاش‌ها برای نجات یکی از آنها ثمری نداشت و دومین خواهر هم تسلیم مرگ شد. با مرگ دو خواهر ۲۲ و ۲۹ ساله و در حالی که تلاش‌ها برای نجات خواهر ۲۶ ساله همچنان ادامه دارد، کارشناسان آتش‌نشانی اعلام کردند حادثه به دلیل گازگرفتگی ناشی از خرابی آبگرمکن اتفاق افتاده‌است.
قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی گفت: با حضور بازپرس جنایی در محل، بررسی‌های بیشتر در این‌باره ادامه دارد. او گفت پدر و مادر این دختران سال گذشته در منطقه بومهن به دلیل گازگرفتگی فوت شده‌بودند.

فرار داماد پس از قتل برادرزن

■ **غلامرضا مسکنی**

مردی در محله یافت‌آباد در جریان درگیری بر سر ۲۰ میلیون تومان، برادرزنش را با میله آهنی به قتل رساند و از محل فرار کرد.

عصر روز یک‌شنبه سوم خرداد ماه، رهگذرانی که در حال عبور محله‌ای در یافت‌آباد تهران بودند، با دیدن صحنه درگیری خونین دو مرد جوان، پلیس را با خبر کردند. لحظاتی بعد که مأموران در محل حاضر شدند یکی از آنها که مردی حدوداً ۳۰ ساله و سر و صورتش مجروح بود، روی زمین افتاده‌بود. ضارب هم قبل از حضور پلیس فرار کرده‌بود. همزمان با انتقال مرد زخمی به بیمارستان بررسی‌ها در این‌باره ادامه داشت تا اینکه خبر رسید مرد زخمی به دلیل شدت جراحت فوت شده‌است.
بعد از تأیید فوت وی، قاضی شفیعی، بازپرس جنایی در محل حاضر و بررسی‌ها در این‌باره ادامه پیدا کرد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد کریم ۳۰ ساله کارگر ساختمانی است که با ضربات میله آهنی به کام مرگ رفته‌است.
همچنین مشخص شد ضارب محرم نام دارد و داماد خانواده است که به محل نامشخص گریخته‌است. یکی از شاهدان گفت: محرم و کریم هر دو کارگر ساختمانی هستند و در یکی از ساختمان‌های محل کار می‌کنند. مدتی قبل محرم ۲۰ میلیون تومان به کریم که برادرزنش بود، قرض داد. کریم گفته بود که خودش مشکل مالی دارد و از محرم خواسته بود خیلی زود پول را به او برگرداند. وقتی موعد پس دادن پول رسید، کریم از محرم فرصت خواست، اما فرصت او هم تمام شد و مدام امروز و فردا می‌کرد. بعد از آن بود که آنها مدام سر این موضوع با هم مشاجره داشتند و دعوا می‌کردند.
وی در شرح حادثه هم گفت: آن روز فهمیدم محرم و کریم قرار دعوا گذاشته‌اند. کریم قمه داشت و محرم هم با خودش میله آهنی آورده‌بود. آنها سر همین موضوع با هم دعوایشان شد و در جریان دعوا بود که قمه از دست کریم افتاد و محرم فرصت پیدا کرد و ضربات میله آهنی را به سر و صورت کریم زد. وقتی کریم روی زمین افتاد، محرم پا به فرار گذاشت.

سوگند برای بی‌گناهی از قتل همکار

■ **جلال مهرگان**

مردی که چهار سال قبل در یک تصادف عمدی مرتکب قتل شده، با اجرای مراسم قسامه سوگند یاد کرد که قاتل نیست.

مرداد ماه سال ۱۴۰۰ به مأموران پلیس راهور خبر رسید حادثه رانندگی در شرق تهران اتفاق افتاده‌است. با حضور پلیس در خیابان دماوند معلوم شد مرد رهگذر که عماد نام داشت، در تصادف با خودروی وانت دچار جراحت شده‌است که خیلی زود به مرکز درمانی منتقل شد، اما به دلیل شدت جراحت جانش را از دست داد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های بعدی در این باره نشان داد که حادثه در جریان یک تصادف عمدی اتفاق افتاده‌است. شاهدان به پلیس گفتند دیده‌اند خودروی وانت به صورت عمد با عماد برخورد کرده و حادثه اتفاق افتاده‌است. بررسی دوربین‌های مداربسته هم نشان داد خودروی وانت فاقد پلاک است و بعد از حادثه از محل فرار کرده‌است.
در شاخه دیگری از تحقیقات، دوستان و همکاران عماد مورد تحقیق قرار گرفتند. یکی از آنها گفت: عماد با یکی از همکاران که احمد نام دارد، اختلاف زیادی داشت. احمد کینه عماد را به دل گرفته و بارها هم او را تهدید کرده‌بود. مدتی قبل احمد می‌خواست مقداری از لوازم شرکت را بدون اجازه خارج کند، اما عماد مانع شد و سر این موضوع با هم اختلاف پیدا کردند.
بعد از به دست آمدن این سرنخ، مأموران به سراغ احمد رفتند و او را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها گفت از ماجرای مرگ عماد خبر ندارد و در جریان حادثه هم نقش نداشته‌است. او گفت: من شب حادثه بیمار و در خانه‌ام بستری بودم. درست است که با عماد اختلاف داشتم، اما در مرگ او نقش نداشتم. با کامل‌شدن تحقیقات، بازپرس احمد را به جرم قتل مجرم شناخت و کیفرخواست علیه وی صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. در جلسه رسیدگی به پرونده و بعد از اینکه قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد اولیای‌دم گفتند که خواسته‌شان قصاص است. سپس احمد در جایگاه قرار گرفت و گفت مرتکب قتل نشده‌است. او گفت: شب حادثه اصلاً در محل حضور نداشت و می‌تواند چند شاهد را به دادگاه معرفی کند. در ادامه شاهدان در جایگاه قرار گرفتند و گواهی دادند شب حادثه احمد در خیابان دماوند حضور نداشته‌است. بعد از ختم جلسه دادرسی، قضات رسیدگی کننده پرونده را لوث تشخیص دادند، بنابراین باید مراسم قسامه برگزار می‌شد. بر این اساس خانواده مقتول باید با معرفی ۵۰ نفر در دادگاه شهادت می‌دادند قتل از سوی احمد اتفاق افتاده‌است، اما آنها نتوانستند این افراد را معرفی کنند. پس از آن براساس رویه قانونی متهم باید ۵۰ بار سوگند می‌خورد که مرتکب قتل نشده‌است که در جلسه حاضر و مراسم قسامه برگزار شد. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه دادرسی، وارد شور شد.

پای داماد به پرونده قتل باز شد

اعضای خانواده‌ای که پنج سال قبل دخترشان به دلیل مصرف قرص سیانور فوت شده از داماد سابق‌شان به اتهام قتل شکایت کردند.

چند روز قبل اعضای خانواده‌ای وارد دادسرای امور جنایی تهران و مدعی شدند داماد سابق‌شان مرتکب قتل شده است. یکی از آنها گفت: دخترم مهری پنج سال قبل به دلیل مصرف قرص سیانور فوت شده و احتمال می‌دهیم دامادمان در ماجرای مرگ او نقش داشته باشد. مهری و شوهرش رضا در یک شرکت خصوصی کار می‌کردند تا اینکه یک روز دامادمان خبر داد مهری فوت شده است. وقتی خودمان را به بیمارستان رساندیم، فهمیدیم مهری با مصرف قرص سیانور فوت شده است. شوهرش مدعی بود همسرش خودکشی کرده و ما هم علیه او شکایت نکردیم.
بعد از مطرح شدن این شکایت، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی انجام شد. بررسی‌های کارآگاهان پلیس آگاهی نشان داد رضا و مهرانه همزمان با کار در شرکت با هم در ارتباط بودند و مدتی بعد از فوت مهری با هم ازدواج می‌کنند. همچنین معلوم شد قبل از فوت مهری، او با شوهرش اختلاف داشته است.
در شاخه دیگری از تحقیقات رضا بازداشت و به دادسرای امور جنایی منتقل شد. او در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد و گفت که نقشی در قتل همسر سابقش نداشته است. تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

مهار آتش با تلاش زنان آتش‌نشان

حادثه آتش‌سوزی در یکی از ساختمان‌های اداری خیابان ستارخان با تلاش زنان آتش‌نشان مهار شد.

به گزارش «جوان»، جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت: حدود ساعت ۶ صبح روز گذشته، آتش‌نشانان چهار ایستگاه از جمله زنان آتش‌نشان از حادثه آتش‌سوزی در خیابان خیابان ستارخان نرسیده به خیابان خسرو باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد آتش‌سوزی در طبقه دوم ساختمان پنج طبقه که یک دفتر اسناد رسمی ۱۱۰ متری بود، اتفاق افتاده و پرونده‌های موجود در آتش شعله‌ور بود. همچنین دود و حرارت زیادی وارد واحد همسایه شده بود که یک کلینیک زیبایی بود و آتش در حال سرایت به واحدهای همسایه بود. آتش‌نشانان همزمان با ایمن کردن محل، موفق شدند در کمترین زمان آتش را مهار و کاملاً خاموش کنند. علت حادثه در دست بررسی است.

سرنخ زن گمشده در دست مرد مستأجر بود

تحقیقات پلیس آگاهی تهران از مردی که متهم است پس از قتل زن صاحبخانه، طلاهای او را سرقت کرده جریان دارد.

به گزارش «جوان»، سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: چندی قبل زنی وارد یکی از کلانتری‌های تهران شد و گم‌شدن یکی از بستگانش را گزارش داد. او گفت پریناز از بستگان اوست که وضع مالی خیلی خوبی دارد و به تنهایی زندگی می‌کند. او گفت مدام با پریناز در تماس بود، اما چند روزی است که وی به تماس‌هایش جواب نمی‌دهد. حتی به خانه‌اش رفته اما در را به رویش باز نمی‌کند و احتمال می‌دهد اتفاق ناگواری برایش افتاده باشد.
بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور بازپرس جنایی در اختیار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. کارآگاهان بعد از استعلام بیمارستان‌ها و پزشکی قانونی هیچ سرنخی از پریناز پیدا نکردند. در شاخه دیگری از بررسی‌ها بود که مشخص شد مقدار زیادی طلا از خانه پریناز سرقت شده‌است. کارآگاهان همچنین در جریان بررسی‌های میدانی متوجه شدند پریناز آخرین‌بار با مستأجرش قرار ملاقات داشته‌است، بنابراین مرد جوان که رحیم نام داشت، مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت از سرنوشت صاحبخانه‌اش خبری ندارد. مرد جوان گفت: مدتی است خانه پریناز را اجاره کرده‌ام و اجاره‌ام را هم سر وقت پرداخت کرده‌ام. آخرین بار هم برای انجام کار اداری در دفتر یک وکیل دادگستری در شرق تهران با او قرار داشتم، اما بعد از آن دیگر خبری از او ندارم. بعد از آن بود که مأموران راهی دفتر وکیل شدند، اما او گفت که چنین مراجعانی نداشته‌است. بعد از روشن شدن این تناقض بود که مرد مستأجر به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت. وقتی مأموران برای بازداشت وی راهی خانه‌اش شدند، معلوم شد وی فرار کرده‌است، بنابراین مخفیگاه وی شناسایی و بازداشت شد.

قتل پدرزن با شلیک گلوله

مردی که در شهرستان کرمانشاه پدرزنش را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود، ساعتی بعد بازداشت شد.

سرهنگ علی کرمی، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه گفت: همزمان با وقوع تیراندازی در یکی از محله‌های شهر، مأموران پلیس در محل حاضر شدند و در این باره تحقیق کردند. بررسی‌های پلیس نشان داد مردی حدوداً ۵۵ ساله با شلیک گلوله اسلحه کمری هدف قرار گرفته و به دلیل شدت جراحت جانش را از دست داده است. بعد از تأیید حادثه از سوی پلیس، بازپرس ویژه قتل و کارآگاهان پلیس آگاهی در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول از مدتی قبل با دامادش اختلاف داشته است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های پلیس ادامه پیدا کرد و داماد مقتول به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و ساعتی بعد هم بازداشت شد. مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهم، اسلحه کمری به همراه یک تیغه خشاب و پنج فشنگ جنگی کشف کردند. متهم در بازجویی‌های اولیه به قتل پدرزنش اعتراف کرد. او گفت: مدتی قبل بود که با پدرزنم اختلاف پیدا کردم. اختلاف ما خانوادگی بود، چراکه او گاهی در زندگی ما دخالت می‌کرد. سر همین موضوع‌ها بود که با هم مشاجره داشتیم تا جایی که من تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. روز حادثه وقتی سر این موضوع دعوایمان بالا گرفت، من دست به اسلحه بردم و به سمت او شلیک و از محل فرار کردم، اما مأموران به سراغم آمدند و بازداشت شدم. تحقیقات بیشتر از متهم ادامه دارد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر به شرح آرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر، تصرفات مفروزی و مالکانه متقاضیان مشروحه ذیل واقع در پلاک ۱۷۵- اصلی بخش ۱۱- ارومیه روستای زین وین جبان را تایید و رای به صدور سند مالکیت آنها صادر نموده که مراتب بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می گردد. ۱.ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۹۸۰/۱ مترمربع تحت پلاک ۱۴۲ فرعی از ۱۷۵ اصلی روستای زین وین جبان مورد تقاضای آقای سلام کاردان به شماره ملی ۲۸۹۹۱۰۸۳۳۶ برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۰۸۰۰۱۸۱۳ موضوع نسق شماره ۶۴۲۴، بنا به رای صادره در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم و مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می شود. لذا در صورتی که اشخاص به آراء صادره اعتراضی داشته باشند، باید از تاریخ انتشار نوبت اول در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر تسلیم و رسید اخذ نماید. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تحویل نماید و در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی مشعر بر تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید صدور سند مالیکت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵
۱۹۱۹۴۸۳/ شناسه آگهی

گزارش یک

مهرزاد اصغریان

کدام بینابین؟!

روزنامه‌های گاردین انگلیس و لاریپوبلیکای ایتالیا از «پیشنهاد بینابینی» عمان به طرفین مذاکرات هسته‌ای خبر داده‌اند که درواقع یک «توافق سیاسی» با هدف خروج از بن‌بست مذاکرات است. محتوای این پیشنهاد آن‌طور که ادعا شده، توقف سه‌ساله غنی‌سازی (احتمالاً تا پایان دوره ترامپ!) است. اگر چنین باشد، یا هر پیشنهاد دیگری که چرخه سوخت، غنی‌سازی ۲۰درصد و باقی‌ماندن مواد غنی‌سازی‌شده را در ایران تضمین نکند، این یک پیشنهاد یکطرفه است، نه بینابینی

دور پنجم مذاکرات، تنها دوری بود که استیو ویتکاف تاکنون درباره آن اظهارنظر نکرده است. اینکه در این دور، چه حرف‌هایی بین طرفین رد و بدل شده مشخص نیست ولی خبر خروج زودهنگام نماینده ترامپ می‌تواند نشانی از رسیدن مذاکرات به یک نقطه نسبی بن‌بست باشد. البته این سکه، احتمالاً روی دیگری هم دارد و همان‌طور که گفته می‌شود، طرف عمانی یک طرح بینابینی برای خروج دو طرف از بن‌بست مذاکرات را مطرح کرد که مسیر را برای دستیابی به توافقی میان‌مدت که شاید مانع شکستی دیپلماتیک شود، هموار خواهد کرد تا به این ترتیب، تهران و واشینگتن آن را به معنی پذیرش خواسته خود از سوی طرف مقابل قلمداد کنند.

به دنبال مذاکرات جمعه گذشته، وزارت امور خارجه عمان به عنوان میانجی میان تهران - واشینگتن در بیانیه‌ای اعلام کرد: «امیدواریم در روزهای آینده مسائل باقی‌مانده را روشن کنیم تا بتوانیم به سوی هدف مشترک دستیابی به توافقی پایدار و شرافتمندانه پیش برویم.» با گذشت پنج دور مذاکره غیرمستقیم میان ایران و امریکا، یک بار دیگر درست شبیه به زمانی که مذاکرات منتهی به برجام در جریان بود، موضوع اتفاق‌نظر طرفین درباره یک «طرح موقت» قوت گرفته و این همان مسئله‌ای است که ایران بارها به آن «نه» گفته است. در روزهای اخیر و به ویژه پس از مذاکرات روز جمعه در رم، با تکیه بر گمانه‌زنی‌ها درباره تبادل مسائل جاری در مذاکرات، برخی گزارش‌ها به نقل از یک مقام امریکایی که نامش فاش نشد، با اشاره به آخرین دور مذاکرات به این موضوع تکیه داشت که ایالات متحده در این گفت‌وگوها از خواسته خود درباره توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران صرف‌نظر نکرده اما همزمان مسائل دیگر نیز مورد بحث قرار گرفته است و واشینگتن در حال بررسی «امکان تعلیق برخی از تحریم‌ها علیه ایران» در چارچوب توافق موقت است. در این بین، اسرائیل هیوم مدعی شد که در گفت‌وگوهای اخیر امکان دستیابی به یک توافق مقدماتی مطرح شده و طرف ایرانی گام‌هایی را برخواهد داشت که نشان‌دهنده تمایل تهران به «چشم‌پوشی کامل از تسلیحات هسته‌ای» باشد.

■ تکرار گزینه‌های قبلی و بعضاً نفی شده

روزنامه گاردین در گزارشی به مذاکرات دور پنجم و حواشی آن پرداخت و نوشت: «شدت اختلافات علنی دو طرف درباره غنی‌سازی باعث شد برخی ناظران نگران باشند که دور پنجم مذاکرات با شکست مواجه شود و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی برای خاورمیانه در پی داشته باشد.» در گزارش این روزنامه انگلیسی آمده است که ایران هم می‌تواند مسیری مانند کشورهایی از جمله امارات متحده عربی که برنامه هسته‌ای کوچکی بر پایه اورانیوم وارداتی دارند، در پیش بگیرد اما ایران چنین نگاهی ندارد. برخی میانجی‌ها پیشنهاد داده‌اند که ایران می‌تواند برای مدت زمانی معین غنی‌سازی را متوقف کند یا علاوه بر غنی‌سازی داخلی، کنسرسیومی هسته‌ای با عربستان سعودی تشکیل دهد تا در مورد ماهیت برنامه داخلی غنی‌سازی در ایران، شفافیت بیشتری ایجاد شود. برخی گزارش‌ها هم از تکرار گزینه‌ای مشابه توافق موقت در سال ۲۰۱۳ حکایت دارند به این ترتیب که ایران به مدت حدود یک سال (شاید کمی بیشتر یا کمتر) فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را متوقف می‌کند و در مقابل، امریکا بخشی از تحریم‌ها را کاهش خواهد داد. حامیان این طرح می‌گویند که در مقابل ایران حق طولانی‌مدت خود برای غنی‌سازی را حفظ می‌کند و می‌تواند ادعا کند که این حق اساسی را واگذار نکرده است.

■ طرحی که چندان هم بینابینی نیست

یکی از نکات مهم که به رسانه‌ای شدن هرچه بیشتر دیدگاه حرکت در مسیر شکل‌دهی به توافق موقت کمک کرده، خروج زودهنگام استیو ویتکاف از جلسه بود به خصوص که طرف امریکایی به سرعت درباره مذاکرات بیانیه‌ای صادر نکرد و به نظر می‌رسد که طرف امریکایی با شکل‌دهی به چنین فضایی از آن برای اعمال خواسته‌های خود استفاده می‌کند. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه و رئیس تیم مذاکره‌کننده، در جریان جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با ارائه گزارشی از مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا به اعضای کمیسیون، تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران تحت فشار مذاکره نمی‌کند و دیپلماسی ما به‌صورت هوشمندانه و صرفاً در موضوع هسته‌ای ادامه دارد. سیاست جمهوری اسلامی ایران روشن است و تحت فشار، تهدید یا تطمیع قرار نمی‌گیرد.» وزیر امور خارجه همچنین به مخالفت رژیم صهیونیستی با غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران اشاره کرد و گفت که در صورت وقوع جنگ در منطقه، تمامی کشورها آسیب خواهند دید و کل منطقه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران، پس از این جلسه، در جمع خبرنگاران گفت: «مذاکرات، نبرد اراده‌هاست که جریان دارد و در این این نبرد اراده‌ها ما دل‌مان به قاطبه مردم ایران به خصوص نمایندگان مجلس گرم است.» وی افزود: «عاقبت این مذاکرات از نظر ما وقتی است که حقوق مردم ایران تأمین شده باشد.» وزیر خارجه با اعلام موضع صریح ایران به روشنی نشان داد که آنچه از آن با عنوان طرح بینابینی سخن گفته می‌شود، خیلی هم طرح بینابینی نیست و وزنه برآورد مطامع امریکا در آن سنگین‌تر است: «نه عجله‌ای داریم و نه تأخیری ایجاد می‌کنیم. البته عجله برای اینکه هر یک ساعتی که زودتر تحریم‌ها برداشته شود، ما دریغ نمی‌کنیم و فعالیت خواهیم کرد ولی نه به قیمت از دست رفتن حقوق مردم ایران.» رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: «ما با صبر و آرامش و با طمأنینه مذاکره می‌کنیم، حقوق مردم ایران کاملاً روشن است و درباره آن ایستادگی می‌کنیم و از حقوق مردم کوتاه نخواهیم آمد که از جمله آن حقوق در حوزه انرژی هسته‌ای، بحث غنی‌سازی است که موضع ما درباره آن کاملاً روشن است.» عراقچی همچنین درباره دور ششم مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا عنوان کرد: «دور بعدی مذاکرات هنوز مشخص نیست.»

رویکرد

گفت‌وگوی الجولانی و مقام امریکایی درباره تحریم‌ها

همزمان با اعلام لغو بخشی از تحریم‌ها علیه سوریه، سرکرده تحریرالشام در چارچوب تلاش‌ها برای بازسازی روابط استراتژیک با واشینگتن با «توماس باراک» نماینده ویژه امریکا در سوریه دیدار کرد.

درحالی که امریکا همچنان احمد الشرع ملقب به ابومحمد الجولانی، رئیس موقت سوریه را از لیست تروریستی خارج نکرده است، در هفته‌های اخیر دیدارهای دیپلماتیک مقامات واشینگتن با الجولانی سرعت گرفته است. به گزارش روسیاالیوم، نهاد ریاست جمهوری سوریه روز یک‌شنبه اعلام کرد که در جریان دیدار الجولانی با توماس باراک، در استانبول، دو طرف درباره موضوعات مختلف گفت‌وگو کردند. بر اساس این گزارش، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بررسی در این دیدار، پیگیری اجرای لغو تحریم‌های امریکا علیه سوریه بود و الجولانی تأکید کرد که این تحریم‌ها همچنان بار بزرگی بر دوش ملت سوریه و مانعی در برابر تلاش‌ها برای بهبود اقتصادی هستند. الجولانی در این دیدار تأکید کرد که با هرگونه تلاش برای تجزیه سوریه مخالف است و دولت نسبت به تمامیت و حاکمیت ارضی سوریه متعهد است. دو طرف در این دیدار بر لزوم اجرای توافق جامع با نیروهای دموکراتیک سوریه تأکید کردند که شامل بازگشت حاکمیت به دولت است. نماینده امریکا هم اعلام کرد در راستای اجرای تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور امریکا، اقدامات برای کاهش تحریم‌ها شروع شده است و تا زمان لغو کامل آنها ادامه می‌یابد. توماس باراک گفت: «این یک گام مهم رو به جلو است.» او افزود: «رئیس‌جمهور ترامپ به روشنی اعلام کرده است که بازگرداندن شهروندان امریکایی به خانه یا بزرگداشت عزتمندانه بقایای آنها در همه جا از اولویت‌های اصلی است. دولت جدید سوریه در این تعهد به ما کمک خواهد کرد.» دولت سوریه نیز موافقت کرده که به ایالات متحده در یافتن شهروندان امریکایی یا بقایای آنها برای بازگرداندن به کشورشان کمک کند. از سوی دیگر، دو طرف در این دیدار راه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در سوریه، به ویژه در حوزه انرژی و زیرساخت را بررسی کردند و طرف سوری آمادگی خود را برای ارائه تسهیلات لازم به منظور جذب سرمایه‌گذار، کمک به تلاش‌ها برای بازسازی و فراهم کردن فضایی امن و پایدار اعلام کرد. همچنین دو طرف پرونده تسلیحات شیمیایی را مورد بررسی قرار دادند و در مورد لزوم رهایی کامل از آن با همکاری جامعه جهانی و مطابق با توافق‌های بین‌المللی ذی‌ربط توافق نظر داشتند. همچنین از دیگر محورهای مورد بررسی در این دیدار، راه‌های همکاری امنیتی مشترک برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای از جمله مبارزه با تروریسم، کنترل مرزها و تقویت امنیت و ثبات در منطقه بود.

گزارش ۲

شهادت تکان‌دهنده ۹ کودک فلسطینی در حمله اسرائیل

در یکی از وحشیانه‌ترین حملات ارتش اسرائیل به نوار غزه، خانه دکتر آلاء النجار، متخصص کودکان در شهر خان‌یونس، در حالی که او در بیمارستان بود، هدف حمله هوایی قرار گرفت که در اثر آن، ۹ فرزند از ۱۰فرزند او جان خود را از دست دادند. حماس این حمله را نمایانگر «ماهیت متوحش و دیگر آزار نتانیاهو و باند او» دانست که در تقلا برای شکستن اراده کادر پزشکی هستند.

حماس روز یک‌شنبه در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن جنایت رژیم صهیونیستی در بمباران منزل دکتر «آلاء النجار» پزشک بیمارستان ناصر در شهر خان‌یونس، این جنایت را بیانگر ماهیت ضد بشری و متوحش این رژیم دانست. در این بیانیه آمده است: ارتش فاشیست و اشغالگر، جنایت هولناکی را با بمباران منزل دکتر آلاء النجار پزشک بیمارستان ناصر در شهر خان‌یونس مرتکب شد و ۹ کودک وی را به شهادت رساند، در حالی که وی در بیمارستان در حال انجام وظیفه انسانی‌اش بود. بر اساس گزارش منابع رسانه‌ای، اشغالگران روز گذشته، خانه آنها را در منطقه قیزان النجار در شمال خان‌یونس محاصره کردند و با شدت هدف حمله قرار دادند. نتیجه آن، شهادت ۹ کودک و مجروحیت خطرناک دهمین فرزند، همراه با پدرشان -دکتر حمدی النجار- بود. تنها بازماندگان این حمله، همسر دکتر النجار و پسر ۱۱ ساله‌اش، آدم، هستند که هر دو به‌شدت مجروح شده‌اند. دکتر گریم گروم، جراح بریتانیایی حاضر در بیمارستان ناصر که جراحی پسر مجروح را انجام داده، در توصیف این فاجعه گفته است: «این بی‌رحمانه‌ترین چیزی است که دیده‌ام؛ زنی که سال‌ها از کودکان دیگر مراقبت کرده، حالا در یک لحظه، تقریباً همه فرزندان خود را از دست داده است.» دبیر کل سازمان ملل، آنتونیو گوترش، روز جمعه هشدار داده بود که غزه وارد «بی‌رحمانه‌ترین مرحله» جنگ شده است؛ جنگی که بسیاری از ناظران و تحلیلگران آن را مصداق «نسل‌کشی» می‌دانند. دکتر محمد زقوت، مدیر بیمارستان‌های غزه، تأکید کرد که آنچه بر خانواده دکتر آلاء و حمدی النجار رفت، جنایتی است که برگ دیگری به پرونده سیاه اشغالگران می‌افزاید؛ پرونده‌ای مملو از نسل‌کشی و قتل‌عام. بر اساس تازه‌ترین ارزیابی سازمان ملل، جمعیت غزه در آستانه قحطی عمومی قرار دارد. محاصره، تخریب زیرساخت‌ها، و محدودیت شدید در ورود کمک‌های بشردوستانه، شرایطی را رقم زده که میلیون‌ها نفر از ابتدایی‌ترین نیازهای بقا محروم مانده‌اند.

روزنامه صهیونیستی هاآرتص گزارش کرده که ارتش اشغالگر در طول هفته گذشته حداقل به ۱۰ بیمارستان و درمانگاه در نوار غزه حمله کرده که موجب از کار افتادن کامل یا جزئی آنها شده و فشار زیادی بر سیستم بهداشتی باقی‌مانده در غزه وارد کرده است. آژانس امدادرسانی و کاریابی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا) نیز روز یک‌شنبه اعلام کرد که نوار غزه، روزانه نیازمند ورود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کامیون حامل کمک‌های بشردوستانه است. آنروا با انتشار پستی در صفحه کاربری خود در فیس‌بوک گزارش داد تنها راه ممانعت از وخامت بیشتر وضعیت فاجعه‌بار انسانی در نوار غزه، تضمین جریان بی‌وقفه و مؤثر کمک‌های بشردوستانه به غزه است؛ به‌ویژه در شرایطی که این منطقه برای سومین ماه متوالی تحت محاصره کامل رژیم صهیونیستی قرار دارد. رئیس اتحادیه نانوایان غزه نیز اعلام کرد که تنها چهار نانوایی از ۲۵ نانوایی طرف‌قرارداد با برنامه جهانی غذا فعال است.

■ راهپیمایی‌های گسترده در سوئد، فرانسه و آلمان

تحت چنین شرایطی، هزاران نفر در استکهلم، پاریس و برلین تجمع کردند تا به سکوت دولت‌های خود در قبال اشغالگری و حملات نظامی مداوم رژیم صهیونیستی به نوار غزه اعتراض کنند و خواستار مداخله فوری بین‌المللی و تحریم تل‌آویو شوند. به گزارش ایسنا، در استکهلم، صدها نفر در میدان «اودنپلن» در پاسخ به فراخوان‌های سازمان‌های مختلف جامعه مدنی دست به تجمع اعتراضی زدند و از دولت سوئد خواستند علیه جنایات جنگی مداوم اسرائیل در غزه موضع بگیرد. براساس گزارش خبرگزاری آناتولی، معترضان با شعارهای «آزادی برای فلسطین» و «نه به طرح نتانیاهو» به سمت وزارت امور خارجه سوئد راهپیمایی کردند. در پاریس نیز حامیان و طرفداران فلسطین در میدان «بورس» تجمع کرده و خواستار وضع تحریم‌هایی علیه رژیم صهیونیستی شدند. شرکت‌کنندگان در این تجمع اعتراضی همچنین خواستار ارسال فوری کمک‌های بشردوستانه به غزه شدند. حامیان فلسطین همچنین در این راهپیمایی با کوبیدن بر قابلمه‌ها و ماهیتابه‌های خالی و سر دادن شعارهایی مانند «اسرائیل قاتل است، ماکرون همدست است» و «در غزه نسل‌کشی می‌شود، ما ساکت نخواهیم ماند» بر کمبود شدید مواد غذایی در این باریکه تأکید کردند. همچنین در برلین حدود هزار نفر در اعتراض به اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه و حملات مدام این رژیم به این باریکه دست به تجمع زدند. معترضان شعارهایی مانند «آزادی برای فلسطین»، «آلمان تأمین مالی می‌کند، اسرائیل بمباران می‌کند»، «اسرائیل یک دولت تروریستی است» و «نسل‌کشی را متوقف کنید» سر دادند.

با وجود اعتراضات جهانی گسترده، رسانه‌های عبری از تحرکات گسترده زمینی نیروهای ارتش رژیم اشغالگر و وارد کردن تمامی تیپ‌های پیاده‌نظام و تجهیزات زرهی رژیم اشغالگر به غزه خبر دادند. به گفته منابع نظامی به رسانه‌های رژیم صهیونیستی، ارتش این رژیم در ۲۴ ساعت منتهی به ظهر دیروز، ۹ تیپ پیاده و زرهی خود را وارد غزه کرده و این اقدامات ارتش اشغالگر در راستای توسعه تحرکات زمینی در این منطقه است.

چالش

موشک‌های یمن باز هم فرودگاه بن گوریون را تعطیل کرد

ارتش یمن دیروز هم برای چندمین بار در هفته‌های اخیر با موشک بالستیک فرودگاه بن‌گوریون را در اراضی اشغالی هدف قرار داد که به طور موقت فعالیت پروازها در این فرودگاه تعطیل شد.

نیروهای مسلح یمن در ادامه سلسله عملیات موشکی خود در حمایت از مردم فلسطین، روز یک‌شنبه هم حملاتی را به سرزمین‌های اشغالی انجام دادند. «یحیی سریع» سخنگوی ارتش یمن در این باره گفت: نیروی موشکی عملیات نظامی ویژه‌ای را با هدف قرار دادن فرودگاه بن‌گوریون با یک موشک بالستیک فراصوت انجام داد. طبق گزارش المسیره، وی افزود: این عملیات با موفقیت هدف خود را محقق کرد و منجر به فرار میلیون‌ها صهیونیست به پناهگاه‌ها و توقف پروازها در فرودگاه شد. ما به ممانعت از پروازها به فرودگاه بن‌گوریون و از آن ادامه خواهیم داد.

یحیی سریع گفت: «رعایت تصمیم ممنوعیت طی روزهای گذشته توسط بیشتر شرکت‌ها بر روند پروازها در این فرودگاه تأثیر زیادی داشته است. کشتارهای روزانه در غزه یمن را به تلاش بیشتر و تشدید عملیات نظامی تا زمان توقف تجاوز و لغو محاصره وادار می‌کند.» به گفته منابع عبری، در پی شلیک موشک از سمت یمن آژیرهای هشدار در قدس و اطراف آن و منطقه بحرالمیت به صدا درآمد. همچنین منابع اعلام کردند پروازهای فرودگاه تل‌آویو تعطیل شده است. ارتش رژیم صهیونیستی ادعا کرد یک موشک را که از یمن به اراضی اشغالی شلیک شده است، رهگیری کرده است. روزنامه یدیعوت آحارونوت نوشت: پروازها به دلیل شلیک موشک از یمن در هوا معلق ماندند. سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز خبر داد بقایای یک موشک در منطقه غیرمسکونی در جنوب الخلیل افتاده است. از زمان از سرگیری جنگ اسرائیل علیه غزه در ۱۸ مارس، ارتش یمن تقریباً ۴۱ موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کرده و ۲۵ مورد از این موشک‌ها آژیرهای حمله هوایی را به صدا درآورده‌اند. نیروهای مسلح یمن تأکید کرده‌اند تا زمانی که جنگ علیه نوار غزه ادامه دارد، به هدف قرار دادن اسرائیل ادامه خواهند داد و این حملات بخشی از حمایت از مردم فلسطین در مواجهه با تجاوز است.

نگاه

هادی محمدی

هدف حداکثری امریکا از مذاکرات هسته‌ای

در مذاکره در مورد هر موضوعی، آگاهی از اهداف مذاکره شونده، اولین گام برای درک نتایج احتمالی است و بر اساس شناخت همین اهداف است که باید سناریوها و تاکتیک‌ها و گاه ترفندهای مناسب مذاکراتی لحاظ شود. مذاکرات کنونی با امریکا، اگرچه در بخشی متکی به اطلاعات واقعی از هدف و برنامه‌های آنهاست ولی پارامترهای شناختی و رفتارشناسی از مقامات امریکایی نیز عنصر مهمی برای درک کامل‌تر از نیات امریکایی‌هاست.

آیا امریکا واقعاً به دنبال رفع دغدغه خود درباره ساخت بمب هسته‌ای ایران است؟ یا اینکه چه در ۲۰۱۵ و چه پس از آن، به دنبال اهداف دیگری بوده و هست و ابراز دغدغه و اتهام واهی، فقط بهانه‌ای پوششی است؟

فرمت و چارچوب برجام هم، با محتوای خلع سلاح طراحی شده بود و تاکتیک مرحله‌ای برای گسترش محتوای تقریباً یک‌طرفه آن به دیگر اهرم‌های قدرت ملی ایران، بخش اصلی ماهیت و هدف امریکا در مذاکره با ایران بود. شبکه در هم تنیده و تکراری تحریم‌ها نیز به همین منظور پیش‌بینی و اجرا می‌شد تا حتی اگر امریکایی‌ها، مجبور به گرفتن ژست لغو و تعلیق برخی از آنها باشند، تحریم‌ها با عناوین دیگری بازگردند تا این امتیاز ظاهری نیز، از ایران سلب شود. شواهد و قرائن و برخی اطلاعات و گزارش‌ها در دور جدید مذاکرات امریکا با ایران نیز نشان می‌دهد که این دور از مذاکرات نیز، بر مبنای نگاه و ارزیابی‌های طیفی از عوامل صهیونیسم بین‌الملل، لابی‌های صهیونیستی در امریکا و رژیم صهیونی و همچنین طرفداران افراطی رژیم صهیونی شکل گرفته و اهداف مذاکراتی، حتی چیزی فراتر از اهداف گذشته است. روش مذاکراتی در پشت میز مذاکره و فرمت‌های آماده، با مواضع و چارچوب‌های مذاکراتی در رسانه‌ها، بازخوردگیری می‌شوند و سقف‌های مرحله‌ای در مواضع رسمی و علنی و چانه‌زنی در میز مذاکره دنبال می‌شود. مهم‌تر اینکه، مراکز فکری با گرایش تفکرات صهیونی یا طرفدار آن و یا هدفگذاری‌های دولت سایه در امریکا، که از زبان اتاق‌های فکر بیان می‌شود، صرفاً دنبال خلع سلاح نیستند، بلکه تغییر ایدئولوژی در ایران را آرزو می‌کنند. شورای آتلانتیک که مؤسسه‌ای با گرایش‌های شناخته شده است، در گزارش خود از مذاکرات، این‌گونه القا می‌کند که چون ایران و مقاومت ضعیف شده‌اند، می‌توان سطح مطالبه‌گری را توسعه داد. این مؤسسه که کارگزار فکری پنتاگون و افراطی‌های طرفدار صهیونیسم است، همانند تعداد بسیاری دیگر از مؤسسات فکری امریکا، معتقدند ماهیت برنامه هسته‌ای ایران ایدئولوژیک بوده، با گفتمان مقاومت قابل توصیف است و ماهیتی فنی و بازدارنده ندارد. بر همین اساس، اعتبار فتوای مقام معظم رهبری در تحریم سلاح هسته‌ای زیر سؤال رفته و لذا امکان یک توافق فنی با ایران وجود ندارد و الزاماً باید ماهیت ایدئولوژیک ایران تغییر نماید.

بدیهی است که این ادبیات با گزاره‌های نتانیاهو تطبیق دارد و با بالا بردن سطح مطالبه ساختارهای امریکایی، تزریق گزینه‌های دیگر و تحمیل آن به کاخ سفید را دنبال می‌کنند و اساساً فشارهای جاری به تیم مذاکره‌کننده امریکایی، در همین راستاست. نکته دیگری که در ادبیات برخی جریان‌های غرب‌زده و روشنفکر و رسانه‌های آنها در داخل کشور یا رسانه‌های زنجیره‌ای عربی و غربی و متصل به مراکز هدایت انگلیسی و صهیونی نیز نمایان است، تلاش برای ایدئولوژی‌زدایی و استحاله ماهیتی در حکمرانی ایران است که آن را به زبان و ادبیات دیگری ترویج می‌کنند؛ بدین شکل که حکومت باید از دینداری جدا شود و حکومت دینی و حاکمیت اسلامی، بی‌حاصل و مشکل‌زاست. شناسنامه کامل این جریان‌ها و عقبه‌های رفتاری و فکری این گروه‌ها و افراد، با دستورالعمل‌های براندازی، از آکادمی‌های انگلیسی و وابسته به صهیونیست‌ها سرچشمه می‌گیرد که هم از توبره می‌خورند و هم از آخور؛ یعنی اینکه این‌ها، هم کاسبان واقعی تحریم و توصیه‌کنندگان به تحریم هستند و هم به موازات آن، ویروس‌های مسموم فکری و شناختی را به عنوان چرخ پنجم سیاست‌های علنی غرب در افکار عمومی توزیع و ترویج می‌کنند. تبلیغ و تکرار کذب ضعف ایران و مقاومت برای این است که خودمان هم این دروغ‌های بزرگ را بپذیریم و با هزینه کمتری تسلیم استعمارگران شرور جهانی شویم؛ حال آنکه تجربه قدرتمند مقاومت در لبنان، با انتخابات شوراهای شهر و روستا، مهر بطلان و ناامیدکننده‌ای برای ستون پنجم اسرائیلی و غربی در لبنان است. هوشمندی و درایت حاکمیت در ایران این است که مشت پر خود را برای یکسره‌سازی در منطقه آماده کرده است، چراکه از نگاه امریکاقرار نیست چیزی جز تسلیم و تغییر حاکمیت از مذاکرات بیرون بیاید؛ رؤیایی که امریکایی‌ها آن را به جهنم خواهند برد.

اخبار کوتاه

■ سفیر پاکستان: روابط تهران و اسلام‌آباد زوال‌ناپذیر است

سفیر پاکستان در تهران ضمن بیان اینکه «ایران خانه دوم من است»، روابط تهران و اسلام‌آباد را زوال‌ناپذیر و محورهای سفر «شهباز شریف» نخست‌وزیر پاکستان به تهران را اعلام کرد. محمد مدثر تیپو در یادداشت کوتاهی که در اختیار ایسنا قرار داد، در ارتباط با سفر «شهباز شریف» به تهران گفت: «هر دیدار جدیدی با خود تغییرات مثبتی در روابط دوجانبه به همراه دارد. محمد شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان سفری دو روزه به جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. در طول این سفر، وی با مقامات ایرانی در خصوص مسائل تجاری، همکاری‌های منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد.» وی خاطرنشان کرد: «ایران خانه دوم من است. روابط دوکشور پاکستان و ایران زوال‌ناپذیر است. دوکشور تعلقات و تعهدات خوبی دارند و پتانسیل‌های زیادی موجود هست. امید است این روابط در آینده بیش از پیش افزایش یابد.»

■ پیروزی امل و حزب‌الله در انتخابات شهرداری‌های جنوب لبنان

فهرست‌های انتخاباتی «توسعه و وفاداری» وابسته به جنبش امل و حزب‌الله در انتخابات جنوب لبنان به پیروزی قاطع دست یافتند. شبکه المنار گزارش داد که فهرست‌های انتخاباتی توسعه و وفاداری وابسته به جنبش امل و حزب‌الله، در چندین شهر و روستا در جنوب لبنان از جمله شقرا، جویا، عیترون، السکسکیه، فرون، دیر قانون النهر، حانین، دبین و السلطانیه پیروزی بزرگی به‌دست آوردند. همچنین در شهرستان النبطیه، این فهرست‌ها پیشتازی چشمگیری در نتایج انتخاباتی داشته‌اند. در همین حال، ستاد انتخاباتی جریان ملی آزاد اعلام کرد که فهرست مورد حمایت این جریان در منطقه جزین موفق به کسب پیروزی شده است.

■ وزیر خارجه هند: امریکا نقشی در آتش‌بس با پاکستان نداشت

وزیر امور خارجه هند در پاسخ به سؤالاتی در مورد نقش ایالات متحده، به ویژه ادعاهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر میانجیگری برای آتش‌بس بین هند و پاکستان، تصریح کرد که تفاهم ۱۰ مه نتیجه مذاکرات مستقیم بین دهلی‌نو و اسلام‌آباد بوده است. به نوشته روزنامه هندوستان تایمز سوبرامانیام جایشانکار، بار دیگر تأکید کرد که این تفاهم پس از آن حاصل شد که در پی حملات هند، ارتش پاکستان مجبور شد بپذیرد که ما باید تیراندازی به یکدیگر را متوقف کنیم. وی همچنین نقش امریکا را در مذاکرات یا دستیابی به توافق رد کرد. جایشانکار گفت که مارکو روبیو، وزیر امور خارجه امریکا با او صحبت کرده و جی. دی ونس، معاون ترامپ با نارندرا مودی، نخست‌وزیر، تماس گرفته است و همچنین تماس‌هایی از سوی رهبران کشورهای غرب آسیا و سایر مناطق با هدف کاهش تنش‌ها انجام شده بود.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۳۱۴ | دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴ | ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۱۱ |اذان مغرب: ۱۹:۳۲ |نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۰ |اذان صبح فردا: ۰۳:۰۹ |طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۲ |

دیده‌بان

اکران فیلم «منطقه پرواز ممنوع» در بغداد

فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» اول خرداد در ساختمان رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد به نمایش درآمد.

به گزارش جوان از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد، به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد، فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» به کارگردانی امیر داسارگر که در مدرسه سینمایی اندیشه و هنر (ماه) ساخته شده است، روز پنج‌شنبه اول خردادماه ۱۴۰۴ با حضور جمعی از مسئولان و علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر ایرانی در محل ساختمان رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد (سالن شهید ابومهدی المهندس) به نمایش درآمد. این برنامه فرهنگی که با همکاری واحد بین‌الملل دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی (حسینیه هنر) برگزار شد با استقبال گرم حدود ۲۰۰ نفر از حاضران همراه بود که شامل مسئولانی از وزارت فرهنگ و گردشگری عراق، دانش‌آموزان و معلمان مدارس تکامل، مؤسسه شهاب، حشدالشعبی، مؤسسات رافدین و شاهد و نمایندگان دیگر مؤسسات آموزشی و فرهنگی در بغداد می‌شدند.

نسخه نمایش داده شده این فیلم به زبان عربی دوبله شده بود و با هدف آشنایی بیشتر مخاطبان عراقی با تولیدات سینمایی ایران در فضایی صمیمی و فرهنگی به اکران درآمد. «منطقه پرواز ممنوع»، داستان سه نوجوان ایرانی را روایت می‌کند که در جریان یک اردوی دانش‌آموزی در مناطق مرزی غرب کشور، به‌طور اتفاقی با یک پهپاد ناشناس روبه‌رو می‌شوند. تلاش آنها برای کشف حقیقت پهپاد و اطلاع‌رسانی به مسئولان، آنها را وارد ماجراهایی هیجان‌انگیز و خطرناک می‌کند.

بادکنسرت علیرضا قربانی را لغو کرد

اعلام هشدار نارنجی از سوی سازمان هواشناسی و احتمال بروز طوفان موجب لغو کنسرت روز چهارم خردادماه علیرضا قربانی شد.

به گزارش «جوان»، با اعلام هشدار نارنجی هواشناسی و احتمال بروز طوفان در شهر تهران، به‌ویژه فضای باز مجموعه ورزشی آزادی، اولین شب از کنسرت‌های علیرضا قربانی در تاریخ چهارم خردادماه ۱۴۰۴ برگزار نخواهد شد و به نوزدهم خرداد موکول می‌شود. بدین ترتیب کنسرت‌های «ایرانم» از ششم خرداد در تهران آغاز می‌شود.

بلیت‌های اجرای چهارم خرداد برای روز جایگزین معتبر خواهد بود، اما مخاطبانی که به هر دلیل امکان شرکت در اجرای نوزدهم خرداد را ندارند، می‌توانند برای عودت بلیت از ساعت ۱۲ ظهر روز یک‌شنبه چهارم خرداد تا پایان روز چهارشنبه هفتم خردادماه با مراجعه به صفحه اختصاصی عودت بلیت در صفحه اصلی سایت ایران‌تیک، نسبت به ثبت مشخصات بلیت خود اقدام کنند تا اقدامات لازم از سوی پشتیبانی این سایت انجام شود.

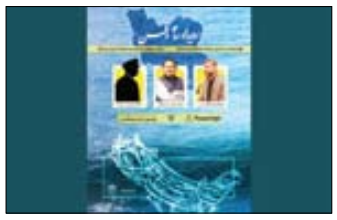

خلیج فارس محور رویداد «مام وطن» در دانشگاه تهران شد

بسیج دانشجویی دانشگاه تهران امروز ساعت ۱۳ تا ۱۵ ویژه‌برنامه‌ای با عنوان «رویداد مام وطن» را با محوریت پاسداشت شعر پارسی و هویت ایرانی برگزار می‌کند.

به گزارش «جوان»، بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ویژه‌برنامه‌ای با عنوان رویداد مام وطن را با محوریت پاسداشت شعر پارسی و هویت ایرانی برگزار می‌کند. این رویداد با موضوع خلیج‌فارس (به عنوان عامل همگرایی پارسی‌زبانان) و با حضور محمدرضا طهماسبی و یک میهمان ویژه، و همچنین اجرای نقالی و شاهنامه‌خوانی مرشد محسن میرزاعلی همراه خواهد بود. رویداد مام وطن ظهر امروز دوشنبه پنجم خردادماه، ساعت ۱۳ تا ۱۵ در محل پردیس مرکزی دانشگاه تهران (انقلاب) مقابل دانشکده فنی برگزار می‌شود.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:
برترین مردمان نزد خداوند، کسی است که رفتار بر پایه حق، برایش دوست‌داشتنی‌تر از باطل است؛ گرچه برایش سودآور شود.
نهج‌البلاغه: الخطبه ۱۲۵

رضا دهشیری | جوان

هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت با تجلیل از خانواده شهدا و هنرمندان به پایان رسید

درخشش «مجنون» و «شمال از جنوب غربی» در آسمان مقاومت

سردار سلامی: هنر و سینمای مقاومت تجسم بخشیدن به فضیلت‌هایی است که در عالم فیزیکی قابل رؤیت نیستند

آیین اختتامیه هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر، در تالار وحدت برگزار شد.

به گزارش «جوان»، در ابتدای این مراسم جلال غفاری، دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت اظهار داشت: کشورهایی همچون تونس، آرژانتین، ایتالیا، روسیه و لبنان به عنوان چراغ‌های روشن در هجدهمین جشنواره حضور داشتند که در جمع ما حاضر هستند. این جشنواره در بخش فیلم بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ اثر در شاخه‌های مختلف دریافت کرد که رکوردی در تاریخ جشنواره‌ها به شمار می‌آید. خوشبختانه تمامی مراحل ثبت‌نام تا داوری طبق یک نظام مشخص به خوبی انجام شد.

غفاری ادامه داد: مقاومت اکنون به یک پدیده جهانی تبدیل شده که از مرزهای ایران و اسلام فراتر رفته است. در بخش فیلمنامه نیز بیش از ۸۰۰ اثر دریافت شد که این اتفاقی ویژه در این دوره بود. دبیر این دوره جشنواره بیان کرد: در بخش ویژه نسل روایت، تأکید ما بر این بود که جشنواره نسلی از فیلمسازان را همگام با گام‌های مقاومت همراهی کند. در سینمای مقاومت، امکان شکل‌گیری جایگزینی برای سینمای غرب‌زده وجود دارد که علت آن وجود ژانری بومی مانند مقاومت است. این مقاومت هم در تکنیک و هم در محتوا مخاطب جهانی دارد.

در ادامه مراسم با حضور سردار سلامی، سردار سلیمانی و پیمان جبلی نوبت به تجلیل از خانواده شهدا و هنرمندان رسید. در این بخش از مریم کارگر مادر، همسر، خواهر و دختر شهید تجلیل شد. پنج نفر از اعضای خانواده مریم کارگر شهید شده‌اند.

■ تقدیر از احمدرضا درویش

در ادامه از احمدرضا درویش، کارگردان سینما تجلیل به عمل آمد. درویش پس از دریافت جایزه خود گفت: از دوران پس از جنگ تحمیلی که تولید فیلم‌های جنگی شروع شد سپاه پاسداران و سردار سلامی یکی از پشتیبانان فیلمسازان بوده‌اند. در اینجا وظیفه خود می‌دانم یاد رسول ملاقلی‌پور استاد خودم را گرامی بدارم. همچنین از آقای ابراهیم حاتمی‌کیا معلم من در سینما یاد می‌کنم.

> **در این دوره جشنواره فیلم مقاومت «مجنون» درخشان‌ترین فیلم جشنواره هجدهم شد و تندیس‌های بهترین فیلم دفاع مقدس و جایزه ویژه هیئت داوران به این فیلم رسید**

پس از آن از جمشید هاشم‌پور، بازیگر سینما و تلویزیون تجلیل شد. حضور این هنرمند روی صحنه با استقبال حاضران همراه بود.

در ادامه سردار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران عنوان کرد: برای بنده حضور در جمع بخشی از برجستگان هنر ایران عزیز لحظه‌های دل‌انگیزی است. آنهایی که رسالت اصلی‌شان را احیای باشکوه‌ترین رویداد تاریخ اسلام و ایران یعنی دفاع مقدس قرار دادند. این افراد دنبال زنده کردن حافظه تاریخی ملت هستند.

سلامی بیان کرد: ما با چشم سر می‌بینیم و با گوش سرمان می‌شنویم. آنچه با چشمانمان می‌بینیم عموماً ابعاد فیزیکی پدیده‌ها هستند و با گوش پژواک صداها را می‌شنویم، اما ورای گوش و چشم ظاهری ما چشم و گوش حقیقت‌بین و قلبی وجود دارد که با آن می‌توانیم احساس کنیم و نور حقیقت را ببینیم. انسان با قلب خود به معرفت دست می‌یابد. خیلی از انسان‌ها قلب دارند، اما تفقه نمی‌کنند، ما برای اینکه حقیقت را از واقعیت تشخیص دهیم باید از چشم و گوش باطنی خود که در قلبمان تعبیه شده، استفاده کنیم. رسالت اصلی هنر فعال‌سازی قلب انسان است. هنر با قلب سروکار دارد و هنرمندان انسان‌هایی هستند که با قلب خود به اعماق قلب انسان‌های دیگر سفر می‌کنند و حقایقی را بازتاب می‌دهند که ما نمی‌توانیم با گوش و چشم ظاهری ببینیم.

■ هنر متعهد به روح انسان ابعاد می‌بخشد

وی تأکید کرد: در دنیای امروز رقابت سر تسخیر قلب‌ها و ذهن‌هاست. هنرمندان سازندگان هویت حقیقی یک ملت هستند، سازنده شخصیت، منزلت، فضیلت و اعتبار هنرمندان جغرافیای جدیدی از هویت شکل می‌دهند، به خصوص وقتی در فضای مقاومت تلاش می‌کنند. هنر تفکیک مرزهای اعتقادی است، هنر کرانه ارزش‌ها را مشخص می‌کند. هنر والا حقایق را بازتاب می‌دهد و چشم‌های حقیقت‌بین را باز می‌کند. هنر والا مانند نور است که در دل تاریکی می‌درخشد.

فرمانده کل سپاه پاسداران تصریح کرد: هنر مقاومت پاسداشت ارزش‌های ایرانی، اسلامی و سنتی ما است. هنرمندان خالقان این حقیقت هستند. هنر متعالی و هنر متعهد به روح انسان ابعاد می‌بخشد. ما در دل این نبرد زندگی می‌کنیم و نبرد از دل سنگرها به نبرد در دل روایت‌ها تغییر کرده است. فرماندهان واقعی این جبهه شما هنرمندان هستید، زیرا دشمن می‌خواهد به وسیله روایت و هنر ما را شکست دهد. اگر این شکست رخ دهد اصالت، شرافت و مقاومت ما از بین می‌رود.

سردار سلامی تصریح کرد: دشمن کاری می‌کند که ما در دفاع از ارزش‌هایمان خجالت بکشیم و وقتی از مقدساتمان دفاع می‌کنیم، مسخره می‌شویم. در این شرایط ما ایستاده‌ایم و می‌دانیم باید از چه عناصری دفاع کنیم تا این کشور و این ملت سرپا بماند. هنر و سینمای مقاومت تجسم بخشیدن به فضیلت‌هایی است که در عالم فیزیکی قابل رویت نیستند. کشور ما مردان و زنان بزرگی دارد که برای این ملت تاریخ می‌سازند و حفظ این نسل‌ها بزرگ‌ترین ثروت آینده ماست.

در این دوره جشنواره فیلم مقاومت «مجنون» درخشان‌ترین فیلم جشنواره هجدهم شد و تندیس‌های بهترین فیلم دفاع مقدس، بهترین کارگردانی، بهترین طراحی صحنه، بهترین فیلمبرداری، بهترین بازیگر مرد و جایزه ویژه هیئت داوران به این فیلم رسید. همچنین تندیس بهترین فیلم به مهدی مددکار برای فیلم «شمال از جنوب غربی» اهدا شد. تندیس بهترین فیلم از نگاه ملی نیز به سعید سعدی برای فیلم «خدای جنگ» و آرش زینال‌خیری برای فیلم «پیشمرگ» داده شد. در پایان نیز به حبیب والی‌نژاد برای فیلم «احمد» تندیس آرمان را مال خود کرد.

نما | حسین کشتکار

همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر

جبلی از سریال «۰۲۴» رونمایی کرد

رئیس صدا و سیما در جریان بازدید از پشت صحنه سریال دفاع مقدسی «۰۲۴» از پخش مجموعه «قرارگاه سری نصرت» در هفته دفاع مقدس امسال و آماده شدن سریال «۰۲۴» تا زمان مذکور خبر داد.

به گزارش «جوان»، همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر، پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما از پشت‌صحنه مجموعه نمایشی «۰۲۴» با موضوع دفاع مقدس بازدید کرد. این سریال به کارگردانی علیرضا محمدی و تهیه‌کنندگی هاشم مسعودی و مجتبی احسانی این روزها در شهرک دفاع مقدس در حال تصویربرداری است و بازیگرانی چون جعفر دهقان و حمیرا ریاضی در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. جبلی در جریان گفت‌وگو با عوامل سریال، بر اهمیت پرداختن به ناگفته‌ها و ناشنیده‌های دفاع مقدس برای نسل جوان و نقش رسانه ملی در انتقال این ارزش‌ها تأکید کرد. وی با اشاره به استفاده همزمان از تجارب پیشکسوتان و نیروهای خلاق جوان، این رویکرد را برای تولید آثار تأثیرگذار، مفید و مؤثر دانست. در این بازدید، علی حمامی از رزمندگان دفاع مقدس نیز با بیان خاطراتی، به برداشت قصه سریال از وقایع تاریخی اشاره کرد. رئیس رسانه ملی مجموعه «۰۲۴» را اثری دانست که به نقاط تاریک تاریخ دفاع مقدس می‌پردازد و با خلاقیت جوانان، فرازی از این برهه مهم تاریخی را روایت می‌کند. جبلی تأکید کرد: «تاریخ دفاع مقدس اقیانوسی از ناگفته‌هاست و وظیفه ما حفظ ارتباط نسل جدید با این تاریخ است.» وی همچنین ابراز امیدواری کرد تولید و پخش این آثار منحصر به هفته دفاع مقدس نباشد و با توجه به مناسبت‌های دیگر، چندین سریال با موضوع دفاع مقدس طی سال تولید شود. جبلی از پخش مجموعه «قرارگاه سری نصرت» در هفته دفاع مقدس امسال و آماده شدن سریال «۰۲۴» تا زمان مذکور خبر داد.

دریچه

محمد رسولی، استاد دانشگاه و شاهنامه‌پژوه عنوان کرد

ابهام‌زدایی از جعلیات تاریخی با استناد تخصصی به شاهنامه

با استناد تخصصی به شاهنامه ثابت می‌شود که نام راستین و دیرین دریای جنوب ایران، «پارس» (خلیج فارس) بوده است.

محمد رسولی، استاد دانشگاه و شاهنامه‌پژوه با اشاره به به کارگیری دو تخصص شاهنامه‌شناسی و تاریخ‌دانی در جهت منافع ملی گفت: در مؤسسه فرهنگی حقوقی بزرگمهر حکیم با استناد تخصصی به شاهنامه ثابت می‌شود که نام راستین و دیرین دریای جنوب ایران، «پارس» (خلیج فارس) بوده است. با استفاده از داده‌های تاریخی، به‌طور حقوقی ثابت می‌شود که سهم ایران از دریای مازندران ۵۰ درصد است. با استفاده از شاهنامه معلوم می‌شود، نام درست رود مرزی ایران و عراق «روندرود» است. در مؤسسه مطالعاتی فرهنگی بزرگمهر حکیم، اینگونه پژوهش‌ها انجام می‌شود. وی افزود: بر این باورم که شاهنامه کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران است و می‌تواند یکی از مآخذ جغرافیای جهان کهن باشد. در چنین کتاب معتبری از دریای جنوب ایران به وضوح به عنوان دریای پارس نام برده شده است: «به شهر کجاران به دریای پارس/ چه گوید ز بالا و پهنای پارس»، کجاران شهری در استان بوشهر بوده است. رسولی افزود: در خصوص نام رود پرآب و مهم مرزی ایران و عراق اختلاف بود. معمولاً طرف مقابل از آن به عنوان شط‌العرب نام می‌برد. در حالی که با استناد به شاهنامه متوجه می‌شویم نام درست آن همان نام ایرانی «روندرود» است: «به اروندرود اندر آورد روی/ چنان چون بود مرد دیهیم جوی/ اگر پهلوانی ندانی زبان/ به تازی تو اروند را دجله خوان.»

این شاهنامه‌پژوه ادامه داد: در مورد نام دریای مازندران که امروزه به اشتباه آن را «خزر» می‌نامند و درست آن کاسپین یا مازندران یا دریای گیلان است در شاهنامه بارها گفته شده نام درست این دریا، دریای تپورستان (مازندران) است. در حالی که برخی رقبای منطقه‌ای ما به شدت مخالف نامگذاری دریا به نام مازندران هستند، چون نام آن گویای تعلقش به ایرانیان است. مؤسسه فرهنگی بزرگمهر حکیم طی یک پژوهش علمی با استفاده از کتاب‌هایی مانند شاهنامه و اوستا و داده‌های تاریخی دیگر ثابت کرده نام صحیح این دریا مازندران است.

رسولی گفت: ما در این مؤسسه بیش از ۲۰ سال است که در زمینه شاهنامه‌پژوهی و تحقیق در ادبیات کهن فعال هستیم، نگاه و رویکرد به کتب مهمی مانند شاهنامه در این مؤسسه با روش علمی و دانشگاهی و با لحاظ نمودن منافع ملی است. مصالح و منافع ملی کشور امر مهمی است که هر ایرانی متناسب با توان و دانش خود باید در حفظ آنها بکوشد. همچنین در این مؤسسه با دلایل حقوقی، اقدامات دشمنان ایران (از جمله تحمیل تحریم‌های ظالمانه) محکوم می‌شود. وی ادامه داد: از جمله فعالیت‌های دیگر این مؤسسه استخراج موضوعات حقوقی، به‌ویژه حقوق سیاسی از شاهنامه است. اینگونه تلاش‌های حقوقی روی شاهنامه در کتاب «مبانی حقوق عمومی در ایران کهن» چاپ شده است.

تلویزیون

هر ماه یک هفته یک استان

رویداد «ایران جان» با خوزستان آغاز شد

طرح «هفته‌های ایران» در ابتدا قرار بود ۱۶ فروردین و در ادامه ۲۰ اردیبهشت اجرا شود که به دلایلی نشد و این زمان عقب افتاد و در نهایت سوم خرداد اولین روز هفته، اولین روز آغاز رویداد «هفته ایران جان» انتخاب شد.

علیرضا کیخا، معاون امور استان‌های سازمان صدا و سیما درباره رویداد ملی ایران جان در خوزستان گفت: طرح «هفته‌های ایران» حدود یکسال قبل در معاونت صدا آغاز شد و رادیو ایران در استان‌ها حضور می‌یافت و ظرفیت‌های استان را روایت می‌کرد. سپس این طرح به رویداد «ایران جان» تغییر کرد و این ایده از همان ابتدا از سوی دکتر جبلی ریاست سازمان صداوسیما مطرح شد که این بار تمام شبکه‌ها، روی یک استان در یک هفته متمرکز شوند. یعنی هر ماه یک هفته به یک استان پرداخته شود. وی

ادامه داد: در این چند ماه گذشته تمرکز بیشتری بر روی ایده ریاست محترم سازمان صداوسیما شد و طرح اولیه در دی ماه آماده شد و در رفت و برگشت‌ها و گفت‌وگوها در نهایت طرح «هفته‌های ایران جان» در انتهای سال ۱۴۰۳ مصوب شد که ما از سال ۱۴۰۴ این طرح را شروع کنیم. کیخا در مورد علت انتخاب استان خوزستان برای ابتدای این طرح گفت: تولیدات استان خوزستان آثار فاخری بودند و این طرح بدون تولیدات و اعلام آمادگی استان‌ها امکان پیاده‌سازی ندارد و خوزستان اولین استانی بود که اعلام آمادگی کرد و در نهایت تصمیم گرفتیم این طرح ابتدا در خوزستان برگزار شود. ضمن اینکه برنامه‌ای نداشتیم تا در سوم خرداد ماه، روز آزادسازی خرمشهر این طرح در خوزستان اتفاق بیفتد، اما لطف خدا بود که اینگونه رقم خورد. قرار بود در ابتدا ۱۶ فروردین در ادامه ۲۰ اردیبهشت اجرا شود که به دلایلی نشد و این زمان عقب افتاد و در نهایت سوم خرداد اولین روز هفته، اولین روز آغاز رویداد «هفته ایران جان» انتخاب شد.

معاون امور استان‌های سازمان صدا و سیما از اهمیت و نقش هویت بصری در این طرح گفت: ما سعی کردیم همه ابعاد رسانه را با این طرح در استان‌ها درگیر کنیم.

نوبت اول

مزایده عمومی یک مرحله‌ای

شناسه آگهی: ۱۹۳۶۶۳۱

■ **موضوع:** فروش ۲۰۰ تن سیم مسی اسقاطی.
■ **دستگاه مزایده گزار:** شرکت توزیع نیروی برق تبریز.
■ **مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد:** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۰۵
■ **مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد:** پیشنهاد دهندگان می بایست ضمن بارگذاری کلیه مدارک (تضمین و اسناد پیشنهاد قیمت) در سامانه ستاد تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۷، نسبت به ارسال اصل تضمین شرکت در مزایده به صورت لاک و مهر شده ظرف همان مهلت به دبیرخانه این شرکت واقع در تبریز: کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران، شرکت توزیع نیروی برق تبریز ـ طبقه اول اقدام نمایند.
■ **تذکر:** به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهائی که بعد از انقضا مدت مقرر در فراخوان واصل می شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
■ **مبلغ کل تضمین شرکت در مزایده:** برابر ۵۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (ریال) بوده و پیشنهادهای فاقد تضمین، تضمین مخدوش، تضمین کمتر از میزان مقرر بلااثر می باشند.
■ **الزامات خاص:**
کالاهای مورد مزایده صرفا "به کارخانجات تولیدکننده سیم و کابل و یا کارخانجات و مراکز ذوب فلزات با پروانه معتبر واگذار می گردد، لذا ارائه پروانه معتبر الزامی است.
■ **زمان بازدید:** بازدید از اقلام مورد مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ از ساعت ۰۸:۰۰ تا ۱۳:۰۰ با ارائه رسید دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد خواهد بود.

■ **زمان و محل قرائت پیشنهادات:** ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ طبقه ششم ساختمان مرکزی شرکت توزیع نیروی برق تبریز واقع در کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادات مزایده گران و بازگشایی پیشنهادات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج بوده و سایت های زیر جهت اطلاع رسانی اعلام می گردند:
■ **پایگاه اطلاع رسانی مناقصات** http://Iets.mporg.ir و **سایت معاملات توانیر** http://www.tavanir.org.ir و **سایت توزیع برق تبریز** http:/www.toztab.ir